حقوق و تکالیف زوجین

و مقایسه تطبیقی از قرآن وکلام اهل بیت علیه السلام

منصوره وطنی



بسم الله الرحمن الرحیم

حقوق و تکالیف زوجین و مقایسه تطبیقی متون مذهبی از قرآن و کلام اهل بیت علیه‌السلام

نویسنده:

منصوره وطنی

ناشر چاپی:

زائر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حقوق و تکالیف زوجین و مقایسه تطبیقی متون مذهبی از قرآن و کلام اهل بیت علیه‌السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : وطنی، منصوره، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور : حقوق و تکالیف زوجین و مقایسه تطبیقی متون مذهبی از قرآن و کلام اهل بیت علیه‌السلام/ منصوره وطنی.
مشخصات نشر : قم: منصوره وطنی: آستانه مقدسه قم،انتشارات زائر، [۱۳۸۹].
مشخصات ظاهری : ۲۴۶ص.
شابک : ۲۶۰۰۰ ریال : ۹۷۸۹۶۴۱۸۰۰۹۸۹
وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری (فاپا)
موضوع : زناشویی (فقه)
موضوع : زناشویی (اسلام)
موضوع : حقوق خانواده (فقه)
رده بندی کنگره : BP۱۸۹/و۶ح۷ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۶
شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۳۴۵۲۴

پیشگفتار

بسم اللَّه الرحمن الرحیم حقوق و تکـالیف‌زوجین و مقـایسه‌تطبیقی بـا متون مـذهبی‌در قرآن و کلاـم اهل بیت علیهم السـلام منصوره وطنی تقدیم به: مادر امامت و ولایت حضرت زهرا علیها السـلام پیشـگاه مقدس حضـرت ولی عصر «عج اللَّه تعالی فرجه» بنیانگذار جمهوری اسـلامی ایران حضـرت امام‌خمینی قدس سره مقام عظمای ولایت فقیه حضرت آیت اللَّه خامنه‌ای شهدای انقلاب اسلامی ایران وکلیه دلسوختگان و خدمتگزاران اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله

مقدمه

«ما باید سـعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله برسیم و امروز غریب‌ترین چیزها در دنیا همین اسـلام است، و نجات آن قربانی می‌خواهد دعا کنید من نیز یکی از قربانی‌های آن گردم.» بنیانگذار جمهوری اسـلامی امام خمینی قدس سره روزنامه لوموند، در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۴، نوشت: «از طرف سازمان سیا، ده‌ها انستیتو و دانشگاه و مؤسـسه تحقیقاتی، در آمریکا، کار مطالعه درباره‌ی اسـلام و تشیع را آغاز نموده‌اند، تا خود را برای مقابله با آن و ایجاد انحرافاتی در میان مسلمین آماده کنند.» در سال ۱۹۸۰ در شوروی، ۲۴ نشـرّیه‌ی ضد مذهبی و ضد اسلامی وجود داشت. در سال ۱۹۸۳ به ۳۷ نشریه و در سال ۱۹۸۴ به ۷۲ نشریه رسید. از این تعداد، ۵۳ نشریه در آسیای مرکزی، ۱۳ نشریه در قفقاز و ۶ نشریه در مسکو است. «۱» (۱). به نقل از محمدحسین فضل اللَّه، گام‌هایی در راه تبلیغ، ترجمه احمد بهشتی، ص ۱۹ چاپ اول ۱۳۶۷.
حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۴
بنابراین، با وجود تبلیغات روز افزون علیه اسـلام و تشـیع، از تمامی امکانات عصـر حاضـر، و با دگرگونی اساسی در جامعه و روابط

انسانها و وجود تناقض‌های آشکار بین برخی روایات و آیات باید به دور از پیرایه‌های سنّتی و قالبی، تنها با سلاح قرآن و عقل و سنّت قطعی و عملی پیامبر و ائمه علیهم السلام به سراغ متون اوّلیه رفته، و اسلام را آن چنان که هست، نه آن سان که می‌خواهیم، شناخته، و به تبلیغ آن بپردازیم. گذشته‌ای که زنان، چه در شرق و چه در غرب داشته‌اند؛ یک مسئله است و تصویری که خالق زنان از زن ارائه نموده است، چیزی دیگر است. در قرآن هویّتِ انسان که شامل زن و مرد است؛ به طور متّحد تلقی شده است، و زن و مرد را به عنوان مصادیقی از انسان، در مقابل حوادث جامعه، بی‌طرف و خنثی قرار نداده است، و لوازم انجام این مسئولیت خطیر در جامعه را، در هر دو قرار داده، تا هر دو را مورد بازخواست قرار دهد. در این میان، برای درک صحیح از نوع مسئولیت‌ها و دستورات اسلام، باید اقوال و اعمال و رفتار معصوم را کنار هم نهاده، آنگاه به استنباط و استخراج آن پرداخت. آنچه باعث ایجاد هویّت‌های ساختگی از زن و مرد شده است؛ تجزیه کردن آیات و روایات و جدا نکردن روایات ثقه از جعلی، به کمک آیات قرآن و عقل و روایات قطعی و سیره عملی پیامبر و ائمه علیهم السلام بوده است. لذا قرون متمادی است، که شاهد فاصله‌ی بین تعالیم اسلام و رفتار مسلمین هستیم. از این رو، بر آن شدیم، تا با کنکاشی در متون اصلی دین و کتب مذهبی، این فاصله را نمایان سازیم، باشد که همگان، به ویژه محققان و اندیشمندان حوزه‌ی علمیه، در صدد علاج برآیند. فاصله به حدی است که، در کتب مورد بررسی در این پژوهش- که همگی مدّعی تبلیغ و تبیین دیدگاه اسلام، و صحّت اعتبار مطالب، و بیان وظیفه‌ی دینی زنان و

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۵

مردان هستند و کتب نویسندگان مرد، که بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است- محتوا، یکسویه بوده و با عنوان، همخوانی نداشته، و موضوعات غیر مربوط یا متفاوت، و یا متضاد با مطالب دیگر کتاب را، مطرح نموده‌اند که استناد به مطالب کتب مذهبی و کپی برداری شامل آن نیز می‌باشد.

همچنین بیشتر این کتب، با نویسندگان مرد، از سال ۱۳۷۰ به بعد، و تنها برای مقابله با حرکت‌های فمنیستی به ویژه در ایران، نگاشته شده است، هدف، تبیین دیدگاه اسلام و فرهنگ‌سازی و جهانی نمودن حقوق زن در اسلام، و ارائه راه کارهای عملی در مقابله با تبلیغات فمنیستی، به درستی تبیین، و اهداف آن در جوامع مسلمان معلوم گردیده است. بیشترین دغدغه این نویسندگان، خارج شدن زن، از منزل و آشپزخانه، و پرداختن به امور سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و ... و آگاهی نسبی از حقوق خود در اسلام، پس از انقلاب اسلامی بوده است، که همین دغدغه، در چهل سال پیش در رابطه با آموزش و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زن نیز مشاهده می‌گردد؛ چرا که، دیگر نقش زن صددرصد مطیع و بدون خواسته، و ناآگاه از حقوق خویش، و صددرصد وابسته به مرد، تمام شئون زندگی خود و وسیله تر و خشک کردن شوهر و فرزندان و پدر و برادر، در حال از بین رفتن است.

شایسته است، کسانی که همواره از علم و حکمت و تعقل سخن می‌رانند، علل این نوشته‌های ناهمگون و فاصله‌های عمیق و پرتضاد رفتار مسلمین با اسلام را، همچون مسئله‌ی اختلاف جسمی و روحی و عقل زن و ... با مرد، با باریک بینی خاص خود، جستجو نمایند، به یقین در شناخت واقعی روحیات و ویژگی مردان و زنان، و مطابقت رفتار مسلمانان با اسلام، بسیار مؤثر خواهد افتاد. اختلاف روانی و

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۶

فعالیت‌های مغزی بین مردان، کم از زنان نیست. اصرار بر نقص ذاتی زن در خلقت و عقل و عاطفه و ... اصرار بر، توهین به ذات باری تعالی در خلقت موجودی ضعیف و علیل و ناقص است، در حالی که مسلمان موّحد، به جای خود برتربینی، اصل مسئله را منتفی می‌داند، چرا که عدالت خداوند و آیات شریفه قرآن چنین می‌طلبند. آنچه باید به آن توجه و همّت گماشت، این است که، همواره آمیختگی دین و فرهنگ و باورها و عرفیات وجود داشته و در فهم و تفسیر دین، اعم از عرصه کلام و اخلاق و فقه و ... تأثیر داشته است. لذا، اهتمام و تدقیق بیشتر دین شناسان و فقیهان و محققان علوم دینی در تصفیه و تنقیح و بازنگری در منابع و

روش‌های استنباط و پرهیز از دخالت دادن باورهای عمومی و عرفیات و جوّ غالب در هر عصر و زمانی ضروری بوده، و سپس، با تکیه به آیات قرآن و سنّت و سیره عملی پیامبر و ائمه علیهم السلام و عقل سلیم، پرداختن به تبیین مواضع اسلام، وظیفه شرعی می‌باشد.

منظور نمودن نیازها و اقتضائات زمان و استخراج حکم ثانویه متناسب با شرایط روز، غیر از دخالت دادن عرفیات در حکم شرعی است. به لحاظ این که، در بیشتر کتب تألیف شده در حقوق زن در اسلام، این موضوع، به طور کامل و به دور از باورهای قالبی و شخصی و ... نگاشته شده است. لذا، با کنکاشی در حد توان، در کلیه کتب تألیفی از چهل سال گذشته، و بررسی آیات و روایات در متون اوّلیه، بر آن شدیم، تا مجموعه‌ای از حقوق فردی و اجتماعی و خانوادگی زن، با تأکید بر حقوق متقابل زن و شوهر، بدون پیش داوری، صرفاً به عنوان پژوهشگر مسائل دینی، برای مسلمانان، به‌ویژه زنان مسلمان ارائه دهیم. برای آگاهی بیشتر مردم، از صحّت و سقم مطالب کتب منتشره، بخش سیمای زن در کتب و متون دینی، جهت مقایسه آمده است.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۷

همچنین تا حدّ امکان، علل رسوخ افکار وارداتی، همچون فمینیسم در ایران، ریشه‌یابی شده است. امید است، این مجموعه در نشان دادن عمق فاصله‌ی بین اسلام و مسلمین مؤثر بوده و به تلاشی مضاعف، برای از بین بردن این فاصله باعث گردد.

منصوره وطنی

مشهد مقدس بهار ۱۳۸۱

چگونگی الگوسازی از اسوه‌های‌دینی متناسب با شرایط موجود برای زنان مسلمان

الگو سازی، برای مردم در آموزه‌های دینی، شرایطی را می‌طلبد تا وصول به اهداف را میسر سازد. از جمله این شرایط، پیراستن آموزه‌های دینی، از قید خرافات و باورها و سلیقه‌های شخصی، و توجه به عنصر زمان و مقتضیات آن و سطح درک عمومی و همچنین معیار قضاوت سازندگان الگو و نحوه الگوسازی می‌باشد، که عدم توجه به هریک از این مؤلفه‌ها در الگوسازی، به ویژه الگوسازی در مسائل دینی که باید چهره‌ای شفاف و بی‌پیرایه و کامل و جاودانی ارائه گردد، تا مردم با اعتماد کامل در عصرهای مختلف آن را سرمشق خود قرار دهند، چهره‌های دینی را خدشه‌دار می‌نماید. جهت رسیدن به این مطلوب، باید داوری، پیرامون وجود هر فرد یا جزئی از موجودات و آفریدگان، از دیدگاه نظام خلقت و آفرینش باشد و خود طبیعت مورد پرسش قرار گیرد؛ زیرا آنچه را که او می‌گوید معیار و واقعیت است نه آنچه را که ما خیال می‌کنیم. معیار قضاوت در شناسایی حقّ و باطل در نزد مسلمانان، باید اول قرآن‌کریم، کتاب انسان‌ساز و راهنمای بشریت و دوم سیره و سنّت قطعی پیامبر و ائمه علیهم السلام و سوم احادیث متواتر و معتبر از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، و چهارم عقل سلیم به دور از هوای نفسانی و سلیقه‌های شخصی و منزه از رذائل اخلاقی باشد. در صورتی که به این منابع رجوع کنیم

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۹

و خود را تسلیم خالق نظام آفرینش سازیم به طور حتم باورها و خیالات خود را بر اسلام تحمیل نخواهیم نمود.

در شرع، اصل محدودیت‌ها نیستند، بلکه آنها جزئی کوچک از آزادی‌های فراوان انسان هستند، که خداوند حکیم به جای احصاء آزادی‌های متعدد و بسیار انسان به شمارش محدودیت‌های کم پرداخته و مواردی را مسکوت گذاشته است، یعنی در نحوه عمل، هر انسانی خود مخیر است و هیچ کس مجاز نیست در موارد مسکوت، حدّی بر انسان‌ها مقرر دارد، در بررسی و مداقّه از کتب دینی، تضادی عمیق و آشکار بین آیات قرآن و برخی از احادیث در منابع شیعه و سنی در مورد دیدگاه اسلام نسبت به زن در مسائل مختلف خانوادگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی می‌یابیم.

علت اصلی این تضاد آشکار، وجود تعدادی احادیث مجهول در کتب معتبر حدیث می‌باشد، که علیرغم پذیرش وجود احادیث مجعول و نفی مفهوم آنها از طرف علما و بزرگان دین، در کتب متعدد، همواره سایه‌ای بر فرهنگ اسلامی بوده است، که چهره مورد نظر اسلام را به شدّت مخدوش، و دست دشمنان اسلام را در تبلیغ علیه اسلام و اسارت و ظلم بر زن مسلمان باز گذاشته است. از این روست که الگوی موجود در فرهنگ عمومی جامعه، با الگوی اسلام، تفاوت بسیاری دارد، و زن مسلمان الگویی مدّون و کامل، جز در قالب کلمات کلی و مبهم، حتی از حضرت زهرا علیها السلام، یگانه زن نمونه عالم، و از زنان صدر اسلام در پیش رو ندارد، لذا فرایند الگوسازی در بین زنان مسلمان به سوی غرب سوق پیدا کرده است.

در برخی از کتب احادیث، کتاب مکارم الاخلاق شیخ طبرسی و برخی از احادیث سایر کتب، زن موجودی ضعیف و فاقد مصونیت اخلاق درونی و کم عقل و ایمان، و طفیلی است که بایـد از حصار خانه او را از انحراف بازداشت و مرد، موجودی معصوم و متعالی تلقی شده است که اگر زن نبود جای وی

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۰

حتماً در بهشت قرار داشت، حتی وجود زن، عنصری شوم، تلقی شده است.

متأسفانه نویسندگان زیادی از جمله نویسندگان شیعه همین احادیث را که صرفاً دیدگاه خودشان را تأیید می‌نماید، مورد استفاده قرار داده و چهره واقعی زن در اسلام را به جهت اشاعه و حفظ این احادیث در طول تاریخ مخدوش‌تر نموده‌اند. بدون توجه به این مطالب اساسی که اصرار بر نقص زن، ایرادگیری بر خلقت خداست، و چنین توهماتی توهین مستقیم به ذات باری تعالی است.

همان طور که می‌دانیم قرآن تنها منبع و سند صحیح و دست نخورده است، که از هر نوع تحریف و شک به دور بوده، و مدرک کامل و یقینی در اسلام است. اسلام راستین را می‌توان از قرآن به دست آورد، و احادیث منطبق با قرآن را تشخیص داد، زیرا تاریخ نیز دچار تحریف شده و نیاز به کنکاشی عمیق و گسترده از سوی اسلام شناسان هست، چنان که امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «هیچ امری نیست که میان دو نفر پدید آید مگر در قرآن اصل و اساسی برای آن هست لیکن هرکسی با عقل بدان نمی‌رسد.» «۱» حدیث شریف، به «اصل» در امور انسانها اشاره نموده است نه حکم، یعنی در قرآن برای امور فردی و اجتماعی اصول کلی در شرایط گوناگون بیان شده است و اسلام پژوهان وظیفه دارند، آن اصل‌ها را شناسایی و با واقعیت‌های زمانی و مکانی و نیازها برابر سازند. چنانکه علی علیه السلام درباره قرآن می‌فرمایند:

«خداوند قرآن را وسیله برای سیراب کردن عطش علما و بهاری برای قلوب فقهاء و فرقان حقّ و باطل قرار داده است.» «۲» پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این باره می‌فرمایند: «هرکسی در جست‌وجوی علم (۱). کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۶۰، ح ۶، دارالتعارف بیروت.

(۲). نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۹۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۱

اولین و آخرین است بایـد قرآن بخوانـد.» از سویی خود قرآن بر مصونیّت در برابر هر نوع تحریف و راه یافتن باطل در آن شهادت داده و می‌فرماید:

«إِنّا نَحْنُ نَزَّلْنا الذِّکْرَ وَ إِنّا لَهُ لَحافِظُونَ»؛ «۱» «همانا ذکر را نازل کردیم و ما (خود) حافظ آن هستیم».

«وَ إِنَّهُ لَکِتابٌ عَزِیزٌ* لایَأْتِیهِ الباطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَلا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِیلٌ مِنْ حَکِیمٍ» «۲»؛

«و آن کتابی است عزیز که نه از پیش و نه از پس، باطل در آن راه نیابد، از جانب خدای حکیم فرستاده شده است».

حتی مصونیت قرآن نسبت به خود پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تضمین شده است آن‌جا که می‌فرماید:

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَیْنا بَعْضَ الأَقاوِیلِ* لَأَخَذنا مِنْهُ بِالیَمِینِ* ثُمَّ لَقَطَعْنا مِنْهُ الوَتِینَ» «۳»؛

«اگر (پیامبر صلی الله علیه و آله) برخی سخنان را به دورغ بر ما می‌بست هر آینه با قدرت و توانایی از او می گرفتیم سپس رگ می‌بریدیم».

بنابراین، در کنکاشی از دیدگاه‌های اسلام در موضوعات مختلف باید سراغ قرآن رفت، بدیهی است استخراج دیدگاه اسلام از قرآن، ضرورت شناخت قرآن را ایجاب می کند، و درک صحیح از فضا و روح حاکم بر اسلام را نیز می‌طلبد. از طرفی می‌بینیم، عترت، از کتاب خدا جدا شدنی نیست و تفسیر صحیح آیات قرآن، جز تمسک به عترت امکان‌پذیر نمی‌باشد. لذا، نمی‌توان با علم به وجود مجعولات، در بین احادیث، تمامی احادیث و (۱). حجر، آیه ۹.

(۲). فصلت، آیه ۴۲- ۴۱.

(۳). الحاقه، آیه ۴۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۲

روایات را از اسلام حذف نمود، چرا که قرآن و سنت مجموعاً مکتب متعالی اسلام را تشکیل می‌دهد، بلکه وظیفه ما کنکاشی و مداقّه و مطابقت تمامی روایات با آیات قرآن است. در این میان، آنچه ضروری است و راهگشا، پرهیز از قدسیّت‌گرایی نسبت به پیشینیان، و مشاهیر غیر معصوم دین است.

به طوری که برخی وجود مجعولات را منکر شده و برخوردی تعبّدی نسبت به کتب احادیث روا داشته و اصل را فدای فرع نموده‌اند، در حالی‌که خود پیامبر صلی الله علیه و آله وجود احادیث مجعول را اذعان نموده و مجازات ناقلین و وظیفه مسلمانان را در این‌مورد مشخص نموده‌اند. چنان‌که می‌فرمایند:

«یا ایُّها الناسُ قَدْ کَثُرَتْ عَلَیَّ الْکِذابَةُ فَمَنْ کَذَّبَ عَلَیَّ مُتَعِّمِداً فَلْیَتَبوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنْ النَّارِ «۱»»

«ای مردم دروغ بستن بر من زیاد شده است پس هرکس عمداً بر من دروغ بندد باید جایگاه خویش را در آتش قرار دهد».

همچنین معصوم علیه السلام در رد احادیث مخالف با کتاب خدا می‌فرمایند:

«وَ کُلُّ حَدیثٍ لایُوافِقُ کِتابَ اللَّهِ فهُوَ زُخْرُفٍ «۲»»

«هر حدیثی که موافق کتاب خدا نبود آن بیهوده است».

و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «روایات را بر قرآن عرضه کنید و آنچه با آیات قرآن همسویی دارد آن را بپذیرید و اگر مخالف بود آن را به دیوار بزنید.»

بنابراین، قبل از این که کلمه‌ای را به امام معصوم علیهم السلام نسبت دهیم، لازم است در سند و مدلول آن دقت کنیم. زمانی که سند مرسل بود و دلالت با مفهوم اسلامی مخالف بود بر ما لازم است که آن را رد کنیم. «۳» سلیم بن قیس در (۱). شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۳.

(۲). المجلسی، البحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۲، روایهٔ ۳۷ باب ۲۹.

(۳). علّامه فضل اللَّه، دنیا المرأة، ص ۴۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۳

جعل و علل اختلاف حدیث از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند:

«... همانا نزد مردم حقّ و باطل و راست و دروغ و ناسخ و منسوخ و عام و خاص و محکم و متشابه، درست و نادرست همه هست، و در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله مردم بر حضرت دروغ بستند تا آن که میان مردم به سخنرانی ایستاد و فرمود: «ای مردم همانا دروغ‌بندان بر من زیاد شده‌اند هرکه عمداً بر من دروغ بندد باید جای نشستن خویش را دوزخ بداند. سپس، بعد از او هم بر او دروغ بستند «۱» ... همانا حدیث از چهار طریق که پنجمی ندارد به شما می‌رسد:

۱. شخص منافقی که تظاهر به ایمان می‌کند و اسلام ساختگی دارد و از دروغ بستن عمدی به پیغمبر پروا ندارد و آن را گناه نمی‌شمارد. اگر مردم بدانند که او منافق و دروغگو است از او نمی‌پذیرند و تصدیقش نمی‌کنند لیکن مردم می‌گویند این شخص همدم پیغمبر بوده و او را دیده و از او شنیده است. مردم از او اخذ کنند و از حالش خبر ندارند در صورتی که خداوند و پیغمبرش از حال منافقین خبر داده ... منافقین پس از پیغمبر زنده ماندند و به رهبران گمراهی و کسانی که با باطل و دروغ و تهمت مردم را به دوزخ خوانند، پیوستند و به آنها پست‌های حساس دادند و بر گردن مردم سوار کردند و بوسیله آنها دنیا را به دست آوردند، زیرا مردم همواره زمامداران و دنبال دنیا می‌روند مگر آن را که خدا نگه دارد.

۲. کسی که چیزی از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیده و آن را درست نفهمیده و به غلط رفته ولی قصد دروغ نداشته است، آن حدیث در دست اوست و آن معتقد است و عمل می‌کند و به دیگران می‌رساند و می‌گوید من این را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم اگر مسلمین بدانند که او به غلط رفته او را نمی‌پذیرند و اگر هم خود بداند اشتباه کرده، آن را رها می‌کند. (۱). اصول کافی، ج ۱، کتاب فضل العلم، باب اختلاف الحدیث، ص ۸۳- ۸۰، ح ۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۴

۳. شخصی که چیزی از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیده که به آن امر می‌فرمود سپس پیغمبر از آن نهی فرمود و او آگاه نگشته یا نهی چیزی را از پیغمبر شنیده و سپس آن حضرت به آن امر فرموده و او اطلاع نیافته پس او منسوخ را حفظ کرده و ناسخ را حفظ نکرده اگر بداند منسوخ است ترک‌اش کند و اگر مسلمین هنگامی که از او می‌شنوند بدانند منسوخ است، ترک‌اش کنند.

۴. شخصی که بر پیغمبر دروغ بسته و دروغ را از ترس خدا و احترام به پیغمبر، مغبوض دارد و حدیث را هم فراموش نکرده، بلکه آنچه شنیده چنانکه بوده حفظ و نقل کرده به آن نیافزوده و از آن کم نکرده و ناسخ را از منسوخ شناخته به ناسخ عمل کرده و منسوخ را رها کرده زیرا امر پیغمبر صلی الله علیه و آله هم مانند ناسخ و منسوخ (و خاص و عام) و محکم و متشابه دارد گاهی رسول خدا صلی الله علیه و آله به دو طریق سخن می‌فرمود.

سخن عام و سخنی خاص، مثل قرآن، و خدای عزوجل در کتاب‌اش فرموده است آنچه را پیغمبر برای‌تان آورده، اخذ کنید و از آنچه نهی‌تان کرده باز ایستید، کسی که مقصود خدا و رسول‌اش را نفهمد و درک نکند بر او مشتبه شود. اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله که چیزی از او می‌پرسیدند همگی نمی‌فهمیدند بعضی از آنها از پیغمبر می‌پرسیدند ولی (به علت شرم یا احترام یا بی‌قیدی) فهم‌جویی نمی‌کردند و دوست داشتند که بیابانی و رهگذری بیاید و از پیغمبر بپرسد تا آنها بشنوند. اما من هر روز یک نوبت و هر شب یک نوبت بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد می‌شدم با من خلوت می‌کرد و در هر موضوعی با او بودم. اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌دانند که جز من با هیچکس چنین رفتار نمی‌کرد بسا بود که در خانه بود و پیغمبر نزدم می‌آمد ... و فاطمه و هیچ یک از پسران‌ام را بیرون نمی‌کرد از او می‌پرسیدم جواب می‌داد چون پرسش‌ام تمام می‌شد و خاموش می‌شدم، او شروع می‌فرمود، هیچ آیه‌ای از قرآن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل نشد جز این که برای من خواند و املاء فرمود و من به خط خود نوشتم و

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۵

تاویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من آموخت و از خدا خواست که فهم و حفظ آن را به من عطا فرماید ... آنچه را که خدا تعلیم‌اش فرمود از حلال و حرام و امر و نهی گذشته و آینده و نوشته‌ای که بر هر پیغمبر پیش از او نازل شده بود از طاعت و معصیت به من تعلیم فرمود و من حفظاش کردم ...» «۱» بنابراین در دستیابی بر صحت و سقم روایات، قرآن و عقل، نقش اصلی و تعیین کننده‌ای را به عهده دارند چرا که در کوره راه‌های کشف حقایق این دو می‌توانند چراغ راه بوده و حقّ را از باطل بنمایانند.

از بین علمای اسلام، شیخ مفید، نخستین فقیهی است که از کارایی و توانایی عقل در معرفت فقهی با صراحت سخن گفته و آن را ابزار شناخت دانسته است:

«الْعَقْلُ هُوَ السَبیلُ الی مَعْرِفَةِ حُجیَتِّهِ الْقُرآنِ وَ دَلائِلِ الاخبارِ «۲»»

«از راه عقل، حجیت قرآن و معانی احادیث شناخته می‌شود».

آیت اللَّه جناتی نیز اصلی‌ترین، ملاک در معرفت خداوند را عقل می‌دانند که چون عقل در وادی معرفت خدا معتبر می‌باشد، دلیلی ندارد عقل را در شناخت حسن و قبح احکام دخالت ندهیم.

الزامی بودن بحث در مصادر اسلامی

محقق و پژوهشگر نستوه، علّامه سید مرتضی عسگری، رئیس دانشکده اصول الدین بغداد در الزامی بودن بحث و بررسی از مصادر اسلامی که از یافته‌های مهم تحقیق نگارنده در حقوق زن در اسلام نیز می‌باشد می‌فرماید:

«سنّت به هیچ روی از تحریف و دستکاری در امان باقی نماند، که برعکس (۱). اصول کافی، ج ۱، کتاب فضل العلم، باب اختلاف الحدیث، ص ۸۳- ۸۰ ح ۱.

(۲). کنز الفواعد، کراجکی، ج ۲، ص ۱۵، منشورات دارالذخائر.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۶

دشمنان اسلام از یهود و نصاری و زندیقان و دیگر منافقان که تظاهر به اسلام کرده در میان مسلمانان خود را جا زده بودند توانسته‌اند به اشکال مختلف و در حجمی بسیار زیاد در احادیث رسول خدا و سیره‌اش، سیره صحابه و تاریخ اسلام، حدیث و تفسیر قرآن، هرگونه تحریف و دستکاری را انجام دهند؛ اما اکثریت عظیمی از مسلمانان بر صحت و درستی تمام آنچه را که از اسلاف رسیده است اعتراف، و آنها را از هرگونه آلودگی و دستکاری مبرّا می‌دانند.

و چنان‌که در ضمن بحث و بررسی اگر در خبری از اخبار یکی از اصحاب به تاریخ طبری و یا در خبری از اخبار پیامبر اسلام به سیره ابن هشام و یا در مورد حدیثی از احادیث آن حضرت به بعضی از کتب حدیث مورد احترام ایشان برسند و آن را در این قبیل مصادر بیابند، بلافاصله تمکین کرده با اطمینان خاطر آن مطلب را در بست می‌پذیرند و هرگز زحمت تحقیق و بررسی را در صحت و سقم، آنچه را که یافته‌اند به خود نمی‌دهند، بلکه برعکس برخی دانشمندان و علما و ... چشم بسته هرچه را که مولِفین مصادر مزبور برحسب فهم و ذوق و سلیقه و درخواست خودشان نوشته‌اند می‌پذیرند.

ایشان به وجود یکصد و پنجاه صحابی ساختگی «۱» به عنوان حقیقتی مسلم در منابع مسلمانان در دو جلد اشاره نموده‌اند می‌افزایند: در پی‌گیری قسمت‌های مختلف کتاب عبداللَّه بن سبا در اخبار تاریخ طبری که مطمئن‌ترین مصادر تاریخی پیروان مکتب خلفا است به پاره‌ای از تحریفات بزرگ برخورد کرده‌ایم، که اختصاص به اصحاب دارد و این تحریفات موجب قلب حقایق تاریخی شده و آن را از مسیر حقیقی خود منحرف ساخته (۱). شرح نود و سه صحابی ساختگی سیف در چهار جلد به قلم علّامه عسگری آمده است.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۷

است. هرگاه یک فرد محقق در کتاب «سیره ابن هشام» که نزد ایشان مطمئن‌ترین کتاب در سیره می‌باشد، یا هریک از کتاب‌های حدیث که سخت مورد اعتماد و اطمینان مسلمانان است به بحث و بررسی بپردازد، به طور دهشت آوری آنها را آلوده به دروغ، و پر از تحریف خواهد یافت. لذا ما در برابر این قبیل کتب سیره و حدیث و تاریخ، اگر خواهان درک صحیح اسلام و مایل به پیروی از دستورات راستین آن هستیم، ناگزیریم تمام کتاب‌های حدیث و سیره و تاریخ و همانند آن را یکی بعد از دیگری مورد مطالعه و

بحث و تحقیق و نقد و بررسی قرار داده، آنها را از نظر سند و هم از جهت متن و محتوا با همانندشان مقایسه کنیم، و نتایج چنان تحقیقاتی را که براساس موازین علمی حاصل شده است بپذیریم و گردن نهیم.» «۱» در بررسی محتوای متون در قرون گذشته و حال، معلوم می‌گردد که بیشتر به اجمال منقول تکیه شده و اجماع محصّل کمتر اعمال شده است. «۲» «ثمّ بعد الاحاطة بالکتب المتداولة المشهورة تتبعت الأصول المعتبرة المهجورة الّتی ترکت فی الاعصار المتطاولة و الأزمان المتمادیة، إمّا: لاستیلاء سلاطین المخالفین و أئمة الضّلال أو لرواج العلوم الباطلة بین الجّهال المدّعین للفضل والکمال؛ أو لقلّة اعتناء جماعة من المتأخرینِ بها، اکتفاءً بما اشتهر منها لکونها أجمع واکفی و أکمل و أشفی من کلّ واحد منها». «۳»

(۱). علّامه عسگری، سید مرتضی، یکصد و پنجاه صحابی ساختگی، ج ۳، ص ۵۳- ۵۲، مترجم، عطاء محمد سردارنیا.

(۲). اجماع محصّل، آن است که فقیهی از راه تتبع، اتفاق علمای پیشین را، در مساله‌ای به دست آورده و سپس این دست آوردهای خود را برای دیگران نقل نماید، اجماع منقول، اجماعی است، که دیگران به علت اطمینانی که به او دارند خود به تتبع جداگانه نپردازند، و تنها به اجماع نقل شده از سوی او اکتفا کنند.

(۳). بحارالانوار، علّامة المجلسی، ج الاول، مقدمة المؤلف، ص ۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۸

در حالی که در مطابقت احادیث با آیات قرآن باید سه جهت بررسی شود:

۱. از جهت سند و روایات حدیث: حدیث باید از راویان ثقه نقل شده و سلسله راویان منقطع نباشد.

۲. از جهت متن حدیث: باید با ادبیات گفتاری پیامبر و ائمه علیهم السلام و فضا و روح حاکم بر اسلام و مبانی و احکام و قوانین آن مطابقت داشته باشد و در تمامی اسناد از بیان یکسانی برخوردار باشد.

۳. از جهت دلالت: حدیث باید با شریعت و عقل مطابق بوده و موضوع و محمول حدیث با هم سازگار باشد.

۴. مطابقت با آیات قرآن: در وحله اول تمامی روایات، باید با قرآن مطابقت داده شود. در صورت عدم مطابقت با آیات قرآن، حدیث از هر راوی ثقه‌ای باشد نمی‌توان پذیرفت، و به آن استناد نمود. میزان و معیار اصلی صحت و سقم روایات، قرآن و سنّت عملی پیامبر و ائمه علیهم السلام می‌باشد.

برخی از مسلمانان، در حالی که احادیث ضعیف را، در موضوعات مختلف به ویژه مسئله زن، مورد استناد قرار داده‌اند، که جاعلین حدیث، خود اعتراف به جعل حدیث کرده‌اند؛ به طوری که ابوهریره، که از جاعلین مشهور حدیث، می‌باشد، نقل ۱۰۰ هزار حدیث جعلی را پذیرفته است، و علّامه سید عبدالحسین شرف الدین عاملی، در کتاب ابوهریره و احادیث ساختگی، احادیث منقول از ابوهریره را با سند، بیش از پنج هزار و سیصد و هفتاد و چهار حدیث دانسته، که تنها در صحیح بخاری، ۴۴۶ حدیث از او نقل شده است. «۱» علّامه شرف الدین عاملی، در مورد احادیث ابوهریره می‌گوید: «در (۱). آیة اللّه جنّاتی نیز در کتاب ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، به ذکر برخی جاعلین حدیث و تعداد آنها پرداخته است. ص ۱۲۳- ۱۲۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۹

اطراف احادیث او و چند و چون آن نیز، بسیار تحقیق و اندیشه کردم؛ ولی- خدا گواه است- نمی‌توانیم، جز آن که، احادیث‌اش را کماً و کیفاً، مردود شماریم. البتّه معاصران او، پیش از ما به این نتیجه رسیده‌اند ... باید صحاح و مسانید جمهور که به احادیث نامعقول و نامنقول این مرد پرگو آلوده شده، پاکسازی شود». «۱» عرصه‌های مربوط به زن، بیشترین زمینه‌هایی هستند، که دچار تحریف حقایق و واقعیات گشته و چون اکثر نویسندگان، از بین مردان بوده‌اند، جلوه‌ای وارونه از زن، در طی قرون متمادی استمرار یافته است، زیرا منافع شخصی و باورهای عرف، متکّی به مجعولات، ملاک قضاوت گردیده است نه دیدگاه اسلام از منابع معتبر.

علّامه سید محمدحسین فضل اللّه در این زمینه می‌گویند:

«به نظر من، باید مسایل مربوط به زنان را، مثل مردان، و مثل دیگر مقولاتی که در اسلام وجود دارد، با یک شیوه عملی و موضوعی بررسی نمود. باید احادیث مطرح را دقیقاً بررسی کرد، که آیا این احادیث واقعاً از پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده است، چه بسا آن حدیث جعلی باشد یا به دروغ به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شده باشد، در مرحله بعد چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام معصوم چنان سخنی را گفته باشد، باید شرائط و وضعیت تاریخی صدور آن حدیث را دقیقاً بررسی کنیم، فضا یا جوّی را که، باید حدیث در آن جوّ و موقعیت اجتماعی مطرح شده است را شناسایی کنیم. ما با احادیثی مواجه می‌شویم که نمی‌توان برای آن احادیث تفسیر دقیق جستجو کرد، وقتی می‌کوشیم تفسیر دقیقی از این احادیث به دست آوریم، علم آن را از اهل‌اش (۱).
ابوهریره و احادیث ساختگی، ترجمه نجفعلی میرزایی، چاپ اول ۱۳۷۲، انتشارات هجرت، قم، ص ۱۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۳۰

جستجو کنیم، چنانکه در اصول گفته می‌شود، یا اینکه نمی‌توانیم یک تفسیر معینی را پیدا کنیم، ابهام زیادی در حدیث وجود دارد.» «۱» کتب مذهبی نیز، مملّو از قیاس بوده، و رأی و ذهنیات، برخاسته از برتربینی و تنگ نظری و تبعیض، مبنای بیان دیدگاه اسلام گردیده است.

برخی نویسندگان، بی‌مایه علمی، نتایجی با صغری و کبرای غلط گرفته، و آن را به عنوان نظر اسلام اشاعه می‌دهند، از جمله در مورد عقل زن، عاطفه زیاد را دلیل نقص عقلی گرفته‌اند، ولی پرخاشگری مرد را نشانه نقص عقل نمی‌دانند؛ اگر زیاد بودن یک ویژگی فطری در زن نقص عقل است باید در مرد نیز چنین باشد، در حالی که امام صادق علیه السلام، از قیاس منع فرموده و در روایتی به ابوحنیفه فرموده‌اند: «شنیده‌ام در احکام خدا قیاس می‌کنی، آیا درست است؟

ابوحنیفه گفت: بله. حضرت فرمودند: قیاس مکن. زیرا نخستین کسی که قیاس کرد ابلیس بود». «۲» در روایتی دیگر آمده است: «اگر کسی با رأی و قیاس بخواهد فتوا بدهد، دینی را درست خواهد کرد که ضد دین خدا خواهد بود. چون دینی را که بدون علم درست می‌کند موجب می‌شود، حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال نماید». «۳» استناد به احادیث مجعول و قیاس و اعمال نظر شخصی و اشاعه آن به نام اسلام در مسائل مربوط به زن چهره‌ای ناهمگون و متضاد و غیرعقلانی و ضعیف و وارونه از زن در اذهان و باورهای عمومی ترسیم نموده است که در طول قرون متمادی به جهت استمرار این امر دیدگاه واقعی اسلام در بیشتر (۱).
کدیور، زن، صص ۲۲۴ و ۲۲۳.

(۲). وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۵، حدیث ۱۲.

(۳). همان، حدیث ۱۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۳۱

مسائل مربوط به زن با باورها و سلیقه‌های شخصی و افکار دوران جاهلیت و جمود فکری مقدس مآبان و شرایط سیاسی و اجتماعی روز درآمیخته، و دیدگاه اصیل اسلام در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. به طوری که هرکس که قلمی در دست دارد، کارشناس مسائل زنان و دیدگاه اسلام گردیده است. از این روست که شاهد دیدگاه‌های کاملًا متضاد در محافل رسمی و کتب هستیم. به طوری که در بررسی محتوایی بیش از ۳۶۰ عنوان کتاب در موضوع حقوق زن در اسلام که در چهل سال گذشته به تألیف رسیده‌اند، روشن گردید که محتوای بیش از ۳۲۸ عنوان کتاب از ذهنیات و باورهای نویسنده و فرهنگ عمومی نشأت گرفته است تا قرآن و سنّت. برخی از نویسندگان مطالبی را انتخاب نموده‌اند که تنها حقوق مرد را در نظر دارد و به وظایف مرد اشاره‌ای نشده است. اکثر نویسندگان و گویندگان حتی پا را فراتر نهاده، قسمتی از حدیثی را که رفتار شوهر را مشخص می‌نماید، حذف نموده‌اند.

این حدیث در مورد رفتار حضرت زهرا علیها السلام با حضرت علی علیه السلام است که تنها قسمت دوم حدیث در کلیه‌ی کتب

مورد بررسی به جز یک مورد نقل شده و در منابر و سخنرانی‌ها بیان می‌شود، در حالی که رفتار حضرت علی علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام نیز، در این حدیث آمده است و حدیث رفتاری کاملًا متقابل را نشان می‌دهد ولی نویسندگان و خطباء قسمت دوم حدیث را به عنوان مصادیق شوهرداری بیان می‌نمایند. متن اصلی حدیث چنین می‌باشد:

قال علی علیه السلام:

«فَو اللّه اغْضَبتُها وَ لااکْرَهْتُها عَلی امْرٍ حَتَّی قَبَضَها اللّهُ عَزَّوجل وَلااغْضَبَتْنی وَلا عَصِتْ لی امراً وَ لَقَدْ کُنْتُ انظُر الیها فَتَکْشِفُ عَنّی الْهُمُوم وَ اْلَاحْزان» «۱»

(۱). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۳۲

«سوگند به خدا، من هرگز زهرا را به خشم نیاوردم و او را به کاری مجبور نساختم تا این که مرا در فراقاش گرفتار ساخت و متقابلًا او نیز مرا خشمگین نساخت و هیچ وقت نافرمانی نکرد و هرگاه من با او دیدار می‌کردم غم‌ها و غصه‌هایم از دلم برطرف می‌شد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله در عدم بیان احکام فرمودند:

در شب معراج گروهی را دیدم که با قیچی لبهایشان را می‌بّرند به جبرئیل گفتم: اینها چه کسانی هستند؟ گفت: اینها خطباء و علماء از امت شما هستند که قدرت بر بیان احکام خداوند را داشتند لکن در این امر خطیر سستی کردند. «۱» آیا مردان به تأسی از حضرت علی علیه السلام هرگز همسر خود را به خشم نیاورده‌اند، آیا هرگز او را به کاری مجبور نساخته‌اند؟ تا انتظار رفتار زهرا گونه داشته باشند.

بیشتر تبلیغات اسلامی توسط مردان صورت می‌گیرد، لذا در تعلیم همسرداری تمام توجّهات به شوهرداری است، گویی همه مردان علی گونه‌اند، و تنها وظیفه این است که که زنان را زهرا گونه گردانیم «۲»!!

اگر مسلمان باشیم حقّ مداری و تکلیف نگری را بر خود فرض دانسته از اعمال سلیقه‌های شخصی و هواهای نفسانی به نام دین پرهیز خواهیم کرد.

جهت ترسیم چهره‌ی مخدوش موجود در فرهنگ عمومی مسلمانان، مواردی از کتب تألیف شده در موضوع حقوق زن در اسلام بیان می‌شود تا امکان مقایسه تطبیقی وضعیت گذشته و موجود با دیدگاه اصیل و متعالی اسلام و فاصله موجود در حقوق و تکالیف زن میسر گردد. (۱). الحکم الزهراء.

(۲). رجوع شود به نقد کتاب آیین خانه‌داری ص.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۳۳

از آن جا که مسائل مربوط به زن دچار تحریف و دگرگونی فراوانی شده است از این رو محورهای مربوط به زن در بعد خانواده که حقوق فردی و اجتماعی و ... را شامل می‌شود و اهم مشکلات زنان بوده و هست تبیین می‌گردد. با نهایت تأسف پس از گذشت هزار و چهارصد و اندی از ظهور دین اسلام و مواضع روشن آن در مورد زن، به دلایلی که پیش‌تر گفته شد حتّی زن در برخی از کتب از جهت خلقت و آفرینش، دو مرد با خلقتی متفاوت به حساب آمده است ناچار بحث را از خلقت زن شروع می‌کنیم.

سیمای زن در کتبو متون دینی و اثرات آن در جامعه

خلقت زن در منابع شیعه و سنّی و کتب مذهبی

احادیثی، با کلمات مشترك و متفاوت، در خلقت زن آمده است که به برخی اشاره می‌شود:

قال امیرالمؤمنین علیه السلام:

«انَّ اللَّه خَلَقَ الرِجالِ مِنْ اَلَارْضِ وَ انَّما هَمُّهُمْ فِی الْارْضِ وَخَلَقَتْ الْمِرْاهَ مِنْ الرِّجالِ وَانَّما هَمُّهُم فِی الرِجالِ فَاحْبِسُوا نِساءَکُمْ یا مَعاشِرَ الرِّجالِ» «۱» «خداوند مردان را از زمین آفرید از این جهت همت و توجه مردان به زمین است و زنان را از مردان آفرید. از این رو همت زنان در جهت توجه مردان است پس ای گروه مردان زنانتان را حبس کنید».

در کتاب الفروع الکافی حدیثی قریب به این مضمون در کتاب نکاح باب مستحبات تزویج زنان از ابی عبداللَّه علیه السلام نقل شده است: (۱). وسائل الشیعه، ج ۷، جزء ۱ باب ۲۴، ح ۱، ص ۴۱ و علل الشرایع الجزء الثانی باب ۲۵۴، ح ۱، ص ۱۸۴، جملات خلقت مرد آخر حدیث قرار گرفته است و به همین صورت، در بحارلانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۶، باب فضل حب النساء، ح ۱۶ نقل شده است، و نیز زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث معتبر، حسن مصطفوی، ص ۵۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۳۵

«انَّ اللَّه خَلَقَ آدَمَ مِنَ الْماءِ وَ الطِّینِ وَخَلَقَ حَوَّاءُ مِنْ آدَمَ فَهِمَّةُ النِّساءِ فِی الرّجالِ فَحَصِّنوُهُنَّ فِی البیُوتِ» «۱» حضرت صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال آدم را از آب و گل آفریده است و توجه بنیآدم از این جهت به آب و گل است و حواء را از آدم آفریده است، پس همت و توجه زنها به سوی مردها است و لازم است روی این نظر زنها را در خانهها نگهداری کنید».

این دو حدیث علاوه بر بیان خلقت متفاوت زن و مرد، زن را فاقد مصونیت وجدان و اخلاق درونی دانسته و تنها حصار خانه را چارهساز میداند، در حالی که این مفهوم با آیات زیادی از قرآن سازگاری ندارد. در مستدرک الوسایل آخر این حدیث مفهوم دیگری دارد. «انَّ الْمَرأَةَ خَلَقَتْ مِنْ الْرِجالِ وَ انَّما هَمّهما فِی الرِجالِ فَاحْبِسوُا نِسائَکُم»

همچنین در بخاری و مسلم علت نیکو کاری کردن به زنها خلقت زن از استخوانهای نرم و کج عنوان شده است که فرمودهاند:

«وَ اسْتَوْصوا بِالنِساءِ خَیْراً فَانَّهُنَّ خُلِقْنَ مِنْ ضِلَعٍ وَ انْ اعْوَجَ شیءٍ فی الضِّلعِ اعْلاه فَانَّ ذَهَبَتْ تَقیمُه کَسَرْتَهُ وَ إنْ تَرَکْتَهُ لَمْ یَزَلْ اعْوَجَ فَاسْتَوْصوُا بِالنِساءِ خَیْراً» «۲» «سفارش مرا درباره نیکویی کردن به زنها بپذیرید، زیرا که آنان از استخوانهای نرم و کج پهلو آفریده شدهاند و از لحاظ آفرینش چون آن استخوانها هستند، و نقطه منحنی و کج آن استخوانها قسمت بالای آنهاست پس اگر بخواهی آن نقطه منحنی را صاف کنی خواهد شکست و اگر ترک (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۴ (ج ۷ جزء ۲) ابواب مقدماته و آدابه ص ۴۰ ح ۵ و الفروع الکافی کتاب النکاح، ج، ۵، ص ۳۳۷، ح ۳ و ۴.

(۲). حلیة المتقین، ص ۹۷ و حسن مصطفوی، زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث معتبر، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۸۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۳۶

کنی به حالت انحنا و کجی باقی خواهد ماند پس سفارش خیر مرا درباره زنها در نظر بگیرید».

چند حدیث قریب به همین مضمون از سنن الترمذی ص ۱۹۱ و الکنی للدولابی ج ۲، ص ۱۸ از ابن مسعود و از مستدرک الحاکم، ج ۴، ص ۱۷۴ و از مسند احمد، ج ۲، ص ۵۳۰ از ابوهریره نقل شده است.

نویسندهای «۱» پس از ذکر این احادیث در بخش توضیح مؤلف مینویسد:

«... زن از جهت اعتماد به نفس و تحمل مصائب و سختیها و استقلال زندگی ضعیف است، و لازم است مطابق صفات و حالات او با او سازش کرده و همین طوری که استخوانهای فقرات و پهلو در نهایت لطافت و نازکی و در عین حال منحنی و کج میباشد، زن نیز از جهت آفرینش چنین است و لازم است با او مدارا و سازش کرد ...»

در جایی دیگر مضمون این حدیث تمثیل واقع شده است، بر فرض، اگر حدیث ثقه هم باشد بهعنوان مثال مطرح شده است نه بیان واقعیتی در خلقت زن. این حدیث چنین است:

عن ابی عبداللَّه علیه السلام قال: قال صلی الله علیه و آله: «انَّما مَثَلُ الْمِرْاهِ مَثَلُ الضِّلْعُ الْمَعْوجِ انْ تَرَکْتَهُ انْتَفَعَتْ بِه وَ انْ أَقَمْتَهُ کَسَرْتَه»

«۲» در حدیث دوم همین حدیث با مخاطب آن ذکر شده است ولی فقط حدیث اول در بیشتر کتب نقل شده و اشاره‌ای به مورد خاص نشده است.

«قال ابوعبداللَّه علیه السلام، انَّ ابراهیمَ علیه السلام شَکا الیَ اللَّهِ عَزَّوَجَّلَ ما یُلقی مِنْ سُوءِ خُلْقِ سارةٍ (۱). دو حدیث اخیر در کتاب زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث معتبر به قلم حسن مصطفوی که بیشتر احادیث را از منابع اهل سنت نقل نموده است، در خلقت زن مورد استناد قرار گرفته است، چاپ اول ۱۳۷۸ ص ۵۷ و ۸۵–/ ۸۳ و نیز حلیة المتقین، ص ۹۷.

(۲). الفروع الکافی، ج ۵، کتاب النکاح، باب مداراة الزوجه، ص ۵۱۳، ح ۱، حدیث از ابوعلی اشعری نقل شده است.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۳۷

فَاوْحی اللَّهُ تَعالی الیه أنمَّا مَثَلُ الْمِرْأةِ مَثَلُ الْضِلِّعُ الْمَعْوَجِ انْ أقَمْتَهُ کَسَرْتَهُ وَ انْ تَرَکْتَهُ اسْتَمْتَعَتْ بِه، اصْبِرْ عَلَیْها. «۱» در کتاب علل الشرایع در علت خلقت زن آمده است: «انَّما سمیَّتْ حَوَّاءٌ حَوَّاءٌ لِانّها خُلِقَتْ مِنْ الْحَیَوانِ» «۲»

«علت این که حوّاء حوّاء نامیده شد، این است که حوّاء از حیوان خلق شده است». در حدیثی دیگر در همین کتاب، علّتی دیگر، بیان شده است: «سُمِیَّتْ الْمَرأةُ مَرأةٌ لَانَّها خُلِقَتْ فِی الْمَرْءِ یَعْنی خُلِقَتْ حَوَّاء مِنْ آدم» «۳» «زن، زن نامیده شده است، زیرا از انسان آفریده شده است، یعنی حواء از آدم آفریده شده است». در همین سند نیز نقل شده است: «الْعِلَّةُ الَّتی مِنْ اجْلِها سُمِیَّتْ حَواءٌ حَواءٌ، لَانَّها خُلِقَتْ مِنْ حَیٌ قالَ اللَّهُ عَزُّوَجلَ خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٌ وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها» «۴» «علت این که حوّاء حوّاء نامیده شد، برای این است، که از حیّ وزنده خلق شده است، خداوند عزّوجل، فرمود شما را از یک نفس خلق کردم و از نفس واحده زوجی آفرید.

در پاورقی این باب، از فقیه اضافه شده است که در قول خداوند عزّوجل «یا ایها النَّاسُ اتَّقُوّا رَبَّکُمْ الذَّی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْها زَوْجَها ...»

روایت شده است که خداوند از سرشت خود، زوجی را خلق کرد؛ و مردان و زنان زیادی را از آن دو به وجود آورد، در خبر آمده است که همانا حوّاء از ضلع چپ آدم آفریده شد، صحیح است؛ و معنای سرشت این است که از دنده (۱). مأخذ قبلی، ح ۲.

(۲). علل الشرایع، ج ۱، ص ۳، باب اول، ح ۱.

(۳). همان، باب ۱۵، ح ۱، ص ۱۶.

(۴). همان، باب ۱۴، ح ۱، ص ۱۶.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۳۸

چپ آدم اضافه آمد، پس دنده‌های زنان یک دنده از دنده‌های مردان کمتر شد». «۱» شیخ مفید، در بیان مسأله‌هایی که عبداللَّه بن سلام مدعی است برای پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد، گفتگوی زیر را میان عبداللَّه و پیامبر صلی الله علیه و آله از ابن عباس نقل می کند:

«عبداللَّه: درباره آدم مرا آگاه ساز، آیا او از حوّا آفریده شد یا حوّا از او؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «حوّا از آدم آفریده شد، اگر آدم از حوّا آفریده می‌شد آنگاه طلاق به دست زنان بود نه مردان.»

عبداللَّه گفت: از تمامی یا از قسمتی؟ پیامبر فرمودند: از قسمتی، اگر حوّا از تمام آدم آفریده می‌شد آنگاه زنان نیز مانند مردان می‌توانستند قضاوت کنند». «۲» المولی سعید المزیدی در تحفة الاخوان در حدیثی طولانی از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام از خلقت آدم و حوّا نقل می کند: «پس صدا رسید ای حوّا ...

اکنون برای همیشه بیرون شو، زیرا که تو را کم خرد و کم دین و کم میراث و کم شهادت قرار دادم، ... و از شما- زنان- حاکمی برنگزیدم و پیامبری برنیانگیختم». «۳» این روایت‌ها به سبب منافات با آیات قرآن و مرسل بودن ضعیف هستند.

در حدیثی دیگر در نفی این مضامین از زراره آمده است: از امام صادق علیه السلام، از آفرینش حوّا سئوال شد و گفته شد که

برخی از مردم می گویند: خداوند بزرگ، حوّا را از دنده پایین و چپ آدم آفرید. امام فرمود: خدا منزه و برتر است از این نسبت، آن (۱). همان.

(۲). مستدرک الوسایل، ج ۲ ابواب مقدمات النکاح باب ۹۴، ح ۱، ص ۵۵۷ به نقل از الاختصاص، ص ۵۰.

(۳). مستدرک الوسایل، ج ۲، کتاب النکاح باب ۹۴، ص ۵۷۷، ح ۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۳۹

کس که چنین می گوید، می‌پندارد که خداوند قدرت نداشت که برای آدم همسری از غیر دنده‌اش بیافریند. این اشخاص راه را بر خرده‌گیران باز می کنند. اینان چه می کنند؟ خداوند میان ما و آنان داوری می کند. سپس فرمود: خداوند بزرگ آن گاه که آدم را از خاک آفرید و به ملائکه فرمان داد تا او را سجده کنند خوابی عمیق را بر او چیره ساخت سپس برای او مخلوقی جدید بیافرید ... این مخلوق جدید به حرکت درآمد و آدم از (اثر) حرکت او به خود آمد و بیدار شد. چون بدان نگریست دید مخلوقی زیباست که همانند خود اوست جز این که او زن است، آدم در این هنگام گفت: خداوندا این مخلوق زیبا که من نسبت به او احساس انس می کنم کیست؟ خداوند گفت: این کنیز من حوّاست ...». «۱» این حدیث با خلقت زن و قدرت و عدل خدا سازگاری دارد در حالی که احادیث قبلی با قدرت و عدل خدا منافات داشتند، که مرد مخلوقی کامل و عاقل، و زن مخلوقی ناقص و کم عقل خلق شود. همچنین با تأمل در مضمون کتب دینی و اقوال علما و بزرگان دین نیز تأثیر جو فرهنگی حاکم بر جامعه در مورد زنان در عصرهای مختلف در نظرات علما به وضوح به چشم می‌خورد.

به طوری که ملاصدرا، فیلسوف ربّانی و حکیم الهی و مجدّد فلسفه اسلامی شیعه با تمام نبوغ علمی و فکری خود در بیان توضیح آیه «خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الارْضِ، جَمیعاً» در منافع گروههای مختلف برای انسان و مزایای خلقت حیوانات مختلف آورده است. «بَعْضُها لِلْنِکاحِ» «وَ اللَّهُ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ انْفُسِکُمْ ازْواجاً» یعنی «بعضی از حیوانات (زن) برای نکاح آفریده شده‌اند به استناد آیه «و خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد». «۲» (۱). بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۲۱ و نیز وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲.

(۲). الشیرازی، صدرالدین محمد، الحکمهٔ المتعالیهٔ فی الاسفار الاربعهٔ. الجزء الثانی، من السفر الثالث، ص ۱۳۷- ۱۳۶ الطبعهٔ الثالثهٔ- ۱۹۸۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۴۰

این فصل با تیتر «فی عنایته فی الارض و ما علیها لینتفع بها الانسان» آمده است که باتوجه به مطالب مذکور، مصداق انسان تنها مرد تلقی شده است در حالی که ضمیر کُمْ به انسان که زن و مرد است برمی گردد، ولی در این جا زن یکی از حیوانات محسوب شده است. اما آیه مذکور حاکی از این است که به آنان (زن و مرد) همسرانی از جنس خودشان داده شده است. با این بیان باید جنس مردان را هم حیوان تلقی کنیم تا استناد به این آیه درست باشد. زیرا جنس مرد هرچه هست همسران هم از همان جنس (مِنْ انْفُسِکُمْ) هستند.

تفسیر مجمع البیان «مِنْ انْفُسِکُمْ» را «مِنْ جِنْسِکُمْ»، معنی کرده است. «۱» همچنان که در آیه شریفه «لَقَدْ جاءَ کُمْ رَسُولٌ مِنْ انْفُسِکُمْ» و نیز در آیات دیگر «انْفُسِکُمْ» «از جنس شما» تعبیر شده است.

البته در پاورقی شارح به دلیل این بیان اشاره نموده و فرموده‌اند: «علت قراردادن زن جز و حیوانات اشاره لطیفی است به این که به خاطر ضعف و جمود عقلی در ادراک جزئیات و تمایل شان به زیورهای دنیوی الحق و الصدق نزدیک است که به حیوانات زبان بسته ملحق شوند زیرا اغلب زنان سیرت‌شان حیوانی است و اما ظاهرشان صورت انسان است که (مردان) از محبّت آنان مشمئز نشده و به نکاح آنان ترغیب شوند، و از این روست که در شرع مطهّر جانب مردان غلبه کرده و در بیشتر احکام مانند طلاق و نشوز ... بر زنان مسلّط هستند». «۲» شاید زمینه ساز و ریشه این افکار تکیه بر باورهای پیشینیان که مردسالاری به طور کامل حاکم بوده، داشته

است. چنان که شیخ طوسی در (۱). تفسیر مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۵۷۶.

(۲). مأخذ، شماره ۲ صفحه قبل.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۴۱

خلاف «۱» و علّامه حلّی در نهج‌الحق «۲» و سید محمد مجاهد در مناهل «۳» حدیث زیرا را نقل و در نهی از قضاوت زنان به آن استناد نموده‌اند که «النّبی صلی الله علیه و آله، اخِرّوهنَّ مِنْ حَیْثُ اخْروهُنَّ اللَّه» «زنان را در همان جایگاه پایین اجتماعی قرار دهید که خداوند قرار داده است». «۴» فخر رازی نیز با استناد به آیه «وَ مِنْ آیاتِهِ انْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ انْفُسِکُمْ ازْواجاً لِتَسْکُنوا الَیْها» می‌نویسد: «به مقتضای این آیه، زن برای عبادت و پذیرش تکالیف آفریده نشده است، زنان به دلیل ناتوانی و کم عقلی چون کودکان‌اند و شایسته بود!!! (تعیین تکلیف برای خدا) که همچون آنان تکلیف نداشته باشد ولی خداوند آنان را مکلف نمود تا گوش به فرمان شوهر باشند و از عذاب خدا بترسند تا نعمت بر مردان به کمال خود رسد».! «۵»

سیمای زن در قرآن و سنت

خلقت زن در قرآن

آنچه در قضاوت و صدور حکم، معیار ارزیابی است، سخن خالق حکیم است که فصل الخطاب همه اختلافات می‌باشد، از آنجا که در بیان مسائل مربوط به زن به ویژه خلقت زن، که در قرآن اوضح واضحات است، و عقل زن، در طی قرون متمادی در بستر مردسالاری حاکم بر جوامع مسلمانان و متون دینی سخن رفته است لذا، بین دیدگاه قرآن و نظرات مسلمانان فاصله (۱). شیخ طوسی، خلاف، ج ۳، ص ۳۱۱ و ینابیع الفقهیّه، ج ۳۳، ص ۶.

(۲). ص ۵۶۲.

(۳). ص ۶۹۴.

(۴). رجوع شود به بحث سیمای زن در قرآن و سنّت.

(۵). اسماعیل ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۵۰۶، دارالمکتب العلمیهٔ.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۴۲

بسیار زیادی می‌بینیم.

در حالی که خداوند در قرآن کریم خلقت هرچیزی از جمله زن و مرد را در حد کمال اعلام نموده است: «أَعْطی کُلَّ شَیءٍ خَلَقَهُ ثُمَّ هَدی» «۱»

هر انسانی اعم از زن و مرد معتدل و موزون آفرید و آن جا که می‌فرماید: «الَّذِی خَلَقَک فَسَوّاک فَعَدَلَک» «خدایی که تو را آفرید و به بهترین وجه کمال بیاراست و معتدل و موزون ساخت». همچنین می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنا الإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیم» «۲»

«به تحقیق انسان (زن و مرد) را در زیباترین و بهترین قوام و مراتب وجود آفریده‌ایم و نیز می‌فرماید: «فَتَبارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الخالِقِینَ» «۳» چگونه ممکن است این صورت احسن (زن) مقهور احساسات خویش بوده و موجودی طفیلی و زیردست مرد قرار گیرد؟ چگونه ممکن است خداوند حکیم در خلقت، زن و مرد را مساوی، ولی در مسئولیت و تکلیف، تنها برآوردن نیازها و خواسته‌های مرد را وظیفه اصلی و تنها تکلیف الهی زن بداند؟ چگونه ممکن است خداوند حکیم و علیم برای خلقت موجودی ناقص و معیوب و فروتر از مرد و با تبعیض در خلقت انسان، که آدم را از روح خود و زن را از پهلوی آدم آفریده است به خود احسن الخالقین بگوید؟! آیا اطلاق «وَصَوَّرَکُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَکُمْ» «۴»

«خدا شما را به تصویر کشیده سپس صورت شما را زیباترین و بهترین صورت قرار داد» برای آفریدن مخلوقی کم عقل و احساساتی و یک دنده کم، و ضعیف، اطلاق حکیمانه‌ای است یا ما از خلقت و خدا، برداشت درستی نداریم؟

آیا فرمایش خدا با جانشین خدا، تا این حد می‌تواند متناقض باشد، در حالی که (۱). طه، آیه ۵۰.

(۲). تین، آیه ۴.

(۳). مؤمنون، آیه ۱۴.

(۴). غافر، آیه ۶۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۴۳

خداونـد در آیه‌ای دیگر می‌فرمایـد: «وَما خَلَقَ الـذَّکَرَ وَالأُنْثی» آیا موجودی ضـعیف و علیل از نظر عقلی و جسـمی می‌تواند موضوع قَسم خـدا قرار گیرد؟ در آیه‌ای دیگر می‌فرمایـد: «یـا أَیُّهـا النّـاسُ إِنّـا خَلَقْنـاکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَأُنْثی وَجَعَلْنـاکُمْ شُـعُوباً وَقَبائِـلَ لِتَعـارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاکُمْ» «۱»

«ای مردم مـا همـه شــما را از زن و مرد آفریــدیم و آن گـاه شــعبه‌های بســیار و فرق مختلـف گردانیــدیم تـا یکـدیگر را بشناســید بزرگوارترین شـما نزد خدا با تقواترین شـماست». بنابراین آیه، تنها مایه برتری بین انسانها تقوا است نه عقل و علم و آفریده شدن از آدم و ... بلکه در محضر خدا برترین‌ها تقوا پیشه‌ترین‌ها هستند. علاوه بر این، طبق فرمایش این آیه وجود تقوا و مصونیت درونی در زن و مرد نیز ثابت می‌گردد که بسیاری زن را فاقد مصونیت وجدان اخلاق درونی می‌دانند.

قرآن در چگونگی خلقت می‌فرماید: «یا أَ یُّها النّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَهٍ وَخَلَقَ مِنْها زَوْجَها» «۲»

«ای مردم تقـوای الهی پیشه کنیـد، آن پروردگـاری که شـما را از نفس واحـده‌ای آفریـد و از آن نفس (نه پهلوی آدم) زوجی خلق کرد» و نیز می‌فرمایـد: «هُـوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَـهٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَـهٍ ثُمَّ یُخْرِجُکُمْ طِفْلًـا». «۳» آنچه مسـلم است این است که قضـاوت و ارزیـابی در چگونگی و مـاهیت انسان‌ها بایـد براساس امور ثابت و اسـتواری باشـد تا مبنای قانون و ارزیابی‌ها قرار گیرد. فطرت در همه انسانها یکسان است و برخی ویژگی‌ها از جمله خـداجویی، کمال خواهی، زیبایی‌طلبی، حقیقت‌یابی که اسـتعدادهای ذاتی بوده و در همه افراد بشر وجود دارد، به طوری که قرآن می‌فرماید: «فِطْرَهَ اللَّهِ (۱). حجرات، آیه ۱۳.

(۲). نساء، آیه ۱ و زمر، آیه ۶.

(۳). مؤمن، آیه ۶۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۴۴

الَّتِی فَطَرَ النّـاسَ عَلَیْهـا لا تَبْـدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذ لِـکَ الـدِّینُ الْقَیِّمُ وَلکِنَّ أَکْثَرَ النّاسِ لایَعْلَمُونَ». همچنین قرآن ماهیت خلقت انسان را به خلقت از «صَلْصالٍ کَالْفَخّارِ» «۱»

و «کُلُّ نَفْسٍ واحِدَهٍ» «۲»

یک نفس و «ماءٍ مَهِینٍ» «۳»

آب بی‌قدر و «طِینٍ لازِبٍ» «۴»

گل سرشته و نیز «نُطْفَهٍ أَمْشاجٍ» «۵»

آب نطفه مختلط (بی‌حس و شعور) و ... نسبت داده است. این ویژگی‌ها با مفعول جمع و صفات منفی و مثبت و نیز در برخی موارد لفظ انسان یعنی زن و مرد استعمال شده است.

خالق حکیم در چهار آیه به خلقت انسان از «نَفْسٍ واحِدَهٍ» تصریح نموده و خلقت زن و مرد را یکسان و مساوی می‌داند. از جمله در آیه «ما خَلَقَکُمْ وَلا بَعْثُکُمْ إِلّا کَنَفْسٍ واحِدَهٍ» «آفرینش و برانگیختگی شما چیزی جز همچون یک نفس و جنس نیست».

«نَفْسٍ واحِدَةٍ» به یک سرشت و منشأ و همانندی آفرینش اشاره دارد. همان نفسی که در آیه‌ای دیگر به الهام فجور و تقوا به انسان (زن و مرد) توصیف شده است: «وَنَفْسٍ وَما سَوّاها* فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَتَقْواها» «۶».

«وَنَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِی» ضمیر فیه به همان خاك و گل بر می گردد، بنابراین، انسان قابلیت دارد به همان اصل و مبدا خویش بر گردد، این نفس هم توان سیر صعودی در مسیر سیر الی اللّه و قرب به او را دارد، و هم سیر نزولی و سقوط به مرحله حیوانیت را دار است. (۱) . رحمن، آیه ۱۴.

(۲). زمر، آیه ۶ و اعراف آیه ۱۸۹.

(۳). مرسلات، آیه ۲۰.

(۴). صافات، آیه ۱۱.

(۵). دهر، آیه ۲.

(۶). شمس، آیه ۷- ۶.

ریشه‌یابی تفکر برتری مرد از زن

اشاره

در ریشه‌یابی از استمرار حاکمیت مرد سالاری و خود برتربینی، در بین بیشتر مردان مذهبی از جهت «مرد بودن» و اصرار بر نقص ذاتی زن و عدم خود باوری و احساس ناتوانی و خود کم بینی در اکثر زنان مذهبی و غیر مذهبی، در قرون متمادی، به تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء، که می‌فرماید: «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلی بَعْضٍ وَبِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ» بر می‌خوریم، که از قرن چهارم تا سیزدهم نقص ذاتی زن مسلّم تلقی شده و علت برتری مرد بر زن، عنوان شده است، بدون این که قید «وَبِما أَنْفَقُوا» که علت برتری را بیان می‌نماید، مورد توجه قرار گیرد. تنها در اواخر قرن چهاردهم به خاطر نهضت زنان در غرب و انقلاب اسلامی ایران در تفسیر این آیه قید «وَبِما أَنْفَقُوا» که قوامیّت مرد را منحصر به دائره زوجیت نموده مطرح گردیده است. به طور خلاصه بیان می گردد:

جهت مقایسه و ریشه‌یابی تفکر برتری مرد از زن در کشورهای مسلمان، نظر برخی مفسیرین:

۱. تفسیر القمی قرن چهارم:

«و قوله «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلی بَعْضٍ وَبِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ» یعنی فرض اللّه علی الرجال ان ینفقوا علی النساء ثمّ مدح اللّه النساء فقال: «فَالصّالِحاتُ ...» «۱»

یعنی خدا بر مردان واجب کرده این که بر زنان نفقه دهند، پس زنان را مطرح کرده است ...».

۲. تفسیر البیان فی تفسیر القرآن، قرن پنجم:

«الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ» بالتأدیب والتدبیر لما «فَضَّلَ اللَّهُ» الرجال علی (۱). تفسیر القمی الجلد ۱، ص ۱۳۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۴۶

النساء فی العقل و الرأی. سبب نزول هذه الآیة ما قاله الحسن، و قتادة ابن جریج و السّدی: أنّ رجلًا لطم امرأته فجاءت الی النّبی صلی الله علیه و آله تلمتس القصاص، منزلت الآیة: الرجال قوّامون علی النساء» «۱» «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ به خاطر تأدیب و تدبیر است

در آن چه خدا مردان را بر زنان در عقل و رأی برتری داده است سبب نزول این آیه در آن چه حسن و قتادهٔ ابن جریج و سدی گفته است، همانا مردی ضربه‌ای به زناش زد، پس زن حضور پیامبر آمد و تقاضای قصاص کرد، پس این آیه نازل شد: «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ»».

۳. تفسیر الکشّاف، قرن ششم:

«الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَ هُمْ عَلی بَعْضٍ وَبِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ» «یقومون علیّن آمرین ناهنِ، کما یقوم الولاهٔ علی الرعایا، و سمّوا قوّاما لذلک و الضمیر فی بعضهم للرجال و النساء جمیعا یعنی انّما کانوا مسیطرین علیهّن بسبب تفضیل اللَّه بعضهم و هم الرجال، علی بعض و هم النساء و فیه دلیل علی انَّ الولایهٔ إنّما تسحق بالفضل، لابالتغلب و الاستکالهٔ و القهر. و قد ذکروا فی فضل الرجال: العقل، و الحزم، والغدم و القوّهٔ، و الکتابهٔ فی الغالب، و الفروسیهٔ، و الرّمی، و أنّ منهم الأنبیاء و العلماء و فیهم الإمامهٔ الکبری و الصغری، و الجهاد، والأذان، و الخطبهٔ، والاعتکاف و تکبیرات التشریق عند أبی حنیفهٔ، و الشهادهٔ فی الحدود و القصاص، زیادهٔ السهم، و التعصیب فی المیراث، والحمالهٔ و القسامهٔ، و الولایهٔ فی النکاح و الطلاق و الرجعهٔ، و عدد الأزواج، و إلیهم الانتساب، و هم أصحاب اللحی و العمائم (و لما انفقوا) و بسبب ما أخرجوا فی نکاحُهنَّ من اموالهم (۱). التبیان فی تفسیر القرآن شیخ الصائفهٔ ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی متوفی ۴۶۰- ۳۸۵ ه الجزء الاول، ص ۱۸۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۴۷

فی المهور و النفقات». «۱»

۴. التفسیر جوامع الجامع، قرن ششم:

«الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ» یقومون علیّن بالامرو النهی کما تقوم الولاهٔ علی رعایاهم و لذلک سمّوا قوّاما، بسبب تفضیل اللَّه بعضهم و هم الرجال علی بعض، یعنی النساء و قدذکر فی تفصیل الرجال اشیاء: منها العقل و الحزم و الجهاد، و الجمعهٔ و الاذان وعدد الازواج و الطلاق و غیرذلک، و بما انفقوا ای و بسبب ما انفقوا فی نکاحهنَّ من الاموال یعنی المهر و النفقه». «۲» مردان بر زنان یا امر و نهی مسلّطاند، همچنان که حاکمان بر رعیت‌شان قیام می‌کنند و برای همین قوّام نامیده شوند. به سبب برتری که خدا بعضی را که مردان هستند، بر بعضی دیگر یعنی زنان داد. و در برتری مردان مواردی ذکر کرده است از آن مولود عقل و اندیشه جهاد و بهشت و اذان و تعدد همسر و طلاق و غیره است.

۵. تفسیر رَوْحُ الجِنان و رُوْح الجَنان، قرن ششم:

«... مردان قیّمان و ایستادگان‌اند بر زنان، گماشته و مسلّط دست اینان زبردست و دست اینان زیر دست مردان را، زبان امر است و گفتار نهی است و دست تأدیب است، «بِما فَضَّلَ اللَّهُ» مراد عقل است و گفته‌اند بزیادهٔ الدین و الیقین و از آنجا که زن ناقص عقل و ناقص دین است، برای این که در ماهی چند روز نماز نتواند کردن و روزه نتواند داشتن ...» «۳» (۱). جاداللَّه محمود بن عمرالزمخشری، تفسیر الکشّاف، جزء الاول، ص ۵۰۵، متوفی ۵۲۸ ه.

(۲). ابوعلی الفضل بن الحسن طبرسی، الفسیر جوامع الجامع، الجلد ۴، ص ۵۰۸. متوفی ۵۴۸.

(۳). شیخ ابوالفتوح رازی، تفسیر رَوْحُ الجِنان و روُحُ الجنان، جلد ۳، ص ۳۸۰- ۳۷۹.

۶. تفسیر القرآن العظیم، قرن هشتم:

«الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ» ای الرجل قیّم علی المرأة ای هورئیس‌ها و کبیرها و الحاکم علیها و مؤدّبها اذا اعوجت «بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ» ای لأنّ الرجال أفضل من النساء و الرجل خیرٌ من المرأة و لهذا کانت النبوة بالرجال و کذلک الملک الاعظم لقوله صلی الله علیه و آله، «لن یفلح قوم ولّوا امرهم امرأة» و کذا منصب القضاء و غیر ذلک «وَبِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ» ای من المهور و النفقات و الکلَّفَ التی أوجبها اللّه علیهم لهنَّ فی کتابة وسنة نبیّه صلی الله علیه و آله فالرجل أفضل من المرأة فی نفسه و له الفضل علیها و الإفضال فناسب أن یکون قَیِّما علیها. «۱»

۷. مواهب علّیه یا تفسیر حسینی، قرن نهم و تفسیر کبیر منهج‌الصادقین، قرن دهم:

«الرِّجالُ قَوّامُونَ» مردان کارگزاران و ایستادگان‌اند. بر زنان و قائم به امور معاش ایشان مانند قیام ولایت بر رعیت، این به سبب آن چیزی است که تفضیل کرد خدا و افزونی داد، برخی از ایشان را که مردان‌اند، بر برخی که زنان‌اند و تفضیل مردان، به کمال عقل است و علم و حسن تدبیر و مزید قوّت در اعمال و عبادات، و وفور فهم و حدس و به جهاد کمال صوم و صلوات جمعه و نماز عیدین و قضا و شهادت در حدود و قصاص و زیادتی میراث و استبداد بفراق و امثال آن و آن که انبیاء و ائمه علیهم السلام از مرداناند، همه فضایل اکمل است و اشرف و «بِما انْفَقوُا» و دیگر فضیلت داد مردان را بر زنان به سبب آن چیزی که نفقه می‌کنند بر زنان از مال‌های خویش. «۲» (۱). تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن کثیر القرشی الدمشقی، ج ۱، ص ۴۹۱، متوفی ۷۷۴ ه.، چاپ چهار جلدی.

(۲). کمال الدین حسین کاشفی، مواهب علّیه یا تفسیر حسینی، ج ۱، ص ۲۳۴ و نیز ملّافتح اللّه کاشانی، ج ۳، ص ۱۹- ۱۸.

۸. تفسیر الصّافی، قرن یازدهم:

«الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ» یقومون علیهنَّ قیام الولاة علی الرعیة بما فضَّل اللّه بعضهم علی بعض بسبب تفضیله الرجال علی النساء بکمال العقل وحسن التدبیر و مزید القوة فی الاعمال و الطاعات و بما انفقوا من اموالهم فی نکاحِهِنَّ کالمهر والنفقة فی العلل عن النبی صلی الله علیه و آله انه سئل ما فضّل الرجال علی النساء فقال کفضل الماء علی الارض فبالماء تحیی الارض وبالرجال تحیی النساء و لولا الرجال ما خلقت النساء ثم تلا هذه الایة ثمّ قال الا تری الی النساء کیف یحضن و لاتمکننَّ العبادة من القذارة و الرجال لایصیبهم شیء من الطمث» «۱»

۹. تفسیر کنزالدقائق، قرن دوازدهم و تفسیر شریف لاهیجی یازدهم:

الرجال یقومون علیهم قیام الولاة علی الرعیّة و علّل ذلک بأمرین، موهبی و کسبی فقال: بما فضّل اللّه بعضهم علی بعض: بسبب تفصیله الرجال علی النساء بکمال العقل و حسن التدبیر و مزید القوة فی الاعمال و الطاعات. ولذلک خصّوا بالنبوة و الامامة و اقامة الشعائر و الشهادة فی مجامع القضایا، و وجوب الجهاد و الجمعة و زیادة سهمهم فی المیراث و بما انفقوا من اموالهم فی نِکاحِهِنَّ کالمهر و النفقه. فی کتاب علل الشرایع «۲»: ... سَأَلَهُ أن قال (رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله) ما فضّل الرجال علی النساء؟ (۱). تفسیر الصّافی الفیض الکاشانی، الجزء الاوّل، ص ۴۴۸، منشورات بیروت- لبنان، متوفی ۱۰۹۱. ترجمه در بند ۹ آمده است. احتلام ارادی و غیرارادی مردان در طول شبانه روز و وجوب غسل نادیده گرفته شده است این نیز مشقتی است بر مردان، هر دو امری غیر ارادی و مربوط به خلقت ویژگی‌های جنسیتی زن و مرد از سوی خالق حکیم است و بندگان خدا را نشاید که بر خلقت خالق و حکیمی دانا خرده گیرند.

(۲). علل الشرایع: ج ۲، ص ۱۹۸ باب ۲۸۶ العلّة التی من اجلها فضّل الرجال علی النساء، ح ۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۵۰

«بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَبِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ» و قال الیهودی: لأیّ شیء کان هکذا؟ فقال النّبی صلی الله علیه و آله: خلق اللَّه آدم من طین و من فضلته و بَقِّیَتُهُ خلقت حوّاء و أوّل من اطاع النساء آدم فأنزله اللَّه من الجنّه، و قد بیّن فضل الرجال علی النساء فی الدنیا، ألاتری إلی النساء کیف یَحْصنَّ و لایمکنَهنَّ العبادهٔ من القذارهٔ، والرجال لایصبهم شیء من الطمث، فقال الیهودی: صدقت یا محمد». «۱» «یعنی مردان والیان و غالبان‌اند بر زنان خود، که تا آن زنان را تأدیب کنند» «بِما فَضَّلَ اللَّهُ» به سبب زیادتی که خدای تعالی داده است «بَعْضَهُمْ» بعضی ایشان را، که مردان «عَلى بَعْضٍ» بر بعضی دیگر که زنانند به قوت بدن و کمال عقل و حسن تدبیر و اختصاص نبّوت و امامت، و ولایت و اقامت شعائر اسلام و جهاد و زیارتی نصیب در میراث و این فضل موهبتی است، «وَ بِما انْفَقُوا» و به سبب انفاق و بخششی که مردان بر زنان می‌کنند ... در کتاب علل الشرایع مذکور است که آن حضرت فرمود که: فَضَّلَهُمْ عَلَیهِنَّ کفضل السماء علی الارض و کفضل الماء علی الارض فالماء یحیی الارض و بالرجال تحیی النساء، و لولاالرجال ما خلقوا النساء». «۲»

۱۰. تفسیر جامع:

«ابن بابویه به سند خود از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام در آیه «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ» فرمود: شخص یهودی خدمت پیغمبر آمد، و مسائلی پرسید، از آن جمله این بود: چیست فضیلت و برتری مردان بر زنان؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برتری مردان بر زنان مانند برتری آسمان است، بر زمین، و یا اهمیتِ آب بر خاک، که به واسطه وجود آب زمین زنده می‌شود، و اگر مرد (۱). المیرزا محمد المشهدی ابن محمدرضا بن اسماعیل بن جمال الدین القّمی تفسیر کنزالدقائق، الجز الثانی، ص ۴۴۲- ۴۴۱، متوفی حدود عام ۱۱۲۵ ه.

(۲). بهاء الدین محمد شیخ علی شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، قرن ۱۰۸۸ قمری.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۵۱

نبود، خداوند زن را نمی‌آفرید، و این آیه را تلاوت فرمود. یهود گفت: این فضیلت برای چیست؟ فرمود: خداوند آدم را از گِل آفرید، و از زیادی گِل آدم، حوّا را خلق نمود، اول کسی که از زنان اطاعت کرد، آدم بود، لذا او را از بهشت خارج نمودند، و خدا فضیلت مردان را بیان فرموده است، آیا نمی‌بینی چگونه زنان حیض می‌شوند و نمی‌توانند خدا را عبادت کنند و مردها این طور نیستند، یهودی گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله راست می گویی». «۱» در این تفسیر، ترجمه این آیه چنین آمده است: «مرد را ولیّ امر زنان قرار داده و آنها را بر طائفه زنان برتری بخشیده، هم از نظر فزونی عقل و دانش و عزم ثابت مردان، هم آن که مردها ملزم به تأدیه نفقات و مهربانوان هستند». «۲»

۱۱. تفسیر مقتنیات الدرر، قرن چهاردهم:

«الرِّجالُ» قائمون بالامر والنهی بالمصالح و عن الفضائح قیام الولاهٔ علی الرعیّهٔ مسلّطون علی تأدیبهنَّ و علّل ذلک بامرین: وهبی و کسبی فقال «بِما فَضَّلَ اللَّهُ» بسبب تفضیله سبحانه الرجال علی النساء بالحزم و القوهٔ و الرّمی و الحماسهٔ و السماحهٔ و النیل ببعض السعادات الدینیهٔ «وَبِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ» و بسبب انفاقهم من اموالهم فی نکاحهنَّ و فی نفقاتهنَّ». «۳» در مقایسه‌ی تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء، تا قرن سیزدهم، یکسانی محتوا و حاکمیت مردسالاری در جامعه، و القاء برتر بودن مرد و نقص ذاتی زن، در خلقت و عقل و ... روشن است. از قرن چهاردهم که در جهان غرب و اروپا جنبش زنان برای احقاق حقوق خود، شکل می گیرد، در جهان اسلام نیز زن هرچند بسیار دیرتر از غیر مسلمان، «حق» پیدا کرده و هوّیت می‌یابد. لذا با تغییر و دگرگونی در شرایط (۱). تفسیر

جامع، ج ۲، ص ۶۸.

(۲). همان، ص ۶۵.

(۳). الحاج میر سید علی حائری تهرانی، تفسیر مقتنیات الدرر، ج ۳، ص ۹۶، متوفی، ۱۳۴۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۵۲

سیاسی و فرهنگی کشورها، از جمله کشور مسلمان، دیدگاه مفسرین، نیز تغییر می‌یابد، به طوری که از اواسط قرن چهاردهم به بعد تفسیر این آیه کاملًا متضاد، با تفاسیر قرن چهارم تا سیزدهم، می‌باشد.

از قرن چهاردهم، قید «انفَقوُا» دو علّت برتری مرد بر زن، مورد توجه قرار گرفته، و اضافاتی که با سایر آیات قرآن و روایات معتبر و سنّت عملی پیامبر و ائمه علیهم السلام منافات دارد، کاهش می‌یابد و زن پس از گذشت سیزده قرن از ظهور اسلام تا حدودی ارزش و حقوق انسانی می‌یابد.

۱۲. تفسیر المیزان، قرن چهاردهم:

«قیّم کسی را گویند که مهم کسی دیگر را انجام دهد، و قوّام و قیام صیغه مبالغه آن می‌باشد، مراد از «بِما فَضَّلَ اللَّهُ» آن فزونی و امتیازی است که بالطبع، مردان بر زنان دارند، یعنی زیادتی قوّه تعقل و فروع آن، مانند هماوردی و تحمل شدائد و کارهای سخت و ... زیرا، زندگانی زنان، زندگانی احساسی و عاطفی است، و بر نازکدلی و ظرافت مبتنی می‌باشد. مراد از انفاق، نفقه و مهریه‌ای است که مردان بر زنان می‌پردازند. از عموم و توسعه علّت قیمومیّت مردان، معلوم می‌شود، که قیمومیّت منحصر و مخصوص به مورد زن و شوهر نیست، بلکه دامنه آن تمام نوع مرد و زن را می‌گیرد، در تمام جهاتی که زندگی، آن دو را به هم پیوند داده، یعنی جهات اجتماعی، همگانی مانند حکومت، قضاوت و دفاع، زیرا این جهات با مسئله تعقل، که در مردان بالنسبهٔ بیش از زنان است، ارتباط و نسبت مستقیم دارد. بنابراین «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ» مطلق است، امّا جمله «فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ» مربوط و مخصوص به زوجین بوده، و فرعی از آن حکم مطلق و جزیی از جزئیات مستخرجه از آن می‌باشد، بدون آن که به اطلاق اصل خدشه‌ای وارد نماید». «۱» (۱). علّامه سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ترجمه، ص ۵۰۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۵۳

در صفحه بعد، در توضیح ادامه آیه «فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ ...» آمده است:

«همانطور که قیمومت طائفه مرد بر زن، در جامعه متعلق به جهات همگانی و مشترک بین زن و مرد، مرتبط به تعقل وی می‌باشد، بدون آن که استقلال و حقوق فردی زن پایمال گردد و در خواسته و نخواسته‌اش مرد حقّ دخالت داشته باشد، (به جز در کارهای ناهنجار) و زنان در هر کار شایسته‌ای که خواسته باشند مختارند، همان طور هم قیمومت مرد بر همسرش، طوری نیست که اراده و تصرف زن را در ملک خودش سلب کند یا زن را از استقلال و حفظ حقوق اجتماعی و فردی خود و دفاع از آن باز دارد ...». «۱»

۱۳. تفسیر نمونه، قرن چهاردهم:

«الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ» «مردان سرپرست و خدمتگزار زنان هستند، بخاطر برتری‌هایی که (از نظر نظام اجتماعی) خداوند برای بعضی نسبت به بعض دیگر قرار داده است ...».

«... این موقعیت، به خاطر وجود خصوصیاتی در مرد است، مانند ترجیح قدرت تفکر او بر نیروی عاطفه پراحساسات و دیگری، داشتن بنیه و نیروی جسمانی بیشتر که با اوّلی بتواند بیندیشد و نقشه طرح کند، و با دوّمی بتواند، از حریم خانواده خود دفاع نماید؛ به علاوه تعهد او در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه‌های زندگی، و پرداخت مهر و تأمین زندگی آبرومندانه همسر و

فرزند، این حقّ را به او می‌دهد، که وظیفه سرپرستی به عهده او باشد ... ولی ناگفته پیداست، که سپردن این وظیفه به مردان نه دلیل بالاتر بودن شخصیت انسانی آنها است، و نه سبب امتیاز آنها در جهات دیگر، زیرا آن، صرفاً بستگی به تقوی و پرهیزگاری دارد، همان‌طور که شخصیت (۱). همان، ص ۵۰۸ و المیزان فی تفسیر القرآن، ص ۳۴۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۵۴

انسانی یک معاون از یک رئیس، ممکن است در جنبه‌های مختلفی بیشتر باشد، امّا رئیس برای سرپرستی، کاری که به او محوّل شده، از معاون خود شایسته‌تر است». «۱»

۱۴. نظر شیخ محمدمهدی شمس الدین:

نظر شیخ محمد مهدی شمس الدین در مفهوم «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ» در اواخر قرن چهاردهم تأمل و توجه به قید «وَ بِما انْفَقُوا» و مفهوم قیمومت است. ایشان در ردّ عموم و توسعه قیمومت مردان جامعه در تمام امور زندگی زنان «۲» می‌فرمایند: «به مقتضای این نوع برداشت، هر مردی ولی و حاکم بر زندگی عمومی و مسئولیت‌های عام و خاص تمام زنان جهان است، و بالطبع هیچ یک از زنان، نمی‌تواند، کوچک‌ترین مسئولیت، از جمله ریاست دولت را در دست گیرد، زیرا، زن نسبت به مرد، فاقد هرگونه تسلّط و حاکمیتی است ... لغت‌دانان، تصریح می‌کند، که واژه «قَوَمَ» تنها به معنای حاکمیت و سیاست، یعنی قدرت امر و نهی نیست، بلکه به معنای اصلاح، کفالت و نگهداری نیز به کار می‌رود. «۳» در ظاهر آیه شریفه، مراد از قوّامیت مرد بر زن، در خانواده و به اعتبار رابطه زوجیت است. این معنا از ادامه آیه «تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ ...» کاملًا مستفاد، می‌باشد، زیرا مسئله نشوز، تنها در رابطه زوجیت مصداق پیدا می‌کند، علّت مذکور، به تنهایی علت قوّامیّت نیست، بلکه با افزودن انفاق مال در ادامه آیه، علّت تامّه شده، و قوامیّت مرد معلول هر دو عامل است، و هریک، به تنهایی موجب قوّامیّت نمی‌شود. لذا مرد، نسبت به زنی که همسر او نیست، قوامیّت ندارد، زیرا هزینه زندگی او را (۱). جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۰- ۳۶۹، سال ۱۳۵۳ هجری شمسی.

(۲). رجوع شود به نظر علامه طباطبایی تفسیر المیزان، بند ۱۲.

(۳). محمدمهدی شمس الدین، حدود مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام، ص ۶۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۵۵

نمی‌پردازد، و زن موّظف به تبعیت از مرد نیست. پس ملاک تحقق قوّامیّت، وجود دو عامل قوّامیّت و انفاق با یکدیگر است، و در شرایطی که انفکاک این دو عامل در زندگی زناشویی، قوامیّت را منتفی می‌سازد، به طریق اولی، نسبت به زنان دیگر، چنین قوّامیتی، منتفی است».

قبول عمومیّت- علتی که سبب قوّامیّت و تسلط مرد بر همه زنان در تمام امور است- مستلزم «تخصیص اکثر». «۱»

- که امری ناپسند است- می‌شود.

همچنین در زندگی زناشویی هم، جز در حقوق همسری، بر زن ولایت و قوّامیّت ندارد، و آن حقوق هم محدود و خاص است، بارزترین آنها عبارتند از: حقّ پیروی از شوهر در انتخاب محل زندگی. و خروج از منزل- که آن هم با شرط ضمن عقد قابل اسقاط و تحدید است- و دیگری حقّ آمیزش.

تعمیم امری که به موارد بسیار محدودی منحصر می‌شود، از یک انسان حکیم معمولی، پسندیده نیست، تا چه رسید به خداوند علیم و حکیم.

همچنین، عمومیّت بخشیدن به تعلیل آیه محل بحث است، زیرا اگر در همه جوانب مرد را از زن برتر بشماریم، گذشته از آن که با دریافت فطری ما نمی‌خواند، بر خلاف حقایق آفرینش در کتاب خدا و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله، است.

بشـر، اعم از زن و مرد، در اصل آفرینش از فضیلت یکسان، برخوردار است و برحسب اصل آفرینش، هیچ مردی بر هیچ زنی و هیچ مردی بر هیـچ مردی و هیـچ زنی بر زنی برتری نـدارد، لذا، افضـلیّت، یک امر نسبی است، و مسـتفاد از نصوص شـرعی، در کتاب و سنّت صحیح، بیانگر آن است که مرد به واسطه توانایی‌های خود در کار و تولید، در جامعه و زندگی اجتماعی، امتیاز می‌گیرد و زن امتیـازات خود را از توانایی‌هـای متنـاسب با نقش خود در جامعه و (۱). تخصـیص اکثر یعنی در جایی که حکم به اسـتثناء می‌کنیم، متثنی از مستثنی منه بیشتر باشد، مانند این که بگوییم تمام چهارده معصوم زن بوده‌اند، به استثنای سیزده نفر.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۵۶

خانواده، کسب می‌کند». «۱»

۱۵. نظر علّامه محمدحسین فضل اللّه:

«الرِّجـالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ» مردان بر زنان تسـلّط دارنـد، در دیـدگاهی که قوّامیّت چنـدان فراگیر است که همه چیز را در چتر خود می‌پوشانـد، و در نتیجه، همیشه مرد، در مرتبه نخستین می‌نشـیند، و سـرپرست و نـاظر بر امر زن است، و زن همیشه انسـان درجه دوّم اسـت؛ در حـالی کـه، قوّامیّت مطرح در ایـن آیه، صـرفاً به حـوزه مسائـل زنـاشویی و خـانوادگی اختصـاص دارد، زیرا در ادامه آن می‌خـوانیم: «بِمـا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَـهُمْ عَلی بَعْضٍ وَبِمـا أَنْفَقُـوا مِـنْ أَمْوالِهِمْ» زیرا خداونـد بعضـی، از انسان‌هـا را بر بعضـی دیگر برتری بخشیـده و از آن رو که، مردان از اموال خویش (برای زنـان) خرج می‌کننـد، تنها جایی که وظیفه مرد است، که به لحاظ مرد بودن، مسـئولیت خرجی دادن زن را، به لحاظ زن بودن بر گردن بگیرد، در دائره زوجیّت است، زیرا مسئولیت «پدر» در زمینه تقبّل مخارج فرزنـدان، در مورد پسـر و دختر یکسـان است، و تأمین مخارج دختر را از آن جهت که فرزنـد اوست به عهـده دارد، نه یک موجود «زن»، قوّامیّت نیز اساساً به ارجحیّت وجودی «شخصیت» شخص «قوّام» ارتباطی ندارد، بلکه صرفاً به شخص برمی‌گردد، که مسئولیت اداره خـانواده بر عهـده اوست». «۲» ایشـان در جـایی دیگر می‌فرماینـد: «فضـل و برتری، در وظیفـه معیـن مرد است که به سـبب آن وظیفه، بر زن قوّامیّتِ پیدا می‌کند، و آن اداره زندگی زوجه است، به لحاظ قرینه انفاق کلمه فضل کلمه‌ای مجمل است که در قرآن

(۱). محمدمهدی، شمس الدین، حدود مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام، ص ۶۸ و ۶۷.

(۲). سیدمحمدحسین فضل اللّه، نقش و جایگاه در حقوق اسلامی، ص ۲۲، نشر میزان، نشر دادگستر، چاپ اول ۱۳۷۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۵۷

بر امـور متنـوعی دلالـت می‌کنـد و از قرینه مورد اسـتعمال شـناخته می‌شود». «۱» بنـابراین، بـا مقایسه و بررسـی محتوای تفاسیر قرن چهـاردهم در این آیه، می‌توان دریافت که، اوضاع و شـرایط و فرهنگ غالب اجتماع در اعصار مختلف، چنان در متون و علوم دینی ریشه دوانده است که در طی ده قرن، در موضوعی واحد، دو دیدگاه کاملًا متفاوت ابراز شده است که دیدگاه ضعف و نقص عقلی زن به دلیل تکرار این دیـدگاه به طور اجماعی، مـدت ۹ قرن تداوم داشـته است. لذا، آنچه مسلّم است نه خلقت زن تغییر پیدا کرده است و نه آیات و دستورات دین دگرگون شده است، بلکه تنها فهم و درک افراد، با دگرگونی شرایط اجتماعی، تغییر یافته، و عقل و بصـیرت و کنـار هـم نهـادن آیـات و روایـات و سـیره عملی پیـامبر و ائمه علیهم السـلام، و پژوهش‌هـای علمی در قرآن، به دور از گرایشات قومی و فرهنگی و ... گسترش پیدا کرده و معیار و ملاک اصلی در تفسیر متون دینی گردیده‌اند.

استناد به آیه‌ای دیگر در اثبات ضعف عقلی زن:

تضاد مفهومی و تأثیر دیدگاه‌های منفی در قرون گذشـته، بر زندگی زن غیر قابل انکار است. برخی برای اثبات برتری مرد بر زن، به دو آیه دیگر نیز استناد نموده‌اند، که تفاسیر متضادی از این دو آیه نیز شده است. یکی از این آیات، آیه ۲۲۸ سوره بقره می‌باشد که

می‌فرماید:

۱. «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِی عَلَیْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَهٌ» تفاسیر مختلف، مراد از «دَرَجَهً» را برتری مرد در آفرینش و اخلاق و مقام و اطاعت خدا و انفاق، اقدامات مصلحت‌آمیز و مقام برتر در دنیا و آخرت می‌داند. «۲» بنابر تعبیر تفسیر المیزان «خدای تعالی به عمل طلاق و ملحقات آن و انجام آن وفق سنن فطری اهتمام دارد. کلمه معروف هم متضمن هدایت عقل است، (۱). سیدمحمدحسین فضل اللّه، دنیا المرأة، ص ۴۶، طبعة الرابعة، بیروت ۱۴۱۸ ه..

(۲). اسماعیل ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۵۰۶، دارالکتب العلمیة.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۵۸

هم حکم شرع و هم فضیلت اخلاقی، و هم سنّت‌های ادبی و انسانی». «۱» در قرن چهاردهم به نظر علّامه فضل اللّه مراد از «دَرَجَةً» به اتفاق فقهاء طلاق است و عبارت دَرَجَةً مبهم است، و غیر از این معلوم نیست و بر چیز دیگری ظهور ندارد.

همچنین بنابرنظر ایشان در صورتی می‌توان به این آیه شریفه، استناد نمود که در تمام زمینه‌ها، مقام مردان را از زنان بالاتر بدانیم، در حالی که چنین نیست، زیرا واژه «دَرَجَةً» به شکل نکره استعمال شده است، و چنین استعمالی حاکی از آن است که، برتری مردان در محدوده خاصی مورد نظر است. و به طور قطع نمی‌توان آن را به همه زمینه‌ها، تعمیم داد. مراد از «دَرَجَةً» همان حاکمیت شوهر در خانه است، آن هم تنها در حقوق زناشویی نه امور دیگر.

از طرفی موضوع ابتدای این آیه و آیات بعد در مورد طلاق است، و این فراز از آیه به حقوق زن در برابر وظایف وی در قبال شوهر اشاره دارد». «۲» ۲. «أَوَ مَنْ یُنَشَّؤُا فِی الْحِلْیَةِ وَهُوَ فِی الْخِصامِ غَیْرُ مُبِینٍ»

آیه دیگر مورد استناد معتقدین به برتری ذاتی مرد بر زن و دلیلی بر عدم ولایت زن در حکومت و قضا و ...، آیه ۱۸ سوره زخرف می‌باشد که می‌فرماید:

ترجمه و تفسیر جمله: «وَهُوَ فِی الْخِصامِ غَیْرُ مُبِینٍ» نیز بسیار متضاد و در قرون مختلف مصرّ، بر نقص ذاتی زن به استناد این آیه می‌باشد. به مواردی از این تفاسیر و دیدگاه‌ها اشاره می‌شود:

۱. تفسیر مجمع البیان، قرن ششم: «آیا آنچه را که در زر و زیور رشد می‌کند، و در مبارزه نمایان نمی‌گردد، سهم خدا ساختند؟» «۳»

(۱). محمدحسین، فضل اللّه، دنیا المرأة، ص ۹۱، الطبعة الرابعة، بیروت، ۱۴۱۸ ه.

(۲). همان، ص ۶۹.

(۳). شیخ طبرسی، مجمع البیان، ترجمه، جلد ۲۲ ص ۳۰۱۹۴- ح ۱۰ ص ۴۵.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۵۹

۲. تفسیر منهج الصادقین: قرن دهم و تفسیر مقتنیات الدرر قرن ۱۴ تفسیر جوامع الجامع قرن ششم «۱»: «... (و هو فی الحضام) و او در وقت مخاصمه و مجادله و سخن گذاری (غیر مبین) آشکارا کننده حجت نباشد یعنی در وقت محاجت تقریر، حجت نتواند کرد، بلکه به جهت نقصان عقل و ضعف رأی تقریر حجّت برخود کند نه برای دیگری». «۲» ۳. تفسیر شریف لاهیجی، قرن یازدهم: «آیا گردانیدند این مشرکان برای خدای تعالی دخترانی را که تربیت می‌یابند در زینت، به واسطه نقصان ذاتی آنها، چه ناقصان، محتاج به حلّی و حلل‌اند تا در نظر مردم خوب نمایند و کاملان را احتیاج به آرایش خارجی نیست. بلکه همان کمال ایشان باعث زینت ایشان است، و حاصل کلام این است که خدای تعالی در میان آنچه خلق کرد اخذ کرد برای خود بنات را و یا مشرکان گردانیدند، دخترانی را که محتاج به آرایش‌اند و ناقص بالذات‌اند، برای خدای تعالی؟ «وَهُوَ فِی الْخِصامِ غَیْرُ مُبِینٍ» و حال آن‌که او در وقت مجادله و گفتگو نتواند که بیان مدعای خود کند از جهت نقصان عقل». «۳» ۴. از نظر شیخ محمدمهدی شمس الدین: در قرن چهاردهم، «این آیه کریمه، بسیار بسیار از موضوع بحث فاصله دارد، به گونه‌ای که نمی‌توان آن را شاهدی بر مدّعا گرفت». «۴»

باتوجه به نظرات یاد شده و تأمل در آیه مذکور، در می‌یابیم که، برای تبیین صحیح مفهوم و مصداق آیه، به آیات قبل و بعد آن باید توجه نمود. در این سوره، آیه (۱). تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۵۰۸.

(۲). ملافتح اللّه کاشانی، منهج الصادقین، ج ۸، ص ۲۴۰.

(۳). تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۷۰.

(۴). محمدمهدی شمس الدین، حدود مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام، ص ۷۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۶۰

۱۴ تا ۱۸، نقل قول دیدگاه مشرکان عرب است، آیه شریفه، از واقعیت محدود نسبت به عرب جاهلی و دیدگاه جاهلی نسبت به ارزش معنوی زن، پرده بر می‌دارد، که زاییده شیوه تربیتی زن جاهلی است. لذا آیه شریفه، نه در مقام بیان طبیعت زن برای عرب بلکه، در صدد تبیین دیدگاه آنان در مورد زن قرار دارد. چرا که دو ویژگی موجود در آیه، به گونه‌ای نیست که، بتوان آنها را در مورد همه زنان و تمام جوامع و محیطها، صادق شمرد. در قرآن، ملکه سبا که یک زن است با عقل و تدبیر و دوراندیشی، با دعوت حضرت سلیمان برخورد می‌کند ولی مردان به زور بازو، متوسل می‌شوند. آیا ملکه‌ی سبا و حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام و تعداد کثیری از زنان صدر اسلام که به بلاغت و فصاحت شهرت داشتند، شامل این آیه نمی‌شوند؟!!

عدم توان احتجاج و پذیرش به جهت ضعف عقل و عدم توان دفاع از حقّ خود علاوه بر عقل به علم و دانش و تربیت صحیح اوّلیه و شجاعت و بلاغت و صراحت بیان نیاز دارد که موارد اخیر در میان زنان وجود داشته است، بنابراین، این موارد نمی‌تواند مورد نظر آیه باشد. امّا تعبیر تفسیر مجمع البیان، مبنی بر نمایان نبودن زن در مبارزه، با واقعیت موجود، بیشتر همخوانی دارد، چرا که برخی زنان، با تحریک مردان، به مخاصمه پرداخته و خود نمایان نمی‌گردند. در تاریخ نمونه‌هایی از پادشاهان نیز بوده است که زنان درباری، شاه را به اموری وادار می‌نموده‌اند، همچنین عدم حضور زن در میدان جنگ نیز می‌تواند یکی دیگر از مصادیق آیه می‌باشد.

معاشرت زنان با مردان در روایات منقول و کتب مذهبی

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«ونهی أن تتکلم المرأة عند غیر زوجها وغیر ذی محرم منها أکثر من خمس کلمات ممّالابدّلها منه» «۱»

(۱). وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدماته و آدابه باب ۱۰۶، ص ۱۴۳، ح ۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۶۱

پیامبر نهی کرد از این که زن با نامحرم بیش از پنج کلمه که ناچار از آن است، صحبت کند.

سیره عملی پیامبر و ائمه علیهم السلام، این حدیث را نقض می‌نماید چرا که زنان در صدر اسلام علاوه بر صحبت در مسجد در حضور مردان، در جنگ‌ها نیز با اجازه معصوم به ترغیب و تشجیع رزمندگان اسلام می‌پرداختند که لازمه‌اش داشتن بیانی صریح و بلیغ و صدایی بلند می‌باشد. مواردی از سیره عملی پیامبر و ائمه علیهم السلام بیان می‌گردد.

سوده دختر عمّار بن الأسک همدانی در جنگ علی علیه السلام با امویان، برادران و سپاه را در حضور حضرت با اشعار خود تشجیع می‌کرد و امام معصوم ممانعت نمی‌کردند. «۱» همچنین امّ الخیر از زنان خطیب و بلیغ صدر اسلام بود.

وی در جنگ صفیّن سوار بر شتر با تازیانه‌ای در دست، سخنرانی هماهنگ با عقل و تابع قرآن و توأم با شجاعت و شهامت نمود و در زمان ضعف شیعه‌ها و بحبوبه قدرت امویان در دربار و حضور معاویه که وی را به قتل تهدید کرد:

گفت: «به خدا من نگران نیستم، که قتل من به دست کسی اتفاق بیفتد که خداوند در اثر شقاوت او مرا سعید کند». «۲» زنانی که

در جنگ‌ها امور تدارکاتی از قبیل تخلیه مجروحین، دفن شـهدا را به عهده داشـته، و به تبلیغ با ایراد خطابه و شعر در صحنه‌های نبرد می‌پرداختنـد کم نبوده‌انـد. علاوه بر این، در ضـمن این فعالیت‌ها، محـدّثه هم بودنـد، و ماننـد سایر اصـحاب، احادیثی از پیامبر نقل می‌کردند.

همچنین بررسـی حـدیثی دیگر به نقل از حضـرت زهرا علیها السـلام نقض حـدیث فوق را روشن‌تر می‌نمایـد: «خیرٌ للمرأة أن لاتری الرجل و أن لایراهارجلٌ» برای (۱). عبداللَّه جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۲۹۷.

(۲). همان، ص ۳۱۷- ۳۰۹ به نقل از درالمنشور فی طبقات ربات الخدور، ص ۵۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۶۲

زن بهـتر است که هم خود، مرد (نـامحرمی) را نبینـد و هم از چشم نامحرمـان پوشـیده بمانـد». آیت اللَّه خویی رحمه الله در مبـاحث فقهی خود از ارسال (مرسل بودن) و عدم صـحت آن گفتگو کرده است. برخی دلایل عدم صـحت این حدیث در مقایسه تطبیقی با سیره عملی معصوم علیهم السلام به قرار زیر است:

۱. زنان مسلمان در جنگ‌ها در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مداوای مردان مجروح و سقایت تشنگان مرد می‌پرداختند.

۲. زنان مسـلمان به مسـجد النبی می‌آمدند و در نماز جماعت شرکت می‌جستند، لذا در رفت و آمد به مسجد، هم دیده می‌شدند، و هم مردان را می‌دیدند ولی پیامبر از این عمل نهی نمی‌کرد.

۳. زنان به حضور پیامبر شرفیاب شده با ایشان به گفتگو می‌نشستند، در حالی که علاوه بر خود پیامبر مردان دیگری حضور داشتند.

۴. هیچیک از ائمه طاهرین علیهم السـلام نیز از این نوع مراوده‌ها نهی نکرده‌اند. به طوری که امام باقر علیه السـلام دختر خود سکینه را در حضور دو مرد خواسـته‌اند تـا چراغ بیاورد ...». «۱» ۵. امام صادق علیه السـلام از مسافرت زنی به نام ام سـعید حمسیّه با مرکبی کرایه‌ای برای زیـارت قبـور شـهدا ممـانعت نکرده و وی را ترغیب به رفتن به زیـارت کربلاـ نمودنـد. «۲» بنابراین، بر فرض صـحت حدیث، مقصود تأکید بر لزوم پرهیز از هرگونه عمل تحریک‌آمیز است.

شیخ فضل اللَّه نیز این حدیث را صـحیح ندانسته و تمسک و التزام به مفاد و مدلول آن را وجهی نمی‌دانند. «۳» همچنین شیخ طوسی در کتاب تهذیب از صفوان پسر عمران (که شغل (۱). بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۶۶.

(۲). بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۷۱ و ۳۶.

(۳). فضل اللَّه، سیدمحمدحسین، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، ص ۶۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۶۳

وی حمله‌داری بود) نقل می‌کند که گفت: به امام صادق علیه السـلام عرضه داشـتم: «زنی مسـلمان که حرفه مرا می‌شناسد و من هم می‌دانم او مسلمان است به من مراجعه می‌کند تا او را با کاروان ببرم و محرمی ندارد، وظیفه‌ام چیست؟

فرمود: مرد مؤمن با زن مؤمن، محرم است، و این آیه را تلاوت کرد:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنـاتُ بَعْضُ هُمْ أَوْلِیـاءُ بَعْضٍ» مردان و زنان مؤمن بر یکـدیگر ولایت دارنـد». «۱» این مـوارد، به خوبی طبیعی بودن روابط انسانی مردان و زنان مسـلمان را نشان می‌دهـد. لـذا ارتباط زن و مرد به عنوان دو انسان بـدون توجه به جنسیت، بلااشـکال و به‌عنوان مؤنث و مذکرو اعمال تحریک‌آمیز جایز نخواهد بود.

برای دریـافت دسـتور دین، بایـد آیات و روایات و سـیره عملی پیامبر و ائمه علیهم السـلام را با هم و در کنار هم، بررسـی نمود، در صورت جداسازی و تفکیک هریک از اینها و استنتاج نتیجه، به دریافتی غیر واقعی از دین خواهیم رسید.

اثرات برداشت‌های متضاد و مغایر با اسلام در متون مذهبی و جامعه

عقل زن در روایات منقول

از امیرالمؤمنین علیه السلام در نقص عقل زن نقل شده است که فرموده‌اند: «... ولا تهیجوا امرأة و إنْ شتمنَ اعراضکم و سبّبن أمراءکم، فانّهنّ ضعاف القوی والانفس و العقول ...». «۲»

(۱). المیزان، ج ۱۹، ص ۳۴۷.

(۲). فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۹، کتاب الجهاد، باب ماکان یوصی به امیرالمؤمنین عذرالقتال، ح ۴ و نهج البلاغه نامه ۱۴. در کتاب‌های روان‌شناسی زن در نهج البلاغه به قلم مریم معین الاسلام و ناهید طیبی ضمن بیان تفصیلی نظرات روان‌شناسان در مورد زن به این حدیث نیز استناد شده و نیز روان‌شناسی زن به قلم سید مجتبی هاشمی رکاوندی ص ۶۴ به تأثیر عواطف بر قضاوت‌های عقل و نقص عقلی زن در برابر مرد استناد کرده است که زنان برای تفهیم عقل خود محتاج و حضور مردان در زندگی خود هستند!

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۶۴

«هیچ زنی را با آزار رساندن، رنجیده خاطر نکنید، اگر چه به شما اهانت کنند و زمامداران‌تان را دشنام دهند، چرا که آنان، از نیروی اندک و روحی ناتوان و عقلی ضعیف برخوردارند».

این روایت در برخی از طرق خود از جمله طریق شریف رضی- مرسل است و در برخی دیگر، سند ضعیف دارد لذا چون حجیّت ندارد، نمی‌توان بدان استدلال کرد.

از جهت دلالت، درباره نهی از ضرب و شتم زنان و آزار بدنی ایشان در جنگ است، که عواطف و احساسات عمومی، تحریک می‌شود و مناظر و حوادث ناگوار آن، بر زنان تأثیر می‌گذارد، لهذا تأثر و خشم خود را، به سبب انفعال شدید خویش، با تعابیر عاطفی نیرومندی بیان می‌کنند. پس این روایت- بر فرض صدور- در چارچوب حاضر معنی می‌شود و ناگزیر استثناء بردار است، زیرا به روشنی می‌دانیم که نمی‌توان تمام زنان را به طور مطلق ضعیف القوی و ضعیف النفس و ضعیف العقل خواند، مطابق تعبیری که در روایت کراجکی «... الّا مَنْ جرّبت بکمال العقل ...» آمده است استثناء و تقیید نیز وجود دارد». «۱» در کتاب مکارم الاخلاق «۲» و مسند احمد «۳» از ابوهریره «۴» از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله، روزی طرف صبح به جانب زنها انصراف پیدا کرده و در مقابل آنها توقف فرموده و گفت: «یا معشر النساء مأرأیت مِنْ (۱). شمس الدین، محمد مهدی. حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۹۱.

(۲). الطبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، ص ۳۸۴.

(۳). مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷۳.

(۴). از جاعلین مشهور حدیث.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۶۵

نواقص عقول و دین، اذهب لقلوب ذوی الالباب منکنَّ فأنّی قدراً یتکنَّ اکثر اهل النار یوم القیامة فتقرن الی اللّه ما اسْتَطَعْنَ ...»

ای جماعت زنان، ندیده‌ام به مانند شما افرادی را که از جهت عقل و دین، ضعیف باشند، و در عین حال دل‌ها صاحبان خود را جلب کرده و مفتول خود نمایند و من بیشتر اهل آتش را از شماها دیدم ... امّا ضعف و نقصان دین، علامت آن ایّام حیض است که چون این عارضه پیش آید از نمازگزاران و روزه گرفتن محروم می‌شوید، و امّا علامت ضعف عقل این است که شهادت دو زن به جای شهادت یک مرد اثر می‌بخشد». این حدیث را با این مضمون و مضامینی دیگر در مستدرک حاکم و سنن ابن ماجه «۱» نیز نقل شده است که در کتاب زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث معتبر با عنوان ضعف زن مورد استناد قرار گرفته است. «۲» از جهت سند این روایت‌ها مرسل هستند و برخی دیگر مانند روایت کلینی از تعدادی اصحاب، سند ضعیفی دارد و بعید نیست که قطعه‌ای از حدیث مرسل شریف رضی باشد. برخی از این احادیث نیز دارای سند صحیح هستند مانند روایت کلینی، از تعدادی

اصحاب ما از احمد بن محمد بن عیسی اشعری ... از میان روایت‌هایی که دارای سند ضعیف یا مرسل هستند، بر فرض دلالت بر مطلوب، فاقد جمعیت‌اند و تعدادی که از سند صحیح برخوردارند، دلالت آنها بر مدّعا محل بحث است، و دلایل مطرح (۱). مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۱۹۰ و نیز سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶ کتاب الفتن باب ۱۹، ح ۴۰۰۳.

(۲). مصطفوی، حسن، زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث معتبر، ص ۳۰ و نیز کتاب مقدمه‌ای بر روان‌شناسی زن با نگرش علمی و اسلامی به قلم سید مجتبی هاشمی رکاوندی در اثبات تأثیر عواطف در قضاوتهای عقلی زن که آن را دلیل نقصان عقل می‌دانند به این حدیث استناد کرده‌اند. ص ۶۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۶۶

شده از جهت دلالت و متن قابل مناقشه‌اند.

در مورد ضعف دین به دلیل ایّام حیض اوّلًا ترک نماز و روزه، صرفاً به جهت انجام دستور خدا است نه ترک عمدی زنان، که اوّلی عین عبادت است و دوّمی عصیان در برابر امر خدا که، عصیان، ناقص دین و ایمان است، علاوه بر این، اگر کمی نماز زنان که حداقل ۳۶ روز و حداکثر ۱۲۰ روز در سال می‌باشد، باعث نقص دین هست، باید نتیجه بگیریم، که مردان و زنان مسافر، به جهت قصر نماز و مریضانی که با اشاره خوابیده و نشسته نماز می‌خوانند به خاطر کسر نماز، دینی در آنها باقی نباشد. با این حال، جلو بودن ۲۱۹ روز مکلّف شدن زنان از مردان نیز نادیده گرفته شده است، هیچ یک از احکام شرعی نیز بر چنین امری دلالت نمی‌نماید، علاوه بر این، این دلیل، با عدالت و حکمت خالق کریم منافات دارد، چرا که این ویژگی برای توالد و بقای نسل در وجود زن قرار داده شده است، چگونه ممکن است به خاطر امری حیاتی و وظیفه‌ای بر دوش زنان از طرف خداوند، عقل که تنها وجه تمایز بین انسان و حیوان است، از یک جلوه انسان در قالب زن دریغ داشته، و ناقص‌اش قرارداده، و تنها به جلوه‌ای دیگر در قالب مرد به طور کامل اعطاء شده باشد؟! آیا این تبعیض و ظلم، نسبت به دستگاه آفرینش، از دیدگاه افرادی خود برتربین، که در خداشناسی نیز دچار مشکل شده‌اند، نیست؟!! و خالق حکیم از این نسبت‌ها مبرّی نمی‌باشد؟

در رابطه با شهادت نیز، بنابر فرمایش علّامه فضل اللَّه، شهادت یک احساس طبیعی و وثوق در نقل ارتباط دارد، نه عقل که یک توان فکری است.

نقصان عقل، به کمی امکان و توان فکری زن از مرد بر می‌گردد. کثرت عاطفه لزوماً کمبود عقل را سبب نمی‌شود، همچنان که، زیادی پرخاشگری و غریزه جنسی و قدرت‌طلبی مردان از زنان، سبب نقص عقل آنان نیست. «۱» (۱). کدیور، جمیله، زن، ص ۲۲۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۶۷

با توجه به این که هیچگاه فرمایش معصوم با فرمایش خدا، متعارض نمی‌باشد، لذا با توجه به آیات زیادی از جمله آیه ۳۵ سوره احزاب، که صفات زنان و مردان مؤمن را برشمرده که لازمه حتمی احراز چنین ویژگی‌هایی، عقل سلیم و ایمان قلبی و اعتقادی می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که، خالق حکیم جهت نیل به این صفات، مقدماتی را از حیث ویژگی‌های جسمی و روحی از جمله عقل، در وجود زن نیز نهفته، و در قوانین و مقررات اسلام زمینه‌های وصول به آن صفات را از لحاظ حقوق انسانی و اجتماعی و اخلاقی در خانواده و جامعه به عنوان ضمانت اجرایی قرار داده است.

حدیث دیگری از حضرت علی علیه السلام در نقص عقلی زنان نقل شده است که فرمودند: «إنّ النساءَ نواقِصَ الایمان، نواقِصُ الحظوظِ، نواقِصُ العقول، فامّا نقصان ایمانهنَّ فَقُعُودُ هُنَّ عَنْ الصلوة و الصیام فی ایّام حیضهنَّ و امّا نقصان عقولهنَّ فشهاده امراتین کشهاده الرجل الواحد، و إمّا نقصان حظوظهنَّ فمواریثَّ علی الانصاف فی مواریث الرجال، فاتقوا شرارالنساء و کونوا من خیارهنَّ علی حذر و لاتطیعوهنَّ فی المعروف حتی لایطمعنَ فی المنکر». «۱»

«ای مردم، زنان، ایمان و بهره و خرد کمتری دارند، اندکی ایمان‌شان از آن روی است که در ایام حیض از نماز و روزه دست

می کشند، و انـدکی خردشان بـدان خاطر است که گواهی دو زن، همچون گواهی یک مرد است که کاستی بهره‌شان از آنجاست که سهم ایشان از ارث نصف سهم مردان است. پس، از زبان بـد بپرهیزیـد و از خوبان‌شان بر حـذر باشـید، در سخن نیک از آنان پیروی نکنیـد تا آنکه در سخن بـد طمع نکنند». (۱) . نهـج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۸۰ و از جمله فاتقوا به بعـد در مستدرک الوسایل، ج ۲ کتاب‌النکاح ابواب مقدمات النکاح باب ۷۳، ح ۴ و نیز بحارالانوار، ج ۱۰۰ باب فضل حبّ النساء ... ص ۲۲۸، ج ۳۱. روان‌شناسـی زن در نهـج‌البلاغه به قلم ناهیـد طیّبی به این حدیث در تفاوت ایمان زن و مرد اسـتناد نموده ولی اسـتدلالهایی بر نقص این فراز از حدیث آورده است، ص ۱۲۲- ۱۲۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۶۸

قسمت‌هایی از این حدیث به طور جداگانه نیز نقل شده است.

ابن میثم بحرانی در شـرح نهـج البلاـغه در توضـیح عبـارت «امّا نقصان عُقُولُهِنَّ فشـهادة امرأتین کشـهادة الرجل الواحـد» می‌نویسـد: «نقصان عقل در زنان یک سبب داخلی (فیزیولوژیکی) دارد و یک سـبب عارضـی. امّا سبب فیزیولوژیکی آن، نقص استعداد بدنی آنهـا و ناتوانی آنان را از جهش‌های فکری است، زیرا مردان دارای جهش‌های فکری هسـتند، چنان که خداونـد تعالی فرموده: «فَإِنْ لَمْ یَکُونا رَجُلَیْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَآءِ أنْ تَضِلَّ إِحْداهُما فَتُذَکِّرَ إِحْداهُما الأُخْری».

علت این که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد اعتبار دارد، این است که اگر یکی از زنان دچار فراموشی شوند، زن دیگر آن را یـادآوری کنـد و این فراموشـی مربوط به همـان سـبب ذاتی آنهـاست. امّـا سـبب عارضـی نیز در این مسئله وجود دارد، و آن کمی معاشـرت زنـان بـا اهل عقل و کمی ورزش قوای جسـمانی آنهاست و این هم به تبع ضـعف عقل آنها، در مسائل اقتصادی و اخروی می‌باشـد، لذا، آنان بیشتر تحت سـلطه قوای جسـمانی هسـتند تا قوای عقلانی، و بدین سـبب است که، زنان رقیق القلب‌تر، گریان‌تر، حسودتر، ناتوان‌تر و به مکر نزدیک‌تر و دروغگوتر و ... هسـتند، و به خاطر این صفات، تدبیر الهی اقتضاء می کند، که مردان بر آنها سلطه داشـته باشـند و با عقل خود زنـدگی زنان را اداره کننـد، همانگونه که خداونـد متعال فرمودند: «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلی بَعْضٍ وَبِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ». «۱» نظر علّامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۲۸ سوره بقره الرِّجالُ قَوّامُونَ ... در بیان علـت برتری مرد از زن چنین است: «... به شـهادت علم فیزیولـوژی، زنـان (۱). میثم البحرانی، میثم بن علی، شـرح نهـج البلاغه، ص ۲۲۴، انتشارات عطر سعادت قم، متوفی سال ۶۷۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۶۹

متوسط از نظر دماغ (مغز) و قلب و شـریانها و اعصاب و عضـلات بدنی و وزن، با مردان متوسط الحال تفاوت دارند، یعنی ضعیف‌تر هسـتند ... در مقابـل نیروی تعقـل مرد غـالب‌تر از زن است، پس حیـات زن، حیـاتی احساسـی است، همچنـان که حیات مرد، حیاتی تعقلی است. به خـاطر همین اختلاـف، اسـلام در وظـایف و تکـالیف عمومی و اجتمـاعی که قوام‌اش با یکی از این دو یعنی تعقل و احسـاس است، بین زن و مرد فرقی گذاشـته، آنچه ارتباطاش به تعقل بیشتر از احساس است از قبیل ولایت و قضا و جنگ را مختص به مردان کرد، و آنچه از وظـایف که ارتباطـاش بیشتر بـا احسـاس است مختص به زنـان کرد ماننـد رویش اولاد و تربیت او و تـدبیر منزل و امثال آن». «۱» برخی از مشارحین ماننـد ابن ابی الحدیـد، بر این عقیده‌اند که کلام مولی علیه السـلام رمز و اشاره‌ای است به یک زن خاص». «۲» نویسنده «۳»، حدیثی را در باب شـهادت از حضـرت علی علیه السلام به نقل از امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده که می‌فرمایـد: «.. زنی خدمت رسول اللَّه صـلی الله علیه و آله رسـید و عرض کرد: «چرا در شـهادت و ارث دو زن با یک مرد مسـاوی گرفتـه شـده اسـت؟ حضـرت فرمودنـد: ایـن حکمی است از طرف خداونـد عـادل حکیم که ظلم نمی کنـد و سـتم روا نمی‌دارد، زیرا شـما زنان در عقل ناقص هستیـد. چون هریک از شـما زنان نصف عمرش را به خاطر حیض نماز نمی‌خوانـد. شـما به نفرین و لعن بسیار می‌پردازید و ناسپاسی شوهر می کنید ...» «۴» لازم به ذکر است، حـداقل مدت حیض در زنان ۳۶ روز و حداکثر

۱۲۰ روز در (۱). المیزان، الجزء الثانی، ص ۲۸۹– ۲۸۷.

(۲). شرح ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۷۷.

(۳). گواهی، زهرا، سیمای زن در فقه شیعه، (پژوهشی پیرامون احکام خاص زنان) استاد راهنمامدیر شانه‌چی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۱۸، چاپ اول، ۱۳۶۹.

(۴). وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۹۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۷۰

سال است که جمعاً حداقل ۶۰ ماه و حداکثر ۲۰۰ ماه تا پنجاه سالگی و قبل از یائسگی می‌باشد که نمی‌توان پذیرفت پیامبر خاتم النبیین ناآگاه به مسئله بودند یا خلاف واقع بیان داشته‌اند. علاوه بر این، آیا این حکم (نقص عقل) شامل زنان یائسه نیز می‌شود؟! آیا می‌توان پذیرفت زنان فقط تا پنجاه سالگی نقص عقل دارند؟ البته هیچیک از مفسران و نویسندگان تکلیف زمان یائسگی را مشخص نکرده‌اند. بر فرض، اگر حیض مانع عقل و ایمان است، بعد از پنجاه سالگی چه دلیلی بر نقص عقلی زن وجود دارد؟!!!

نویسنده باز به حدیثی دیگر از حضرت علی علیه السلام به نقل از حضرت حسن عسگری علیه السلام در خصوص شهادت زنان استناد جسته‌اند که می‌فرمایند: «... از آنجا که شهادت دو زن در نزد خداوند معادل یک مرد قرار گرفته که زنان در عقل و دین‌شان ناقص هستند، سپس حضرت فرمود: ای جماعت زنان شما ناقص العقل آفریده شده‌اید لذا از اشتباه کاری در شهادت بپرهیزید «۱» ...».

بنابر نظر نویسنده علت بیان حدیث انَّ النساء نواقص الایمان، نواقص الحظوظ ... که به حضرت علی علیه السلام نسبت داده شده است این است که بعد از جنگ جمل باب فتنه میان مسلمانان گشوده شد و باعث ریختن خون تعداد بی‌شماری شد. این جنگ به سبب موانع انفعالی و احساساتی عایشه نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام در گرفت و تعدادی از اصحاب که با علی علیه السلام دشمنی داشتند، او را کمک نمودند. حضرت می‌خواهد از این تأثیر عمومی عایشه بکاهد حضرت سپس از ذکر چند حکم شرعی خاص زنان، در مورد عایشه چنین نتیجه‌گیری می‌کنند. «... فاتقوّا شرار النساء و کونوا من خیارهِنَّ علی حذر ولا تطیعو هنَّ فی المنکر» حضرت دو گروه از زنان را مشخص می‌سازد: (۱). وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۴۵.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۷۱

خوبان و بدان و سفارش به حذر کردن از خوبان به طور مطلق و کلی نیست، بلکه مقیّد به مواردی است که زنان خوب به جای تبعیت عامه مردم از دعوت عایشه و دیگران بود، زیرا عموم مردم او را از زنان خوب می‌دانستند.

در مورد حظّ هم نمی‌توان نقصان تلقی نمود، زیرا مرد تمامی حظّ خود را به جهت مسئولیت‌هایی که دارد مصرف می‌کند در حالی که زن چنین مسئولیتی ندارد، بنابراین در برخی از مواقع ممکن است افزایش حظّ زن هم باشد».

نویسنده این کتاب در تأیید ضعف عقل طبیعی و فطری زنان یا تقسیم عقل به فطری، و اکتسابی، علیرغم تایید یکسانی عقل فطری و استعداد زن و مرد با شدت و ضعف در بعضی افراد، در صفحه قبل، به حدیثی از حضرت علی علیه السلام درباره عقل استناد نموده که فرمود: «العقل غریزةٌ تزید بالعلم و التجارب». «۱» «عقل طبیعی و فطری با علم آموزی و تجربه اندوزی زیاد می‌شود.» سپس می‌افزایند: «این جنبه در زنان به اقتضای اینکه، اوقات بیشتری را در محیط بسته به خانه می‌گذرانند، ضعیف‌تر است و رشد کمتری می‌یابد. اصولًا علائق زنان در این گونه مسائل کمتر از مردان است، نمونه بارز آن، در محافل و مجالس مردان و زنان مشاهده می‌شود، اکثر گفتگوی زنان، پیرامون خانه داری، شوهرداری، بچه و مسائل تربیتی او، آشپزی، خیاطی، مد و طرحهای جدید در لباس و مسائل منزل و ... است (اگر از گفتگو در مسائل سیاسی، مسئولان کشور، اقتصاد، و گرانی و ارزانی اجناس و امور فنی و حرفه‌ای ...

دور می‌زنـد، و این خود از خصلت مردان برمی‌خیزد که محیط بیرون از خـانه و کسب تجارت و اطلاعات عمومی را بر صحبت از خانه و مسائل زنانه ترجیح (۱). نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۹۲۲ این جمله تربّیها التجارب آمده است.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۷۲

می‌دهنـد، پس زنان، در این مسائل که عامل سازنـدگی و اداره جامعه انسانی است، از عقل اکتسابی کمتری برخوردارند، لذا در امر شهادت دادن، قضاوت، حکومت و ولایت ... کمتر موفق و بدون خطا هستند و بلکه ناتوان‌اند.»

نویسـنده در جای دیگر می‌نویسد: «منبع عمده تصمیم‌گیری و قضاوت در زن «احساس» است. همه چیز برای او از دیدگاه «احساس» تفسیر و بررسی می‌گردد و در امور جـدی که لازمه آن تمرکز حواس است، نمی‌توانـد تصـمیم بگیرد. چون احساس مانند عقل از ضابطه و نظام خاصی برخوردار نیست. زن دچار بی‌ثباتی در عقایـد، تصـمیمات و داوریهای خود می‌شود». «۱» علاوه بر این که در این کتاب، بحث صفحه قبل، توضیح حدیثی از عقل و امکان رشد آن بود، توضیحات صفحه بعد در عقل اکتسابی آمده است.

همچنیـن نـتیجه‌گیری کلی و عـام از نمونه‌هـایی استقرایی شـده اسـت. در حـالی که مردان نیز حـتی در جلسـات رسـمی، به مسـائل خانوادگی و اقتصادی و ... کم گریز نمی‌زنند.

بـاتوجه به نوع تربیت و فرهنـگ جامعه‌پـذیری متفـاوت در جـامعه نسـبت به زن و مرد که در فصـل تفاوتهـا و تشابهات زن و مرد به تفصیل آمـده است، کم بـودن عقـل اکتسـابی زنـان از مردان امری بـدیهی است، زیرا همچنـانکه در حـدیث مورد اسـتناد حضـرت فرمودهانـد، افزایش عقـل فطری با علم و تجربه است، زنان در این دو زمینه در طی قرون متمادی، امکان برابر با مردان نیافته‌انـد تا به علم و تجربه‌شـان افزوده شود و در عقل اکتسابی نیز با مردان برابر گردنـد. زمانی می‌توانیم نابرابری عقل و اکتسابی را بر زنان نقض تلقی نمائیم که شرائط محیطی و تربیتی و امکانات اجتماعی یکسان و برابر با مردان در اختیار زنان قرار گیرد. هنوز در هیچ عصر در طول تاریخ بشریت حتی دو (۱). گواهی، زهرا، سیمای زن در آیئنه فقه شیعه، ص ۲۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۷۳

نسل پی‌درپی از زنان، امکان رشد و شکوفایی استعدادهای فطری خود را نیافته‌اند تا به افزایش عقل اکتسابی همّت گمارند.

زیـادی قـدرت عـاطفه دلیل کاستی عقل نیست، ممکن است کسـی در مسـئله بخاطر عاطفه بیشتر تصـرف غیر عقلانی بکنـد، امّا این نقصان عقل را ثابت نمی‌کنـد، همچنانکه در مرد قوی بودن غریزه جنسـی و پرخاشـگری دلیل نقصان عقل مرد نیست، زیرا هر کدام جایگـاهی دارنـد و هریک از حس و غرایز انسانی را بایـد در قلمرو همان حس بررسـی و موضع‌گیری کرد. در مواقعی مردان نیز به جهت بالاـ بودن غریزه جنسـی کارهـای غیر عقلاـنی نسبت به جنس مخـالف انجام می‌دهنـد که عقل و وجـدان و غیرت انسانها هم نمی‌پذیرد، و میزان آن کم هم نیست، آیا باید این اعمال را دلیل بر نقصان عقل آنان دانست؟

از آنجا که دین اسلام براساس فطرت الهی انسان هرجا که حسی فزونی داشته با تکلیف و وظیفه آن را کنترل و محدود نموده است. همچنـانکه محـدودیت غریزه خودنمـایی زن به وسـیله وجوب حجاب، غریزه جنسـی مرد بوسـیله ازدواج و رعایت تقوی و یا تکمیل غیرت مرد با حجاب زن و پرخاشـگری با وجوب مـدارا و محبّت و حسن معاشـرت بر مرد تساوی و اشتراک در برخی تکالیف زن و مرد نشانگر یکسانی عقل و ادراک است.

اصـرار بر نقض ذاتی زن، نقض اصـل فقهی ما حکم به العقل حکم به الشـرع می‌باشـد که در تمامی احکام و قوانین اسـلامی جاری می‌باشد.

بـا تـأملی در محتوای کتب، بیشتر تحقیقات، در بستر مردسالاری حاکم بر جوامع و اثبات نقص عقلی زن با سوگیری انجام شـده که صرفاً زنان تربیت شده در چنین جوامعی به عنوان شاهد مثال و تعمیم به عموم بکار رفته است.

از سوی دیگر، منـابع پژوهشـی این کتـاب و دههـا کتـاب دیگر در پژوهش از خصوصـیات و ویژگی‌های زن و حقوق و تکالیف او،

کتب موجود بوده است

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۷۴

نه مطالعات بنیادی و تحقیقات میدانی. چنانکه نویسنده این کتاب در ادامه بحث به مخاطب خطبه ۸۰ حضرت علی علیه السلام- ان النساء نواقص الایمان ...-

اشاره نموده و می‌افزاید: «امّا خطبه مزبور طبق قول برخی از مورّخان بعد از بازگشتن امام علی علیه السلام از جنگ جمل و در مذّمت عایشه. بر فرض که باشد، امّا کلام حضرت، عام است و حضرت هرگز صفت عایشه را به دیگر زنان سرایت نمی‌دهد، مگر آنکه در همه زنان عمومیت داشته باشد.»

نقص عقل به معنای فوق در زنان وجود دارد، از این رو شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است ...». «۲» بیشتر زنان بخاطر حرکت در مسیر خواست مردان و تربیت وابسته و مطیع، از خلاقیت و اندیشه، به دور مانده و آنچه رشد یافته است، نمی‌توان طبیعت واقعی زن نامید، چرا که زنان همچون گیاهانی شده‌اند که نیمی در گلخانه و نیمی در تاریکی و سایه رشد یافته لذا طبیعت واقعی آن گیاه را نمی‌توان به درستی تشخیص داد. با کمال تأسف در قرن ۲۱ با وجود پیشرفت‌های علمی و توسعه تحقیقات کاربردی، هنوز شناخت زن از لابلای کتابها و ذهنیات و باورهای شخصی نویسندگان با درکی تجربی و حصولی و استقرایی محدود به محیط پیرامون خود از روحیه و ویژگی‌های زن صورت می‌گیرد.

استعداد و ویژگی‌های خاص زن در روایات منقول و کتب مذهبی

در مستدرک الوسایل علت عدم اطاعت مردان از زنان از قول امیرالمؤمنین علیه السلام و در مکارم الاخلاق همین حدیث از قول امام صادق علیه السلام با (۱). ایشان در سال ۱۳۷۹ پس از گذشت ده سال از تألیف این کتاب، در جلسه سخنرانی مخاطب‌حضرت علی علیه السلام را تنها عایشه اظهار نمودند. مشهد اداره ارشاد اسلامی.

(۲). گواهی، زهرا، سیمای زن در آئینه فقه شیعه، ص ۲۳۵- ۲۳۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۷۵

تیتر اخلاق زشت زنان به طور تفصیل چنین آمده است:

«مردی به امیرمؤمنان علیه السلام از همسرش شکایت کرد، حضرت به سخنرانی ایستاد و فرمود: ای مردم به هیچ حال از زنان اطاعت نکنید، و آنها را بر مالی امین مگردانید و تدبیر امر خود را به آنها وا مگذارید، که اگر به حال خود واگذار شوند، به مهلکه‌ها درآیند، که من آنها را در مقام خواستن چیزی بی‌ورع، به هنگام شهوت ناشکیبا یافتم، اگر چه پیر شوند دست از کبر بر ندارند، و هرچند عاجز شوند، خود خواهی را از دست ندهند، اگر مختصری از خواسته‌هاشان را ندهی احسان بسیار را سپاس نگویند، خوبی را فراموش کنند و بدی را نگهبانی نمایند، با بهتان ساقط گردانند، و به گردنکشی ادامه دهند و پذیرای شیطان باشند، به هر حال با آنها مدارا کنید، و به زبان خوش با آنها سخن گویید، شاید به نیک کرداری گرانید». «۱» ناگفته پیداست، بر فرض صحت سند حدیث، صفات ذاتی و در نتیجه نقص ذاتی بر زن اثبات نمی‌شود، بلکه حدیث شامل آن دسته از زنانی می‌شود که از تربیت صحیح به دور بوده و به تزکیه نفس نپرداخته‌اند.

و اگر این حدیث را به مطلق زنان عمومیت دهیم، باید بپذیریم خداوند زن را فاقد مصونیّت درونی آفریده که مایه شرّ و فساد است و چون عدم مصونیّت درونی ذاتی است، بنابراین، آیات مجازات اخروی باید اختصاص به مردان داشته باشد نه زنان، چرا که طبق این حدیث زنان به هیچ صراطی مستقیم نیستند، امّا چون این چنین خلق شده‌اند نباید مسئولیتی در دنیا و آخرت داشته باشند. امّا آیات زیادی، (۱). رضی الدین، ابونصر الحسن بن المفضل الطبرسی، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، مکارم الاخلاق، ص ۳۸۸- ۳۸۶

و نیز مستدرک الوسائل، ج ۲، کتاب النکاح ابواب مقدمات النکاح باب ۷۳ ح ۲ ص ۵۵۳ به نقل از کنز الفوائد از ابوالفتح الکراجی در این مأخذ فقط صدر و ذیل حدیث نقل شده است، و نیز علل الشرایع، ج ۲، باب ۲۸۸، ح ۱، ص ۱۹۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۷۶

در وجود مسئولیت و مؤاخذه در صورت عدم انجام تکلیف و وظایف شرعی و رعایت تقوّا به طور یکسان به زن و مرد آمده است و پاداش و جزا در برابر عمل هر فرد اعم از زن و مرد اعمال می گردد. همچنین در کتاب مکارم الاخلاق در اخلاق زشت زنان از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده است که فرمودند: «زنان عورت (ناموس) و گمراهند، عورت (ناموس) را با خانه و گمراهی را با سکوت بپوشید». «۱» و نیز فرمودند: «اگر زن نبود خدا به حقیقت پرستش می‌شد». «۲»

امّا سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نشانگر فعالیت‌های آموزشی اجتماعی و سیاسی و حتی اقتصادی می‌باشد به طوری که عروس امام صادق علیه السلام ۴۰۰ نفر شاگرد زن داشتند. زنان در صدر اسلام با اجازه امام معصوم پیامبر یا حضرت علی علیه السلام حتی در جنگ به عنوان پرستار شرکت کرده و با صدای بلند سربازان اسلام را ترغیب به پایداری و مبارزه می‌نمودند. اگر بر فرض صحت سند، دلالت دو حدیث را نیز صحیح بدانیم باید بپذیریم ولّی معصوم، زنان را در عمل به عنوان انسانی مسلمان و عاقل تایید نموده ولی در قول، آنان را گمراه دانسته است علاوه بر این که، این تضاد، قابل رفع نیست، با آیات خلقت انسان و عدالت خالق حکیم نیز منافات دارد.

در همین کتاب شش حدیث در شومی زن نقل شده که به دو مورد اشاره می‌شود:

از قول امام زین العابدین علیه السلام آمده است:

«امام زین العابدین علیه السلام هنگام تولد طفل زنان را امر می‌فرمود از اطاق خارج شوند تا اوّل کسی که چشم‌اش به عورت طفل می‌افتد زن نباشد». «۳» این احادیث با آیات روشن و صریح قرآن در خلقت و مقام زن منافات دارد. (۱) رضی الدین ابونصر الحسن بن الفضل الطبرسی، ترجمه سیّد ابراهیم میرباقری، مکارم‌الاخلاق، ص ۳۸۴.

(۲) رضی الدین ابونصر الحسن بن الفضل الطبرسی، ترجمه سیّد ابراهیم میرباقری، مکارم‌الاخلاق، ص ۳۸۴.

(۳). الطبرسی، رضی الدین، مکارم الاخلاق، ص ۴۴۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۷۷

علاوه بر این، چگونه ممکن است امام دچار تناقض گویی گردیده، و زن بودن به دنیا آورنده طفل را نادیده بگیرد و تنها «عورت طفل»!! را اعتباری بیش بخشیده و برای جلوگیری از آسیب زنان، آنان را از اطاق بیرون نمایند؟ چگونه است که به دنیا آوردن طفل برای زنی که مادر است شومی ندارد ولی دیدن «عورتِ» طفل بر دیگر زنان شومی دارد؟ آیا در شأن امام معصوم هست که مخلوق خدا را تا این حد تحقیر نماید که شایستگی دیدن «عورت طفل» را هم که حتماً فرزند پسر مورد نظر است نداشته باشد؟ آیا این گفته شامل حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام که اسوه زنان عالم هستند نمی‌شود؟!

در حدیث بعدی از وجود سه چیز شوم یاد کرده و علت شومی زن زیادی مهر و عاق شدن همسر عنوان شده است «۱» که دلالت دو حدیث متفاوت است.

حدیث دیگری از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که نقص ذاتی در زن را بیان می کند:

«الْمَرْأَةُ شَرٌّ کُلُّها وَ شَرٌّ ما فِیها انَّهُ لابُدَّمِنْها» «۲» این حدیث با این آیه شریفه که می‌فرماید «إِنّا هَدَیْناهُ السَّبِیلَ إِمّا شاکِراً وَ إِمّا کَفُوراً» «۳» و آیات دیگر که اشاره به هدایت انسان اعم از زن و مرد دارد، منافات داشته و نیز با فرمایش امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «اکثر الخیر فی النساء» «۴».

و با این حدیث که فطرت پاک انسان را اثبات می‌نماید مغایرت دارد: (۱). مکارم الاخلاق، ص ۴۴۸- ۴۴۷ احادیث دیگری نیز در

مذمّت زن نقل شده است که به جهت حفظ عفت کلام از بیان آنها خودداری می گردد. ساحت مقدس معصوم مبری از این گونه حرف‌هاست چرا که سیره قرآن و سیره پیامبر و ائمه علیهم السلام ادبی آمیخته با حیاء و پرده پوشی است.

(۲). نهج البلاغه، خطبه ۸۰.

(۳). سوره انسان، آیه ۳.

(۴). وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱ و نیز باب ۸۸ ح ۶، ص ۱۲۲ آمده است: ما اصیب من دنیاکم الّا النساء و الطیب.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۷۸

«کلُّ مولود یولد علی الفطرة حتّی یکون أبواه یهوّدانه و ینّصرانه» «۱»

ویژگی‌های ذاتی زن در کتب مذهبی

در کتابی بدون اعمال روش‌های علمی و پژوهش، دو موضوع مورد ادّعا، و با استفاده از منابع سوم «۲»، نتیجه گیری‌هایی، براساس باورهای شخصی و اجتماعی و ذهنی شده، و از نظریات روان شناسانی استفاده شده است که، صرفاً باورهای نویسنده را اثبات می‌نماید. همچنین محتوای سخن ناشر، مبنی بر یکسانی زن و مرد در توانایی انسان صالح و مؤمن شدن، و یکسانی در وظایف و مسئولیت‌ها در برابر استعدادهای درونی و نعمت‌های برونی، با مطالب و نتیجه گیری‌ها و القائات نویسنده، مغایرت دارد.

ناشر، در مطالبی مغایر و تناقضی آشکار، با مطالب متن کتاب، در تبلیغ محتوای آن می‌نویسد:

«ارزش انسان به دستاورد اندیشه‌ها، آرمان‌ها و اخلاق و رفتار اوست.

ایمان و عمل صالح است که، در ارزیابی انسانها، تابعی از قدرت تفکر و توان اوست، و مسئولیت‌ها، دقیقاً به میزان فهم و عقل و امکانات و نیروهای انسان بستگی دارد. در این معیار هم زن و مرد فرقی ندارد ... از سوی سوم، نعمت‌های درونی و بیرونی، تجهیزات و تدارکاتی که خداوند در نهاد انسان و دسترس وی قرار داده، همه امانت است و مسئولیت زا هیچکدام نباید مایه برتربیتی و امتیازطلبی انسان قرار گیرد. در این میدان هم زن و مرد با هم تفاوتی ندارند ...». «۳» (۱). بحارالانوار، المجلسی، ج ۳، باب ۱۱، ص ۱۷۸، روایة ۲۲.

(۲). کتاب‌هایی که از ترجمه کتب دیگر مطلبی نقل کرده‌اند.

(۳). محمدی، محمدباقر، تحقیق و بررسی پیرامون استعدادهای زن، ص ۷، سخن ناشر، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اوّل ۱۳۷۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۷۹

نویسنده این کتاب نیز در صفحات بعد، در توضیح این که، تفاوت استعدادها نقص نیست، بیان می کند:

«اگر زن فاقد مزایا و مواهبی است که، در وجود مرد است، مرد نیز از استعدادها و قابلیت‌های زن بی‌بهره است، و آنها را در وجود خویش ندارند، پس اگر در این جهت نقصی است، هر دو دارای نقص هستند، پس چرا خلاء را تنها در طرف زن دیده، و سعی می‌کنیم او را همسان و مساوی مرد قرار دهیم، و چنین وانمود کنیم که، در هیچ چیزی از آنها کم ندارند و عقب نشیند.

مگر این که خلاء و نداشتن استعداد مرد نقصی محسوب می‌شود که، ناچار باشیم آن را انکار کنیم؟ اگر این فکر غلط را از سر بیرون کنیم، و بدانیم تفاوت در استعدادها نقص نیست، آنگاه به دلیل‌های خود ساخته و توجیه‌های غلط دچار نمی‌شویم». «۱»

نویسنده سپس، بدون توجه به مطالب گذشته، تنها یک استعداد در زن یافته، و هدف خلقت را محدود به همین یک استعداد دانسته، و استعداد و وظیفه، و مسئولیت اصلی و هدف از خلقت را، تنها تولید مثل و تربیت فرزند و خانه‌داری عنوان نموده، و در اثبات مدّعای خود، از حکمت الهی و برهان لمّ، و کشف معلول از طریق علت، کمک گرفته و به این نتیجه رسیده است که

«استعداد اصلی زن، استعداد مادر شدن است و مقصود از مادر شدن، هم تولید مثل و هم تربیت و پرورش اوست ...». «۲» نویسنده، در کشف استعداد زن تنها به استعداد جسمی، آن هم یک مورد، توجه نموده و از استعدادهای معنوی و فطری نهفته در وجود زن، غفلت نموده است. (۱). همان، ص ۱۷.

(۲). همان، ص ۴۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۸۰

کشف راز خلقت راه‌های متعدد دارد و می‌توان از معلول پی به علت برد، که آسان‌ترین و مطمئن‌ترین راه و قابل حصول، دریافتن رموز خلقت نظام آفرینش می‌باشد که، کنکاشی علمی را می‌طلبد. عملکرد زنان، در عرصه‌های علمی و اجتماعی و هنری و ...، گویای میزان استعداد و انواع توانمندی‌های زنان می‌باشد.

البته چون در طول تاریخ، برهه‌ای از زمان نبوده است که، زنان از شرائط تربیتی و خانوادگی، و حتی تغذیه مناسب و به دور از بهره‌کشی و مردسالاری برخوردار شوند، که هر سه عامل در میزان و نوع شکوفایی استعدادها، دخیل هستند، لذا باید شرائط محیطی و تربیتی و خانوادگی و ... در چنین بررسی‌هایی لحاظ گردد.

این نویسنده در صفحات بعد، پس از تأکید مجدد، بر استعداد خاص زن در تولید و تربیت فرزند، این استعداد، و ویژگی‌هایی روحی و احساسات و ظرافت‌های زنانه را، علاوه بر تأمین آرامش و سکون و تسخیر قلب مرد، به هنر خانه‌داری و شوهرداری ربط داده، و از این همه استعداد زن!! که در اثر زحمت و هنرخانه‌داری، خانه را مهیّای استراحت کرده، آسائیدن را تنها نقش شوهر، در منزل می‌داند. «۱» نویسنده، در تناقض آشکار دیگر، ابتدا تربیت فرزند را، وظیفه مشترک زن و مرد دانسته، و به آیه ۶ سوره تحریم استناد نموده است، «۲» که می‌فرماید:

«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ ناراً وَقُودُها النّاسُ وَالحِجارَةُ» خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید، چنان آتشی که مردم و سنگ خارا آتش افروز اوست» در حالی که، خطاب آیه به پدر خانواده است. قبل از این آیه، به حدیثی از حضرت علی علیه السلام، در حقّ پدر و فرزند نقل نموده است، ولی در دو صفحه بعد، در پاسخ، به سؤال تربیت فرزند به عهده کیست، مرد را به خاطر (۱). محمدی، محمدباقر، تحقیق و بررسی پیرامون استعدادهای زن، ص ۳۸، چاپ اول ۱۳۷۲.

(۲). همان، ص ۳۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۸۱

«کارهای روزانه، و اشتغالات بیرون از خانه، و غیبت و دوری از محیط خانه و فرزندان، در اثر کار و مشکلات زندگی، و خستگی ناشی از فعالیّت بدنی و فکری» بدون توجه به حدیث مورد استناد خود، از صحنه فعالیت‌های تربیتی معاف نموده، و تنها، پرس و جو از وضعیت درسی و اخلاقی، و اعمال تشویق و تنبیه را به عهده پدر گذاشته، و امر تربیت فرزندان را از فرصت و حوصله مرد بیرون دانسته، و این امر خطیر را به مادر اختصاص داده، و اشتغال زن را مانع انجام وظایف مادری دانسته است. «۱» هرچند به فرمایش معصوم علیهم السلام، استناد جسته‌اند، امّا برخلاف آن نتیجه‌گیری نموده‌اند، در حالی که وظیفه مسلمانان اطیعُوا اللَّه وَ اطیعُوا الرَّسولَ وَ اوُلی اْلَامْرِ مِنْکُمْ می‌باشد.

فرمایش حضرت علی علیه السلام چنین است: «پدر بر فرزند و فرزند نسبت به پدر حقّ دارد، حقّ پدر آن است که فرزند از او، در هر چیزی، جز معصیتِ خداوند، اطاعت کند، و حقّ فرزند آن است که پدر نامی نیک بر وی نهد و ادباش را نیکو سازد و قرآناش بیاموزد». «۲» این حدیث، وظیفه تربیت را بر عهده پدر می‌داند.

در ادامه، نویسنده، براساس پیش داوری‌های ذهنی و باورهای درونی، بدون پژوهش علمی در انواع استعداد زن، تمام استعدادهای موجود در زن را، به دو دسته تقسیم کرده است: ۱. استعداد جسمی که تنها شامل جهاز تولید مثل و لطافت جسم است. ۲. استعداد

روانی، شامل: ۱. جمال خواهی و تنوع خواهی. ۲. حس انقیاد و تسلیم. ۳. غیرخواهی ۴. غلبه عواطف و احساسات ۵. انحصارطلبی (عدم پذیرش رقیب در تصاحب همسر) ۶. علاقه بیشتر به (۱). همان، ص ۳۳ و ۳۱.

(۲). نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۳۹۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۸۲

خانه ۷. حیاء و عفت. «۱» نویسنده، غیر از این موارد، که همگی به مرد ختم می‌شود، استعدادی در زن نیافته است!!!

سپس نویسنده، حس غیرخواهی و جلب رضایت دیگران را، حالت ویژه روانی زن دانسته و تلاش بر جلب توجه، و پوشیدن لباس مورد نظر دیگران، و انتخاب رنگ و کیفیت لباس و ... را بر خاسته از این حس عنوان نموده و حس تقلید و تبعیت از مد و فرد را از آثار و روحیات مختلف این ویژگی روانی می‌داند.

گفتنی است، آنچه را که نویسنده کتاب منشاء تقلید و مدخواهی می‌داند، غریزه خود نمایی و زیبا دوستی زن است که با مرد ارتباط تنگاتنگی دارد. چرا که با تبعیت از مد، می‌توان جاذبه ظاهری ایجاد کرد و به خودنمایی پرداخت.

زنان در برابر دیگران، چه مرد و چه زن، تمایل به خودنمایی دارند که یکی از دلایل وجوب حجاب بر زنان، محدود نگه داشتن همین غریزه می‌باشد.

علاقه زن

در همین کتاب، در توضیح علاقه بیشتر زن به خانه، فرازی از تحقیق دو روان‌شناس اجتماعی مبنی بر وجود تفاوت در زن و مرد به عنوان اثبات علاقه زن (کلیه زنان جهان) به خانه، از نظر تحقیقات علمی بیان شده است. نویسنده کتاب روان‌شناسی اجتماعی که در سال ۱۹۴۰ تألیف شده است، در بیان این نتایج، خاطرنشان نموده است که نتایج تحقیقات دو روان‌شناس در جامعه غربی صادق و در مورد اجتماعات دیگر ممکن است صادق باشد. امّا باید این مطلب به ثبوت برسد. «۲» در ادامه افزوده‌اند که، «هنوز عامل مؤثر در تفاوت زن (۱). محمدی، محمدباقر، تحقیق و بررسی پیرامون استعدادهای زن، ص ۴۶ و ۴۵.

(۲). برگ، اتوکلاین، روانشناسی اجتماعی، ج ۱، ص ۳۱۷- ۳۱۶، ترجمه محمدعلی کاردان.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۸۳

و مرد هنوز مورد گفتگو است و کاملًا ثابت نشده است». امّا نویسنده کتاب تحقیق و بررسی در استعداد زن برخلاف اظهارات متخصصان روان‌شناسی اجتماعی قسمتی از مطلب را با تعمیم به عموم زنان جهان بیان نموده است که «... زنان بیشتر به کارهای خانه و اشیاء و اعمال ذوقی علاقه نشان می‌دهند ... «۱» و یا کارهایی را دوست می‌دارند که در آنها باید مواظبت و دلسوزی بسیار به خرج داد مانند مواظبت از کودکان «۲» ...» در ادامه در بیان نتایج تحقیقات علاوه بر نتیجه‌گیری کلی، مواردی از تحقیقات را که برخلاف باورهای نویسنده هست، حذف نموده‌اند، مثل « (زنان) بیشتر مشاغلی را می‌پسندند که نیازی به جابجا شدن در آنها نباشد». چون نویسنده اشتغال بر زن را نمی‌پسندد، لذا در بیان نتایج تحقیقات نیز تصرف نموده‌اند.

نویسنده‌ای دیگر در تبیین علاقه زن به نام حقوق زن در اسلام همچون محققی توانمند، قاطعانه می‌گوید: «بررسی‌های دور از تبلیغات و خالی از احساسات!! نیز نشان می‌دهد، زن در چه میدان‌هایی آمادگی دارد و در چه میدان‌هایی ندارد، نشان می‌دهد زن بیشتر به اشخاص علاقمند است نه به افکار و علوم و اشیاء و اعمال ... این نشان می‌دهد که اگر او را به حال خود بگذارند و جبر و الزامی در کار نباشد، او در مسائل، بحث نمی‌کند، بلکه درباره «مردان» بحث می‌کند، زیرا مسائل مربوط به او مردان‌اند، سرنوشت او این است که با اشخاص یعنی شوهر و فرزندان خویش سرگرم باشد ... مرد به آسانی کتابی را که موجد و منبع اندیشه‌ای است مطالعه می‌کند، امّا کتاب زن باید یک داستان باشد آن هم داستان مردی «۳» ...»!! (۱). وجود هزاران زن فرهیخته و دانشمند در

سراسر جهان این نظر را نقض می‌نماید.

(۲). محمدی، محمدباقر، تحقیق و بررسی پیرامون استعداد زن، ص ۶۷.

(۳). علّامه نوری، یحیی، حقوق زن در اسلام و جهان، ص ۳۰، چاپ سوم، سال ۱۳۴۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۸۴

تأمل در رشته‌ها و تخصص‌های زنان در جهان به ویژه در سی سال گذشته، که زن به عنوان انسان مستقل مطرح شده است گویای بطلان دیدگاه غیر منصفانه و ذهنی و به دور از تعالیم اسلام است. علم با اجبار و الزام به وجود نمی‌آید، بلکه استعداد و علاقه و همّت و خواست شخص، به وجود آورنده آن است. بررسی نویسنده یقیناً استقرایی بوده است که هزاران نفر مورد نقض موجود است.

نویسنده‌ای دیگر همین مفاهیم را با تعابیر دیگری در بیان روش شوهرداری در اسلام آورده‌اند که «زن برای خانه‌داری و نگهبانی کودکان است، و میل اصلی او همین است، جز در حالت اضطرار نباید در خارج کار کند. مرد باید احتیاجات او را رفع کند تا زن محتاج کار نباشد». «۱» این نویسنده، علت بیشتر غصه‌ها را در پراکندگی اجزای خانواده و عدم احساس محبت و پیوستگی دانسته و راه حل مشکل اشتغال مردان را در همین یافته و می‌گویند: «اگر زن‌ها کار نکنند، تعداد مردان بیکار کمتر خواهد بود، بلکه مرد بیکار یافت نخواهد شد». «۲» اقتصاد دانان، سرمایه و تولید را عامل اشتغال و نبود این دو عامل را، مؤثر در بیکاری و معضلات اقتصادی می‌دانند، امّا نویسنده، چنان در محبوس کردن زنان در منزل ره به افراط برده‌اند که علاوه بر غفلت از اصول اقتصادی، از آیه شریفه ۳۲ در سوره نساء مبنی بر استقلال مالی و حقّ اشتغال زن در قرآن نیز غفلت ورزیده‌اند.

به یقین اگر اشتغال زن مشکلی جدّی بر سر راه اشتغال مردان بود، خداوند حکیم خود بخاطر وجوب نفقه و امور مالی دیگر بر مرد، زنان را از اشتغال منع فرموده و حقّ استقلال مالی را عنایت نمی‌فرمود. (۱). علّامه نوری، یحیی، حقوق زن در اسلام و جهان، ص ۳۰، چاپ سوم، سال ۱۳۴۷.

(۲). این ایده در کتاب حقوق زن در اسلام و اروپا به قلم حسن صدر و در برخی کتب دیگر باتعابیری دیگر آمده است و این کتاب و مأخذ یک بیشتر مورد رجوع نویسندگان، در مورد حقوق زن در اسلام بوده و منبع اصلی بررسی‌شان بوده است.

(۳). پاک نژاد، سید رضا، روش شوهرداری در اسلام. اوّلین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۳۹، ص ۲۳۲.

مفهوم استعداد در علوم روز

از نظر دکتر محمدمهدی خدیوی زند روانکاو برجسته کشور، تقسیم‌بندی هوش و توانایی‌های فرد نادرست بوده و آن را از میراث‌های جهان بینی‌های مادی می‌دانند، زیرا انسان الهی آفریننده و آگاه است، خدایی است، هر استعداد و همه استعدادها تنها در فرآیند سعی، آفریدن، آفرینندگی مفهوم شدنی است ... استعدادها و هوش و هر نام دیگری که به انسان نسبت داده شود نمودهای آفرینندگی انسان است. «۱»

ترجمه آیه‌ای از سوره زخرف

نویسنده کتاب قرآن و مقام زن، در ضمن بررسی و بیان صفات زن «۲» به آیه سوره زخرف در بیان دو ویژگی خاص زن را، علاقه‌مندی و نشو و نما در زیور و زیبایی و تبرج، و طفره رفتن از هر منطقی در این آیه استناد نموده که مخاطب آیه به کفّار است که می‌فرماید: «أوَ مَنْ یُنَشَّؤُا فِی الحِلْیَةِ وَهُوَ فِی الخِصامِ غَیْرُ مُبِینٍ» سپس این دو صفت را مجمع الصفات زن یاد کرده و کامل بودن زن را مشروط برداشتن این دو صفت در حدّ اعلی و استفاده از آن را به طور معقول و مشروع می‌داند در استنتاج از این آیه در

اثبات این دو صفت می‌افزاید:

«زنی را در نظر بیاورید که، اوّلًا به زینت، که عبارت از زیبایی خدادادی و (۱). خدیوی زند، محمد مهدی. هنگامه‌های پژوهش، تشخیص، درمان در روان‌شناسی بالینی، روانکاوی ص ۳۸- ۳۷.

(۲). در همه کتب با موضوع زن، تنها صفات زن از دیدگاه مرد و خواسته‌های مرد از زن به عنوان‌ویژگی‌های روحی خاص زن مطرح شده است. گویی تنها زن است که باید بطور دقیق مورد شناسایی قرار گیرد و مرد نیازی به خودشناسی نداشته و تنها وظیفه، دیگرشناسی است.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۸۶

آرایش و نشان دادن خود به همسر علاقه ندارد، یا از این موارد بی خبر است؛ و نیز آماده است فقط از راه منطق «۱» همسر خود را به لزوم انجام وظیفه درباره خود و فرزندانش معترف و وادار سازد، هیچ وقت گریه را سر نمی‌دهد، هیچ وقت قهر نمی‌کند، همیشه غذا را عالی می‌پزد، هیچ وقت، خود را به سر درد نمی‌زند «۲»، خلاصه هیچ وقت از غایت مناعت و متانت و انصاف از همسر خود چیزی نمی‌خواهد، حال انصاف دهید، چنین زنی با این همه سبکباری، هرگز برای همسر خود، انگیزه بخش و جالب نخواهد بود.»

در سطور دیگر، منظور از منطقی بودن را، منطق ارسطو نه منطق فطری عنوان نموده، و این صفات را صفات تکوینی زن، نام نهاده‌اند. نویسنده عدم توانایی زن در جایگزینی عاطفه منطقی، به عاطفه طبیعی و تکوینی را یکی از صفات زن دانسته و بهانه تراشی زن را اعجاب‌انگیز می‌دانند. «۳»

قهر زنان

در حالی که ترجمه این آیه شریفه چنین است: آیا کسی که در زیور رشد یافته است در حالی که در دشمنی آشکار نیست.» نویسنده دیگر در کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر در آیین شوهرداری قهر کردن زنان را به عنوان روش انتقام‌گیری از مرد و عامل آن را زیادت‌طلبی زن می‌داند که چند ضرر بزرگ و مهلك به خانواده وارد می‌سازد که علاوه بر صدمه و زیان به پدر و مادر، فرزندان را فراری و در دامها می‌افکند ... سپس اضافه می‌کند، «قهر (۱). در مطالب قبلی یکی از صفات زن، عدم پذیرش منطق عنوان شد، و در اینجا به خاطر استفاده ازمنطق سرزنش می‌شود و خارج از صفات ویژه وی محسوب می‌شود.!!

(۲). نفی شخصیت بالغ زن، و انتظار رفتار بچه‌گانه و انتظار تمارض و دروغگویی!.

(۳). کمالی، سید علی، قرآن و مقام زن، انتشارات اسوه (وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریّه) چاپ سوم ۱۳۷۴ ص ۲۱۲- ۲۱۱ و ۲۲۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۸۷

کردن و غرغر کردن تباه کننده عجیبی است».

بنابر این قهر کردن جزو صفات زنان نبوده و همه مردان از آن استقبال نمی‌کنند.

از سویی زیاد قهر کردن از نشانه‌های افراد سوء ظنّی «۲» بوده و نشانگر شخصیت غیر طبیعی است. افراد سوء ظنی زیاد قهر می‌کنند و همیشه بر می‌گردند.

نویسنده دیگری در اشاره آیه به دو نقطه ضعف در جنس زن استناد نموده و چنین ترجمه کرده است: «آیا کسی که در میان زینتها، پرورش می‌یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست، فرزند خدا می‌دانید.»

از نظر نویسنده هر دو نقطه ضعف قابل رفع می‌باشد. «۳» در حالی که نویسنده این کتاب، حکم ضروری حجاب را «رسم غلط» نامیده و در بحث حجاب در میان اقوام می‌نویسد: «با شرع اسلام در ایران، رسم ملّی (پوشاندن گیسوان) در ردیف عادات دینی

درآمـد، و متـدرجاً در بین کلیه‌ی طبقـات تعمیم یافته است، تا اخیراً به همّت و اراده شاهنشاه عظیم الشأن ایران در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ این رسم غلط از بین زنان ایرانی برداشته شد «۴».»

آیـا می‌توان پـذیرفت، نویسـنده‌ای نسبت به کلیه حقوق زن در اسـلام، آگـاهی صـحیح و کـاملی داشـته است، فقط نسبت به حکم ضروری اسلام، ناآگـاه بـوده، و فـاجعه ملّی در رفع حجـاب را، همّت شاهنشـاه می‌انگـارد و می‌سـتاید!! آیـا تحقیق و پژوهش، تولید انـدیشه و علم است و ارائه طریق معقول، یـا رونویسـی از کتب (۱). دکتر پـاک‌نژاد، سـید رضا، روش شوهر داری در اسـلام ج ۳۹، اولین دانشگاه آخرین پیامبر، انتشارات بعثت، ص ۷۰.

(۲). رجوع شود به کتب روان‌شناسی شخصیت.

(۳). آذری، قمی، احمد، سیمای زن در نظام اسلامی، ص ۳۲.

(۴). حسن صدر، حقوق زن در اسلام و اروپا، ص ۵۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۸۸

نویسندگانی است که خود در وادی شناخت خود و احکام ضروری دین خطایی فاحش داشته و درمانده‌اند؟!

پس از انقلاب اسـلامی ایران، و بـا تغییر اوضـاع سیاسـی و فرهنگی در ایران و بر قراری حکومت جمهوری اسـلامی، دیـدگاه‌ها نیز دربـاره زن تغییر یـافت، بطوری که، ترجمه و تفسـیر آیات، با آیات دیگر و روایات معتبر و سـنّت عملی پیامبر و ائمه علیهم السـلام، مطابقت یافت، چنانکه برخی از احکام شـرعی در دائره زوجیت، همچون منع خروج از منزل مورد بحث و بررسـی قرار گرفته است، که اذن مطلق نیست، بلکه بـا در نظر گرفتن حقوق فردی و اجتماعی زن بایـد اعمال گردد. به نمونه‌ای از این تغییرات در برتری مرد از زن اشاره می‌شود.

ترجمه آیه الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساء

نویسنده‌ای در ترجمه و تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ» چنین بیان می‌کند:

«مردان کـارگزاران زنانانـد، به خاطر برتری‌هایی که خداونـد، برای بعضـی نسبت به بعضـی دیگر قرار داده است. با توجه به آیات دیگر در می‌یـابیم، که کارگزاری و سـرپرستی مردان بر زنان، جنبه مالی و کارگری و خلاصه خـدمتگزاری دارد، چون، آنچه مورد بحث آیات است، نصـیب هر کسی از اموال می‌باشد، قوّام، صیغه مبالغه است و به کسی می‌گویند، که کار مهم کسی دیگر را انجام می‌دهد. اسـتفاده از مردان در جنگ، و دفاع مردان و جوانان از کیان اسلام، در ایران سند زنده و معتبر «قوّام» بودن مرد بر زن است. تفضـیل مطلق نیست، بلکه نسبی است، با توجه، به اسـتعمال کلمه فضل در آیات قرآن روشن می‌شود، که فضل و برتری در صـفات است نه در «ذات» «۱». (۱). عباسعلی محمودی، زن در اسلام، چاپ اول سال ۱۷ شهریور سال ۱۳۶۰، ص ۵۴- ۵۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۸۹

نویسنده‌ای دیگر، همین آیه را چنین ترجمه نموده است:

«مردان سـرپرست و خدمتگزار زنان اند، به علت برتری‌هایی که از نظر اجتماعی خداوند برای بعضـی نسبت به بعضی دیگر قرار داد است». «۱» نویسنده دیگر نیز چنین ترجمه و تفسیر نموده است:

«الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ» مردان تکیه‌گاه زنان‌اند.

واژه «قوّام» در زبان عربی، صـیغه مبالغه «قیّم» است، و قیّم به کسـی گفته می‌شود، که به رفع حوائـج زندگی دیگری، قیام می‌کند، و از آن جا که هم در جامعه و هم در خانواده، به واسطه نیرومندی بیشتر، مسئولیت‌های سنگین‌تری بر عهده مردان گذاشته شده است، قوّام و قیّم شده‌اند». «۲» پیامـدهای برداشت‌های متضاد، از آیه ۳۴ سوره نسـاء و آیات دیگر، و اسـتناد به احادیث جعلی، در بیش از

سیصد عنوان کتاب در حقوق زن در اسلام، و در باورها و رفتارهای افراد مذهبی کاملًا نمایان است. به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود: نویسنده‌ای، در بحث اطاعت زن از شوهر به این آیه استناد نموده، و به این صورت ترجمه کرده است: «مردها بر پادارنده مسلّط و محیط هستند به زن‌ها، به سبب برتری و فضیلت تکوینی آنان». «۳» نویسنده‌ای دیگر، این آیه را چنین ترجمه و توضیح داده است:

«مردان را بر زنان حقّ تسلّط و سرپرستی است، به واسطه آن برتری (نیرو و عقل) که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته، و هم به واسطه آن که مردان از مال خود باید به زنان نفقه دهند». در صفحات بعد این کتاب، چنین ترجمه (۱). احمد آذری قمی، سیمای زن در نظام اسلامی، ص ۶۲، چاپ اول سال ۱۳۷۲.

(۲). احمد بهشتی، خانواده در قرآن، ص ۱۰۸، چاپ دوم ۱۳۷۷، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.

(۳). حسن، مصطفوی، زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث معتبر، ص ۹۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۹۰

شده است: «مردان آنچه را که لازمه امور پیچیده زندگی و کوشش‌های فراوان است، باید انجام دهند و برای بانوان، کارهایی را که توانایی و مهارت انجام آنها را دارند، (مانند تربیت اطفال، تهیه لباس و خوراک و نظافت آنها و ...)

مقرر فرمود ...». «۱» در کتاب تعبیر خواب، در علت برتری خواب مرد بر زن، به این آیه استناد جسته، و می‌نویسد:

«خواب مردان بر خواب زنان برتری دارد، زیرا خدای متعال، مردان را بر زنان برگزیده، و یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر، همه از مردان بوده‌اند، و نیز فرموده‌اند: «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ» و در جای دیگر فرموده است: «فَلِلذَّکَرِ مِثْلُ حَظِّ الانْثَیَیْنِ» و جای دیگر می‌فرماید: «فَرَجُلٌ وَامْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَآءِ ...».

مترجم در مقدمه، نظر فوق را نپذیرفته، و علت این گفتار را، شرایط فرهنگی اجتماعی مؤلف که در قرن ششم هجری، می‌زیسته است، دانسته و آن را با اعتقادات و شرایط فرهنگی و اجتماعی کنونی، معارض عنوان نموده است». «۲» در کتاب حقوق زن در اسلام و اروپا، در سنجش ارزش و کیفیّات روحی زن و مرد، با طرح سؤالاتی به بیان برتری مرد از زن پرداخته، ویژگی‌هایی برای زن و مرد در این خصوص شمرده‌اند، که با مطالب قبلی نویسنده در مورد حقوق زن در اسلام، مغایرت کامل دارد. به برخی از استدلال‌های ایشان در این زمینه اشاره می‌شود: (۱). محمد عطیّة الأبرشی، جایگاه زن در اسلام، ص ۱۹ و ۳۲- ۳۱ ترجمه بهجت افراز، عنوان عربی کتاب مکانه المرأة فی الاسلام- مصر.

(۲). شیخ ابوالفضل جیش ابن ابراهیم تفلیسی، تعبیر خواب، مترجم سید عبداللّه موسوی، انتشارات فؤاد، چاپ اول ۱۳۶۷، فصل ششم، ص ۲۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۹۱

«در این باب دو نکته دقیق قابل توجه است: یکی این که، آیا با مراجعه به سوابق تاریخی و بررسی اوضاع دنیای فعلی می‌توان معتقد بود که زن، به طور کلی همیشه کوچکتر و ضعیف‌تر از مرد بوده و همواره تحت تأثیر و نفوذ او قرار گرفته است یا نه؟ دیگر این که در صورت ضعیف‌تر بودن، آیا این ضعف، طبیعی و لاعلاج است، یا مربوط به نقص تربیت و تعلیمی است که، طی هزاران سال درباره آنها معمول گردیده، و بالنتیجه می‌توان به اصلاح و رفع نقیصه مزبور، میزان قوای فکری و عقلی و جسمی زن را، به حدّی بالا برد، که از هر حیث با مرد همدوش و برابر گردد». نویسنده، در پاسخ به این سؤالات که، نیاز به استناد و تدقیق در قرآن و سنّت و علم فیزیولوژی و علوم تربیتی است، صرفاً حدس و گمان خود را، در قالب کلی گویی به نام دیدگاه اسلام، مطرح کرده و می‌نویسد: «راجع به موضوع اوّل گمان می‌کنم، ضعف زن نسبت به مرد محتاج بحث نیست!! البته، منظور اکثریت زنان و مردان است. چند نفر زن، به خصوص به طور استثناء، اگر از یک عدّه مردان، در یک مکان و زمان معینی خوش فهم، خوش فکرتر

ولایق‌تر بوده یا هستند، اصل کلی!! را نمی‌تواند نقص کند. به طور کلی، در جمیع امور!! مردها قوی‌تر از زن‌ها هستند، و به خوبی می‌توانند زن‌ها را زیر، نیز نفوذ فکر و اراده خود نگه دارند. «۱» با مراجعه به تاریخ عمومی دنیا، معلوم می‌شود که، همیشه و همه جا، در همه‌ی امور سیاسی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، ادبی، صنعتی، مرد بر زن برتری داشته، و به طور کلی!! رهبری با او بوده است.!! در خصوص مسئله دوم، که از نظر اجتماعی جایز اهمیت است، عده زیادی از متفکرین «۲»، (۱). وجود زن سالاری در اعصار گذشته و حاضر این مطلب را نقض می‌کند و با دلیل علمی نیز ثابت نکرده‌اند.

(۲). نام متفکرین ذکر نشده است.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۹۲

معتقدند که ضعف و نقص زن و برتری مرد، امری است فطری و طبیعی، و به هیچ وسیله، نمی‌توان آن را جبران کرد، از جمله دلایل مورد ادّعا، یکی این است که از بدو آفرینش انسان، چه شد که مرد بر زن، تفوق و برتری پیدا کرد.

اگر امتیاز و تفاوت طبیعی، غلبه و فعالیت را به مرد نمی‌داد، قبل از این که در سنخ تربیت زن و مرد فرقی پیدا شود، در ایّامی که این دو جنس هر دو آزادی عمل داشتند و یکسان می‌توانستند در صحنه نبرد و آزمایش گیتی، برای احراز غلبه و برتری به کار مبارزه بپردازد، چه شد ریاست خانواده و مشاغل اجتماعی و سیاسی به مرد واگذار شد؟ چرا زن از همان روز اوّل که مرد و زن هر دو با تجهیزات طبیعی مساوی پا به عرصه نبرد و معرکه تنازع گذاشتند، ناچار شد، از مرد متابعت و فرمانبرداری کند؟ نویسنده اطاعت محدود زن در حیطه خانواده از شوهر را، به اطاعت زن از مرد در جامعه، سرایت داده، و این غلبه را امری طبیعی و تغییرناپذیر تلقی می‌کند. سپس این برتری را با نوع حیوان مقایسه کرده، و این غلبه را امری طبیعی و تغییرناپذیر تلقی می‌کند.

سپس این برتری را با نوع حیوان مقایسه کرده، می‌افزایند: «در تمام انواع مختلف حیوانات، مشهور است که غلبه و برتری با جنس مذکر بوده، و همیشه نر بر ماده حکومت می‌کند»! پس از این استنتاجات بی‌پایه‌ی علمی و عقلی، و فاقد دلایل نقلی از قرآن و سنّت، برتری مرد بر زن را «مطابق تحقیقات علمی» و حتی به طور قطع کمتر بودن وزن مغز و حجم قلب زن به نسبت قابل توجهی، عنوان می‌نمایند. «۱» نویسنده به نظر عده‌ای از محققین و علمای اجتماعی، مبنی بر، برابری زن و مرد، در عنوان و کمیّت و کیفیت انسانیت، اشاره کرده، که تفاوت زن و مرد را در وجود امتیازاتی در قرون متمادی در سنخ تربیت و تعلیم زن و مرد و (۱). مأخذ تحقیقات علمی بیان نشده است.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۹۳

رشد و ترقی زن را تربیت آنها می‌دانند. در ادامه عقیده خود را نظر ثالث شمرده و به توضیح اهمیت و تفاوت و ساختمان بدن پرداخته و نتیجه می‌گیرد که، «زن و مرد، دو خلقت متفاوت بوده و هر یک برای کار معین و مخصوصی ساخته شده‌اند ... تمام کسانی که تصور می‌کنند، زن و مرد از لحاظ خاصیّت، سنخ واحد و برای منظور واحدی آفریده شده‌اند، در اشتباه‌اند!! «۱» چه آنهایی که زن و مرد را بالفطره در قوّت وضعف برابر و ضعف فعلی زن را، نتیجه سوابق تاریخی و تربیتی می‌دانند، و چه اشخاصی که زن را بالذات ضعیف‌تر و کوچکتر از مرد می‌شناسند، هر دو خطا رفته‌اند. حتی کسانی هم که می‌خواهند میزان و مبلغ ارزش و اهمیت این دو جنس را با یک ترازو بسنجند اشتباه می‌کنند. ساختمان جسمی و عقلی، مادی و معنوی زن و مرد، مأموریت و وظیفه و خاصیّت آنها در گیتی، به کلّی با یکدیگر متفاوت و متخالف است. زن با خاصیّت مخصوص و برای منظور و مقصود خاصی ساخته شده، مرد برای وظیفه‌ای دیگر و به طرز دیگری آفریده است». «۲» این کتاب یکی از منابع اصلی بسیاری از کسانی است که درباره حقوق زن در اسلام تحقیق می‌کنند، می‌باشد، به طوری که تمام این مطالب بدون کم و کاست، از فصل هفتم این کتاب با مطالبی دیگر، بدون ذکر مأخذ، در پایان نامه طلبه سطح ۳ کفایة الاصول با عنوان حقوق زن در اسلام و مقایسه‌ی آن با کشورهای غربی در تأیید مطلب، آمده است. «۳» (۱) . رجوع شود به بحث خلقت زن در قرآن در همین کتاب.

(۲). حسن صدر، حقوق زن در اسلام و اروپا ص ۲۶۹- ۲۶۱، چاپ اول ۱۳۱۹، چاپ دوم ۱۳۲۷.

(۳). عصمت گل لاله کرمانی، حقوق زن در اسلام و مقایسه آن با کشورهای غربی سال ۱۳۷۷، استاد راهنما دکتر صانعی، اهدایی کمیته ارزشیابی تحصیلات حوزوی خراسان به کتابخانه آستان قدس رضوی مخزن تالار محققان.

وظایف زن در خانواده

مواردی از تعارض دیدگاه اسلام و مسلمانان

جهت روشن شدن میزان تعارض دیدگاه اسلام و مسلمانان کلیه کتب تالیف شده در چهل سال گذشته در موضوع حقوق زن در اسلام بررسی شده و وظایف زن در خانواده از دیدگاه مسلمانان مشخص گردید که به برخی از این دیدگاهها اشاره می‌شود.

نویسنده‌ای با ادعای تألیف یک مجموعه صددرصد دینی و اسلامی و عدم بیان مطلبی خارج از مفاد آیه یا روایت، در نصایح و تذکراتی به زن‌ها، در پایان کتاب، کار منزل را وظیفه زن دانسته و توصیه می کند:

«از اموری که موجب دلسردی شوهر و اختلال نظم زندگی می‌شود دوری نمایید، مانند تسامح در نظافت خانه، دقت نکردن در پخت و پز، تمیز نگه داشتن لباس، بی‌قید بودن در امور زندگی و خوابیدن بی‌موقع مخصوصاً طرف صبح «۱» و گرفتگی چهره و تندخویی بودن ...». «۲» در کتابی دیگر، مطالبی بدون مأخذ با عنوان روش شوهرداری در اسلام در تشریح وظایف مهم زن در خانه آمده است و «زن باید برای آرامش مرد، حتی از صدای خود مراقبت نماید ... اعصاب مرد کوبیده است به خانه پناه می‌آورد تا استراحتی کند، لذا صدای بلند زن که پناهگاه او را به صورت مزاحم در می‌آورد، کوبنده اعصاب شوهر است، و باید زن سعی کند، آهسته و موقر صحبت کند، و اگر کاری دارد که مجبور به صدا کردن است به مقصود نزدیک شود تا صدای متعارف برای انجام عمل کافی باشد. زن نباید (۱). یکی از آقایان مذهبی هنگام رفتن به سرکار به همسر خود دستور می‌دادند رختخواب را جمع کند و نخوابد چون ایشان راضی نیستند!!

(۲). مصطفوی، حسن، زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث معتبر، ص ۲۱۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۹۵

آروغ‌های صدا دار و سرفه‌های مزاحم و عطسه‌های دنباله دار کند، برای انداختن آب دهان و احتمالًا آب زکام، باید رعایت موضع کند و جایی را انتخاب نماید که شوهر از او تمجید در ادب خواهد کرد، اگر سرش یا بدن‌اش خارش دارد، با نوک یک انگشت آن هم به طور عمودی و اگر کافی است از روی زیرپیراهن انجام دهد. رادیو یا تلویزیون را طوری بگیرد که مزاحم نباشد، و اگر شوهر مشغول تماشاست چیزی نگوید و حرف نزند ... در صورتی که خواست فرزندان را به گردش ببرد از آنها باید بپرسد من بیایم یا خیر. به هر صورت کوبنده‌ترین دشمن مؤمن، همسر بدرفتار است .... زن می‌تواند با رعایت بعضی از آداب زندگی (یعنی همین آداب مذکور!) فرشته باشد و اینها همه از نبی خاتم یا جانشینان گرام آن حضرت است». «۱»!!!

ناگفته پیداست این وضعیت زن برده است نه سیمای زن در اسلام.

نویسنده در بیان آدابی چند که «باید» رعایت کرد، باز به نتیجه‌گیری ذهنی پرداخته و واقعیات مسلّم جامعه را نادیده گرفته، و می‌نویسد: اگر زن صبح بعد از نماز نخوابد شوهر شرمنده می‌شود!! حتی اگر شوهر هم صبح‌ها خواب می کند چه بهتر که زن برای تهیه غذا و آنچه می‌تواند فرزندان را سیر و مرتب کرده به مدرسه یا خارج بفرستد، پرداخته و این بیشتر مرد را شرمنده می کند که او می‌خوابد و همسرش در پی وسیله‌سازی رفاه و آسایش خانواده است». «۲»!!

کار منزل واجب است یا مستحب

در ايران مردانى كه از انجام كارهاى منزل، توسط زن، شرمنده مى‌شوند قابل

(۱). پاك نژاد، سيدرضا، سرى كتاب‌هاى اولين دانشگاه و آخرين پيامبر، ج ۳۹، ص ۸۶، مؤسسه انتشارات بعثت تهران.

(۲). همان، ص ۶۴.

حقوق و تكاليف زوجين، ص: ۹۶

شمارش هستند، و اكثريت قريب به اتفاق مردها، كارهاى منزل را وظيفه شرعى و قانونى زن مى‌دانند، كه اگر انجام نشد، زن بايد شرمنده و حتى جوابگو باشد و اين جوابگويى در برخى از موارد تا محضر و دادگاه نيز ادامه پيدا مى كند.!!

نويسنده‌اى در توضيح احترام شوهر و بيان مصداق احترام، حديثى از پيامبر نقل مى كند كه: «زن موظف است براى شوهرش طشت و حوله حاضر كند و دستهايش را بشويد». «۱» در ادله بحث شوهردارى، وظايف زن را در موفقيت‌هاى شغلى مرد بيان نموده، و وظايف زن در شغل خارج از منزل و در منزل مرد را اينگونه تشريح نموده است: «اگر شغل مرد در خارج از منزل باشد، همسرش در غياب او آزادى دارد، ليكن اگر در منزل كار كند همسرش مقيّد خواهد شد، ممكن است شاعر يا نويسنده يا نقّاش يا دانشمند اهل مطالعه باشد، اين قبيل افراد معمولًا، محل كارشان منزل است، ناچار هميشه يا اكثر اوقات در منزل اشتغال داشته باشند و از همين جهت زندگى آنها، با سايرين تفاوت خواهد كرد ... اين خانم بايد توجه كرده باشد كه گرچه شوهرش دائماً يا اكثر اوقات در خانه است، ليكن بيكار نيست، نبايد انتظار داشته باشد، زنگ درب خانه را جواب دهد، بچه‌دارى كند، گاهى سرى به آشپزخانه بزند، در كارهاى خانه كمك كند، به بچه‌هاى شيطون دعوا كند، موقعى كه مرد مشغول كار است بايد او را نديده گرفت و فرض كرد، اصلًا در خانه نيست.

خانم محترم وقتى شوهرت مى‌خواهد به اتاق كار برود اسباب و لوازم مورد احتياج‌اش را از قبيل كتاب، قلم، كاغذ، دفتر، مدادتراش، كبريت، سيگار، زيرسيگارى همه را نزدش حاضر كن كه براى پيدا كردن آنها معطّل نشود!!! ... در (۱). امينى، ابراهيم، آيين همسردارى يا اخلاق خانواده، ص ۲۴، چاپ اول ۱۳/ ۱۲/ ۵۴ چاپ چهارم، ۱۳۵۷.

حقوق و تكاليف زوجين، ص: ۹۷

اطراف اتاق‌اش آهسته راه برو، بلند بلند حرف نزن، مواظب باش بچه‌ها سر و صدا نكنند، به آنها بفهمان اكنون موقع بازى شما نيست!!!». «۱»

نويسنده، پس از شمردن انواع كارهايى كه به راحتى آقا كمك مى كند، اضافه مى‌نمايد:

«در عين حال كه به امور خانه‌دارى مشغول هستى مراقب شوهرت نيز باش اگر چيزى طلب كرد، فوراً حاضر كن و از اتاق خارج شو ... مراتب لياقت و شايستگى زن!! در اين گونه موارد!! (در نشان دادن نهايت كنيزى و بهره‌كشى شوهر) ظاهر مى‌شود، و الّا اداره يك زندگى عادى از همه كس ساخته است». «۲» همين نويسنده در توصيه به زن در كمك به ترقى شوهر، مى‌نويسد:

«بشر بالذات قابليّت ترقى دارد، عشق به كمال در نهادش نهفته و براى تكامل آفريده شده است، هركس، در هر مقام و با هر شرائط و در هر سنى باشد، مى‌تواند به ترقيات خويش ادامه داده كامل‌تر گردد، انسان كه براى هرگونه كمالى آماده است، نبايد هيچگاه به موجوديت خويش قناعت نموده، هدف آفرينش را از دست بدهد ... شخصيّت «۳» مرد تا حدود زيادى به خواسته‌هاى همسرش بستگى دارد». «۴» اين نويسنده ترقى و پيشرفت تا آخرين لحظه زندگى را، براى مرد به خاطر لياقت و توانايى او شايسته و لازم دانسته، و از زنان مى‌خواهد، حتى در صورت عدم تمايل مرد، او را به ادامه تحصيل و ترقى وا دارند. امّا در بخش زندارى، در تشريح تعليم و تربيت (يعنى تربيت زن توسط شوهر) هيچيك (۱) و. امينى، ابراهيم، آيين همسردارى يا اخلاق خانواده، ص ۸۸ و ۹۱- ۹۰.

(۲) و. امينى، ابراهيم، آيين همسردارى يا اخلاق خانواده، ص ۸۸ و ۹۱- ۹۰.

(۳). کلمه شخصیت، احتمالًا به مفهوم رایج در بین عوام استعمال شده است. والّا شخصیت هرفردی تا ۷- ۶ سالگی تکمیل شده و نوع شخصیت بستگی تام به والدین و محیط وراثت و نحوه تربیت دارد. همسر تا حدودی در ایجاد زمینه ترقی در پیشرفت می‌تواند مؤثر باشد.

(۴). مأخذ قبلی، ص ۹۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۹۸

از اموری که بر مرد شمردند، اینجا جایز ندانسته، بلکه آموزش امور آشپزخانه به زن را توسط شوهر توصیه می‌کنند: «برای اداره یک منزل اطلاعات مختلفی لازم است، باید غذا پختن، لباس‌شستن، رفت و روب، اتو کردن، دوخت و دوز، مرتب کردن اثاث منزل، آداب مهمانداری، آداب معاشرت و رفت و آمد، شوهرداری و بالاخره بچه‌داری و دهها مانند اینها را بداند. مرد از همسر تازه واردش انتظار دارد؛ همه اینها را بداند و یک زن تربیت یافته کامل عیار باشد.»!!!

ایشان افسوس، می‌خورند که والدین آداب زندگی! یعنی امور مذکور در فوق را به دختران‌شان یاد نمی‌دهند باید در صدد علاج بر آمد». «۱»!!!

نویسنده، در تشریح «وظایف مهم خانه‌داری» که نظافت یکی از آنهاست، از جارو کردن و گردگیری منزل گرفته تا شستن لباس‌ها و گوشت و حبوبات و ظرفها و ... خلاصه نظافت کلیه لوازم و اسباب زندگی را وظیفه زن دانسته، و با تأکید، نحوه نظافت کردن!! با استفاده از احادیثی در پاکیزگی (نه تمیز کردن توسط زن) به خانم‌ها یادآوری می‌نمایند.

همچنین در بخش زنداری بدون نظر سنجی از کلیه زنان، در انجام امور خانه‌داری، به مردها توصیه می‌کنند: «درست است که کارهای خانه‌داری بر عهده زنهاست، و در این باره حرفی ندارند!! لیکن باید توجه داشت که، اداره یک منزل کار آسانی نیست». «۲» براساس همین آموزش‌های نادرست از اسلام است که سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز، در سریال همسایه شوهران به خاطر نپرداختن زنان به امور منزل و اشتغال به امور مدیریت ساختمان، اعتراض می‌کنند، تا به وظیفه اصلی خود! (۱). همان، ص ۳۹۰- ۳۸۹- از نظر نویسنده تربیت یعنی پروار کردن نه پروریدن و تزکیه نفس.

(۲). همان، ص ۳۷۹ و ۱۸۹ و ۱۸۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۹۹

یعنی کلیه موارد مذکور در این کتاب‌ها عمل نمایند، و مدیریت را به عهده آقایان بگذارند!!

همچنین در سال ۱۳۸۱ برنامه خلانواده، زمانی که زن از انجام امور منزل (اتو کشیدن، غذا پختن و ...) به جهت نا آشنایی به آنها، امتناع می‌ورزد، شوهر مسئله طلاق را پیش کشیده و صریحاً می‌گوید، من یک زن کامل می‌خواهم زن کامل یعنی پختن غذا، اتو کردن لباسها و ... تر و خشک کردن شوهر و اطاعت صددرصد، زمانی که زن به این امور می‌پردازد شوهر دوباره ادامه زندگی با زن را می‌پذیرد، سیمای ترسیم شده از زن در تلویزیون در برخی از سریال‌ها وظیفه اصلی و غیر قابل تغییر زن یعنی کنیزی شوهر و بچه‌ها و فراموشی خود، و وقف زندگی خود برای آنها، در حالی که دستور و مقررات اسلام غیر از این است که در مطالب آینده بدان خواهیم پرداخت.

ثواب زن اجباری است یا اختیاری

مترجم کتابی «۱» دیگر، در فصلی با عنوان پی‌گفتار مترجم در آخر کتاب، با تیتر شیوه همسرداری، وظایف زن و مرد را که با محتوای مضامین کتاب تناقض دارد، برشمرده در وصف پنجمین وظیفه دشوار و سنگین زن! می‌نویسد:

«خانه‌داری و خدمت به شوهر نیز، یکی از وظایف زن است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر زنی که در خانه شوهر به

منظور خدمت چیزی را جابجا کند، خدا به او نظر رحمت می‌کند و کسی که مورد عنایت حقّ قرار گرفت از عذاب در امان است».
در روایت دیگر آمده است: «یک زن شایسته از هزار مرد ناشایسته بهتر (۱). فضل اللّه، شیخ سید محمدحسین، شیوه همسرداری، مترجم لطیف راشدی، صص ۱۰۴- ۱۰۲، چاپ اول، ۱۳۷۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۰۰

است. هر زنی هفت خدمت به شوهر کند، خداوند هفت در دوزخ را به رویش می‌بندد و هشت در بهشت را برایش باز می‌کند، آن گاه از هر کدام در که بخواهد وارد بهشت می‌شود». «۱» همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر زنی غذای خوشمزه و گوارا برای شوهر تهیه کند، خداوند در بهشت خوراک‌های رنگارنگ برایش تهیه می‌کند و می‌گوید: بخور و بنوش، این غذاها پاداش آن زحمت‌هاست که در دنیا کشیدی». «۲» در کتابی دیگر «۳» نیز هشت وظیفه بر زن مطرح شده است که وظیفه پنجمی، خدمتکار بودن زن می‌باشد نویسنده، این وظیفه را از دو حدیث «۴» در استحباب آب دادن به دست شوهر و پاداش تهیه غذا برای شوهر، به عنوان وجوب این اعمال بر زن، استنباط نموده است.
پرواضح است، این حدیث و احادیثی از این قبیل، استحباب مؤکد این اعمال را می‌رساند نه وجوب، در هیچ یک از آیات قرآن و منابع شیعه، عذاب و مؤاخذه‌ای در آخرت، برای انجام ندادن این اعمال بیان نشده است. اگر زنی این ثواب‌ها را نخواهد، اجباری به انجام دادن این اعمال نیست، بلکه اگر انجام داد، تنها لطفی است که در حقّ شوهر نموده است.
علاوه بر این، طبق احکام شرعی، زن می‌تواند، در برابر انجام کارهای منزل، از شوهر، مطالبه اجرت نماید. نویسنده سپس حدیثی از امام باقر علیه السلام در مورد تقسیم کار بین حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نقل می‌کند که پیامبر (۱). وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۳.
(۲). نکاح مستدرک الوسایل، باب ۶، ح ۲.
(۳). احمدی، مجید، سیمای ازدواج و انتخاب همسر، چاپ اول، ۱۳۷۹ ص ۱۳۱، چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی قم انتشارات محتشم.
(۴). وسایل الشیعه، ابواب احکام الاولاد باب، ۸۹- مستدرک باب ۶۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۰۱

فرمودند: «بر فاطمه است که کارهای داخل خانه و بر علی است کارهای بیرون خانه را انجام دهد». «۱» این حدیث نیز وجوب و تعمیم مسئله به عموم زنان را نمی‌رساند، بلکه تنها می‌تواند برای پیروان سنّت پیامبر و ائمه علیهم السلام الگو باشد.
نویسنده وظیفه دشوار و سنگین ششم زن را احترام و خوش رفتاری با شوهر دانسته و مصداق این خوشرفتاری را آماده کردن لباس شوهر به استناد حدیثی دانسته است که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمودند:
«هر زنی لباس شوهر را آماده سازد، خداوند در قیامت هفتاد خلعت بهشتی به او عطا می‌کند که مانند گل‌های شقایق و ریحانه خوشرنگ و خوشبو باشند و چهل فرشته به خدمت او می‌گمارد». «۲» همچنین، حدیث دیگری از پیامبر اسلام، در وظایف زن بیان می‌کند که فرمودند: «یکی از وظایف زن این است که چراغ خانه را روشن کند، غذا آماده نماید، وقتی شوهر وارد می‌شود، تا نزدیک درب به استقبال شوهر بیاید، و به او خوش آمد بگوید، آفتابه و لگن و حوله بیاورد، آب روی دست‌اش بریزد، و بدون عذر و مانع، از آمیزش خودداری ننماید». «۳» نویسنده، مصداق احترام و خوشرفتاری را نیز پختن غذا و شستن لباس و روشن کردن چراغ و آب ریختن بر روی دست ... دانسته که هیچیک از این موارد جزو وظایف شرعی و قانونی زن نیست. در نگاهی اجمالی به دلالت و متن احادیث در می‌یابیم، همچنان که، در امور اعتقادی و اخلاقی به طور کلی و جزیی بیان شده‌اند، همین‌طور در امور مادی و روزمره نیز مسائل طوری بیان شده است، که (۱). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۱ و نیز نکاح مستدرک، باب ۶۸، ح ۱.
(۲). مأخذ ذکر نشده است.

(۳). نکاح مستدرک ج ۱۴ باب ۶۱، ح ۲، ص ۲۵۴، به نقل از فضل اللّه، شیخ محمدحسین، شیوه همسرداری، مترجم لطیف راشدی صص ۱۰۴– ۱۰۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۰۲

مختص زمان و مکان خاصی نیست، چرا که سنّت و سیره پیامبر و ائمه علیهم السلام همچون قرآن، در همه زمان‌ها و مکان‌ها قابلیت الگویی داشته، و موضوعیّت اعمالی از الگو، آن هم وظیفه‌ای شرعی نباید در زمانی از اعصار منتفی گردد. صرفنظر از عدم وجوب انجام کار منزل برای زن، روشن شدن چراغ در زمان حاضر به وسیله برق و لوله‌کشی آب در منازل، موضوع را منتفی می‌کند، زیرا روشن کردن چراغ در سابق که برق نبود، زحمت داشت و هرچه در منزل اسباب زحمت بود، سهمیه زن بود. در حالی که نمی‌توان پذیرفت، معصوم علیه السلام کاری بر زنان الزام نمایند، که تنها در زمان محدودی قابلیت اجرا را داشته باشد.

در بیشتر کتب مذهبی و دیدگاه قشر مذهبی که دین را باورها و سلیقه‌های خود آمیخته‌اند، تمام تکالیف و وظایف زن و مرد را بر زن بار، ولی حقوق را از وی سلب نموده‌اند، این تکلیف مالایطاق است. در صورتی که محجورین در اسلام از تحمل بار سنگین مسئولیت و وظیفه معاف بوده ولی از حقوق متمتع می‌باشند، فقط از استیفاء حقوق در مواقع ضرر به محجور، ممنوع می‌باشند.

ترسیم چنین چهره‌ای از وظایف زن در اسلام، احساس ظلم در زنان ایجاد نموده، و افراد ناآشنا با تعالیم و قوانین عادلانه اسلام را از اسلام و دین دورتر می‌نماید. «۱» (۱). کتاب «بطولة المرأة المسلمة» به قلم شهید بنت الهدی صدر نیز توسط احمد صادقی اردستانی با عنوان شخصیت زن مسلمان در سال ۱۳۶۸ ترجمه شده است. در این کتاب نیز، مترجم برخلاف روش امانتداری در ترجمه متون، سه بخش در چاپ دوّم ترجمه خود بر آن افزوده‌اند و متن اصلی کتاب را به سه بخش تقسیم کرده عناوینی را برگزیده است. در حالی که روال ترجمه این است که مترجم اضافات خود را در پاورقی می‌آورد نه در متن اصلی کتاب. مسئله قابل تأمل این است که مترجم در ترجمه کتاب‌های مؤلفین مرد چیزی اضافه ننموده‌اند اما ترجمه این کتاب طوری است که لحن گفتاری مترجم کاملًا پیداست و لحن گفتاری مؤلف که باید از نوشته معلوم گردد خیلی معلوم نیست. در پایان کتاب بجای اسم مؤلف، اسم خود را نوشته است! متن کتاب به خاطر کثرت اضافات و دخل و تصرف در متن، مشخص نیست، کنکاشی لازم است متن اصلی معلوم گردد. همچنین مواردی از فصل ۶ با مطالب دیگر این فصل و مقدمه مترجم و متن اصلی کتاب همخوانی نداشته و تناقض گفتار و باورهای درونی مشهود است و مترجم در جاهای مناسب تألیفات خود را معرفی نموده است.

وضعیّت زن در خانواده

نمونه دیگری از کتابی که به وفور در آن شخصیّت زن کوبیده شده وضعیفه انگاری و ناقص العقلی و مفسده انگیزی و تعصّبات، افکار جاهلی ارزش و جایگاه زن را تا حد یک خدمتکار پایین آورده، و در سراسر کتاب مشهود است، علت انتخاب این کتاب این است که مطالب آن نه اعتقاد یک نویسنده، بلکه باورها و رفتارهای عینی هزاران مرد مسلمان ایرانی است که، متأسفانه قشر مذهبی به ویژه روحانیون بیشتر به اشاعه این افکار دامن می‌زنند، و همچنین علت دیگر اینکه حدود ۸ سال پیش مواردی درباره این کتاب به مولّف محترم عرض شد، با وجود چاپ پنجم در سال ۱۳۷۲ پیدا است. موثر نبوده است. «۱»

عنوان این کتاب آیین خانه داری «وظیفه زن در خانه و جامعه» به قلم آقای محمد حسین حق جو است که به جای تبیین دیدگاه مکتب تعالی بخش اسلام در امور خانه داری و زن داری و شوهر داری به بیان دیدگاه‌ها و سلایق و تعصّبات شخصی خود پرداخته است. مواردی از این اعمال سلیقه که به نام (۱). چاپ ششم این کتاب بدون هیچ گونه تجدید نظر و اضافاتی به عنوان چاپ اول با تجدید نظر و اضافات در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۰۴

حکم اسلام مطرح شده است، بیان می‌شود تا هم وضعیّت مطبوعات در برخورد با مسئله زن روشن گردد، و نیز در ضمن نقد و بررسی نظرات، عمق مرد سالاری و مشکلات زنان در خانواده، و همچنین مقایسه الگویی که در این کتاب و خیلی از مردهای مسلمان متدیّن از زن مسلمان ارائه می‌دهند، با الگویی که اسلام از زن ارائه می‌دهد، در شناسایی منشأ و اساس بسیاری از مشکلات فعلی زنان در عرصه‌های مختلف خانوادگی و اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی و ... موثر خواهد بود. برخی از آن موارد به شرح ذیل می‌باشد:

۱-/ حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمودند: خدای متعال فرمود:

«اگر قرار بود غیر از مرا زن سجده کند به او می گفتم شوهرش را سجده کند.»

(مکارم الاخلاق بخش نکاح)

بعد از این حدیث افزوده‌اند: توجه زن به خواسته‌های شوهر در تمام جهات واجب است مگر در اموری که جزء واجبات دین باشد و شوهر امر کند که انجام ندهد و یا اینکه به کاری وادار نماید که از محرمات شرعی باشد. «۱» ماخذ این فتوا و حکم قطعی!! در فقه شیعه بیان نشده است.

جمله «در تمام جهات واجب است» جای تأمل بسیار دارد چون منشأ بسیاری از ظلم‌ها نسبت به زنان شده، و حتی در برخی موارد به امر شوهر مرتکب گناه نیز شده‌اند. از این رو لازم است صحّت و سقم حدیث فوق توسط علماء بزرگوار حوزه علمیه مورد بررسی قرار گیرد. زیرا عواقب سوء زیادی به همراه داشته و دارد.

در بین زنان بی‌سواد و کم سواد (زیر دیپلم) این جمله که شوهر خدای دوم زن است، چنان به صورت باور و حرمت شرعی درآمده است که در (۱). حق جو، محمد حسین، آیین خانه داری، ص ۱۴، چاپ اوّل، ۱۳۷۵، قم، انتشارات فاطمهٔ الزهرا «علیه السلام»

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۰۵

برخی موارد حتی شاهد برداشتن چادر از سر تازه عروس در مجلس میهمانی مختلط، توسط شوهر و پذیرش بی چون و چرای وی بوده‌ایم.

فتواهایی بدون مبنای شرعی از این قبیل در کتب به نام حکم اسلام الگویی از زن مسلمان ارائه می‌دهد، که زن برای چگونه حرف زدن، باکی حرف زدن، چه حرفی زدن، زمانی که مرد منزل نیست، زن استراحت بکند یا نکند یا چه کاری انجام دهد یا ندهد و ... حتّی در نوع علایق هم، زن باید از مرد اجازه و کسب تکلیف نماید. این همه محدودیّت به ویژه پس از ازدواج باعث شده است علاوه بر عدم پذیرش چنین اسارتی، دختران تحصیل کرده در سطح عالیه، ازدواج با مردی روحانی و خیلی مذهبی خودداری نمایند.

چون عقل انسان اطاعت محض و بی چون و چرا از مخلوقی ناقص که خود نیازمند راهبری و راهنمایی است نمی‌پذیرد، و اسلام نیز چنین چیزی از زن نخواسته است که بعد از ازدواج، خود و خواسته‌های معنوی و استعدادهای خود را به فراموشی سپارد، و به خدمت و کنیزی آقا درآید و هر لحظه منتظر اوامر باشد، و بدون چون و چرا و ناراحتی انجام دهد.

قلمرو وظایف زن و مرد در خانواده، در مکتب اسلام خیلی روشن است «۱»، اما چون نویسندگان، ناشران و شخصیّت‌های فرهنگی و امور فرهنگی دست مردها هست، لذا، هم برخی زنان از وظایف شرعی ناآگاه مانده‌اند، و هم منشأ ظلم بسیاری نسبت به زنان شده است. به طوری که در سخنرانی‌ها و آموزش‌ها نیز، سخن از شوهرداری است نه زن داری. گویی مرد هر چه خواهد می‌تواند بکند، و همه مردان همچون علی علیه السلام هستند، و به وظایف خویش آگاه، تنها زنان هستند که باید از تمام نکات ریز و درشت شرعی و غیر شرعی شوهرداری آگاه شده و رعایت نمایند.!! این افکار ریشه در حوزه‌های (۱). رجوع شود به حقوق و تکالیف زوجین و مقایسه تطبیقی با متون مذهبی از همین قلم.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۰۶

علمیه دارد، چون مردم عادی متناسب با تعصّبات و سلیقه‌های خود هرگز به خود اجازه صدور حکم واجب و حرام در مسائل روزمره هر چند به نفع خود باشد، نمی‌دهند، مردم فقط از روحانیون که هدایتگران فکری و فرهنگی جامعه هستند، تبعیّت و پیروی می‌نمایند.

در تحقیقی که یکی از طلّاب در مورد انتخاب همسر از طلبه‌های حوزه علمیه کرده بود، در پاسخ به سؤال میزان تحصیلات زن، اکثریت آنان بین پنجم ابتدائی و دیپلم گفته، و به یکدیگر توصیه می‌کردند زن طلبه نگیرید، چون نمی‌توان حکومت کرد «۱» همسر برخی روحانیون از جهت میزان تحصیلات زیر دیپلم و در چند سال اخیر برخی تحصیلات حوزوی دارند.

مسلمان یا مجتهد است یا مقلّد، در هر دو صورت فتاوای مراجع تقلید، در حدود اطاعت زن از شوهر در چند کلمه بیش نیست.

مطابق فتوای مراجع تقلید حدود اطاعت زن از شوهر فقط شامل موارد زیر می‌باشد و لاغیر:

حدود اطاعت زن از شوهر: «در مطلق استمتاعات و خروج زن از منزل باید اطاعت از شوهر باشد. «۲»»

۲-/ نویسنده محترم، در ادامه شرح وظایف زنان، اخلاص در انجام خدمات خانگی (بچه داری، طبّاخی، شستن لباس، خیاطی، جارو کردن و ...)

را رمز ثبات زندگی می‌داند. (۱) . برخی این جمله را بیان داشتند: زن هر چه احمق‌تر بهتر. (۱۳۶۹) در کلاس مختلط طلاب ودانشجویان در درس روان‌شناسی شخصیّت نیز، نتیجه همین بود. طلّاب مرد به مرد بودن و قدرتمندی خود و ضعیفه بودن زن با تحقیر زنان تأکید داشته و افتخار می‌کردند. به طوری که رفتار آنان موجب تذکر استاد (روان‌شناسی) شد که نباید با زنان تا این حد تضاد داشته باشند. (۱۳۷۸)

(۲). موگهی، عبدالرحیم، احکام ازدواج، ص ۱۱۷ و توضیح المسائل امام خمینی، م ۱۲ و ۲۴ و نیز مکارم شیرازی، م ۲۰۶۲، و اراکی، م ۲۴۲۶-/ امام خمینی (ره) بخش استفتاء.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۰۷

ایشان انجام کارهای خانه را وظیفه شرعی دختر در خانه پدر، و وظیفه زن در خانه شوهر می‌داند، و تأکید بر اخلاص دارند تا مسئلت پاداش، از خدا نمایند که زیادتر و پاینده‌تر است، و به زنان توصیه می‌کنند علاوه بر پرهیز از منّت گذاشتن به خاطر انجام این امور حتّی به تشریح کارهایی که در روز انجام داده‌اند نپردازند، تا مبادا خاطر مبارک آقا مکدّر شود. همه اینها فرمایش نویسنده به تحریک شیطان است، زنان باید در برابر زحماتی که در خانه می‌کشند، سکوت و تحمل و صبر پیشه کنند، چون دنیا فقط زندان زنان است، و بهشت مردان، چون لذّت داشتن ندیمه مخصوص، و امر و نهی در بهشت برای مهیا کردن خواسته‌ها را در این دنیا بسیار تمرین می‌نمایند.

ایشان در قسمتی از فرمایشات فتوا گونه خود می‌نویسند: «آری لزومی ندارد کارها، خدمات، ایثارگری‌های خود را، به رخ همسر بکشید، اگر امروز خسته شده‌اید، زحمت زیاد کشیده‌اید، حتّی برخی از کارها را کرده‌اید، که صرفاً به نفع همسر بود و برای شما زحمت فوق العاده بود، این شیطان است که شما را تحریک می‌کند تا اخم کنید، ناز بیاورید، غرغر کنید، منّت بگذارید و حتّی کمترین نوع آن (یعنی تحریک این شیطان ملعون) این است که شرح دهید و بگویید: بچه خیلی اذیّت کرد، لباس‌های زیادی را شسته‌ام، از آن روزی که میهمان‌ها رفته‌اند هنوز بی حال‌ام، غذایشان را که خوردند حتّی کمک نکردند که ظرف‌ها را بشویند و ... شیطان نمی‌خواهد عمل شما سالم بماند و برای درگاه معبودیّت حفظ گردد «۱»». ای کاش این شیطان کمی هم مردها را تحریک می‌کرد، تا مقداری از کارهای منزل خود و یا حداقل کارهای شخصی خود را، خود انجام دهند. معلوم نیست این شیطان چرا زنان را فقط در کارهای منزل تحریک می‌نماید، گویی زنان کار دیگر جز این امر ندارند. با این فتواها، انسان (۱). حق جو، محمد

حسین، آیین خانه داری، ص ۳۹، چاپ اول ۱۳۷۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۰۸

یـاد گفته‌هـای کشـیشان کلیساهای قرون وسـطی می‌افتـد که، برای حلّ همه مسائل خود، و برای نفوذ بیشتر در مردم، عـدم انجام هر چیزی را که مطابق میل و عقیده آنان نبود، به گناه تحریک شیطان ربط می‌دادند و از مردم بیچاره بیگاری می‌کشیدند.

در حـالی کـه در شـرع مقـدس اسـلام شـارع حکیم به مرد تکلیـف می‌کنـد، در قبـال شـیر دادن و انجـام کارهـای منزل در صـورت درخواست همسر، خدمتکار و دایه بگیرد و یا حق الزحمه پرداخت نماید.

در ص ۶۶ این کتاب نویسنده محترم، در خدمت اسراف خواهران که زنان را «خواهران شیطان» «۱» نام می‌برند، می‌افزایند: ... قابلمه روی گاز بود، حواس‌ام به بچه بود، فیلم نگاه می‌کردم و ... سوخت مهم نیست. چرا این بلوز تنگ شده؟ چرا شلوار، پیراهن‌ام چنین مچاله شـده؟ بله آقـا لباس‌هـا را در ماشـین ریختم بشویم مثـل اینکه آب داغ شـده و من هم فراموش کرده‌ام که لباس‌هـا در ماشـین است؟ ... چرا میوه‌ها توی یخچال خراب شـده است؟ تا کی این شـیر آب بایـد باز باشد؟ چرا گاز بی‌جهت روشن است ... و هزاران چرای دیگر ... هر کـدام را خانم یک جوابی می‌دهـد، و بعضـی وقت‌ها هم مرد قانع می‌شود و یا داد و فریاد می‌زند!! و حتّی گاهی کتک هم بزنـد، ولی آیا واقع جریان همان بود که زن می‌گویـد یا نه، فقط مرد را ساکت کرده؟ ... از پـدر، شوهر، برادر می‌ترسـی، زیرا در صدد هستی پاسخی برایشان بسازی ولی از خدا نمی‌ترسی؟»

صد رحمت به برخی خشک مقدس‌ها و متعصّب‌ها، که فقط پدر و شوهر را صاحب تام الاختیار زن می‌دانند، و بر آنها حقّ تحکّم و داد و فریـاد و امر و (۱). از طرف همه زنـان بایـد از مولف محترم جهت رعـایت نزاکت در قلم و قائل شـدن مقـام انسـانیّت‌بر آنان سپاسگزاری کرد.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۰۹

نهی و کتک و ... قائل‌اند. معلوم نیست مؤلّف گرامی، بر مبنای چه دلیل شـرعی و قانونی، برادر را نیز به سـیل قیّمان تام الاختیار زن پیوست زده‌انـد. بی جهت نیست، برخی پسـران هنوز به سن تکلیف نرسـیده بر مادر صـدا بلنـد می‌کننـد و همچون پـدر امر و نهی و کتک و ... پیشه می‌گیرند. این گونه کتاب‌ها راه را بر گسـتاخی نادانان، چه به نام پدر چه شوهر چه برادر و پسر می‌گشاید که هیچ کدام شرعاً و قانوناً چنین حقّی بر زن ندارند.

فتاوای مراجع تقلید، در انجام کارهای منزل توسط زن به شرح زیر است:

۱-/ مرد حقّ ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند. «۱»

۲-/ ترک وظایف و حقوقی که بر زن واجب نیست، باعث نشوز وی نمی‌شود. بنابراین اگر زنی از خـدمات خانه و خواسـته‌هایی که مربـوط به اسـتمتاع و لـذّت در امر زنـاشویی نمی‌شـود مانـد جـارو کردن، خیّـاطی، آشـپزی یـا غیر آن حتّی آب دادن و پهن کردن رختخواب خودداری کند، نشوز زن محسوب نمی‌شود. «۲»

۳-/ زن وظیفه نـدارد خـدمت خانه را انجام دهد و غذا تهیّه کند و نظافت و مانند آن را انجام دهد، مگر به میل خود و اگر مرد او را مجبور بر این کارها نماید، زن می‌تواند حقّ الزحمه خود را در برابر این کارها از او بگیرد. «۳»

۴-/ هر گاه زن مطالبه خرجی کند و شوهر ندهد، می‌تواند هر روز به اندازه خرجی آن روز، بدون اجازه از مال او بردارد، و احتیاط واجب آن است که این کـار بـا اجازه حاکم شـرع باشـد، اگر مجبور شود که خودش معاش خود را تهیه (۱). امام خمینی، م ۲۴۱۴، اراکی، م ۲۴۲۸.

(۲). تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۰۵، قبل از مسئله ۱.

(۳). مکارم شیرازی، م ۲۰۶۴، اراکی، م ۲۴۳۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۱۰

کند، در موقعی که مشغول کار است اطاعت شوهر بر او واجب نیست. «۱»

مقایسه‌ای اجمالی بین فتاوای علماء و مراجع تقلیـد و مطالب این کتاب، فاصـله بسـیار طولانی و متضّادی بین الگوی زن در اسـلام و الگوی زن در افکار جاهلی و استثمارگرانه را کاملًا نشان می‌دهد.

علّامه سیدحسـین فضل اللَّه در حقوق زن و مرد می‌فرماینـد: اسـلام- به لحاظ قانونی- در داخل خانه هرگز مسئولیت و حتی یکی از مسئولیت‌های کارهای منزل را به گردن زن نمی‌گـذارد. چرا که اسـلام نمی‌خواهـد زن به عنوان خـدمتکار مرد و فرزندان او، تلقی گردد که اراده و تصـمیم او زیر پـا خرد شود، بلکه می‌خواهـد که زن از در فراغ وارد زنـدگی خـانوادگی شود که احساس کنـد در خانه شوهر زندگی در پرتو آزادی اراده و عمل، می‌باشد. اسلام می‌خواهد، زن هنگامی که وارد خانه شوهر می‌شود به تکالیفی که ذکر شده مکلّف نباشد. لکن در همان حال- براساس مسائل اخلاقی و معنوی و انسانی- از او می‌خواهد که در خدمت و رفاه شوهر و فرزنـدان او باشـد، اگرچه به او در این صورت حقّ زائـد و عوض مـادی را داده است و آن عمـل، یعنی شوهرداری و خانه‌داری را جهادی در راه خدا دانسته است. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «انَّ جَهادُ المرأةِ حُسْنُ التبعُّلِ». «۲» حقیقتاً جهاد زن، در نیکو شوهرداری کردن او است».

به عبارت دیگر، زن باید برای همسر خود همسری صالحه و شایسته باشد، و برای او آنچه در توان دارد با محبّت و اخلاص تقدیم نمایـد. علّامه فضـل اللَّه نمـونه بـارز این نوع خـدمت بـا محبّت و اخلاـص را در حقوق زن بر مرد نیز بیـان می‌کننـد که (۱). مکارم شیرازی ۲۰۶۵، اراکی قریب به این مضمون م ۲۴۳۰.

(۲). بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۵.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۱۱

بر مرد واجب نیست علاـوه بر نفقه متعارف، بر زن خود انفاق کنـد لکن اسـلام از مرد می‌خواهـد که رفاه اقتصادی خانواده را تأمین نمایـد. خواست اسـلام زنـدگی توأم با عطا و بخشـش انسانی افزون بر پای‌بنـدی و رعایت حـدود لازم که از سوی خـدا تعیین شـده می‌باشد و حدود الهی وظیفه زن در دو مورد عدم منع خود از شوهر جز به دلایل شـرعی و اجازه شوهر در خروج از منزل است. «۱» در بررسـی از قرآن در خدمتگزاری و پذیرایی در دنیا و آخرت از آن کیست در می‌یابیم همانگونه که مرد طبق آیه «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّسـاءِ» کـارگزار زن و مسئول تـأمین نیازهای مادی زن است، در آخرت نیز همین روش ادامه می‌یابـد و به استناد آیات سوره طور آیه ۲۴ و واقعه آیات ۱۷ و ۱۸ و انسان آیه ۱۹، مردان به پـذیرایی از زنان و مردان بر می‌خیزند. کلمات غِلْمان و وِلْدان به معنی پسـران جوان ویژگی پـذیرایی کنندگان در بهشت توصـیف شده است. از زنان بهشتی تنها در تزویج یاد شده است نه خدمتکاری و پذیرایی از سایر بهشتیان. «۲»

شبهه‌سازی در مرجع ضمیر مخاطب‌های قرآن

موردی دیگر از اثرات برداشت‌های متضاد و مغایر با اسلام در متون مذهبی شبهه‌سازی در مرجع ضمیر مخاطب‌های قرآن است.

خود برتر بینی و مردسالاـری چنان در افکار برخی ریشه دوانیـده که واقعیت‌های مسلم را نادیـده گرفته و حتی خـدا را هم خـداوند مردان می‌دانند!

در مقـاله فلسـفه مردانه بودن گفتمـان قرآن «۳» نویسـنده، مخاطب خطاب‌های (۱). فضل اللَّه، سـید محمدحسـین، شیوه همسرداری، صص ۴۶- ۴۴.

(۲). اقتباس از محمود، عباسعلی، حوری کیست؟، ص ۵۶، چاپ اول، ۱۳۷۹.

(۳). فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۶– ۲۵، ص ۱۱۳ دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه مشهد، سال ۱۳۸۰، نویسنده آقای موسی صدر محقق پژوهش‌های قرآنی.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۱۲

مذکر، در وحی الهی را توجه به مردان و مسائل مربوط به آنان عنوان نموده و آیاتی را از جمله آیه ۶۰ سوره مبارکه نور که می‌فرماید: «وَالقَواعِدُ مِنَ النِّساءِ الّتی لا یَرْجُونَ نِکاحاً فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُناحٌ أَنْ یَضَعْنَ ثِیابَهُنَّ» و آیات ۳۰ و ۳۱ که حکم ویژه زنان را بیان می‌کند، شاهد مثال آورده است که در تمام آیات روی سخن با مردان مؤمن است و لحن خطاب غیبت می‌باشد! نویسنده، با مسلّم و قطعی دانستن این امر، در تحلیل این مطلب می‌افزاید: «این نشان می‌دهد که زنان در حال سخن گفتن از رویارویی و خطاب مستقیم کنار گذاشته شده‌اند و روی سخن با مردان است ...».

در حالی که خداوند حکیم و علیم، حتی مخلوقات ریز خود را همچون مورچه و کرم خاکی و ... را از نظر دور نداشته و همواره فیض وجود حق، بر تمام موجودات هستی ساری و جاری است. این گونه سخن گفتن از مکتب وحی، ظلمی بزرگ بر ذات باریتعالی و اسلام و قرآن است. چگونه می‌توان پذیرفت، خداوند باریتعالی مخلوق خود را که خلقت آن را احسن الخالقین نامیده و اکمل موجودات هستی قرار داده، هنگام سخن گفتن وی را کنار نهد!؟

این طرز فکر تنها در دیده محدود و قاصر ما می‌گنجد، و ساحت مقدس احدیث از این اهانتها مبرّاست. اگر خداوند به پیامبر می‌فرماید: «قُلْ لِعِبادی» خطاب بر تمام بندگان خداست، نه مردان که این گونه قضاوت در گفتمان قرآن، قضاوتی ظالمانه با شناختی اندک، از خالق حکیم است.

نویسنده چنان ره به افراط برده است که حتی عذاب‌ها و پاداش‌های اخروی را نیز ویژه‌ی مردان تلقی نموده، می‌افزاید: «همین گونه در زمینه خواسته‌ها و امیال، وقتی به پاداش‌های اخروی نگاه می‌کنیم، آنجا که قرآن از نعمت‌های بهشت به تفصیل سخن می‌گوید، تقریباً در تمام موارد از چیزهایی نام می‌برد که مطابق با خواسته‌ها و تمایلات مردان است، و تنها برای آنان جاذبه دارد سپس آیه ۵۸– ۵۶ سوره رحمن را شاهد مثال آورده که

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۱۳

می‌فرماید: «فیهِنَّ قاصِراتُ لَمْ یَطْمِثْهُنَّ انْسٌ قَبْلَهُمْ وَ لاجانٌّ ...». «۱» اگر در ادب قرآن و عترت پیامبر و ائمه علیهم السلام تأمل نماییم، راز خطابهای مذکر را در اینگونه موارد و مواردی دیگر در قرآن را در خواهیم یافت. و آن این که، خداوند حکیم، امور جنسی مربوط به زن را در پرده عفاف و ادب زائد الوصفی قرار داده است، چنانکه در آیه شریفه ۱۴ سوره آل عمران، خواسته‌های زن در پرده عفاف پوشیده نگاهداشته شده است که می‌فرماید: «زُین لِلْناسِ حُبُّ الشَّهواتِ من النِساءِ وَ البنِیَنَ» حبّ الشهوات به مردان اختصاص داده شده است در حالی که هر دو جنس را شامل می‌شود.

نویسنده با استناد به این آیه، مراد از الناس را مردان دانسته است که از تعبیر من النساء استنباط نموده‌اند! «۲» همچنین در آیه ۱۸۷ سوره بقره و آیاتی دیگر از این قبیل، به همین علت، زن به طور مستقیم مورد خطاب واقع نشده است، در حالی که لزوماً شامل حال زن می‌شود و کلیّت و عمومیّت دستور برای زن و مرد روشن است. چنان که در آیه مذکور می‌فرماید: «احِلَّ لَکُمْ لَیْلَةَ الصِیامِ الرَفَثْ الی نِسائِکُمْ». «برای شما مردان نزدیکی با زنان در شب ماه رمضان حلال شد».

همچنین در همین آیه می‌فرماید: «وَلاتُباشِرُوهُنَّ وَ انْتمُ عاکِفوُنَ فِی الْمَساجِدِ» وقتی در مساجد معتکف هستید، با زنان مباشرت نکنید. کلمات «الرفَثُ و لاتُباشِروُهنَّ» اشاره‌ای غیر مستقیم است. و نیز در آیه ۴۳ سوره نساء خطاب به مردان می‌فرماید: «یا أَ یُّها الَّذِینَ آمَنُوا لا تَقْرَبُوا الصَّلاةَ وَأَنْتُمْ سُکاری ... وَ إِنْ کُنْتُمْ مَرْضی أَوْ عَلی سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْکُمْ مِنَ الغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءاً فَتَیَمَّمُوا صَعِیداً طَیِّباً». (۱). مأخذ قبلی، ص ۱۱۴.

(۲). مأخذ قبلی، ص ۱۲۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۱۴

دستور آیاتی از این قبیل شامل زن نیز می‌شود، اما خالق حکیم با رعایت حجب وحیای ذاتی زنان، اخلاق و عفت را در لفافه ادب با ایجاز در آمیخته است، تا مسلمانان نیز به این ادب تمسّک جویند.

حتی در بیان پاداش‌های بهشتی نیز این ادب رعایت شده و از زنان بهشتی یاد شده است، در حالی که ازدواج در بهشت هم وجود دارد، که شامل زن و مرد مؤمن می‌شود «وَزَوَّجْناهُمْ بِحُورٍ عِینٍ» «۱»

در آیات دیگری صفات زنان بهشتی بیان شده است، ولی از صفات مردان بهشتی که شوهران این زنان هستند، سخنی به میان نیامده است. تنها از خدمتکاران مجالس پذیرایی بهشتیان با کلمات غِلمان وِلدان پسران زیباروی و نیکو خوی جاودانه نام برده شده است. در آیه ۳۴ سوره طور، غِلْمان به لُؤلُؤ مَکْنُونٌ تشبیه شده است، و در آیات ۲۳ و ۲۱ سوره واقعه «حُورٌعِینٌ» نیز به لُؤلُؤ مَکْنُونٌ تشبیه شده است. بنابراین «حور عین» زنان و شوهران در بهشت‌اند. «۲» در ادامه مقاله، آیات متعددی در ارزش صالحان و عمل صالح و پاداش اخروی، و طرف خطاب قرار گرفتن برخی زنان همچون مریم و همسر فرعون و ملکه سبا، که موارد اندک تلقی نموده‌اند، نشانگر توجه و عنایت خداوند برخواسته‌ها و تمایلات زنان همچون مردان عنوان نموده‌اند که با مطالب صدر مقاله متناقض می‌باشد. نویسنده در ادامه بحث، چهار مورد را به عنوان مدخل بحث خارج از بحث نوشتار خود دانسته و دلیل مستند و مستدلی بر این اخراج ارائه ننموده‌اند، جهت رعایت اختصار به برخی از این موارد اشاره می‌شود. (۱) . و طور ۲۱ و ۲۰.

(۲). محمودی، عباسعلی، حوری کیست؟، ص ۵۶.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۱۵

مورد دوم از این موارد، استعمال واژه‌های مذکر در مورد خداوند یا فرشتگان است، که مذکر بودن این واژه‌ها را نظر به جنبه لفظی یا امری قراردادی عنوان نموده «۱» و اشاره نکرده‌اند چرا این جنبه‌ها را در تمام واژه‌های مذکر نمی‌توانیم جاری نمائیم!! و نیز در واژه‌هایی مانند النّاس و الانسان و ضمایر موصولی مفهوم عمومیّت را پذیرفته‌اند، در حالی که طبق قواعد عربی ضمیر مذکر سه گونه استعمال دارد: مذکر و مونث با هم، نه مذکر و نه مونث درباره خداوند، مذکر در مورد مرد.

در مورد سوم پس از توضیح ادبیات سخن گفتن؛ مبنی بر ارجاع ضمایر و اشارات تابع به جمله اصلی و ... به آیه ۶ سوره مائده «یا أَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَی الصَّلاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَکُمْ وَأَیْدِیَکُمْ إِلَی المَرافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِکُمْ ...»

استناد نموده‌اند، که مراد از ایُّهَا الذینَ امَنُوا را نمی‌دانیم، وقتی جمله بعدی و ان کنتم مرضی اوعلی سفر او جاء احد منکم من الغائط اولا مستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمّوا را می‌بینیم به لحاظ ترکیب لامستم النساء می‌فهمیم که نهاد گزاره اصلی از نظر مفهومی تنها مردان را شامل می‌شود.!!!

نویسنده محترم پس از کشف این مهم در قرن چهاردهم پس از ظهور اسلام، تکلیف را متوجه مردان نموده و از جانب خود، زنان را از تکلیف مذکور که در دو آیه تکرار شده است، معاف نموده است در حالی که شمولیّت زن و مرد در این آیه امری بدیهی است!!!

نویسنده اینگونه توضیح و تبیین دو سویه را، بر پایه پیوند معنوی و تناسب منطقی و عرفی جملات و گزاره‌ها به عنوان ابهام زدایی بر مبنای بافت زبانی، یا هم بافت در زبان‌شناسی امروز یاد نموده‌اند، که می‌توان در سطح کلان و فراتر از یک واژه یعنی در سطح جریان‌شناسی کاربرد داشته باشد و (۱). فصلنامه پژوهش‌های قرآنی دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه مشهد، ص ۱۱۵.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۱۶

ادعا نموده‌اند، خطابات قوم بنی‌اسرائیل را به همین روش با تحلیل گفتار و رفتارهای آنان می‌توان تعیین نمود، که مردان مقصود

بودند یا زنان ...!

نویسنده نوشتار خود را تنها یک بحث زبانی دانسته که به بحث کلامی یا اخلاقی نظر ندارد!!

اگر برخی خطابات قرآن را مردانه بدانیم، باید ابتدا به سوالات زیر پاسخ دهیم:

۱. چرا خداوند حکیم و علیم نیمی از مخلوقات خود را، که بر روی نیم دیگر اثر تربیتی عمیق و پایدار دارد، و خود، آن را احسن الخالقین نامیده است مورد خطاب مستقیم خود قرار نداده است؟

چگونه با عدل و حکمت و خالقیت و لطف خدا سازگار است؟

۲. در صورتی که خطابات قرآن را مردانه تلقی کنیم، باید زنان را غیر از موارد واژه‌های مونث، از دائره وظایف و حقوق شرعی و اخلاقی و مجازات دنیوی و اخروی مطرح در قرآن، خارج بدانیم، زیرا وجوب امر، تنها به مورد خطاب واجب می‌شود نه همه افراد.

۳. اگر اسلام، مکتب انسان ساز جهانی و همگانی است، مردانه بودن گفتمان قرآن چگونه با این امر سازگار بوده و قابل توجیه است، مگر این که زنان را از دایره انسانها خارج بدانیم!!!

۴. جاودانه بودن قرآن حاکی از آن است که مختص زمان خاصی نبوده، بنابراین نمی‌توان، فعّال بودن مردان در صحنه اجتماعی را بر مردانه بودن خطابها دلیل آورد، چرا که میزان فعالیت زنان صدر اسلام با عصر حاضر قابل قیاس نیست، و در آینده نیز مسلماً نخواهد بود. بنابراین، میزان فعالیت زنان و مردان را نمی‌توان فلسفه خطابات قرآن قرارداد، زیرا اگر جامعه امکان فعالیت گسترده زنان را در امور اقتصادی و ... فراهم نکرده ولی در آیات به طور صریح استقلال و فعالیت اقتصادی زن بیان شده است، آیا می‌توان ضعف عملکرد مسلمانان را متوجه خطاب‌های

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۱۷

قرآن نمود؟! تعالیم کتاب آسمانی قرآن به علت جاودانگی فراتر از زمان و مکان است، نمی‌تواند تنها جامعه زمان نزول را در نظر داشته باشد.

۵. آیا نباید ابتدا وجود یا عدم وجود مسئله‌ای محرز گردد، تا بعد بتوانیم فلسفه وجود یا عدم وجود آن را جستجو نماییم؟ آیا اصل مسئله مردانه بودن گفتمان قرآن، صحت داشته و قابل طرح است که ما دنبال فلسفه آن بگردیم؟!

۶. آیا ما اصول و فرهنگ حاکم بر قرآن را درست شناخته‌ایم که جویای فلسفه گفتمان‌های قرآنی هستیم؟

۷. اگر خطابهای قرآن مردانه هست، این مسئله چگونه با ارزش‌ها و کمالات مطرح، در قرآن قابل توجیه است؟

آیا می‌توان در تبیین فلسفه گفتمان‌های قرآنی، این دو مسئله را که اساس و بستر کلیه تعالیم اسلام هستند نادیده گرفت، و تنها به بحث زبان شناختی در قرآن پرداخت؟!!

در خاتمه لازم است، به برخی ویژگی‌های لازم مبلّغین دین، که اهل قلم نیز می‌باشند، اشاره نماییم، باشد که حقّ مداری و تکلیف نگری تنها زیور قلمها گردد:

۱. برای ورود در صف پرافتخار مبلّغین دین، باید خدا را با علوم عقلی و شهود و ایمان برخاسته از عمل صالح شناخت، آنسان که خدا به خدایی شناخته گردد، دستورات و خواست او نیز به درستی شناخته شده، درك صحیح از مکتب وحیانی پیدا خواهد شد.

۲. رفتار مسلمانان با اسلام زمانی منطبق خواهد بود که دقیقاً مطابق دستورات اسلام رفتار نمایند. اشاعه سلیقه‌های شخصی توسط روحانیون به نام اسلام ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر پیکر اسلام وارد می‌نماید؛ لذا شناخت بی کم و کاست قوانین و مقررات اسلام ضروری است.

۳. مسئولیت تبلیغ اسلام تنها بر اسلام شناسان مخلص و متعهد و

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۱۸

متخصص فرض است نه بر همگان.

۴. تحصیلات حوزوی و درک صحیح و کامل از اسلام لزوماً هم زمان و در یک شخص ایجاد نمی گردند.

۵. وظیفه مبلّغ دین تنها تبلیغ دین اسلام متصل به وحی است. اشاعه افکار و سلیقه‌های شخصی راه را بر اشاعه و تثبیت افکار وارداتی کـه همـواره وجـود داشـته اسـت از جمله فمینیسم، بـاز گذاشـته و خرده گیران مغرض را گسـتاخ‌تر می گردانـد. از رهگـذر اینگـونه نوشـتارهاست که فمینیسـتهای غربی درصدد ایجاد خدای زنانه بر زنان هستند! «۱» ۶. مبلّغ دین هنگـام تبلیغ بایـد تنها ویژگی که در خود حفظ می‌نماید، مسلمان بودن باشد نه زن یا مرد بودن.

۷. خـود برتربینی، که یکی از مهالـک شـیطانی است، به جهت قسم شـیطان در آیه ۸۳ سوره ص که می‌فرمایـد: «فَبِعِزَّتِکَ لَأُغْوِیَنَّهُمْ أَجْمَعِینَ* إِلَّا عِبَادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِینَ» دامی است که بر هر عالمی امکان افتادن در این ورطه هولناک وجود دارد، لـذا مبلّغ دین با درک عظمت آفریدگار، شایسته است با تهذیب نفس از فریب‌های شیطان پیشگیری نماید. بسیاری از علماء و مراجع تقلید شیعه با تهذیب نفس و استغاثه از درگاه حق از مهالک و دام‌های شیطان رسـتند. (۱) لچت جان پنجاه متفکر معاصـر ترجمه معاصر ترجمه محسن حکیمی چاپ اول ص ۲۴۶.

مقایسه تطبیقی فمینیسم با اسلام

انگیزه‌های جنبش‌های فمینیستی در جهان و ایران

تعریف فمینیسم

واژه فمینیسم «۱» در سـال ۱۸۳۷ وارد زبـان فرانسه شـد. فرهنـگ لغت رُبرت، این واژه را چنین تعریـف می کنـد: «آئینی که طرفـدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است.

از نظر فمینیست‌ها، سروری نرینگی، که برخی آن را «مرد سالاری» و یا نظام «پـدر سالاری» معنا کرده‌انـد، فقط نوعی تسلّط نیست، بلکه نظامی است که خواه آشکار و خواه نهان، تمام مکانیسم‌های نهادی و ایـدئولوژیکی در دسترس خود ماننـد حقوق، سیاست، اقتصاد، اخلاق، علوم پزشکی، مد، فرهنگ، آموزش و پرورش، رسانه‌های گروهی و غیره را به منظور تحقق سلطه مردان بر زنان به کار می گیرد». «۲».

فرانسه

دنیای غرب، حقوق زن را تا قرن هفـدهم میلادی نادیده می گرفت، در سال ۵۸۶ میلادی در فرانسه، اجتماعی برای بحث درباره این موضوع ترتیب (۱). ۱..

(۲). ۲.،،.. ۸۷۹۱. ۸۶۷ .. به نقل از آندره میشل، جنبش اجتماعی زنان صص ۱۱ و ۱۲

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۲۰

یافت که «آیا زن، انسان به حساب می‌آید یا غیر انسان؟ بعد از مناقشه طولانی و جدال ممتد، نمایندگان آن مجلس مقرر داشتند که، زن انسان است ولیکن تنها برای یک هـدف آفریده شده و آن خدمت کردن به مرد است و بس، بنابراین توجه به این قانون او را در ردیف یک خدمتکار قرار دادند». «۱» «از پایان قرن پانزدهم معاهده اخلاقی و اقتصاد خانگی پاریس» (۱۴۹۸) اخلاق جدیدی را که تربیت دختران بایـد از آن تبعیت کننـد تعریف می کنـد دختران باید برای نقش‌های خانه‌داری آماده شوند، جایی که در آن، همه به منظور رفاه شوهران صورت می‌پـذیرد». «۲» زن شـوهر دار در حقـوق کشـور پرتقـال و فرانسه هنـوز در شـمار محجورین است. البته قانون ۱۸ فوریّه ۱۹۳۸ در فرانسه، تا حدودی حجر زن شوهردار را تعدیل کرده است. «۳» انگلستان

در انگلستان که سابق شخصیّت زن کاملًا در شخصیّتِ شوهر محوّ بود، و قانون در سال ۱۸۷۰ و دیگری در سال ۱۸۸۲ میلادی به اسم قانون مالکیت زن شوهردار، از زن رفع حجر نمود.

در ایتالیا قانون ۱۹۱۹ میلادی زن را از شمار محجورین خارج کرد.

آلمان

در قانون مدنی آلمان (۱۹۰۰ م) و در قانون مدنی سویس (۱۹۰۷ م) اعلام شد که زن مثل شوهر خود اهلیت دارد. «۴» جنبش‌های فمینیستی در آلمان از جنبش کارگری نشأت گرفته، در سال ۱۸۹۳ در برلین برای نخستین بار دختران اجازه یافتند، به دبیرستان رفته دیپلم بگیرند، از سال ۱۹۰۱ به بعد زنان (۱). عطیّۀ الأبراشی، محمد، جایگاه زن در اسلام، ترجمه بهجت‌افزار، ص ۲۶- ۲۵.

(۲). همان، ص ۵۲.

(۳). شرح قانون مدنی ایران، ص ۳۶۲.

(۴). شرح قانون مدنی، ص ۳۶۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۲۱

توانستند در تمامی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی اسم بنویسند. در سال ۱۹۰۸ حقّ عضویت در احزاب سیاسی و در سال ۱۹۱۸ حقّ رأی به زنان داده شد. قانون اساسی «وایمار» «۱» ۱۹۱۹ برای زنان، حقوق و وظایفِ مشابهی چون مردان به رسمیّت شناخت. از سال ۱۹۹۳ فعالیت‌های فمینیستی به مسائلی از نوع حقّ تفاوت (حقّ این که زن از مرد متفاوت است) برابری حرفه‌ای، مبارزه در برابر خشونت و پیکار علیه بنیادگرایی‌های مذهبی تخصیص یافته است. «۲» در سوئد و آلمان در قرن ۱۹، زنان حساسیّت کمتری در به دست آوردن حقوق سیاسی ابراز داشتند، تا تغییرات کلی وضعیت‌شان در کانون خانواده و در امر ازدواج. مطالبات فمینیستی بیشتر به تغییرات یا حذف ازدواج، حقّ زن در داشتن فرزند بدون ازدواج و به دست آوردن حقوق اجتماعی که زنان و کودکان را خارج از چارچوب ازدواج حمایت کند بود. حقّ زن در استفاده از لذّات، مستقل از ازدواج، که در قرن نوزدهم توسط کلردُومارو طرفداران سن سیمون در فرانسه عنوان شد. «۳» حقّ رأی، حقّ آموزش، حقّ اشتغال، حقوق مدنی و سیاسی، تساوی حقوق زن و مرد، حقّ حضانت فرزندان، حقّ مالکیت، حقّ طلاق از جمله انگیزه‌های جنبش زنان در غرب بودند.

جنبش‌های فمینیستی در کشورهای آنگلوساکسون، کانادا و فرانسه از نیمه دوم سده نوزدهم که خواهان حقّ رأی، حقّ اشتغال و حقّ آموزش برای زنان بودند پا به عرصه گذاشتند. «۴» (۱). ۱..

(۲). نای، بن سعدون، حقوق زن از آغاز تا امروز، ص ۷۴ و ۱۶۰.

(۳). آندره، میشل، جنبش آزادی زنان، ص ۹۱.

(۴). نای، بن سعدون، حقوق زن از آغاز تا امروز، ص ۶۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۲۲

امریکا

در سال ۱۹۲۰ پس از پایان جنگ جهانی اوّل و شرائط اجتماعی امریکا به زنان حقّ رأی داده شد و زنان در سرنوشت سیاسی خویش مشارکت نمودند. «۱» در سال ۱۹۶۷ آزادی سقط جنین در انگلستان اعلام شد. ایالات متحده در ۱۹۷۳ و فرانسه در ۱۹۷۵ و ایتالیا در ۱۹۷۸ این مشی را پذیرفت. در طی چند سال دیگر کشورهای اروپایی، چه از نظر عملی و چه حقوقی، حقّ سقط جنین را در مورد زنان پذیرفتند. در بلژیک، اسپانیا و ایرلند، آزادی از چارچوب سقط درمانی تجاوز نمی‌کند. «۲» توسعه ازدواج آزاد، خانواده تک والدی، جستجو زندگی بدون ازدواج، راههای دیگر نفی ازدواج سنّتی هستند، که فمینیست‌ها در نوشته‌ها و اعمال روزانه خود پیشنهاد کرده‌اند. «۳» همراه با درخواست جدایی رابطه جنسی از تولید مثل، به برکت جلوگیری از بارداری و سقط

جنین و با طرد مورد تجاوز قرار گرفتن زنـان، حقّ بهره‌منـدی از لـذّات مطرح می‌شود. «۴» «شبکه تلویزیونی () در رابطه بـا جنبش زنـان، نظر هزار، بزرگسـال ایالات متحـده را از طریق تلفن جویا شـد. این هزار نفر به طور تقریبی نماینـده کل جمعیت زنان امریکا می‌باشند. ۳۳٪ این جمعیت خود را یک فمینیست دانسته و ۵۸٪ بی‌طرف بوده و بقیه، دیدگاه روشنی نداشتند. (۱). محققان: جلیل روشندل و رافیک قلی‌پور، سیمای زن در امریکا، ص ۷۹.

(۲). آندره، میشل، جنبش آزادی زنان، ص ۱۱۸.

(۳). همان، ص ۱۲۶.

(۴). همان، ص ۱۲۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۲۳

می‌توان نتیجه گرفت، زنان ایالات متحده خود را طرفدار جنبش برابری خواهی زنان می‌دانند.

راجع به مسائل زنان، ۹۴٪ برابری حقوق دریافتی تأکید داشته و دل مشغولی ۹۰٪ این زنـان به مسأله تعرض جنسی مربوط بوده و ۸۲٪ نیز بر تبعیضات شغلی تأکید داشتند.

قسمت عمده این زنان دید مثبتی نسبت به این جنبش داشتند». «۱»

کنفرانس بین المللی زن

ظلم و نابرابری‌هایی که در بسیار از فرهنگ در حقّ زن‌ها اعمال شـده، عـده‌ای را بر این بـاور داشـته که تفاوت زن و مرد صرفاً اجتماعی است. بنابراین عـدّه‌ای از زنـان، تلاش کرده‌انـد، تعـداد زیـادی از زنـان دنیـا را بسیج کرده و الگوهای جوامع کنونی مردسالاری را چنان در هم بریزند که در آن زن و مرد از حقوق یکسان برخوردار گردند.

اوّلین اتحادیّه در سال ۱۸۸۸ در امریکا به نام.. اتحادیه جهانی زنان «۲» تشکیل شد و ۵۶۰۰۰ زن از کشورهای مختلف جمع شدند. این تلاش‌ها، در سال ۱۹۷۵، موجب برگزاری کنفرانس بین المللی زن در کشور مکزیک شد.

به دنبال آن، سازمان ملل متحد، سال‌های بین ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ را دهه زن اعلام کرد و دوّمین کنفرانس در پایان همین دوره بین ۱۵ تا ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۵ در نایروبی، پایتخت کنیا برگزار شد. هدف این کنفرانس ارزشیابی پیشرفت‌های حاصل در امر بهبود شرائط زنان در طی دهه زن بود». «۳» برابری طلبان زن، از هرگونه انگشت گذاشتن، بر روی فاکتورهای بیولوژیکی، جهت تبیین تفاوت‌های جنسی واهمه دارند، زیرا باورشان این (۱). پروفسور ژانت هاید، روان‌شناسی زنان، ص ۶۸.

(۲). ۱..

(۳). حمزه گنجی، روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، ۱۹۰- ۱۸۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۲۴

است که بهره‌گیری از عوامل بیولوژیکی، یعنی حفظ وضع موجود. از این رو تأکید بر عوامل محیطی است. «۱»

متوسط عمر اعطای حقوق سیاسی به زنان در جهان و اسلام

متوسط عمر اعطای حقوق سیاسی به زنان در جهان و اسلام

در نمودار زیر «۲» متوسط عمر اعطای حقوق سیاسی به زنان با تلاش‌های انجام شد، نشان داده شده است:

اعطای حقوق سیاسی زنان متوسط عمر

اروپا ۵۹ سال

آسیای جنوب شرقی و پاسیفیک ۵۸ سال

آمریکای شمالی ۴۶ سال

آمریکای جنوبی ۴۴ سال

آسیا ۳۸ سال

آفریقا ۳۰ سال

در حالی که حقوق سیاسی زنان در اروپا و غرب در کمتر از نیم قرن به رسمیّت شناخته شده است، اسلام بیش از هزار و چهارصد سال پیش کلیه حقوق زن را به رسمیّت شناخته و به متعدّیان حقوق زن وعده عذاب اخروی داده است. زنان غربی برای به دست آوردن حقّ مالکیت و آموزش و تساوی حقوق زن و مرد و حقّ اشتغال جنگیدند.

دیدگاه مکاتب فمینیستی

دیدگاه مکاتب فمینیستی

اساس تقاضاهای فمینیستی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بر حسب چهار مورد زیر ارائه می‌شود: (۱). پروفسور ژانت‌هاید، روان‌شناسی زنان، ص ۳۱.

(۲). نسرین مصفّا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، ص ۶۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۲۵

۱. استقلال اقتصادی.

۲. دسترسی به قدرت و اقتدار سیاسی.

۳. معیار مشابه جنسی برای زن و مرد در کلیه امور زندگی.

۴. حذف مرزبندی‌های جنسیتی به ویژه در ازدواج و اصل لذّت و تکیه به فرهنگ اومانیسم.

نقاط مشترک نهضت‌های فمینیستی

نقاط مشترک نهضت‌های فمینیستی

۱. نامطلوب بودن وضع زنان در اجتماع خود.

۲. مبارزه برای احقاق حقوق زنان.

در چگونگی مبارزه کردن و چه مقدار و برای رسیدن به چه چیزی، اختلاف شدیدی بین نهضت‌هاست. به طوری که انگیزه نهضت‌ها از مبارزه، برای حقّ آموزش و مالکیت و حقوق سیاسی تا حذف ازدواج و تلاش بر ایجاد خدای زنانه بر زنان متفاوت بوده است. لذا فرهنگ فمینیست، تنها یک ایده تصوری بوده و مکتبی ایدئولوژیک نمی‌باشد، تا از ایدئولوژی و باورهای ثابتی برخوردار باشد. این اختلاف‌ها باعث ایجاد پنج گروه فمینیستی شده است.

۳. رسیدن به حقوق مساوی به معنای مشابه با مردان در نتیجه حذف تک شوهری.

۴. اختصاص نهضت به زنان و تلاش بر دو جنسیتی کردن تمام شئونات جامعه.

انواع گروه‌های فمینیستی

۱. فمینیست‌های لیبرال:

۱. فمینیست‌های لیبرال:

فمینیست‌های لیبرال معتقدند زنان باید کاملًا با مردان برابر شوند. این گروه دارای اهرم‌ها و سازمان‌هایی هستند که در راستای این هدف تلاش

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۲۶

می کنند. سازمان ملّی زنان () از جمله این سازمان‌هاست. در این راستا اصلاحات درون سیستمی را پیشنهاد می کنند. بسیاری از اصلاحات فرهنگی در دهه گذشته به خاطر اعضای فعّال این جنبش بوده است. (تانگ ۱۹۸۹)

۲. فمینیست‌های مارکیست:

۲. فمینیست‌های مارکیست:

اینها بر این باورند که تحلیل اشخاص لیبرال از مشکلات زنان سطحی بوده و به عمق مسائل نمی‌پردازند. این گروه مدعی هستند، عدم برابری حقوق دریافتی دو جنس منافع سرمایه‌داری را تضمین می کند. از نظر این گروه وضعیت زنان بهبود نمی‌یابد، مگر آن که مفهوم مالکیت خصوصی دستخوش دگرگونی‌های وسیعی گردد.

۳. برابری خواهی افراطی (رادیکال)

۳. برابری خواهی افراطی (رادیکال)

فمینیست دو آتشه‌ای چون فایراستون، تحلیل برابرخواهی سوسیالیست را نیز پیش پا افتاده و سطحی دانسته و معتقد است که سرکوب زنان در هر سیستمی ممکن است. این گروه مدعی است تفاوت‌های زنان و مردان ریشه در اختلافات بیولوژیکی دارد. دلیل‌شان هم این است که، بچه‌زایی، عامل اصلی مشکلات زنان است، این عامل سبب وابسته شدن زنان به مردان به خاطر بزرگ کردن بچه‌های خویش شده است، به همین دلیل به حاشیه رانده شده و فرودست شده‌اند. این گروه، جهت خلاصی از این حقارت، شدیداً دست به دامن تکنولوژی شده، و میل قلبی‌شان این است که زمانی بچه‌های آزمایشگاهی و علمی جایگزین نقش بچه‌زایی زن شود. این گروه معتقدند باید برای ارتقاء وضعیت زنان، شرایط بیولوژیکی و اجتماعی زنان کاملًا دگرگون گردد. در بین اعضای این گروه، عده‌ای این عمل را سبب تشدید وضعیت آنها می‌دانند. (تانگ ۱۹۸۹) در این گروه، همجنس گرایی نیز توصیه شده است زیرا معتقدند، زن به مرد، حتی در اطفاء شهوات نیز نیاز ندارد.

۴. فمینیست‌های سوسیالیسم:

۴. فمینیست‌های سوسیالیسم:

این گروه در واقع مجمع جمیع فمینیست‌های افراطی هست، از نظر اینها اقتصاد و قوانین مردسالاری در جامعه و عرصه خانواده از عوامل نابسامانی وضع زنان است. اقتصاد از جهت مالکیت خصوصی و قوانین مردسالاری از جهت رابطه دختر با پدر و شوهر با زن و خانواده از جهت زاد و ولد و زناشویی از عوامل مؤثر نابسامانی‌هاست. بنابراین، باید مالکیت خصوصی را از بین برد، و فرهنگ جامعه و قوانین فردی را تغییر داد و مسئله زاد و ولد و ارضاء شهوات را از ازدواج جدا نمود.

از این نظر ارتباط مادری غیر از ارتباط شهوتی است هر زنی با هر مردی می‌تواند زندگی و مثل دو دوست جدا شود. در این زمینه مقاله‌هایی نوشته شده و در ایران پخش شده است. سال ۱۹۷۰ یونسکو از این مسئله تبلیغات شدیدی صورت داد.

۵. فمینیست‌های فرا مدرن یا پست مدرن:

۵. فمینیست‌های فرا مدرن یا پست مدرن:

این گروه اواخر قرن بیست بعد از دهه ۷۰ نزج گرفته است. معتقدند باید ازدواج باشد، امّا قوانین مردسالاری نباشد، و عامل نابسامانی را باید در هر اجتماع و منطقه‌ای جستجو کرد. نابسامانی در همه کشورها یک جواب ندارد، به مرد و شرایط بستگی دارد و راه‌حل باید متناسب با این عوامل باشد. در جایی که مذهب باعث ضعف زن شده است باید دین در آن جامعه حذف شود تا زنان به تساوی حقوقی برسند. سازمان ملل متحده بر این دلیل خیلی پافشاری می کند.

گروه‌های مارکسیست و سوسیالیست خیلی کم شده‌اند، بیشتر پست مدرن‌ها مورد نظر قرار گرفته‌اند.

ساختار اجتماعی جنسیت

ساختار اجتماعی جنسیت

«نظریه‌پردازان فمینیست، مساله جنسیت را یک واقعیت بیولوژیکی ندانسته، بلکه آن را پدیده‌ای می‌دانند که به واسطه اجتماع شکل می گیرد.

(بثال «۱» ۱۹۹۳) موضع اصلی ساختارگرایی این است که حتی دانشمندان واقعیت را کشف نکرده، بلکه به ساخت آن می‌پردازند. براساس این رویکرد، ما مستقیماً واقعیات را تجربه نمی کنیم، در عوض فعّالانه مفاهیمی برای وقایع محیطی می‌سازیم که براساس تجارب قبلی و پیش انگاشت‌های ما می‌باشد.

روان‌شناسان فمینیست معتقد هستند، که نه تنها جنسیت یک متغیر مشخصی است، بلکه در عین حال یک متغیر محرّک نیز می‌باشد. منظور از متغیر مشخص این است که جنسیت، شاخصه فرد است. این امر شخص را به مطالعه تفاوت‌های جنسی رهنمون می کند. منظور از متغیر محرّک این است که دیگران به واسطه این امر در برابر شخص واکنش نشان می‌دهند، لذا مطالعه موضوع فمینیست می تواند بسیار راهگشا باشد». «۲»

اوج افراطی‌گری در فمینیسم

اوج افراطی گری در فمینیسم

با دگرگونی تحولات اجتماعی، و دخالت سازمان‌های بین‌المللی، در انگیزه‌ها و اهداف و چگونگی فعالیت برای احقاق حقوق زنان، منجر به دیدگاه‌های افراطی در قالب ایده‌ای خاص گردیده است. آخرین ایده افراطی از لوس ایریگارای «۳»، یکی از نمایندگان اصلی فمینیسم فلسفی در سال ۱۹۷۰ ابراز شده است که به فکر ایجاد خدای زنانه برای زنان افتاده‌اند. از نظر این (۱). ۱..

(۲). پروفسور ژانت، هاید، روان‌شناسی زنان، مترجم بهزاد رحمتی، ص ۶۸- ۶۴، چاپ اول ۱۳۷۷.

(۳). ۲..

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۲۹

فمینیست، «چون خدای مسیحت، به عنوان نمونه امر تخیّلی مردانه، تجربه زنان را به عنوان منبع استناد حذف می کند، بنابراین باید نمونه امر تخیّلی زنانه باشد.

خدای زن، خدایی است که بتواند به چند گانگی تفاوت، صیرورت، سیالیّت، موزونی و شکوه بدن، به عبارت دیگر به آن چیزهایی که در محدوده تجربه دینی مردسالارانه، نمی‌تواند تصویری زنده داشته باشند- شکل دهد.

از نظر این فرد، «خـدای زن هنوز نیامـده است» وی می‌پرسـد «خـدای ما (زنان) را چگونه به تصور درآورد؟ آیا در ما کیفیتی وجود دارد که بتواند نظم را وارونه کند و محمول را به جای موضوع بنشاند». «۱».

نقش سازمان ملل در جنبش زنان

نقش سازمان ملل در جنبش زنان

اولین اصـل اعلامیه حقوق بشـر تساوی حقوق است. در ابتـدا قبل از تشـکیل سازمان ملل متحـد، جنبش زنان عام و مردمی و اتفاقی بوده است و تنها انگیزه، احقاق حقوق زنان بوده است، ولی پس از تشـکیل سازمان ملل متحد، سازمان یونسـکو متکفل حقوق زنان شـد و سررشـته جنبش‌هـا از دست مردم خـارج، و به سازمـان ملل کشـیده شـد، تا ظاهراً اختیار امور دست مردم و مشـغول به جنبش باشـند، اما اختیار اصـلی و انگیزه‌ها دست دولت‌ها باشد. یونسکو بودجه‌های زیادی اختصاص داده است. در طول سه دهه گذشته از سوی سازمـان ملـل متحـد و بـا هـدف یکسان‌سـازی قوانین و مقررات حـاکم بر زنـان در کشورهـای مختلف چهار کنفرانس جهانی تشکیل شده است که عبارتند از:

کنفرانس مکزیکوسـیتی (۱۹۷۵)، کنفرانس کپنهـاک (۱۹۸۰)، کنفرانس نـایروبی (۱۹۸۵)، کنفرانس پکـن (۱۹۹۴). (۱). ۱.،،.،، ۶۸۹۱. ۸ .. ۷۴۲ ص، رصاعم گ‌رزب رکفتم هاجنپ، ناج، ت‌حپ زا لقن هب

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۳۰

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه ۱۸۰/ ۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در سوم سپتامبر ۱۹۸۱ با گذشت سی روز از تودیع بیستمین سندالحاق یا تصویب، لازم الاجرا شد.

امروزه مطابق بند ۳۹ بخش دوم اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشـر در سال ۱۹۹۳، همه دولت‌ها تشویق به تصویب این کنوانسیون تا سال ۲۰۰۰ شده‌اند. «۱» برای این که این کنوانسـیون علیرغم مخالفت‌ها در سال ۱۳۸۱ به تصویب هیئت دولت رسیده و در دستور کار دوره ششم مجلس شورای اسلامی ایران قرار گرفت امّا با مخالفت‌های علما و محققان و مردم، طرح مسکوت ماند، در صفحات آتی موارد نقض این کنوانسـیون با احکام شرعی دین اسلام آمده است تا برای خوانندگان فهیم به ویژه زنان مسلمان ایران، روشنگر اهداف این کنوانسیون و پیامدهای تصویب آن در کشوری اسلامی همچون ایران گردد.

علل ردّ کنوانسیون رفع تبعیض از زنان از دیدگاه اسلام

علل ردّ کنوانسیون رفع تبعیض از زنان از دیدگاه اسلام

براساس ماده ۱، معاهده رفع تبعیض از زنان که براساس دیدگاه‌های فمینیست‌ها تنظیم شده است، مصوّبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۹، واژه تبعیضات علیه زنان «به معنی قابل شدن هرگونه وجه تمایز، اسـتثنا یا محدودیتی براساس جنسیت است که به رسـمیت شـناختن آزادی‌هـای اساسـی زنـان حقّ بهره‌وری و رعـایت حقوق بشـر در مورد آنهـا در زمینه‌هـای سیاسـی، اقتصـادی، فرهنگی و مـدنی یا سایر موارد بدون توجه به وضـعیت تأهل آنها و مساوات حقوق زن و مرد خلل و آسـیب وارد آورد. (۱). حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضوع جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۴۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۳۱

«بنابراین این ماده با موارد ذیل که در بیشتر آنان دسـتور صـریح در قرآن و یا سنّت قطعی و حکمی در فقه آمده است مغایر می‌باشد و پیامدهای اجرایی این معاهده نقض و مغایرت با چندین مورد از احکام ضروری و مسلّم اسلام خواهد بود از جمله:

۱. میزان پوشـش واجب زن و مرد و میزان نظر به جنس مخالف و نیز حرمت هرگونه تماس بدنی و اختلاط بی حد و مرز دو اجنبی.

آیات قرآن کریم آیه ۳۰ و ۳۱ و آیه ۵۹ و ۵۳ سوره احزاب آیه ۳۳ و آیات ۲ و ۴ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۳ سوره نور و آیه ۲۳ و ۲۴ سوره نور و آیه ۲۷، ۲۸ و ۲۹ سوره نور و آیه ۳۳ سوره نور و آیه ۶۰ سوره نور.

۲. دیه، قصاص، آیه ۲ سوره نور، آیه ۱۷۸ و ۱۷۹ و آیه ۱۹۴ سوره بقره- سوره نساء آیه ۹۲ و ۹۳.

۳. شهادت آیه ۴ سوره نور تا ۹ و آیه ۶ سوره نساء و آیه ۱۳۵ و آیه ۲ سوره طلاق و سوره بقره آیه ۲۸۲ و ۲۸۳.

۴. ارث آیه ۵ و ۲ و ۶ و آیه ۱۱ تا ۱۴ و آیه ۱۹ و ۳۳ سوره نساء و آیه ۱۷۶ و آیه ۱۸۰ تا ۱۸۲ سوره بقره.

۵. طلاق، با بند ج ماده ۱۶ «۱» نیز مغایر است. آیه ۱۳۰ سوره نساء و آیه ۱ و ۲ سوره طلاق.

۶. جواز تعدد همسران بر مرد و عدم جواز تعدد زوجات موقت و دائمی بر زن که با ماده ۱۶ نیز مغایر می‌باشد. آیه ۳ و آیه ۱۲۹ سوره نساء.

۷. امام جماعت زن بر مرد.

۸. لزوم تمکین جنسی زن از شوهر آیه ۲۱ و آیه ۲۳ و آیه ۳۴ وجوب تمکین سوره نساء. (۱) . همان، ص ۲۷۵.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۳۲

۹. ولایت مختص پدر بر فرزندان و اموال آنها و بر ازدواج فرزند دختر، که با ماده ۱۶ نیز مغایر است.

۱۰. سرپرستی خانواده و حقّ حضانت، با ماده ۱۶ بند (ج) «۱» و (و) «۲» نیز مغایر است. سوره نساء آیه ۳۴.

۱۱. عیوب موجب فسخ نکاح.

۱۲. در نشوز زن، قابل رجوع به محاکم قضایی است، ولی در نشوز مرد مجازاتی نیست. سوره نساء آیه ۳۴ و ۳۵ و آیه ۱۲۸.

۱۳. وجوب عده بر زن به عنوان حریم زوجیّت و نیز با بند (ج) ماده ۱۶ مغایر است. سوره احزاب آیه ۴۹ و سوره طلاق آیه ۱ و ۲ و سوره بقره آیات ۲۲۹ تا ۲۳۵.

۱۴. جواز ازدواج دختر و پسر، پس از سن بلوغ شرعی، که مغایر با سن قانونی ۱۸ سال و مغایر با بند الف «۳» ماده ۱۶ است.

۱۵. حرمت پوشیدن لباس مخصوص مردان بر زن و بالعکس.

۱۶. حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر که مغایر با بند (۴) «۴» ماده ۱۵ نیز می‌باشد.

۱۷. منحل شدن قسم و نذر زن در صورت منافات با حقوق شوهر و نیز با بند ج ماده ۱۶ مغایر است.

۱۸. عدم جواز ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان چه کتابی و چه غیر (۱). بند ج ماده ۱۶: حقوق و مسئولیت‌های یکسان در طی دوران زناشویی و به هنگام طلاق.

(۲). بند ج ماده ۱۶: حقوق و مسئولیت‌های یکسان در مورد قیمومت، حضانت، سرپرستی و به فرزند گرفتن کودکان ....

(۳). بند الف ماده ۱۶: حقّ یکسان برای ورود به ازدواج.

(۴). بند ۴ ماده ۱۵: دول عضو به زنان و مردان حقوق یکسان در برابر قانون مربوط به تردد افراد وآزادی انتخاب مسکن و اقامتگاه اعطا خواهند کرد.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۳۳

کتابی و بعکس سوره بقره آیه ۲۲۱.

۱۹. احصان زن و مرد در باب حدود سوره نساء آیه ۱۵ و ۱۶.

۲۰. عدم یکسانی قصاص پدر و مادر، در قتل عمدی فرزند، پدر قصاص نمی‌شود ولی دیه پرداخت می‌شود.

۲۱. حقّ رجوع در طلاق رجعی مختص به مرد، با بند (ج) ماده ۱۶ نیز مغایر است. سوره طلاق آیه ۲ و سوره بقره آیه ۲۲۷.

۲۲. حرمت ابدی و بطلان ازدواج دختر و داماد در شیر دادن زن به نوه دختری که در نوه پسر چنین نیست.

۲۳. نیاز به محلل بعد از طلاق سوم و ازدواج بار چهارم بر زن، با بند ج ماده ۱۶ نیز مغایر است. آیه ۲۳۰ سوره بقره.

۲۴. حرمت تبرّج بر زنان آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور و آیه ۵۹ سوره احزاب.

۲۵. حرمت آوازه خوانی غنا بر زن و مرد و غیر غنا بر زن و حرمت ترقیق صدا در برابر نامحرم آیه ۳۲ سوره احزاب.

۲۶. حرمت ازدواج با محارم بر زن و مرد با ماده ۱۶ نیز مغایر می‌باشد. این بند مانع این ازدواج نمی‌باشد. آیه ۳۲ سوره نساء.

۲۷. منع اشتغال زن در ترتّب فساد در اختلاط زن و مرد در محیط کار، با بند الف ماده ۱۱ «۱» نیز مغایر می‌باشد.

۲۸. حقّ تعیین محل سکونت زوجین با شوهر و اسقاط این حقّ در صورت شرط ضمن عقد زن، با بند ۴ ماده ۱۵ نیز مغایر می‌باشد.

۲۹. تقدم حقّ مرد در بستن لوله رحم، استفاده از داروها و روش‌های ضد بارداری و تنظیم فواصل بارداری و لزوم رضایت شوهر در پیشگیری دائمی (۱). بند الف ماده ۱۱: حقّ اشتغال به کار به عنوان حقّ لاینفک تمام افراد بشر.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۳۴

از بارداری، با ماده ۱۲ و بند (ه) «۱» ماده ۱۶ نیز مغایر می‌باشد.

۳۰. حقّ شوهر در کشتن زن در حال زنا با بیگانه.

۳۱. سلب حقّ تابعیت زن پس از ازدواج در صورت منافات با حقوق شوهر، با ماده ۹ «۲» نیز مغایر می‌باشد.

۳۲. کارگزاری و قوّامیّت مرد و وجوب نفقه و مهریّه بر مرد و عدم وجوب این دو بر زن و ملزم نبودن او در تامین هزینه زندگی خود، با بند ج ماده ۱۶ نیز مغایر می‌باشد. در حالی که طبق قوانین و فرهنگ غربی، زنان بعد از ۱۸ سالگی مسئولیت تامین هزینه زندگی خود را حتی پس از ازدواج به عهده دارند. آیه ۳۴- آیه ۲۲۳ و ۲۲۹ و آیه ۴ و ۲۰ و ۲۱ و ۱۲۷ سوره نساء و ۲۳۳ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۴۱ سوره بقره.

۳۳. حرمت اختلاط زن و مرد بیگانه، در صورت ترتب فساد بر آنها، با کلیه بندهای ماده ۲ نیز مغایر می‌باشد. آیه ۳۳ و ۳۲ سوره احزاب.

۳۴. حرمت آموزش مختلط در صورت ایجاد مفسده بر زن و مرد، مغایر با ماده ۳ و بند ج ماده ۱۰ مبنی بر تشویق آموزش مختلط و روش‌های آموزشی نیز می‌باشد.

۳۵. محدودیت در ورزش زنان به جهت موازین شرعی و نیز نمایش ورزش زنان از رسانه‌های تصویری که مغایر با بند (ز) ماده ۱۰ نیز می‌باشد.

۳۶. عدم وجوب جهاد و شرکت در جنگ و امور نظامی مسلحانه بر زن سوره نساء آیه ۷۵ و آیه ۹۷ تا ۹۹.

بسیاری از این موارد علاوه بر موارد یاد شده با موارد زیر نیز مغایرت (۱). بند ه ماده ۱۶: حقوق یکسان در مورد تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری ....

(۲). ماده ۹: دول عضو در مورد کسب تغییر یا حفظ تابعیت، حقوقی مساوی با مردان و زنان اعطا خواهند کرد.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۳۵

اساسی دارد. از جمله بند (الف) ماده ۲ و بند (ب «۱» و ج) ماده ۱۶ مبنی بر حمایت قانون از حقوق زنان براساس شرائط مساوی با مردان ... و بند (و) همین ماده، تفاوت ماهوی دارد، زیرا حقوق زن در اسلام بر مبنای حقوق منظور در مکتب و حیانی براساس عدالت و ویژگی‌های روحی و جسمی متفاوت زن و مرد تنظیم شده است که هرگز قابل تغییر نیستند.

همچنین ماده ۳ مبنی بر تضمین اجرای حقوق بشر و بهره‌مندی زنان از آزادی‌های اساسی برمبنای مساوات با مردان که بارزترین مورد مغایرت، حرمت تعدد زوجات موقت و دائمی بر زن می‌باشد.

باتوجه به این که کمیته رفع تبعیض از زنان که بخشی از سازمان ملل بوده و جهت اجرایی کردن مفاد این کنوانسیون تشکیل یافته

است، صریحاً اعلام نموده است که موارد ۲ و ۱۶ که هدف و روح این کنوانسیون می‌باشد، شامل حقّ شرط نمی‌باشد، و با توجه به این که ۱۲ ماده از ۱۶ ماده این معاهده که موارد ۲ و ۱۶ نیز جزو آنها می‌باشد، مغایرت اساسی با قوانین اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برخی قوانین مدنی ایران دارد. استفاده از حقّ تحفظ، مشکل مغایرت را حل نخواهد نمود.

علاوه بر این، آیه ۱۵۰– ۱۴۹ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید:

«یا أَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا إِنْ تُطِیعُوا الَّذِینَ کَفَرُوا یَرُدُّوکُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ فَتَنْقَلِبُوا خاسِرِینَ* بَلِ اللَّهُ مَوْلاکُمْ وَهُوَ خَیْرُ النّاصِرِینَ».

ای اهل ایمان اگر از کافران پیروی کنید، شما را از دین اسلام به کفر بر می‌گردانند، آنگاه شما هم از زیانکاران خواهید شد، از کافران یاری نخواهید که خدا یار شماست و او بهترین یاری کنندگان است.

و همچنین طبق قاعده نفی سبیل در آیه شریفه ۱۱۴ سوره نساء «وَلَنْ (۱). بند ب ماده ۱۶: حقّ یکسان در انتخاب آزادانه همسر و صورت گرفتن ازدواج تنها با رضایت‌کامل و آزادانه دو طرف، این اصل ناقض ولایت پدر در ازدواج دختر می‌باشد.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۳۶

یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی المُؤْمِنِینَ سَبِیلًا» که هرگونه عملی را که به نحوی سلطه‌ای را، بر مسلمانان از طرف غیر مسلمانان ایجاد می‌کند نفی می‌نماید، و همچنین غیر از آیه شریفه «وَأَنْتُمُ الأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» در آیات و احادیث دیگری نیز برتری دین اسلام تصریح شده است، و در حدیث شریف نیز می‌فرماید: «اِلْاِسْلامُ یَعْلُوُ وَ لایُعْلی عَلَیْه» «۱»

و نیز در حدیث دیگر می‌فرماید:

«حَلالٌ مُحمَّد صَلَّی اللَّه عَلَیْه وَ آله، حَلالٌ الی یَوْمِ الْقِیامَةِ وَ حَرامُهُ حَرامٌ الی یَوْمِ الْقِیامَةِ» «۲»

تغییر ناپذیری در احکام اوّلیه اسلام را تصریح می‌نماید. موارد مغایرت مذکور با مفاد کنوانسیون، در صورت الحاق جمهوری اسلامی نقض این آیات و احادیث نیز خواهد بود. قطعاً این کنوانسیون به دلایل ذکر شده در کشورهای اسلامی به تصویب نخواهد رسید.

این کنوانسیون از جمله اهداف طرح جهانی‌سازی فرهنگ‌ها، به ویژه استحاله فرهنگی در کشورهای مسلمان است که هر از چند گاهی به نام جامعه مدنی و گاهی به نام فمینیسم و ... رخ می‌نماید.

مطابق آیه کریمه قرآن: «وَلَنْ تَرْضی عَنْکَ الیَهُودُ وَلَا النَّصاری حَتّی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» هرگز یهود و نصاری از تو خشنود نخواهند شد، مگر آن که پیروی از آیین آنها کنی.

هرگز رضایت و خشنودی طرّاحان، این گونه کنوانسیون‌ها در راستای محو فرهنگ‌های خودی، به دست نخواهد آمد، مگر این که از تمامی ارزش‌ها و اصول خود عدول نموده و عنان اختیار خود را به آنها واگذاریم که طرّاحان این گونه طرح‌ها، تنها عنان اختیار خود باختگان ظاهربین و ساده‌اندیش را بدست آورده‌اند، و ملت بزرگ و فهیم ایران هرگز عزت و اقتدار خود را به ذلّت و خواری و پیروی کورکورانه از بیگانگان تبدیل (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۶۰، ح ۲.

(۲). وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۳۷

نخواهد نمود.

نقض قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نقض قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

از سویی ملحق شدن به این کنوانسیون موادی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را که بر مبنای اصول و ارزش‌های اسلامی

تنظیم شـده است نقض می‌نمایـد. از جمله اصـل چهارم قانون که در آن تصـریح شـده است: «کلیه قوانین و مقررات مـدنی، جزایی، مـالی، اقتصـادی، اداری، فرهنگی، نظـامی، سیاسـی و غیر اینها بایـد براساس موازین اسـلامی باشـد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است، و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است». و نیز اصل بند ۱ و ۲، که به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر او و در بند ۲ وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قـوانین، تصـریح شـده است، نقض می‌گردد. این مـواد قـانونی، هر قـانون و مقرراتی را خـارج از چهـارچوب قوانین اسـلام در نظـام جمهوری اسلامی ایران مردود شمرده و قابلیت اجرا نمی‌داند.

این کنوانسیون در سال ۱۳۷۵ از سوی تعدادی از فضـلای حوزه علمیه قم و مقام معظّم رهبری و مراکز پژوهش‌های اسلامی به دلیل مغایرت‌های اساسـی با دین اسـلام ردّ شـد، ولی در سال ۱۳۸۰ مجـدداً با هماهنگی دولت و دوره شـشم مجلس شورای اسـلامی این کنوانسیون در دستور کار مجلس قرار گرفت. دلیل حامیان طرح بازتاب بین المللی آن بود که مانع محکومیّت ایران بر نقض حقوق بشـر در مجامع بین المللی خواهد بود. البته پس از نقد مفاد این کنوانسیون «۱» توسـط محققان زن و اعلام انزجار کثیری از مردم در مطبوعات، (۱). روزنامه رسالت، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۱، ص ۱۳، قسمت اول- ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۱، ص ۱۳ قسمت دوم همین مقاله. از نگارنده و خانم زهرا آیت اللّهی و ....

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۳۸

این طرح چنـدین ماه مسکوت مانـد. و پس از طرح مجدد در مجلس شورای اسـلامی، شورای نگهبان رد کرده و نفوذ بیگانگان در ایران را رد نمود. حامیـان این کنوانسـیون، زنـان بوسـنی و هرزه‌گوین را فراموش کرده‌انـد که صـربها زنان مسـلمان را برای تحقیر و شکست و نسل کشی، لخت و عریان در خیابان‌ها گردانده و تجاوز به عنف اعمال روزمره صربها بود، چرا سازمان‌های بین المللی از حقوق این زنـان، دفاع نکردنـد؟ ظلم‌ها و جنایات طالبان در افغانسـتان در مورد زنان و کودکان و وضـعیت آنان در حمله آمریکا بر کسـی پوشـیده نیست، جنایات صـهیونیست‌ها در فلسـطین بر زنان و کودکان، بیـدار دلان دنیا را تکان داده است، اگر این قراردادها بازتـاب بین‌المللی دارد چرا حقوق بشـر حقوق این همه زنان بی‌دفاع را به رسـمیّت نمی‌شـناسد؟ بر طبق ماده ۹ و بند ۴ ماده ۱۵ این کنوانسـیون زنان فلسطینی باید حقّ تابعیّت داشته و در کشور خودشان زندگی کنند، آیا این کنوانسیون حاضر به رعایت حقوق زنان فلسـطینی هست؟! آیا جرم این زنان جز این است که مسـلمان هسـتند، و از این روست که جز و هیچیک از قراردادها و مقررات بین المللی قرار نخواهنـد گرفت، مگر ایـن کـه از دیـن خـود برگردنـد و یـوغ بنـدگی و بردگی مسـتکبران را به گردن نهنـد، آنچه این سازمان‌ها طالب‌اند محو دین و آیین اسلام است، نه حقوق زن از حیث زن بودن. فمینیسم افراطی تنها یک حربه است برای تسلط بر ملت‌ها، نه راه حل. تقابل زن و مرد، جز تحکیم زن سالاری و مرد سالاری در جوامع نتیجه‌ای نخواهد داشت.

زنان مسـلمان از حیث قانون و مقررات چیزی کم ندارند، آنچه مشکل‌ساز بوده است، عمل نکردن و عدم پای‌بندی به حقوق زن در اسـلام بوده، که آن هم بـا هیـچ قرارداد و کنوانسـیون بین‌المللی، که تفـاوت مـاهوی با اسـلام دارد، رفع نخواهـد شـد، مگر همّت و حقّ‌پذیری خود مسلمانان، که طلیعه آن نیز با انقلاب اسلامی ایران، زن را از ابزار بودن به انسان مسلمان بودن، سوق داده است.

مبارزه و فعالیت‌های زنان برای استیفای حقوق خود در ایران قبل و بعد از مشروطیت

مبارزه و فعالیت‌های زنان برای استیفای حقوق خود در ایران قبل و بعد از مشروطیت

در سال ۱۳۱۱ شمسـی نخستین کنگره بین المللی زن‌ها در ایران از طرف دولت برگزار گردید که ترقیات روزافزون زن‌های اروپایی و محرومیّت‌هـای زنـان کشورهـای عربی و ایرانی، لزوم جنبش و اقـدامات جـدّی از طرف زن‌های روشـنفکر موضوعات مورد بحث کنگره بود. تمام حاضرین جلسه، زن‌هایی با چادر و پیچه بودند و برخی به شدت ابراز احساسات می‌کردند.

بعد از پیروزی آزادیخواهان، در انقلاب مشروطیت، برای احقاق حقوق زن اقدامی صورت نگرفت. در سال ۱۳۲۱ محترم اسکندری دختر شاهزاده علیخان و محمد علی میرزا اسکندری با عده معدودی از زنان آزادی خواه جمعیّتی را تشکیل و به ریاست آن برگزیده شد. هدف این جمعیّت پس از تأکید در حفظ شعائر و قوانین اسلام عبارت بود از سعی در تهذیب و تربیت دختران، ترویج صنایع وطنی، باسواد کردن زن‌ها، نگهداری از دختران بی کس، تأسیس بیمارستان برای زنان فقیر، تشکیل هیئت تعاونی به منظور تکمیل صنایع داخلی، مساعدت مادی و معنوی نسبت به مدافعین وطن در موقع جنگ، جمعیّت زنان برای این که موجودیّت زنان را نشان دهند، به اقدامات پر سر و صدایی دست می‌زدند که، در آن روزگار از خود گذشتگی لازم داشت. از جمله سوزاندن جزوه‌های مکر زنان در میدان توپخانه که اطفال روزنامه فروش، به طور اهانت‌آمیز برای فروش آن فریاد می‌زدند، هریک از اعضاء مقداری از جزوه‌ها را جمع آوری کرده و آتش می‌زدند. این کار هیاهو ایجاد کرده، و محترم اسکندری را به نظمیه کشیدند وی با تبلیغ دفاع از آبروی مادران و خواهران آن‌ها، حمایت آنها را برانگیخت.

در سال ۱۳۳۵ جمعیت زنان ایران، نام سازمان طرفدار اعلامیه حقوق بشر را برگزید، و مرام خود را کوشش در اجرای مواد اعلامیه که مربوط به حقوق

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۴۰

زن است قرار داد. در ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ مواد شش گانه انقلاب سفید به آراء عمومی گذاشته شد. طبق سنّت دیرین تنها مردان وارث حقوق بشری به شمار می‌آمدند و حقّ رأی به لوایح قانونی داشتند. جمعیت‌های زنان با ناراحتی با تشکیل جلسه به تظاهرات در سراسر کشور پرداختند، به طوری که ناچار شدند، صندوق جداگانه برای زنها گذاشته و آراء را شمارش و اعلام نمایند. این باعث ابراز شوق و هیجان بی‌نظیر نسبت به محمدرضا پهلوی بود که زنان با چشمان اشکبار، رأی موافق را در صندوق‌ها ریختند و در کنفرانس اقتصادی هشتم اسفند ماه ۱۳۴۱ محمدرضا پهلوی ضمن نطق افتتاحیه، به طور غیر منتظره مژده رفع آخرین ننگ اجتماعی ایران، در انتخابات آینده را داد. روز ۱۱ اسفند ۱۳۴۱ وزیر کشور طی گزارشی الحاقیه‌ای به قانون اساسی مصوب ۲۱ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری، به هیئت وزیران ارائه داد که در آن تعیین گردیده بود، «هریک از افراد مملکت در تصویب و نظارت امور عمومی محق و سهیم می‌باشند و به موجب اصل دوم قانون اساسی مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است، که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند، بنابراین محروم ماندن نسوان از شرکت در انتخابات مجوّزی ندارد، لذا هیئت وزیران بند اوّل از ماده دهم و بند دوّم از ماده سیزدهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوّب شوال ۱۳۲۹ هجری قمری که مربوط به شرائط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان است، و همچنین قید کلمه مذکور از ماده ششم و ماده نهم قانون انتخابات مجلس سنا مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۸ را حذف کرده و وزارت کشور را مکلّف ساخت، پس از افتتاح مجلسین مجوّز قانونی این مصوّبه را تحصیل نماید.

محمدرضا پهلوی پس از صدور فرمان آزادی زنان!! در نطق تاریخی خود گفت: «در مملکتی که نسوان آن دوشادوش مردان به دبستان و دبیرستان و دانشگاه می‌روند، چطور می‌توان انتظار داشت، که به یک زنی بعد از طی تمام

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۴۱

این مراحل گفته شود در ردیف مهجورین و دیوانگان است».

اشتغال و حقّ رأی و وکالت زنان در ایران ۱۳۴۰– ۱۳۱۵

اشتغال و حقّ رأی و وکالت زنان در ایران ۱۳۴۰– ۱۳۱۵

کتاب «زن و انتخابات» که پس از جریان کشف حجاب، و قبل از سال ۱۳۴۰ به قلم عدّه‌ای از نویسندگان نوشته شده است، در

جریان آزادی اشتغال و حقّ رأی و حقّ وکالت در مجلس برای زنان ایرانی، به جای ترسیم وضعیت و شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه، و بیان اهداف رژیم شاهنشاهی، از کشاندن زنان به مجلس فرمایشی، و مخالفت با ابتذال هرچه بیشتر زن مسلمان و دستاویز قراردادن او در رسیدن به اهداف استعمار و نظام ستم‌شاهی، از اسلام مایه گذاشته و حقّ رأی و وکالت مجلس را برای زنان، از امور حرام، از نظر شرع دانسته، و امور منزل را که خانه‌داری و بچه‌داری است، برای زن بهترین شغل انگاشته، و به آیات و احادیثی نیز استناد نموده‌اند، تا دلیلی محکم و متقّن بر مدّعای خود داشته باشند. در این میان، از تحریف مسئله‌ی فدک و فعالیت حضرت زهرا علیها السلام دریغ ننموده، آن را مسئله‌ای شخصی و تلاشی برگرفتن ارث، و سخنرانی‌های حضرت را حمایت از شوهر بیان نموده‌اند!! «۱» آیا می‌توان پذیرفت فاطمه زهرا دختر پیامبر، مادر امامت در مسجد در جمع خیل مردان، حضور یافته و به خاطر مادیات لب به سخن گشوده و از حقّ شوهر به عنوان شوهر نه امام معصوم دفاع کند؟! مواردی از این استنتاج‌ها، بیان می‌شود تا با مقایسه با دیدگاه اسلام (۱). نویسندگان (زین العابدین قربانی، محمد شبستری، علی مجتبی کرمانی، عباسعلی عمید، حسین حقانی) به ضمیمه مقدمه‌ای از ناصر مکارم شیرازی، سلسله انتشارات از اسلام چه می‌دانیم (۱) ص ۱۰۳ (از این کتاب ۸ نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد و یک نسخه در کتابخانه کرمانشاه موجود است) و نیز شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸۱ و فی ظلال نهج البلاغه، ج ۳، ص ۵۳۱- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۹۰ النهایهٔ، ج ۴، ص ۱۳۵، تحف العقول، ص ۳۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۴۲

و وضعیت فعلی زنان در جمهوری اسلامی ایران، معلوم گردد که برخی، همواره برای بیان باورها و پیشبرد مقاصد خود، چگونه از آیات و احادیث و اسلام مایه گذاشته‌اند. در این کتاب با تیتر «آیا نظام آفرینش با دخالت زن در کارهای مرد موافق است» در ردّ اشتغال زنان در خارج از منزل، به آیه‌ای استناد کرده و می‌نویسد: «اختلاف جسمی و روحی زن با مرد، دلیل بر حقارت و سلب احترام از زن نیست، بلکه این اختلاف طبق مصلحت و حکمت آفریننده حکیمی است که برای ترقی و تکامل نوع بشر لازم دانسته است، «أَعْطی کُلَّ شَیءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی» «به هر که هرچه سزا بود حکمت‌اش آن داد».

نویسندگان با استناد به این آیه، پس از بیان تفاوت‌های جسمی زن و مرد از قامت و پوست و چشم گرفته تا خون، بدون بررسی‌های علمی و آزمایشگاهی، ضعف زن را در تمام قوا نتیجه گرفته‌اند. «۱» نویسندگان، برای بیان نظر قطعی اسلام در مورد ممنوعیّت حقّ عضویت زنان در پارلمان به متن شورای فتوای علماء الازهر مصر، به عنوان بزرگ‌ترین مرجع مذهبی و صلاحیت دار کشور مصر، استناد نموده‌اند، که در آن روایتی از پیامبر اسلام از بخاری در صحیح، احمد در مسند، سنایی در سنن، ترمذی در جامع، نقل کرده است که: «... وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله مطلّع شد که قوم فارس دختر کسری را به پادشاهی برگزیدند، فرمود: «لَنْ یُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَّوُا امْرَهُمْ إمْرَأهٌ» «۲»

پیروز و رستگار نخواهد شد، ملّتی که زمام حکومت را به دست زن (۱). همان، ص ۲۱.

(۲). سنن السنایی، ج ۸، ص ۲۲۷ و عیون ابن قتیبه، ج ۱، ص ۱ و سنن الترمذی، ج ۴، ص ۵۲۷ و ج ۳ ص ۳۶۰ ابواب الفتن باب ۶۴ ح ۲۳۶ و مستدرک الحاکم، ج ۴، ص ۲۹۱ و مسند احمد، ج ۵، ص ۳۸ و ۳۷ حدیث قریب المضون در نفی ولایت عامه زن نقل کرده‌اند. همچنین در نهایه ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۳۵ و الملل و الاهواء، ج ۴، ص ۶۶ و ۶۷ و کنزالعمال، ج ۶، ص ۴۰ و بحارالانوار، ج ۷۷ ص ۱۳۸ و مستند نراقی کتاب قضاء ص ۵۱۹ و کتاب الخلاف ج ۳، ص ۳۱۸ مبحث قضا مسئله ۶ و نیز جامع الاصول، ج ۴، ص ۴۹ و سنن بیهقی، ج ۳۰، ص ۹۰ به نقل از مصطفوی، حسن، زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث معتبر، ص ۱۱۵- ۱۱۴، چاپ ۱۳۷۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۴۳

سپرده است». در حالی که آیات ۲۳ تا ۴۴ سوره نمل با این حدیث منافات دارد، چرا که پادشاهی ملکه سبا پذیرفته شده و تنها بر

بت‌پرست بودن وی اشکال وارد شده است.

نویسندگان، حکم ولایت عامّه را که مصداق مهم آن عضویت در مجلس و حقّ تشریع قوانین و تسلّط بر اجراء آنهاست، از دیدگاه شریعت اسلام، مخصوص مردان اعلام نموده، و علت این امر را سیره جمیع مسلمین از صدر اسلام تاکنون، با وجود زنان دانشمند و با فضیلت، همچون همسران پیغمبر و نیز عدم مطالبه اشتراک زنان در تصدی ولایت عامه از طرف زنان و عدم پیشنهاد هیچکس به آنان دانسته‌اند، که اگر از کتاب یا سنّت پیغمبر اسلام مجوّزی بر این امر وجود داشت، مسئله این گونه سهل و متروک نمی گردید. «۱» در استدلال بر حرام بودن حقّ رأی بر زنان شورای فتوا به اصل مسلّم و قانونی استناد کرده که «علل و مقدمات هر عمل دارای حکم همان عمل است».

بنابراین حقّ انتخاب دادن به زن‌ها به هیچ وجه قانونی و موافق اسلام نیست». «۲» محمدمهدی شمس الدین و سید محمدحسین فضل اللَّه از علمای لبنان، این حدیث را از نظر امامیّه مرسل و تام نبودن سند می‌دانند. «۳» شیخ شمس‌الدّین علت ضعف حدیث را ناهمگونی در متن حدیث و وجود هفت (۱). مصطفوی، حسن، زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث معتبر، ص ۶۲.

(۲). همان، ص ۶۶

(۳). فضل اللَّه، سید محمدحسین، المرأة واقعها و حقّها فی الاجتماع السیاسی الاسلامی ص ۴۱- برای بررسی سندی رجوع شود به زن و پیام آوری فهیم کرمانی، ص ۶۷- ۶۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۴۴

شکل در بیان عنوان نموده‌اند، که شهرت روایی به کثرت تکرار روایت در کتب حدیث را نمی‌توان جبران کننده ضعف سند داشت. بنابراین، روایت مذکور حجیّت ندارد. از آنجا که مشروعیّت یا نامشروعیّت زمامداری زن، از مهم‌ترین و مؤثرترین احکام و قوانین در زندگی امّت و جوامع اسلامی است، زیرا تنها به زن مربوط نمی‌شود، بلکه امّت و جامعه را نیز به نحوی در بر می گیرد، لذا شارع مقدس در احکام همگانی و مهم از شیوه قانونگذاری مستقیم و صریح استفاده می کند. «۱» در همین کتاب، «۲» نویسندگان در بیان حرمت و ممنوعیّت حقّ عضویت زنان در مجلس، در فقه شیعه به حدیثی از امام صادق علیه السلام استناد نموده‌اند، که فرمودند: «لیس علی النساء اذان و الاقامهٔ و لاجمعهٔ و لاجماعهٔ و لاعیادهٔ المریض، و لااتباع الجنازهٔ، ولااجهار بالتلبیهٔ، ولاالهرولهٔ بین الصفا و المروهٔ، و لااستلام الحجر الاسود، و لادخول الکعبهٔ، و لاالحق انّما یقصرن من شعورهنّ، و لاتوّلی المرأهٔ القضاء و الاتوّلی الامارهٔ و لاتستشار ...» «۳»

جابر جعفی می گوید شنیدم حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود: «بر زن‌ها اذان و اقامه و نماز جمعه و جماعت، و عیادت بیمار، تشیع جنازه و بوسیدن حجرالاسود، و دویدن میان صفا و مروه، و داخل شدن در خانه کعبه، و تراشیدن موی سر لازم نیست، و (۱). شمس الدین، محمدمهدی، حدود مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام، ص ۷۶- ۷۵.

(۲). زن و انتخابات، ص ۷۱.

(۳). من لایحضره الفقیه ج ۴، ص ۳۱۸، ح ۴/ ۸۲۴، بحارالانوار، ج ۳، ص ۵۹- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۶، ح ۱، و ج ۱۴، ص ۱۶۲، ح ۱، و ص ۱۵۵، ح ۶، زهرا گواهی، سیمای زن در آئینه فقه شیعه، ص ۲۱۴، سال ۱۳۶۹ به این حدیث در وسائل ج ۱۸، در همین موضوع استناد نموده است. و نیز الیحضال، ج ۲، ص ۹۸، نقل روایت من لایحضر در وسایل، ج ۱۴، ص ۱۵۵ باب ۱۱۷، ح ۶ و روایت خصال در وسائل، ج ۲، ص ۲۲، باب ۱۲۳ و سنن بیهقی، ج ۱، ص ۴۰۸ اسناد را ضعیف دانسته است.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۴۵

برای تقصیر تنها چیزی از موی سر را جدا کنند، همچنین زن‌ها نمی‌توانند فرمانروایی و حکومت کنند و طرف مشورت قرار بگیرند». «سند روایت به جهت راویان غیر موثق حجّت نیست. از جهت دلالت نیز به اتفاق تمامی فقیهان، بندهای روایت- به جز بند مورد

استدلال- جملگی نفی حکم می‌کنند، امّا هریک از بندها، به گونه‌ای متفاوت با دیگر بندها، نفی حکم می‌نماید، به طور مثال، مواردی که با فعل منفی «لیس» مانند «لیس علی النساء ...» منفی شده‌اند، حکم تکلیفی را نفی می‌کنند. برخی از موارد، از قبیل جمعه و جماعت و عیادت مریض و ... بر نفی وجوب و عدم جعل تکلیف دلالت دارد، که حکمت آن، ارفاق به زن و امتنان به اوست. یعنی زن شرعاً وظیفه ندارد، ولی هرگاه امور مذکور را انجام دهد صحیح است و ثواب می‌برد. برخی بندهای دیگر، از قبیل اذان و اقامه، استحباب مؤکد را نفی می‌کند. برخی موارد دیگر، به ظاهر، نفی وجوب است، در حالی که مطابق ادّله موجود، بر زن، حرام است مانند تراشیدن سر، که حرمت این امر به خاطر ارفاق و امتنان به زن است. مواردی که با حرف «لا» نفی شده است نیز از این قبیل به شمار می‌آید و کاستن از سنگینی تکلیف و ارفاق به اوست، نه آن که زن به سبب نقصان شخصیت فاقد چنین صلاحیّتی است.

از جمله اموری که دلالت روایت را بر عدم صلاحیت زن، تضعیف می‌کند، این است که در بیان احکام عمومی و مهم که مصالح و منافع بزرگی برای امّت و جامعه در بر دارد، از یک قانونگذار معمولی هم- تا چه رسد به شارع مقدس عزّوجل- قابل قبول نیست که برای بیان حکم شیوه‌ای خطاانگیز و چند پهلو اتخاذ کند، به گونه‌ای که موجب اختلاف نظر و عدم اطمینان گردد. «۱» (۱). شمس الدین، محمدمهدی، حدود مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام، صص ۸۰- ۷۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۴۶

علاوه بر این، بر فرض صحت سند، از جهت دلالت، نقض موارد مذکور در سنّت جاری و مسلّم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مشهود است از جمله: ۱. در حیات پیامبر و ائمه علیهم السلام زنان در نماز جمعه و جماعت با رعایت موازین شرعی شرکت می‌نمودند و پیامبر و ائمه علیهم السلام از این کار منع نمی‌کردند.

۲. زنان مدینه هنگام بیماری حضرت زهرا علیها السلام به عیادت ایشان می‌آمدند و حضرت آنها را منع نمی‌کرد.

۳. مادر حضرت علی علیه السلام تنها زنی است که به اذن پروردگار حکیم وارد کعبه شده و فرزند خود را در آنجا به دنیا آورده است.

۴. قرآن ملکه سبا را به عنوان نمونه معرفی می‌کند و لذا در قرآن و سنّت رسول اللّه، هیچگونه نهی و کراهت و فسادی نسبت به پادشاهی ملکه سبا بیان نشده است، بلکه به عنوان پادشاهی مدّبر و عاقل که تسلیم حضرت سلیمان شد، یاد شده است.

۵. ملکه سبا با بزرگان قوم خویش به تصریح آیه قرآن، مشورت نمود، امّا با دوراندیشی و درایت خلاف نظر آنان عمل نمود. این حاکی از این است که عقل مردان قوم، به خلاف باورهای مردم، ممکن است به اندازه عقل یک زن نتواند راه صحیح را تشخیص دهد.

همچنین در بیان بهترین صفهای جماعت از نظر پیامبر حدیثی از سنن الدارمی «۱» سنن السنایی «۲» نقل شده است که فرمودند: «بهترین صفهای جماعت برای مردان صفّ اوّل است و بدترین صفها صف آخر است، و امّا برای زنها برعکس است، بهترین صفوف آنها صف آخر و بدترین صفوف صف اول است». «۳» (۱) ج ۱ ص ۲۹۱

(۲) ج ۱ ص ۹۳

(۳) نقل از مصطفوی حسن زناشوی از نظر قرآن مجید د احادیث معتبر ص ۶۰

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۴۷

جالب توجه این که، پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، همین نویسندگان، در جریان شرکت زنان در امور سیاسی و وکالت مجلس، بار دیگر چنین حرمت‌هایی را بیان ننموده و سکوت اختیار نمودند. آیا حکم دین اسلام در انقلاب اسلامی ایران، عوض شد یا فهم و درک مسلمانان از منابع و متون دینی تغییر و تصحیح یافت؟!

در بحارالانوار یک حدیث طولانی از امام جعفر صادق علیه السلام و در حدیث دوم از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که بسیاری از احادیثی که در صفحات گذشته به عنوان حدیثی مستقل نقل شده است، در این حدیث آمده است. «۱» چنین بود که فرهنگ غربی به نام آزاد نمودن زن ایرانی از اسارت جهل و خرافه و نا آگاهی و پوشش سر تا پا که پشت و رویش نباید معلوم گردد و به نام حجاب، جای پایی محکم و ثابت پیدا نموده، و عقب ماندگی مسلمانان!! را در کمترین زمان با رفع حجاب و اشاعه فرهنگ ابتذال به نام آزادی، جبران نمود.

مجله‌هایی همچون زن روز که در اختیار جامعه نسوان و طنخواه بود، متکفل تبلیغ ابتذال فرهنگی غربی بوده است که انتخاب دختر شایسته از جمله اعمالی بود که به تبعیّت از غرب صورت گرفت. در صورتی که مسلمانان خود، به تعالیم اسلام گردن نهاده و حقوق شرعی زن را رعایت می‌نمودند، هرگز فرهنگ غربی، یارای عرض اندام در جامعه مسلمین را نداشته و نمی‌توانست زنان مسلمان را به دنبال خود بکشد.

اهداف طرفداران حقوق زن پس از انقلاب اسلامی در ایران و دخالت سازمان‌های بین‌المللی

اهداف طرفداران حقوق زن پس از انقلاب اسلامی در ایران و دخالت سازمان‌های بین‌المللی

پس از انقلاب اسلامی، مجدداً نیروهای خارج از کشور از سال ۱۳۶۱ (۱). نقل از مصطفوی، حسن، زناشویی از نظر قرآن مجید و احادیث معتبر، ص ۶۰.

(۲). بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۴- ۲۵۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۴۸

برای رخنه در فرهنگ عمومی کشور، و ایجاد تغییرات دلخواه علیه نظام جمهوری اسلامی، تحت عنوان تساوی حقوق زنان، شروع به‌فعالیت نمودند.

تا سال ۱۳۶۷، بیشتر فعالیّت‌ها حول محور، احقاق حقوق مساوی زنان با مردان، بدون تکیه بر قوانین اسلامی بود. با رشد جریانات فمینیستی، و حمایت و کنترل این حرکت‌ها، از خارج از کشور، و تشکیل سازمان‌ها و بنیادهایی که با خارج از کشور مرتبط بوده، که ماموریت ویژه‌ای بر عهده داشتند از سال ۱۳۶۷ به علت عدم موفقیت فمینیست‌ها، در جلب حمایت زنان مسلمان ایرانی تا سال ۱۳۷۶، ایده پست مدرنی را گرفته و به این نتیجه رسیدند که نمی‌توان مسلمانان را به نام قوانین فمینیستی، از قوانین اسلامی دور کرد، اصلًا موفقیتی نخواهیم داشت. باید کاری کرد، اسلام بماند، اما تلقّی ما هم در آن باشد. نباید دست به باورهای مردم زد، بلکه باید تعاریف باورهای مردم را تغییر داد.

یکی از سردمداران این فکر، نیرّه توحیدی، یکی از ضد انقلابیون فراری خارج از کشور است که اعتقاد دارد، برای فمینیستی کردن جامعه، باید سکولاریسم (جدایی دین از سیاست حاکمیت دینی) را اشاعه داد. دین برای روابط فردی است نه اجتماعی. لذا ایده‌ای التقاطی به نام فمینیست اسلامی نزج گرفت و عده‌ای ناآگاه از اهداف پنهانی این ایده و تعالیم انسان ساز و عادلانه اسلام به طرفداری از آن پرداختند، اقدامی که طرّاحان خارج از کشور ایده جامعه مدنی نیز در برابر مقاومت مردم و برخی دلسوزان دین، کلمه اسلام را به جامعه مدنی افزوده و طیفی از قشر مذهبی را با خود همراه نمودند. «۱» فمینیست‌ها، در تمام دنیا از راه مطرح نمودن از سه جریان: ۱. حقوق (۱). رجوع شود به عدم سازگاری اسلام و ایده جامعه مدنی از همین قلم.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۴۹

کودک «۱» یا بشر. ۲. محیط زیست. ۳. حقوق زنان بنابر شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور مورد نظر، در کشورها رخنه می‌کنند. اخیراً مبارزات آزمایشات هسته‌ای نیز توسط فمینیستها انجام می‌گیرد.

جریانات فمینیستی در احقاق حقوق زنان بر خصوصیت زنانه اصرار داشته و اقداماتی در جهت فضاسازی و حساسیت‌زدایی به ویژه در ایران، انجام می‌شود. از جمله این اقدامات دوچرخه سواری زنان و تماشای بازی فوتبال زنان توسط مردان و کشف حجاب در خیابان و ... بوده است. یکی از نشریات زنانه خارج از کشور که از اجتماع تعدادی زن در برابر استادیوم ورزشی برای تماشای فوتبال به شوق آمده و تماشای فوتبال مردان را به سرنگونی نظام ربط داده است!! در سرمقاله خود می‌نویسد:

«... بدانید آنگاه که پای کوبان به استادیوم ورزشی ریختید، و درهای بسته را گشودید اشک شوق به چشم‌های منتظر و تحسین گر، زنان جهان نشاندید.

ما زنان تبعیدی نیز در این سوی جهان یک بار دیگر طعم خوش پیروزی و همبستگی در تمرد را، با شما شریک شدیم. خبر را با غرور بازگو کردیم و گفتیم: این است نشانه جسارت و خواست خواهران تمکین‌ناپذیر ما در ایران!! ... شما یک بار دیگر به خاطرها آوردید، که می‌توان لرزه بر اندام مچاله شده رژیم انداخت. شما می‌دانید که می‌توان به اتکای نیروی هم پیوسته نظام زده ستیز جمهوری اسلامی را برچید». «۲» (۱) . انجمن حمایت از حقوق کودک توسط شیرین عبادی تأسیس شده، و برای احقاق تمام بندهای کنوانسیون حقوق کودک تلاش می کند. کودک از نظر سازمان ملل تا ۱۸ ساله گفته می‌شود. پس از سال ۷۶ به بعد اخبار ظلم به کودکان ایرانی و خارجی در مطبوعات رشد صعودی داشته است. متن این کنوانسیون در روزنامه همشهری ۱۳/ ۱۰/ ۷۶ چاپ شده است.

(۲). «به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی زن» آوای زن، سال هفتم، ش ۳۲- ۳۱، زمستان و بهار ۱۹۹۸، ۱۳۷۶ به نقل از ابراهیم شفیعی سروستان، جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران، ص ۶۸، چاپ اول، ۱۳۷۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۵۰

هدف اصلی حرکت‌های فمینیستی از این گفته‌ها کاملًا پیداست. قصد، استیفای حقوق فردی و اجتماعی زنان نیست.

برخی بنیادهای ضداسلامی خارج از کشور تحت پوشش فعالیت‌های فمینیستی

برخی بنیادهای ضداسلامی خارج از کشور تحت پوشش فعالیت‌های فمینیستی

در سال ۱۹۸۹ چند نفر از زنان فراری ضد انقلاب خارج از کشور، در امریکا بنیادی به نام پژوهش‌های زنان ایران تشکیل دادند، که یکی از سازمان‌های ضد انقلاب در امریکا هست، و بودجه زیادی از سیا می گیرد، و نقش زیادی در جریانات فمینیستی در ایران دارد. این سازمان در حال حاضر در اختیار نیرّه توحیدی می‌باشد، از دیگر بنیادها بنیاد مطالعات ایران در امریکا در مسائل زنان به سرپرستی اشرف پهلوی خواهر شاه مخلوع ایران است.

این بنیاد از شیرین عبادی «۱» از فمینیست‌های فعّال ایران که از سوی (۱). وی در سال ۱۳۶۶ به امریکا رفته و با مردی انگلیسی به نام هیکس ازدواج کرد. به علت فعالیتو اطلاعات زیاد مسئول سازمان دیده بان حقوق بشر در خاورمیانه شد. وی دشمنی زیادی با نظام داشته، و بارها گزارش‌های وی زمینه‌ساز محکومیت ایران شده است. وی در سال ۱۳۷۴ از طرف سازمان ملل به ایران آمده و برخی سازمان‌های غیر دولتی را ایجاد کرده و شیرین عبادی را به سازمان بین المللی معرفی نمود. بعد از سال ۷۵ شیرین عبادی، مسئول سازمان دیده‌بان حقوق بشر در ایران شد، وی مصونیّت بین المللی دارد. وی در خرداد ماه ۱۳۷۵ که به سمینار هفتم بنیاد پژوهش‌های زنان ایران در امریکا دعوت شده بود، در مقایسه قانون اساسی جمهوری اسلامی با قوانین حقوق بشر جهانی می گوید: «مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه حقوق بشر را از زنان سلب نموده و اصولًا هرآنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی مدوّن شده، تماماً نقض حقوق بشر است. من به عنوان یک زن و یک حقوق‌دان، هروقت قانون‌اساسی را می‌خوانم گریه می کنم». به نقل از نشریه ضد انقلاب آوای زن، ش ۲۷- ۲۶، ص ۲۴- ۲۳، چاپ نروژ.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۵۱

صندوق بین المللی کودکان سازمان ملل (یونیسف) حمایت می‌شود جهت سخنرانی در دانشگاه جرج واشینگتن دعوت کرده است و وی قوانین ایران را عقب مانده و ارتجاعی نامیده است. «۱» این بنیادها شعباتی در ایران دارند. در مرکز تحقیقات علمی فرانسه، نیز بیشتر ضد انقلابیون ایران و معاندین انقلاب و فمینیستها عضو هستند.

از جمله فمینیست‌های بسیار فعّال و مرتبط با خارج از کشور در ایران شیرین عبادی و شهلا لاهیجی «۲» و الهه شریف‌پور معروف به الهه هیکس «۳» و سید محسن سعیدزاده «۴» و ... می‌باشد.

نشریات فمینیستی در ایران

نشریات فمینیستی در ایران

۱. مجلّه پیام هاجر، نشریه انجمن همبستگی زنان ایران، با مسئولیت اعظم طالقانی که از نظر نماینده سازمان یونسکو، از عمده‌ترین جریانات فمینیستی است. در این نشریه شدیداً از مفاد کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان طرفداری شده است. «۵» ۲. ماهنامه زن با مسئولیت شهلا لاهیجی.

۳. نشریه گفتگو با ویژه‌نامه پژوهش‌های زنان. (۱) . نشریه جامعه سالم، ش ۲۷.

(۲). مسئول نشر روشنگران.

(۳). مطالب پاورقی، شماره ۸۶.

(۴). وی در مجلّه‌های زنان و جامعه‌ی سالم، با نام‌های مستعار مینا یادگار آزادی و زینب السادات کرمانشاهی و ... تحت عنوان بررسی مسائل فقهی زنان، بسیاری از قوانین جمهوری اسلامی و احکام شرع در مورد زنان را به سخرّیه گرفته و با باز شدن فضای اهانت به مقدسات اسلام در ایران، با نام خود از سال ۷۳ و بیشتر از سال ۷۶ به بعد در این دو نشریه علیه اسلام قلم زده است.

(۵). رجوع شود به بحث علل رد کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان از دیدگاه اسلام؛ در همین کتاب.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۵۲

۴. جامعه سالم.

۵. مجلّه زنان، سردبیر شهلا شرکت.

نظریات برخی فمینیست‌های ایرانی درباره حجاب و روابط زن و مرد

نظریات برخی فمینیست‌های ایرانی درباره حجاب و روابط زن و مرد

مریم خراسانی: «به طور کلی، این تفکر، که پوشش انسان‌ها، روابط جنسی، تفریحات و شادی‌های مردم روابط شخصی و خصوصی آنان با یکدیگر، باید تحت کنترل و نظارت نهادها یا اشخاص باشد، تفکری است که فرد، آزادی‌های فردی و میزان اختیارات و تصمیم‌گیری‌های افراد را، در زمینه ابتدایی‌ترین، مسلّم‌ترین و شخصی‌ترین حقوق انسانی به رسمیّت نمی‌شناسد. در برابر این تفکر، بینش‌های مترقّی، مبتنی بر آزادی و اختیارات فرد، در حوزه مسائل و سلیقه‌های شخصی به هیچ گونه منع و محدودیتی در این زمینه قایل نیستند .... «۱» مهرانگیز کار: «رابطه عاشقانه افراد دو جنس سر جای خود باقی است و تا جایی که مصداق جرایم در قوانین جزایی قرار نگرفته است، مصون از تعرض است ... ایجاد محدودیت در روابط انسانی، غیر قانونی است». «۲»

برخورد مسلمانان با افکار وارداتی

برخورد مسلمانان با افکار وارداتی

مقام معظم رهبری حضرت آیت ا ... خامنه‌ای در اوج تبلیغات افکار وارداتی همچون فمینیسم و جامعه مدنی، در تاریخ ۱۷/ ۲/ ۷۶ فرمودند:

«چرا کسانی، در زمینه زن، یا در زمینه حقوق بشر، طوری حرف بزنند که (۱). جامعه مدنی و جوانان، ص ۲۰۵- ۲۰۴، چاپ اول، ۱۳۷۷.

(۲). همان، ص ۱۹۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۵۳

گویی ما باید سعی کنیم، خودمان را با نقطه نظرهای غربی‌ها، نزدیک و آشنا کنیم. آنها اشتباه می‌کنند. آنها باید نقطه نظرهای خود را با ما نزدیک کنند، آنها باید نسبت به مساله زن و ... نقطه نظرهای غلط و باطل خودشان را تصحیح کنند و با نظرات اسلامی مواجه نمایند، نه این که عده‌ای از این طرف، دچار انفعال شوند».

پذیرش صددرصد افکار وارداتی و طرد آیین و مکتب خودپرستی و خود کم‌بینی و برتربینی بیگانگان و مرعوب قدرت علمی و نظامی و اقتصادی و ...

آنان، نشانگر ضعیف انگاشتن قدرت اسلام و توانمندی‌های بالقوه مسلمانان است. در حالی که قرآن به مسلمانان گوشزد می‌نماید: «وَلا تَهِنُوا وَلا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» «۱»

شما هرگز سستی نکنید و از فوت متاع دنیا اندوهناک نباشید. زیرا شما فیروزمندترین و بلند مرتبه‌ترین ملل دنیا هستید.

برتری، براسلام نیست که خوف در دل مسلمانان راه یابد زیرا: «اِلاِسْلْامُ یَعْلوُ وَلایُعْلی عَلَیْه» «۲»

اسلام دین برتر است و برتری بر او نیست.

در صورتی که فاصله‌ی مسلمانان با اسلام کمتر شود، قدرت مسلمانان که صاحبان قدرت را در جهان مرعوب ساخته، و از فکر استحاله فرهنگی اسلام باز می‌دارد. اگر قوانین و فرهنگ اسلامی عملی شود، هیچ جایی برای قدرت نمایی انواع ایسم‌ها و گروه‌ها و فرهنگ‌ها نمی‌ماند. تنها مشکل اساسی در این راستا، عمل ننمودن خود مسلمانان به قوانین متعالی و رهایی بخش انسان از هرگونه وابستگی و ذلّت و خواری و تسلّط فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بیگانگان بوده و توان حلّ مشکلات عدیده عصرهای مختلف را دارد. (۱) . آل عمران، آیه ۱۳۹.

(۲). وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۶۰، ح ۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۵۴

این ویژگی به جهت فقه پویا و اجتهاد مستمر در فقه شیعه و براساس اصول کلی و زیربنایی اسلام در قرآن و سنّت می‌باشد.

به امید روزی که فرهنگ اسلام، فرهنگ جهانی شده و اقتدار و عزّت و تعالیم اسلام حاکمیت یابد.

انشاء ا ...

ویژگی‌ها و مقام زن در قرآن

ویژگی‌ها و مقام زن در قرآن

صفات زنان الگو در قرآن

اشاره

صفات زنان الگو در قرآن

مریم

مریم

«إِذ قالَتِ امْرَأَةُ عِمْرانَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَکَ ما فِی بَطْنِی مُحَرَّراً فَتَقَبَّلْ مِنِّی» «۱» هنگامی که زن عمران گفت: پروردگارا، آنچه در شکم من است برای تو نذر کردم که خدمتگزار تو باشد، از من قبول کن.

نوع جنسیت فرزند از مشیّت الهی است. خداوند متعال خود، این فرزند را دختر قرار داد، و نذر زن عمران را پذیرفت و یک زن را برای خدمتگزاری خود انتخاب نموده و کفیلی برای پرورش وی قرارداد و غذای مخصوص از جانب خدا بر، وی رساند. «فَتَقَبَّلَها رَبُّها بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَها نَباتاً حَسَناً وَکَفَّلَها زَکَرِیّا» «۲»

پروردگارش او را به نیکو پذیرفت و او را به نحو شایسته پرورش داد و زکریّا را کفیل و سرپرست قرار داده هر موقع زکریّا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آنجا می‌دید. «کُلَّما دَخَلَ عَلَیْها زَکَرِیّا المِحْرابَ وَجَدَ عِنْدَها رِزْقاً». «۳»

(۱). آل عمران، آیه ۳۵.

(۲) همان، آیه ۳۷.

(۳). آل عمران، آیه ۳۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۵۶

یک زن شایستگی استفاده از غذای بهشتی و هم سخن شدن با فرشتگان را پیدا کرده است که به وی خطاب می‌شود: «یا مَرْیَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفاكِ عَلى نِساءِ العالَمِينَ». «۱» «آنگاه فرشتگان گفتند: یا مریم، خدا تو را برگزید و تو را پاک ساخت و بر تمام زنان جهان برتری داد».

سبب این شایستگی از این آیه معلوم می‌گردد که، فرشتگان به مریم می‌فرمایند:

«یا مَرْیَمُ اقْنُتِی لِرَبِّكِ وَاسْجُدِی وَارْكَعِی مَعَ الرّاكِعِینَ». «۲» «ای مریم بر پروردگارت فروتن باش و سجده به جای آور و با رکوع کنندگان رکوع نما».

بنابراین، اطاعت و خضوع در درگاه احدیت و عبادت است که شایستگی دریافت وحی الهی را ایجاد کرده است.

آسیه

آسیه

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِینَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إذ قالَتْ رَبِّ ابْنِ لِی عِنْدَکَ بَیْتاً فِی الجَنَّةِ وَنَجِّنِی مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِی مِنَ القَوْمِ الظّالِمِینَ» «۳» «و خدای متعال برای کسانی که ایمان آورده‌اند، همسر فرعون را مثل زده است، هنگامی که او گفت: پروردگارا برای من در جوار قرب خودت، در بهشت منزل فراهم کن و مرا از فرعون، و کردارش نجات بخش و از گروه ستمکاران نجات بده».

از این آیه چند نکته در می‌یابیم: (۱). همان، آیه ۴۲.

(۲). همان، آیه ۴۳.

(۳). تحریم، آیه ۱۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۵۷

۱. آسیه یک زن است و خداوند او را به تمام ایمان آورندگان زن و مرد الگو قرار داده است. بنابراین زن می‌تواند چنان به مقام

قرب الهی نایل گردد، که الگوی مردان قرار گیرد.

۲. زن تـوان و قـدرت ادراک و صـعود بـه قلّه کمـال انسـان را داراست: زن فرعـون مقصـد و کمـال نهـایی را درک کرده و نهـایت خواست و آرزوی او، بودن در جوار قرب الهی است.

۳. زن قدرت تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی را داشته و توان مقابله با مفاسد اجتماعی و سیاسی را دارد.

۴. زن قدرت پایداری در راه عقیده و ایمان را داشته و از ایثار جان و مال و زندگی دریغ ندارد.

۵. زن با تمام احساسات‌اش، در برابر ستمکاران و ظالمین، هرچند شوهرش باشد، تسلیم نمی‌شود.

۶. او به جهانیـان ثـابت کرد، در هر محیطی حتّی کـاخ فرعون نیز می‌توان مؤمن و پاک باقی مانـده و بنـده خـدا باشـد. او بر همگان ثابت کرد که انسان موّحد، اگر خدا را خواهد، می‌تواند در هر شـرائطی بندگی خدا کند، شـرائط سـخت و ناگوار، نمی‌تواند عزم و اراده و ایمان وی را درهم شکند.

۷. زن فرعون ثابت می‌کند، که نهایت خواسته و آرزوی یک زن برخلاف تبلیغات معمول، شوهر و تسخیر قلب وی نمی‌باشد، بلکه او در تسـخیر قلب مرد، حدّ و مرزی قایل است، و آن حفظ حریم او امر الهی است. این ویژگی روحی محدودیت داشـته، و به هرجا و همه کس تعلق ندارد.

۸. زن می‌توان خلاف جریان معمول در خانواده و جامعه حرکت کرده و ایمان خود را حفظ نموده، همرنگ جماعت نشده و پشـت پا به تمام زرق و برق دنیوی بزند.

و کارهایی در راه دین ایمان‌اش انجام دهد که صدها مرد از انجام‌اش عاجزند.

مادر حضرت موسی

مادر حضرت موسی

«وَأَوْحَیْنا إِلی أُمِّ مُوسی أَنْ أَرْضِعِیهِ فَإِذا خِفْتِ عَلَیْهِ فَأَلْقِیه فِی الیَمِّ وَلاتَخافِی وَلاتَحْزَنِی إِنّا رادُّوهُ إِلَیْکِ وَجاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِینَ». «۱» «و به مـادر موسـی وحی کردیم که طفـل‌ات را شـیرده و چون از آسـیب فرعونیـان بر او ترسـان شوی، به دریا افکن و دیگر هرگز بر او ترس و محزون مباش که ما او را به تو باز آوریم و از پیغمبران مرسل‌اش قرار دهیم».

یک زن شایسـتگی مخاطب وحی الهی را پیـدا کرده و پیامبر خـدا توسط دو زن، مادر خود و همسـر فرعون محافظت و بزرگ شده است. موّحد بودن موجب این شایستگی بوده است.

مقام و صفات زن در اسلام

مقام و صفات زن در اسلام

«إِنَّ الْمُسْـلِمِینَ وَالْمُسْـلِماتِ وَالمُـؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنـاتِ وَالقـانِتِینَ وَالقانِتـاتِ وَالصّـادِقِینَ وَالصّادِقـاتِ وَالصّـابِرِینَ وَالصّـابِراتِ وَالخاشِـعِینَ وَالخاشِـعاتِ وَالْمُتَصَـدِّقِینَ وَالْمُتَصَـدِّقاتِ وَالصّائِمِینَ وَالصّائِماتِ وَالحافِظِینَ فُرُوجَهُمْ وَالحافِظاتِ وَالـذّاکِرِینَ اللَّهَ کَثِیراً وَالذّاکِراتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِیمـاً». «۲» «در حقیقت مردان و زنـان مسـلمان، مردان و زنان مؤمن، مردان و زنان صادق و راسـتگو، مردان و زنان صابر و مقاوم، مردان و زنان خاشع و خدا ترس، مردان و زنان که دسـتگیر بی‌نوایان هسـتند، مردان و زنان روزه‌دار و آن مردان و زنانی که عفاف و عصـمت خویش را نگه می‌دارنـد، و از زشتی و آلودگی خود را حفظ می‌کنند و آن مردان و زنانی که همواره در حال ذکر و یاد خدا هستند، خدای متعال، برای آنان اجر و پاداشی بزرگ و مغفرت و (۱). قصص، آیه ۷.

(۲). احزاب، آیه ۳۵.

حقوق و تكاليف زوجين، ص: ۱۵۹

بخشايش خويش را مهيّا و آماده كرده است».

هريك از اين صفات، درجه، و يكى از راههاى وصول به قرب الهى است كه مقصد نهايى انسان مى‌باشد. به يقين توصيف اين صفات براى زن و مرد از طرف خالق حكيم، وجود مقدمات و وسايل احراز اين ويژگى‌ها و درجات كمال را در وجود انسان مسلّم مى‌گرداند، چرا كه اين آيات، به امكان احراز اين صفات نيز اشاره دارند، بنابراين، از جهت وجودى نقصى ذاتى در زن وجود ندارد.

در آيه‌اى ديگر، زنان با صفات ديگرى توصيف شده‌اند:

«مَسْلِماتٍ مُؤْمِناتٍ قانِتاتٍ تائِباتٍ عابِداتٍ سائِحاتٍ». «۱» «زنانى همه اهل ايمان و مقام تسليم و خضوع و اطاعت و اهل توبه و عبادت و رهسپار (طريق معرفت) باشند»

همچنين صفاتى ديگر در قرآن براى زنان بيان شده است:

«... فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَيْبِ بِما حَفِظَ اللَّهُ». «۲» «پس زنان شايسته و مطيع در غياب همسر حافظ حقوق شوهران هستند، حافظ آنچه را كه خدا به حفظ آن امر فرموده نگهدارند».

اين صفات، مصونيّت درونى زن را از انحرافات اخلاقى، در صورت تزكيه نفس نيز به اثبات مى‌رسانند.

در كلام معصوم، زن امانت الهى تلقى شده است چنان كه پيامبر گرامى اسلام مى‌فرمايد:

«اللَّه اللَّه فى النساء، فانهنَّ عوان بين ايديكم اخذ تموهن بامانهٔ اللَّه». «۳» «شما را به خدا، شما را به خدا، زنان را در نظر داشته باشد، زيرا آنان (۱). تحريم، آيه ۵.

(۲). نساء، آيه ۳۴.

(۳). تحف العقول، ص ۳۰.

حقوق و تكاليف زوجين، ص: ۱۶۰

ياورانى هستند كه نزد شما قرار دارند، و شما آنان را به عنوان امانت خداوند انتخاب كرده‌ايد».

همچنين على عليه السلام در اين زمينه فرموده‌اند:

«انّهنَّ أمانَةٍ عندكم، فلا تضاروهنَّ و لاتعضلوهنَّ». «۱» زنان امانتى هستند كه نزد شما قرار دارند، بدين جهت نبايد نسبت به آنان آزار و سخت‌گيرى روا داريد».

ارزش اعمال زن و مرد

ارزش اعمال زن و مرد

در قرآن نوع عمل است كه پاداش و جزا را معين مى‌كند نه مرد بودن، هر فردى از افراد انسان، اعمال مورد تاييد قرآن را انجام دهند شايستگى پاداش و جزاى خير را خواهند داشت، از اين رو در تمامى اين آيات، صيغه جمع استعمال شده است. چنان‌كه مى‌فرمايد: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَاولئِكَ مَعَ الَّذينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وَحَسُنَ أُولئِكَ رَفِيقاً». «۲» «و آنان كه خدا و رسول را اطاعت كنند، با كسانى كه خدا به آنها لطف و عنايت كامل فرموده، با پيغمبران و صدّيقان و شهيدان و نيكوكاران محشور خواهند شد، و اينان در بهشت) چقدر نيكو رفيقانى هستند».

جاى ديگر قرآن مى‌فرمايد:

«مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حياةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما كانُوا يَعْمَلُونَ». «۳» «هركس از مرد و زن

که ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، به او (۱). نکاح مستدرک، باب ۶۵.

(۲). نساء، آیه ۶۹.

(۳). نحل، آیه ۹۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۶۱

حیات پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند، خواهیم داد».

زن و مرد وجود مستقلی دارند، و هیچ مزیت و برتری بر دیگری ندارند، هر کدام از تقوا و ایمان و فضیلت بیشتری برخوردار باشد، برتر خواهد بود. این آیات به روشنی تصریح دارند که صرف مرد بودن، دلیل برتری و کامل بودن، و صرف زن بودن دلیل پستی و نقص نمی‌باشد. فضائل و رذائل که منشاء برتری و پستی است متعلّق به روح انسان است نه جسم او که جنسیت مؤثر باشد.

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصّالِحاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلا يُظْلَمُونَ نَقِيراً». «۱» «کسی که کارهای شایسته و اعمال صالح انجام دهد مرد باشد یا زن، در حالی که دارای ایمان است، پس اینان به بهشت برین در آیند و مورد کوچکترین ظلم و ستم قرار نگیرند».

قرآن پاداش زن و مرد مؤمن را چنین توصیف می‌فرماید:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ يَسْعى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمانِهِمْ بُشْريكُمْ الْيَوْمَ جَنّاتٌ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها ذ لِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». «۲» «روزی را که مردان و زنان مؤمن شعشعه نورشان (ایمان) پیش رو و سمت راست آنها بشتابد و مژده دهد که امروز شما را به بهشتی که نهرها زیر درختان‌اش جاری است بشارت باد که در آن بهشت جاودان خواهید بود و این همان سعادت و فیروزی بزرگ شماست». (۱). مؤمن، آیه ۴۰.

(۲). حدید، آیه ۱۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۶۲

در آیه‌ای دیگر زن و مرد هریک، مسئول اعمال خود می‌باشند، بنابراین وظایفی به عهده دارند که باید به انجام رسانند، در غیر این صورت مستوجب کیفر الهی می‌گردند.

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ وَما اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ إِلّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآياتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسابِ». «۱» «همانا دین پسندیده نزد خدا دین اسلام است، و اهل کتاب راه مخالفت نپیمودند مگر پس از آگاهی به حقّانیت آن، و این خلاف را از راه حسد در میان آوردند و هرکسی به آیات خدا کافر شود، بترسد که محاسبه خداوند زود خواهد بود».

حدیث

حدیث

در روایت قدسی آمده است: «بنده‌ای از بندگان‌ام به من نزدیک نخواهد شد، مگر به سبب کارهایی که بر او واجب کرده‌ام و به راستی او به وسیله عمل به نافله به من تقرّب می‌جوید، تا آن جا که دوست‌اش دارم، و چون دوست‌اش داشتم، گوش او شوم که با آن بشنود، و چشم او شوم که با آن ببیند و زبان‌اش شوم که با آن سخن گوید و دست او شوم که با آن اشیاء را برگیرد». «۲» همچنین خدا گونه شدن در اطاعت از خدا منحصر شده است نه جنسیّت، چنان که خداوند در حدیثی قدسی می‌فرماید: «عبدی أطعنی حتّی اجعلک مثلی، کما انّی حیٌّ لا أموتُ فأجعلک حیّاً لا تموتُ و کما انّی اذا أردت انْ اقول لشیءٍ کن فیکون فَجَعَلْتُک لَذلِکَ»

«بنده من، مرا اطاعت کن تا تو را مثل خودم قرار دهم، همچنان که من زنده هستم نمی‌میرم، پس تو را زنده قرار می‌دهم که نمیری، و همچنانکه من (۱). آل عمران، آیه ۱۹.

(۲). اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۶۳

زمانی که اراده کردم به چیزی بگویم باش، پس می‌باشد، پس تو را نیز چنین قرار می‌دهم».

خطاب «بنده من» هم تساوی در ایمان زن و مرد را به اثبات رسانده، و هم توان و استعداد رسیدن به خدا گونگی را می‌رساند.

صفات انسان در قرآن

صفات انسان در قرآن

آنچه متفاوت است امکانات و شرائط مالی و تربیتی و خانوادگی که در میزان رشد و شکوفایی این فطریات خدادادی مؤثر است که، شخصیت و توانایی‌ها و جهان‌بینی و دیدگاه‌های فرد را تعیین می‌نماید. در قرآن صفات منفی و مثبت به انسان، که در دو جلوه زن و مرد، آفریده شده است نسبت داده شده است.

۱. ضعیف: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الإِنْسانُ ضَعِيفاً». «۱» «خداوند آسانی را بر شما اراده فرموده و انسان ضعیف و ناتوان آفریده شده است».

محجّهٔ البیضاء مخاطب کلمه انسان را تنها مرد قرار داده و مراد از ضعف و ناتوانی مرد را در برابر زن و غلیان شهوت دانسته است. «۲» ۲. در آیه‌ای دیگر ضعف جسمی انسان (زن و مرد) را چنین بیان می‌فرماید:

«اللَّهُ الَّذِی خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفاً وَشَيْبَةً». «۳» «خداوند آن کسی است که شما را در اوّل از جسم ضعیف (نطفه) بیافرید، (۱). نساء، آیه ۲۸.

(۲). محجّهٔ البیضاء، ج ۳، ص ۵۶.

(۳). روم، آیه ۵۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۶۴

آنگاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا کرد (جوانی) و باز از توانایی به ضعف و سستی و پیری برگردانید».

۳. فساد کننده و خونریز در زمین: «أَتَجْعَلُ فِيها مَنْ يُفْسِدُ فِيها وَيَسْفِكُ الدِّماءَ». «۱» ۴. عجول: «وَكانَ الإِنْسانُ عَجُولًا». «۲» «انسان بسیار بی‌صبر و شتاب کار است» و نیز در جای دیگر می‌فرماید: «خُلِقَ الإِنْسانُ مِنْ عَجَلٍ». «۳» ۵. بخل از انفاق: «... لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْانْفاقِ وَكانَ الإِنْسانُ قَتُوراً». «۴» ۶. مجادله کننده و جدال با حق: «وَكانَ الإِنْسانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا». «۵» «آدمی بیشتر از هر چیز با سخن حقّ به جدال و خصومت برخیزد».

۷. بسیار ستمکار و نادان: «وَحَمَلَهَا الإِنْسانُ إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولًا». «۶» ۸. نفاق: «لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنافِقِينَ وَالْمُنافِقاتِ». «۷» «خداوند مرد منافق و زن منافق را عذاب می‌کند».

۹. بیقرار و جزع کننده: «إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً». «۸»

«چون شرّ و زبونی به او رسد سخت جزع و بیقراری کند».

۱۰. حریص و بی‌صبر: «إِنَّ الإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً». «۹»

«انسان حریص و (۱). بقره، آیه ۳۰.

(۲). روم، آیه ۱۱.

(۳). انبیاء، آیه ۳۷.

(۴). روم، آیه ۱۰۰.

(۵). کهف، آیه ۵۴.

(۶). احزاب، آیه ۷۲.

(۷). احزاب، آیه ۷۳.

(۸). معارج، آیه ۱۹.

(۹). معارج، آیه ۱۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۶۵

بی‌صبر است».

۱۱. منع کننده از احسان: «وَ إِذا مَسَّهُ الخَیْرُ مَنُوعاً». «۱»

چون مال و دولتی به او رو کند (بخل ورزد) و منع (احسان) نماید.

۱۲. سرکش و مغرور: «کَلّا إِنَّ الإِنْسانَ لَیَطْغی». «۲»

همانا انسان از کفر و طغیان باز نمی‌ایستید و سرکش و مغررو می‌شود.

۱۳. دشمن آشکار خدا: «أَوَ لَمْ یَرَ الإِنْسانُ أَ نّا خَلَقْناهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذا هُوَ خَصِیمٌ مُبِینٌ». «۳»

«آیا انسان ندید که ما او را از نطفه خلق کردیم که دشمن آشکار ما گردید».

۱۴. اسیر نفس امّاره: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلّا ما رَحِمَ رَبِّی». «۴» «نفس امّاره انسان را به کارهای زشت و ناروا، سخت وا می‌دارد، جز آنکه خدا به لطف خاص خود انسان را نگه دارد.

۱۵. دارای رذایل و بیماری‌های روحی: «إِذ یَقُولُ المُنافِقُونَ وَالَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هؤُلاءِ دِینُهُمْ». «۵» واژه مرض در قرآن ۱۱ بار با فاعل جمع به کار رفته است که گویای بیماری‌های روحی و رذایل ذاتی و فطری انسان اعم از زن و مرد است که تنها در شدت و ضعف متفاوت‌اند. (۱) . معارج، آیه ۲۱.

(۲). علق، آیه ۷.

(۳). یس، آیه ۷۷.

(۴). یوسف، آیه ۵۳.

(۵). انفال، آیه ۴۹.

صفات مثبت انسان در قرآن

صفات مثبت انسان در قرآن

مؤمنان در قرآن به صفاتی از قبیل خاضع و خاشع و اعراض کننده از لغو و سخن باطل، زکات دهنده، حافظ اندام جنسی از عمل حرام، وفا کننده به عهد و محافظ نماز و وارث مقام عالی بهشت «۱» توصیف شده‌اند و نیز در آیاتی دیگر به صفت مشفق، هراسان از ترس خدا و ایمان آورنده به آیات خدا «۲» و سبقت گیرنده در کار خیر «۳» توصیف شده‌اند. همچنین یکی از صفات انسان (زن و مرد) بسیار کوشنده است: «یا أَیُّهَا الإِنْسانُ إِنَّکَ کادِحٌ إِلی رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقِیهِ». «۴»

«ای انسان همانا، تو بسیار بسیار کوشنده به سوی پروردگار خود هستی، پس او را ملاقات خواهی کرد».

همه انسان‌ها دارای نفس لوّامه و ملامتگر و به عبارتی دارای وجدان اخلاقی هستند که آنان را از زشتی و گناه باز می‌دارد، یعنی هر

انسانی، اعم از زن و مرد دارای مصونیّت درونی است که بایـد این نفس پرورش یابـد تا امکان نیل به قرب الهی میسر گردد. انسان در دو قالب، زن و مرد خلق شـده است، هر دو مسئولیت و تکلیف و توانایی صعود به مقام قرب الهی را دارا هستند، آنچه متفاوت است، وسایل و راههای صعود به این مقام است که این تفاوت نیز نه به منزله نقص و کاستی در خلقت خداونـد بلکه لازمه وجودی و اهـداف نظام آفرینش بوده است. زن و مرد همچون تـار و پودی از یـک پارچه‌انـد که، هیچیـک به تنهایی قادر به تشکیل پارچه نبوده و هیچیک نسبت به یکدیگر در موضع فرا دستی و فرودستی قرار ندارند. در قرآن ایمان زن و مرد یکسان قرار داده شده است که زن به جهت بـار عـاطفی بیشتر، ابزار صعود به کمال را بیشتر از مرد دارا است: «إِنَّ المُسْلِمِینَ وَالمُسْلِماتِ وَالمُؤْمِنِینَ وَالمُؤْمِناتِ وَالقانِتِینَ وَالقانِتاتِ وَالصّادِقِینَ وَالصّادِقاتِ (۱). مؤمنون، آیات ۱۱- ۲.

(۲). مؤمنون، آیه ۵۸- ۵۷.

(۳). همان، آیه ۶۱.

(۴). انشقاق، آیه ۶.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۶۷

وَالصّـابِرِینَ وَالصّـابِراتِ وَالخاشِـعِینَ وَالخاشِـعاتِ وَالمُتَصَـدِّقِینَ وَالمُتَصَـدِّقاتِ وَالصّـائِمِینَ وَالصّائِمـاتِ وَالحـافِظِینَ فُرُوجَهُمْ وَالحافِظاتِ وَالـذّاکِرِینَ اللَّهَ کَثِیراً وَالذّاکِراتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِیماً». «۱» به یقین برای وصول به این صـفات، ابزار و مقدماتی از حیث ویژگی‌های جسمی و روحی در وجود زن و مرد نهفته شده است.

جایگاه عقل، و اندیشه در قرآن و روایات معتبر

جایگاه عقل، و اندیشه در قرآن و روایات معتبر

برای درک بهتر از عقل به بررسی مفاهیم عقل می‌پردازیم تا مصادیق آن را در قرآن و انسان پی‌جوییم.

عقل و تعقل: تشخیص و نتیجه‌گیری پس از اعمال فکر و تجزیه و تحلیل در قرآن عقل و اعمال آن تعقل نامیده می‌شود.

فکر و تفکر: قـدرت تجزیـه و تحلیـل پدیـده‌ها در انسـان نه تنهـا مـورد تأکیـد و تمجیـد قرآن قرار گرفته، بلکه از آن به عنـوان یک شگفتی یاد شده است:

«إِنَّهُ فَکَّرَ وَقَدَّرَ* فَقُتِلَ کَیْفَ قَدَّرَ». «۲» الهام: در قرآن در موارد متعدد از الهام به عنوان وسیله معرفت یاد شده است «فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَتَقْواها» الهام دریچه‌ای غیر حسی از درون انسان به واقعیتی عینی است که توسط خدا رابطه انسان و جهان را فراهم می‌آورد.

شعور: شـعور به معنی احساس و درک حقایق آشکار به نحو شهود بیشتر، با حواس ظاهری انسان مناسبت دارد و بیش‌تر، کاربرد آن در قرآن به صورت منفی دیـده می‌شود، قرآن در موارد متعدد، کسانی را که حقایق آشـکار را درک نمی‌کنند، به عنوان لایشـعرون توصـیف کرده است، بی‌گمان همه این‌ها، وسایل معرفتی و ابزارهای شـناخت حقایق هسـتند. قرآن انسان‌هایی را که از (۱). احزاب، آیه ۳۵.

(۲). مدّثر، آیه ۱۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۶۸

این مواهب و ابزارهای معرفتی بهره نمی‌گیرند نکوهش می‌کند. «۱» ماده عَقَلَ در صیغه‌های ذیل جمعاً ۴۹ بار در قرآن کریم تکرار شده است. «۲» همچنین ماده شَعَرَ به معنی «دریافت» و «حس کرد» جمعاً ۲۵ بار تکرار شده است. «۳» و نیز ماده فَکَرَ جمعاً ۱۷ بار به صورت‌های مختلف تکرار شـده است. «۴» همچنین مـاده دَبَّرَ چهـار بار در صـیغه‌های مختلف تکرار شـده است. «۵» بنابراین آیات، وجود عقل و فکر و جایگاه رفیع اندیشه و تدبیر و شـعور در انسان اعم از زن و مرد با ۹۳ بار تکرار، مسلّم بوده و در خطابهای قرآن

در برخی موارد، انسانها به خاطر عدم استفاده از این سه قوه فطری و ذاتی در انسان مورد مؤاخذه خداوند قرار می گیرند و خداوند با تکیه بر وجود این سه قوه، ۷۰ بار دستور تقوا پیشگی به انسان‌ها می‌دهند، که علاوه بر اثبات وجوب تقوا مصونیّت درونی انسانها را نیز ثابت می کند، چرا که تقوا امری است درونی و لوازم درونی نیز می‌طلبد، فکر و عقل و شعور از لوازم رعایت تقوا هستند که با تعقل و سنجش اعمال از لذّات زودگذر و فانی پرهیز کرده و به امور باقی بپردازند.

از همین روست دستور تفقّه در دین در آیه ۱۲۲ سوره توبه، که عقل و اندیشه و شعور از لوازم تفقّه و تجزیه و تحلیل هستند، همه این کلمات در دو صیغه حاضر و یا غایب به صورت جمع که زن و مرد را شامل می‌شود آمده (۱). عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۰- ۲۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات ۱۳۷۳- چاپ چهارم، ۱۳۷۹.

(۲). افلاتعقلون ۲۲ بار- لعّلکم تعقلون ۸ بار- ان کنتم تعقلون ۲ بار- لایعقلون ۱۱ بار- یعقلون ۱۰ بار- تعقلون ۱ بار- نعقل ۱ بار- یعقل ۱ بار.

(۳). لاتشعرون ۳ بار- لوتشعرون ۱ بار- مایشعرون ۶ بار- لایشعرون ۱۵ بار.

(۴). تتفکروا ۱ بار- لعلّکم تتفکرون ۲ بار- افلایَتَدّبرون ۱ بار- اولم یتفکروا ۲ بار.

(۵). افلاتیدبرون ۲ بار- لیدّبروا ۱ بار- افلم یدّبروا ۱ بار.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۶۹

است. یکی از دلایل نزول قرآن نیز این است که مردم در آیات آن تدّبر و تعقل کنند:

«کِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَیْکَ مُبارَکٌ لِیَدَّبَّرُوا آیاتِهِ وَلِیَتَذَکَّرَ أُولُوا الأَلْبابِ». «۱» «قرآن کتابی است مبارک و میمون که ما آن را بر تو نازل کردیم تا آن که (مردم اعم از زن و مرد) در آیات و نشانه‌های آن تدّبر کنند و صاحبان خرد پند گیرند».

پاداش اولواالالباب در قرآن

پاداش اولواالالباب در قرآن

«جَنّاتُ عَدْنٍ یَدْخُلُونَها وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَأَزْواجِهِمْ وَذُرِّیّاتِهِمْ وَالمَلائِکَةُ یَدْخُلُونَ عَلَیْهِمْ مِنْ کُلِّ بابٍ* سَلامٌ عَلَیْکُمْ بِماصَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدّارِ». «۲» « (خردمندان عالم عاقبت منزلگاه نیکو یافتند) که آن منزل، بهشت‌های عدن است، که در آن بهشت خود و همه پدران و زنان و فرزندان شایسته خویش داخل می‌شوند، در حالی که فرشتگان بر آنها از هر در وارد می گردند، (و می گویند) سلام بر شما باد که صبر پیشه کردید و عاقبت نیکو منزلگاهی یافتند».

در این آیات هر کس اعم از زن و مرد ویژگی‌های اولواالالباب را در خود ایجاد کند، مصداق آن قرار می گیرد.

آیا می‌توان پذیرفت مخاطب اولواالالباب فقط مردان بوده و زنان از داشتن این ویژگی‌ها ناتوان هستند؟

صاحبان خرد در قرآن

صاحبان خرد در قرآن

«أَفَمَنْ یَعْلَمُ أَ نَّما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ کَمَنْ هُوَ أَعْمی إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا (۱). ص، آیه ۲۹.

(۲). رعد، آیات ۲۴- ۲۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۷۰

الأَلْبابِ». «۱» «آیا کسانی که به یقین می‌دانند که این قرآن به حقّ از جانب خدا بر تو نازل شده است، مقام‌اش نزد حقّ با کافر نابینای جاهل یکسان است؟ تنها عاقلان متذّکر این حقیقت هستند».

قرآن ویژگی‌های «اولواالالباب» صاحبان خرد را با ۱۵ بار تکرار چنین بیان می‌دارد:

۱. وفا کردن به عهد خدا و شکستن پیمان حق.

۲. اطاعت در آنچه خدا امر به پیوند آن نموده (صله رحم و دوستی پدر و مادر ...) و خاشع درگاه خدا و ترس از سختی و بدی حساب.

۳. صبور در راه طلب رضای خدا، و بپا دارنده نماز، و انفاق کننده از آنچه نصیب شده به فقرا در پنهان و آشکار، و نیکی کردن به مردم در عوض بدی‌ها، و منزلگاه نیکو یافتن در عاقبت. «۲» ۴. فقط متذّکر شدن اولواالالباب این حقیقت را که خدا فیض حکمت و دانش را به هر که خواهد عطا کند و هرکه را به حکمت و دانش رساند، درباره او مرحمت بسیار فرموده است. «۳» ۵. فقط متذّکر شدن اولواالالباب (خردمندان) بر این معنی که آیات قرآن همه از جانب خداست. «۴» ۶. دلائلی روشن برای خردمندان عالم در خلقت آسمان و زمین، و رفت و آمد شب و روز است، خردمندانی که در هر حالت خدا را یاد کنند، و دائم در (۱). رعد، آیه ۱۹.

(۲). رعد، آیات ۲۲- ۲۰.

(۳). بقره، آیه ۲۶۹.

(۴). عمران، آیه ۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۷۱

خلقت زمین و آسمان فکر می‌کنند. «۱» ۷. فقط خردمندان عالم متذکر این حقیقت هستند که اهل علم و دانشمند با مردم جاهل نادان یکسان‌اند. «۲» ۸. کسانی که چون سخن بشنوند، بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند، که به لطف خاصّ خود هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالم هستند. «۳» آیا می‌توان پذیرفت، خداوند فقط به مردان دستور تدبیر داده است، و زنان از این امر معاف هستند؟ در این صورت زنان باید از کیفرهای اخروی نیز معاف باشند، در حالی که، طبق آیات زیادی هیچ‌کس از عذاب اخروی ایمن و معاف نیست، مگر پرهیزگاران. از جهت عدالت و حکمت الهی هم، اگر قدرت تعقّل و تدّبر در زنان ناقص بود، خداوند علیم تکلیف به مالایطاق نکرده و قید رجال را می‌افزود، تا زنان با وجود نقص ذاتی در عقل و اندیشه خود مکلّف به تکلیفی خارج از توانایی خود نشوند.

امام کاظم علیه السلام در تشخیص عاقل از غیر عاقل فرمودند:

«یا هشام ما بَعَثَ اللَّهُ انبیاءَهُ وَ رُسُلَهُ الی عِبادِهِ الَّا لِیَعْقِلُوا عَنِ اللَّهِ فَاحْسَنُهُمْ استجابةً احْسَنُهُمْ مَعْرِفةٌ و اعْلَمَهُمْ بأمرِاللَّه احْسَنَهُمْ عَقْلًا ...». «۴» «ای هشام خداوند پیامبران و رسولان خویش را مبعوث کرده تا مردمان دین او را از (فرستادگان) خدا به مدد عقل فرا گیرند، پس هرکس شناخت بهتری از دین داشته باشد (و عقل خویش را بهتر به کار برده باشد) دعوت پیامبران (۱). آل عمران، آیه ۱۹۰.

(۲). زمر، آیه ۹.

(۳). زمر، آیه ۱۹.

(۴). الحیاۀ ج ۱، ص ۱۳۵، ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۲۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۷۲

را بهتر پاسخ داده است، و هرکس از دین خدا بهتر آگاه گشته باشد از دیگران عاقل‌تر است». و خداوند درجه ایشان را در دنیا و آخرت بالا می‌برد.

فرمایش مولای متّقیان نیز، وجود نفس امّاره و عقل فطری و مصونیّت اخلاقی زن و مرد را نیز اثبات می‌نماید: «نفس امّاره بشر، براساس هوا و تمایلات ناروا خاطراتی را در خود می‌پرورد، و عقل مصلحت اندیش مانع اجراء آن خاطرات می‌شود و آدمی را از اعمال تمنّیات خود باز می‌دارد». «۱» همچنین، در کلام مولا عقل تنها وسیله و ابزار شناخت راه ضلالت از راه صراط مستقیم است

چنان که می‌فرمایند:

«در ارزش و عظمت عقل تو، همین بس که راه ضلالت و بدبختی را از صراط نجات و خوشبختی، برایت تمیز می‌دهد». «۲» حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در وصیّت خود به هشام، علت بعثت انبیاء و رسولان چنین بیان می‌فرمایند: «... یا هشام: ما بَعَثَ اللَّه انبیاء و رسله الی عباده الّا لیعقلوا عَنْ اللَّهِ، فاحسنهم استجابهٔ أحسنهم معرفهً و أعلمهم بأمراللَّه أحسنهم عَقْلًا، و اعقلهم أرفعهم درجهٔ فی الدنیا و الاخرهٔ». «۳» همچنین اباعبداللَّه علیه السلام در مبنا و پایه بودن عقل در وجود انسان می‌فرمایند:

«پایه و شخصیت انسان عقل است، و هوش و فهم و حافظه و دانش از عقل سرچشمه می گیرند، عقل انسان را کامل می کند، و رهنما و بینا کننده و کلید کار اوست و چون عقل‌اش به نور خدایی مؤید باشد، دانشمند و حافظ و متذّکر و با هوش و فهمیده باشد، و از این رو بداند چگونه و چرا و کجاست و خیرخواه و بدخواه خود را بشناسد، و چون آن را شناخت، روش زندگی و (۱). تحف العقول، ص ۹۶.

(۲). نهج البلاغه، ملافتح اللَّه، ص ۵۶۵.

(۳). تحف العقول، ص ۲۸۵ و الحیاهٔ، ج ۱، ص ۱۳۵ ترجمه فارسی، ج ۱، ص ۲۲۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۷۳

پیوست جدا شده خویش را بشناسد، و در یگانگی خدا و اعتراف به فرمان‌اش مخلص شود، و چون چنین کند از دست رفته را جبران کند و برآینده مسلّط گردد، و بداند در چه وضعی است و برای چه در اینجاست و از کجا آمده و به کجا می‌رود؟ اینها همه از تأیید عقل است». «۱» حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مسئول بودن عقل و مخاطب کیفر و پاداش اعمال زن و مرد چنین می‌فرمایند:

«چون خدا عقل را آفرید، از او باز پرسی کرده به او گفت: پیش آی، پیش آمد، گفت: بازگرد، بازگشت، فرمود به عزّت و جلالم سوگند، مخلوقی که از تو پیش من محبوب‌تر باشد نیافریدم، و تو را تنها به کسانی که دوست‌شان دارم به طور کامل دادم، همانا امر و نهی و کیفر و پاداش‌ام متوجه تو است.

(کیفر و پاداش مردم در روز جزا به میزان عقل آنهاست)». «۲» همچنین اباعبداللَّه علیه السلام در حجّت بودن عقل می‌فرمایند:

«حجّت خدا بر بندگان، پیغمبر است و حجّت میان بزرگان و خدا، عقل است». «۳» و نیز در میزان سنجش اعمال از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است که «خدا در روز قیامت نسبت به حساب بندگان‌اش به اندازه عقلی که در دنیا به آنها داده، باریک بینی می کند».

با تأملی بر احکام شرعی، در می‌یابیم که عقل محور و اساس تعلّق احکام شرعی به موضوعات و مکلّف است، چنان که حرمت شراب به جهت زوال عقل که ایجاد مفسده می کند؛ وضع شده است، تا لحظه‌ای زوال عقل بر انسان غالب نشود، (۱). اصول کافی، ج ۱، کتاب العقل و الجهل، ص ۲۵.

(۲). اصول کافی، ج ۱، کتاب العقل و الجهل، ص ۱۰.

(۳). همان، ص ۱۲- ۱۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۷۴

چگونه ممکن است خداوند هر آنچه که عقل را زایل می کند، بر انسان حرام کند، ولی خود، زن را، ناقص العقل خلق نماید! همچنین چگونه ممکن است خداوند حکیم به انسان دستور عدل و احسان فرماید، که عدل و عقل دو معیار اساسی در فهم دین هستند، امّا خود، زن را که یکی از دو جلوه بشر است، از این موهبت الهی برای انجام فرمان خالق خود محروم نماید؟!! آیا فهم ما از خدا و خلقت و حکمت او ناقص است یا عقل زن؟!!

حقوق و تکالیف زوجین در اسلام

حقوق و تکالیف زوجین در اسلام

مفهوم حقّ و تکلیف

مفهوم حقّ و تکلیف

در دائره هستی هر موجود ذی شعوری، دارای حقّ و تکلیفی از جانب خالق حکیم هست. هرکسی که دارای حقّی است، فردی دیگر در رابطه با او دارای تکلیفی است که متضمّن ادای حقّ وی می‌باشد. حقّ و تکلیف دو طرف یک چیز واحد هستند، ناچار مساوی و برابر خواهند بود، در جایی که حقّی برای فرد قرار داده شده است، جایی دیگر تکلیفی بر علیه او قرار داده‌اند که، تناسب مکلّف و تکلیف و حقّ و محقّ از ویژگی حقّ و تکلیف است، هرچند ظاهری متفاوت برخود گرفته است. فرد در جایی حقّ دارد و جایی دیگر تکلیف، جمع بین این دو عدالت را محقق می‌سازد، از سویی حقّ و تکلیف با هم متعادل بوده و با هم برابر می‌باشد، این چنین نیست که در جایی حقوقی بیشتر و جایی دیگر از تکلیفی بیشتر برخوردار شود. اگر حقّ و تکلیف در جایی با هم برابر نبوده و تعادل نداشته باشد، قطعاً ما در میزان و یا مقصود حقّ و تکلیف اشتباه کرده‌ایم. به لحاظ این که هرکجا حقّ پیدا شود، بلافاصله تکلیفی هم حاصل می‌شود و هرکجا تکلیفی ظاهر گردید، حقّی هم موجود خواهد شد. چنان که خداوند حکیم بر خود نیز حقّ و تکلیفی قرار داده است.

حقّ خداوند، عبادت و اطاعت بندگان از اوست، و تکلیفی بر خود در پاداش و استجابت دعا و ... قرار داده است. بنابراین، فرض حقّ بدون تکلیف، و تکلیف

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۷۶

بدون حقّ قابل تصور نیست. چنانکه مولای متّقیان در توصیف حقّ و تکلیف می‌فرمایند:

«فالحقّ اوسع الاشیاء فی التّواصف واضیقُها فی التناصف لایجری لاحدالّا جری علیه، و لایجری علیه الّا جری له «۱»». پس حقّ گسترده‌تر از آن است که وصفاش کنند، ولی به هنگام عمل، تنگنایی بی‌مانند دارد. اگر حقّ به سود کسی اجرا شود ناگزیر به زیان او نیز روزی به کار می‌رود، و چون به زیان کسی اجراء شود، روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت.

آیا حقّ و تکلیف الزامی است؟

آیا حقّ و تکلیف الزامی است؟

حال ببینیم حقّ و تکلیف اموری الزام آور هستند یا نه؟ حقّ و تکلیف رابطه مستقیم در وجوب دارد، زمانی که صاحب حقّ، حقّ خود را طالب است، ادای تکلیف الزامی است و در صورت عدم انجام تکلیف، ظلم و ظالم تحقق پیدا می‌کند. ولی زمانی که محقّ از حقّ خود، چشم‌پوشی کند، تکلیف از ذمّه مکلّف ساقط است. بنابراین در تعلّق تکلیف باید نظر محّق لحاظ گردد.

در دین اسلام حقوق و تکالیفی بر مسلمانان فرض شده است که، حدود الهی را ترسیم می‌نمایند و مسلمانان ملزم به رعایت حدود الهی شده‌اند، به طوری که در آیه ۲۲۹ سوره بقره، تعدی کنندگان از حدود خدا ظالم و ستمکار نامیده شده‌اند «وَمَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولئِکَ هُمُ الظّالِمُونَ» همچنین تعدّی از حدود خدا، ظلم به خود تعبیر شده است: «وَمَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» «۲»

آیه‌ای دیگر عذاب اخروی را در تعدّی از حدود خدا عنوان می‌نماید:

«مَنْ یَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَیَتَعَدَّ حُدُودَهُ یُدْخِلْهُ ناراً خالِداً فِیها». «۳»

(۱) . نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، ترجمه محمد دشتی.

(۲). طلاق، آیه ۱.

(۳). نساء، آیه ۱۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۷۷

بنابراین، هرکس وظایف خود را انجام نداده، و از حدود الهی خارج شود، مصداق ظالمین خواهد بود.

علیرغم این که شارع مقدس اسلام، تکالیفی را بر اعضای خانواده معین نموده است، امّا این تکالیف به طور مکتوب در متون مذهبی و مواد قانونی «۱» در بعد خانواده، به دور از سلیقه‌ها و باورهای شخصی و عرفی دقیق و روشن نمی‌باشد، یکی از این تکالیف، تکالیف و حقوق متقابل زن و شوهر همچنان که به تفصیل در بخش سیمای زن در متون و کتب مذهبی آمده است. علاوه بر این، موضوعاتی از جمله نشوز مرد در شرع مشخص است، ولی در قانون مدنی مسکوت مانده است، از این رو حقوق زنان پایمال می گردد. زن در هنگام نشوز مرد، تنها در ادای نفقه تا حدودی می‌تواند اعاده حقّ نماید، «۲» ولی در موارد دیگر از جمله حقّ آمیزش و همخوابگی قانون ساکت بوده و در مجامع قانونی، به تحمل و مدارا دعوت شده است، و نیز مصادیق «وَعاشِرُوهُنَّ بِالمَعْرُوفِ» به طور دقیق و واضح در قانون مدنی معین نگردیده، و اکثر مردان از این وظیفه مهم آگاهی ندارند، لذا برخورد شایسته تنها از زن درخواست می گردد.

حقوق و تکالیف منظور در اسلام برای زن و شوهر، توسط مسلمانان، چنان جابه‌جا و دگرگون و تحریف شده است که کنکاشی وسیع و عمیق در قرآن و احادیث معتبر لازم است، تا حقوق زن در اسلام و حقوق و وظایف (۱). صدیق اورعی، غلامرضا، تمکین بانو- ریاست شوهر، ص ۱۸، چاپ اول، ۱۳۸۰، شورای‌فرهنگی- اجتماعی زنان.

(۲). قانون ضمانت اجرایی ندارد، بیشتر زن‌ها برای طلاق گرفتن از مهریّه و حقّ نفقه می‌گذرند و درموارد مطالبه نفقه، قانون تنها به زندان کردن شوهر می‌تواند اقدام نماید، و پولی به زن نمی‌رسد، بیشتر مردان به عناوین مختلف از جمله تنگدستی و اقساط ماهانه که توأم با بازداشت است از پرداخت نفقه شانه خالی می کنند.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۷۸

زن و شوهر در خانواده به طور کامل و دقیق به دور از پیرایه‌های سنّتی، مشخص گردد. در حالی که بیگانگان حقوق منظور در اسلام را بهتر از مسلمانان دریافته‌اند، به طوری که فیلسوف آلمانی لایبنس «۱» درباره حقوق زن در ازدواج می گوید: «اسلام در امر زناشویی، زیاده از حد حقوق زن را رعایت کرده، و همه گونه تکلیفی را برای مراعات حقّ او به مرد تحمیل کرده است». «۲» واقعیت نیز چنین است، اگر قرار بر حقّ خواهی و تظلم باشد، آن که باید اعتراض نماید، مردان هستند نه زنان، چرا که اسلام به تمامی نکات ریز و درشت مطرح در خانواده، توجه تامّ و کاملی نموده است، و ضمانت‌های شرعی موجود است، ولی به لحاظ وارونه شدن حقوق و تکالیف زن و شوهر در طول قرون متمادی در اثر مردسالاری حاکم، همواره زنان بوده‌اند که برعدم رعایت حقوق خود معترض بوده، و در جایگاه خود قرار نگرفته‌اند، به طوری که پس از هزار و چهار صد و اندی سال از ظهور اسلام، سخن گفتن از این که زن در قبال شوهر، هیچگونه تکلیف و وظیفه‌ای در انجام کار منزل و نگهداری وتر و خشك کردن فرزندان ندارد، و این که مهریه زن حقّ و نقد است. و برذّمه مرد، نه نسیه و تشریفاتی وامری فراموش شده در طول زندگی، باید هنگام عقد پرداخت گردد، و نیز این که زن مخلوقی همسان مرد و یکسان در ذات آفرینش و در فکر و اندیشه و کسب درآمد و انتخاب همسر و شغل و ... همانند مرد مستقل است و ... دیدگاهی جدید می‌نماید.

آیا انتظار مردان از زنان با قرن حاضر مطابقت دارد؟

آیا انتظار مردان از زنان با قرن حاضر مطابقت دارد؟

آنچه در جوامع کنونی، مشکلات را دو چندان و تا حدّی لاینحل نموده است، این که باور و بینش و انتظار مردان از زنان در منزل همان انتظارات و (۱). ۱..

(۲). انصاف‌پور، غلامرضا، قدرت و مقام زن در ادوار تاریخ، چاپ ۱۳۴۶، ص ۴۰۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۷۹

باورهای صد سال پیش بوده، و میل به تحکّم و اعمال قدرت وجود دارد، ولی انتظار مردان از زنان در جامعه، از سر تجدد خواهی و توانمند در سازندگی و ترقی و پیشرفت در امور کشور است، از یک سو از زن انتظار می‌رود در منزل موجودی مطیع تمامی خواسته‌های شوهر اعم از صحیح و ناصحیح، شرعی و غیر شرعی باشد، و فکر و اندیشه، از آن مرد، و اجرای اوامر، از آن زن، باشد، از سویی دیگر در جامعه، چنین زنی جایگاهی نداشته، بلکه، در جامعه، زنی پایگاه و جایگاه اجتماعی برای خود پیدا می‌کند، که اندیشمند و عاقل، و توانمند در عرصه علم و دانش و مدیریت و ... باشد.

با هم آمیختگی این دو انتظار، و نگرش متضاد در نقش زن، در عصر کنونی، موجبات خستگی روحی و احساس بی‌عدالتی مضاعف و تنش‌های روانی زن را موجب شده است. زنان باید در منزل خود را فراموش کرده، و وقف شوهر و فرزندان نمایند، ولی در جامعه، خود را دریافته و در طریق معرفت و خودشناسی قدم برداشته، و به خداشناسی و سیرالی اللّه مشغول گشته، و از این طریق به کمال قرب الهی و شایستگی مقام خلیفهٔ الهی نائل گردند. این دو نقش متضاد امکان ایفای نقش زن به‌عنوان یک موجود مستقل و مختار و مکلّف را کاهش داده و دچار تضاد درونی می‌نماید. سنّت و عرف و شریعت، چنان به هم درآمیخته‌اند، که تفکیک آنها بر آحاد مردم میسر نیست. آنها همان را که انجام می‌گیرد و در فرهنگ عمومی پذیرفته شده و در کتب و منابر گفته می‌شود صحیح انگاشته، و سنّت و شریعت می‌دانند، آنگاه که خلاف این گفته‌ها و نوشته‌ها، در پژوهش‌های علمی اثبات گردد، چوب تکفیر و بی‌دینی و گاه اهانت و ... بالا می‌رود. در حالی که، وظیفه مسلمانان، تفقّه در دین است، طبق دستور آیه شریفه، در سوره توبه دستور «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» «۱»

، به یک زمان و مکان محدود نمی‌شود، بلکه هر (۱). توبه، آیه ۱۲۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۸۰

مسلمان صاحب علمی اعم از زن و مرد را، در هر زمان و مکان شامل می‌شود، تا با تحقیق و بررسی در دین، و بیان احکام خدا بر مردم در هر عصر، فاصله بین رفتار و گفتار و تعالیم اسلام را کمتر نماید.

حال ما به تأسی از این آیه شریفه، حقوق زن و شوهر را بیان می‌کنیم، باشد که اوامر و دستورات خدا را نصب العین خود قرار داده، و تنها از خدا و از سنّت قطعی و معتبر پیامبر و ائمه علیهم السلام پیروی نماییم و هوای نفس را وانهیم، و با وجود دستورات صریح و یقینی در قرآن سنّت پیامبر و ائمه علیهم السلام از پیش خود قانونی به اسلام نسبت ندهیم که بدعت گزاران و کج اندیشان بد عاقبتی دارند.

حقوق متقابل زن و شوهر

۱. حقّ انتخاب همسر

۱. حقّ انتخاب همسر

زن و مرد، هر دو حقّ دارند، خود، به طور مستقل و بدون اعمال نظر دیگران، حتّی والدین، همسر دلخواه خود را انتخاب کنند، چرا

که علاقه و خواست‌ها و انتظارات دو طرف است که مایه تفاهم و صمیمّیت است؛ بنابراین، رضایت قلبی زوجین در هنگام عقد شرط صحّت صیغه و خطبه عقد است. هیچ کس حقّ ندارد، فردی را به اجبار به عقد دیگری در آورد.

اسلام علاوه بر قراردادن ضمانت اجرایی رضایت قلبی، حتّی پدر را نیز که در ازدواج دختر دارای ولایت است، از عقد بدون رضایت دختر منع نموده و چنین عقدی را باطل اعلام نموده است، چرا که در زندگی زناشویی اوّلین و مؤثرترین عامل، علاقه و محبّت است که با اجبار و الزام ایجاد نمی‌گردد. در سایه محبّت و صمیمّیت است که بسیاری از اختلافات فرصت بروز هم پیدا نمی‌کنند.

این استقلال به حدّی است که در صورتی که دختر بخواهد با مرد دلخواه

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۸۱

خود ازدواج کند و پدر مانع شود، حاکم شرع خود، پس از بررسی صلاحیّت مرد، اقدام به تزویج کرده و اجازه پدر را ساقط می‌نماید. نظر آیت اللّه سید محمدحسین فضل اللّه درباره ولایت پدر بر دختر چنین است: وقتی دختر به سنّ بلوغ و رشد رسید، پدر هیچ‌گونه ولایتی بر او ندارد، امّا در امر ازدواج دختر، صرفاً «احتیاط» است وگرنه در سایر جنبه‌ها اساساً ولایتی بر دختر نیست. اگر هم فرض کنیم که ولایت پدر در تعلیم و تصرّف مال او، تنها به هنگام انحراف اوست، دیگر مسأله از پدری و دختری خارج شده، صورت امر به معروف و نهی از منکر به خود می‌گیرد که هر مؤمنی در قبال انسان مؤمن دیگر، وظیفه دارد. در این صورت، پدر هیچ‌گونه ولایتی- نه قبل از ازدواج و نه بعد از آن- بر دختر خود ندارد. «۱» بنابراین ولایت پدر تا سن بلوغ و ازدواج دختر بوده، و پس از آن هیچگونه ولایتی بر فرزند ندارد، لذا پدر در انتخاب همسر و شغل و عقیده ... فرزند صاحب اختیار نمی‌باشد. آنچه در انتخاب همسر دارای اولویت است این که هر دو طرف از قدرت ایمان و تعهد عملی در انجام وظایف شرعی برخوردار بوده و از تربیت صحیحی برخوردار باشند. چرا که شخصیّت افراد به راحتی قابل تغییر نبوده و با بالا رفتن سن غیر ممکن می‌گردد. لذا در انتخاب همسر برای رسیدن به تفاهم و تربیت فرزندانی سالم و با ایمان نباید به تربیت بعد از ازدواج تکیه کرد.

تغییرات دیدگاهها و روش‌ها پس از ازدواج اندك است.

تأملی در آیه «نِساؤُکُمْ حَرْثٌ لَکُمْ» «۲»

زنان شما کشتزار شمایند، در انتخاب همسر ما را به توجه در سال‌های اوّلیه زندگی همسر مورد نظر وا می‌دارد. در (۱). آیت اللّه فضل اللّه، سیّدمحمد حسین، دریچه‌ای به دنیای جوانان، ترجمه: عبدالهادی فقهی‌زاده، ص ۱۸۹- ۱۸۸، نشر دادگستر.

(۲). بقره، آیه ۲۲۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۸۲

کنکاشی از فرزندان نوح، اهمیت این آیه را بیشتر در می‌یابیم.

عموره مادر سام بن نوح، یکی از جدّات سیّد الانبیاء صلی الله علیه و آله می‌باشد. وی اوّلین زنی است که به نوح ایمان آورد. در جلد پنجم بحارالانوار روایت شده است که نوح در روز پنجم محرّم به سوی قوم خود رفت، به صدای بلند از مردم خواست، تا به لااله الّا اللّه شهادت داده و پیامبران قبل و بعد از خود را برشمرد. پس از ندای نوح، کوهها بلرزید و آتشکده‌ها خاموش شدند، و این ندا به گوش دختری به نام عموره رسید و به او ایمان آورد. پدرش او را زجر کرده گفت می‌ترسم پادشاه از حال تو مطلّع شود و تو را بکشد. عموره گفت:

عقل و دانش تو کجاست؟ مگر نمی‌بینی یک مرد ضعیف با یک ندا شما را هراسان گردانید. اگر از جانب خدا مأمور نبود هرگز جرأت نمی‌کرد چنین صدایی در میان شما بلند کند.

پدرش او را یک سال حبس کرد و طعام نداد. بعد از یکسال که از زندان بیرون آوردند نور عظیمی در او مشاهده شد و حال‌اش را

بسیار نیکو یافتند.

علت را پرسیدند گفت: من به پروردگار نوح استغاثه کردم، و حضرت نوح طعام را به اعجاز برای من به زندان می‌آورد. سپس نوح او را تزویج کرد و سام که خلیفه نوح شد، از او متولد گردید. در صورتی که همسر دیگر نوح (واعظه) در غل و زنجیر تفکرات حاکم بر جامعه اسیر بود، و کفر وی باعث شد تا فرزندش کنعان نیز به صورت کافری معارض با نوح تربیت شود، ولی از دامان پاک عموره فرزندی صالح و شایسته چون سام بن نوح به ثمر رسید.

در صورتی که پدر کنعان و سام، نوح بود، امّا تربیت مادر در وجود فرزند آن چنان اثر گذارد، که نطفه پیامبری را نیز تحت الشعاع قرار داد. اینجاست که به اعجاز قرآن پی می‌بریم که فرمود: «نِساؤُکُمْ حَرْثٌ لَکُمْ» بنابراین، بذر هرچه نیکو باشد در زمین شوره زار یا علف‌زار به برنخواهد نشست. تربیت صحیح مادران والا مقام پیامبران، استعداد کمال را در وجود پیامبران به فعلیّت

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۸۳

درآورده است، و مقایسه عموره با واعظه و فرزندان‌شان دقیقاً بیانگر این مهم می‌باشد». «۱»

۲. حقوق متقابل در رفتار

۲. حقوق متقابل در رفتار

حدیثی از مولای متّقیان درباره رفتار ایشان و حضرت زهرا علیها السلام با یکدیگر، به طور کامل در بحارالانوار نقل شده است، امّا در اکثر کتب مذهبی و منابر و سخنرانی‌ها در تعلیم شوهرداری به زنان، فقط رفتار حضرت زهرا علیها السلام را با حضرت علی علیه السلام نوشته و حدیث به طور ناقص بیان می‌شود. در حالی که خود مولای متّقیان ابتدا رفتار خود را بیان داشته‌اند. فرمایش علی علیه السلام درباره حضرت زهرا علیها السلام چنین است: «سوگند به خدا، من هرگز زهرا را به خشم نیاوردم؛ و او را به کاری مجبور نساختم، تا این که مرا در فراق‌اش گرفتار ساخت و متقابلًا او نیز مرا خشمگین نساخت و هیچ وقت نافرمانی نکرد، و هرگاه من با او دیدار می‌کردم غم‌ها و غصه‌هایم از دلم برطرف می‌شد». «۲» آیا مردان به تأسی از حضرت علی علیه السلام هرگز همسر خود را به خشم نیاورده‌اند؟ آیا هرگز او را به کاری مجبور نساخته‌اند؟!!! تا انتظار رفتار زهرا گونه داشته باشند؟ از آنجا که بیشتر تبلیغات اسلامی توسط مردان صورت می گیرد، در تعلیم آداب همسرداری نیز، تمام توجّهات به شوهر داری است نه زن داری، گویی همه مردان علی گونه‌اند و تنها وظیفه، این است که، زنان را زهرا گونه گردانیم!!

پیامبر گرامی اسلام در خطبه وداع در حقوق متقابل زن و شوهر در وجوب تمکین زن و وجوب نفقه بر مرد و ... فرمودند: (۱). ترجمه المیزان، ج ۱۰، ص ۳۰۹- ۳۰۷، المیزان، ج ۵ ذیل آیه ۲۲۳، بقره.

(۲). بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۸۴

«یا ایُّها الناس، انَّ لِنسائِکُمْ عَلَیْکُمْ حَقّاً وَلَکُمْ عَلَیْهِنَّ حَقّاً، حَقُّکُمْ عَلَیْهِنَّ أنْ لایوطِئنَ احداً فَرْشِکُمْ، وَلایُدْ خِلْنَ احداً تَکْرِهوُنَه بُیوتَکُمْ الّا بِاذنِکُمْ وَ الّا یاتینَ بِفاحِشَةٍ، فَانْ فَعَلْنَ فَانَّ اللّهَ قَدْاذِنَ لَکُمْ أنْ تَعْضِلُوهُنَّ وَ تَهْجِرُوُهَنَّ فِی الْمَضاجعِ وَ تَضْرِبُوهُنَّ ضَرْباً غَیْرَ مُبَرِّحٍ «۱»، فَاذا انْقَهَیْنَ وَ اطعْنَکُمْ فَعَلَیْکُمْ رِزْقُهُنَّ وَ کِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْروف، أخَذْتُموهُنَّ بِأمانَةِ اللّهِ وَ اسْتَحْلَلْتُمْ فُروُجَهنَّ بِکتابِ اللّهِ، فَاتَقّوُاللّهَ فِی النِساءِ واسْتَوْصُوابِهِنَّ خَیْراً». «۲» آزار و اذیّت متقابل زن و شوهر و عواقب آن در اعمال شرعی

آزار و اذیت متقابل زن و شوهر و عواقب آن در اعمال شرعی در کلام خاتم النبیّن عن النبی صلی الله علیه و آله قالَ: مَنْ کانَ لَهُ امْرَأةٌ تُوذیه لَمْ یُقْبَلْ اللّه صَلاتَها ولاحَسَنَةً مِنْ عَمَلِها حَتّی تَرْضیه وَ انْ صامَتْ الدَهْرَ وَ قامَتْ وَ اعْتَقَتْ الرِقابِ وَ انْفَقَتْ الا صْوالَ فی سَبیلِ اللّه وَ کَانَتْ أوَّلُ مَنْ تُرَدُّ النّارَ ثَمَّ قالَ رَسُولُ اللّهِ صَلّی عَلَیْه وَ آلِه وَ عَلَی الرَجُلِ مِثْلُ ذلِکَ الْوِزرُ وَ العذاب اذا کانَ موُذیاً ظالماً وَ

مَنْ صَبَرَ عَلی سُوءِ خُلْقِ امْرأَتَهُ وَ احْتَسَبَهُ أعْطاهُ اللّه لَهُ بِکلِّ مَرّةٍ یَصْبِرُ عَلْیها مِنْ الثّوابِ مِثْلُ ما اعْطِی ایّوبَ عَلی بَلائِه وَ کانَ عَلَیْها مِنْ الْوِزْ رِفی کُلِّ یَوْم وَلَیْلَةٍ مِثْلُ رَمْلِ عالج فَانْ ماتَتْ قَبْلَ أن تعقبه وَقَبْلَ أنْ یُرْضی عَنْها حَشَرتْ یَوْم القیامةُ مَنْکُوسَةُ مَعَ المُنافِقینَ فی الدَّرَکِ الاسْفَلِ مِنَ النّار وَ مَنْ کانَتْ لَهُ امْرَأةٌ وَ لَمْ تُوافِقْهُ وَ لَمْ یَصْبِرْ عَلی مارَزَقَهُ اللّهُ وَ شَقَّتْ عَلَیْهِ وَ حَمَّلَتْهُ مالَمْ یَقْدِرْ عَلَیْه لَمْ یُقْبل اللّهُ لَها حَسَنَةً تَتَقی بهاالنّار وَ غَضَبَ اللّهُ عَلَیها ما دامتْ کذلِکَ». «۳» همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در حقوق متقابل زن و شوهر فرمودند:

کسی که زنی دارد که او را اذیّت می‌کند، خداوند نماز و حسنه‌ای از عمل زن را قبول نمی‌کند، تا این که او را راضی کند، و اگر همیشه روزه بگیرد و نماز (۱). بمعنی الغضب.

(۲). تحف العقول، ص ۳۰ و نیز تابالمعروف وسائل الشیعه، ج ۱۵ (ج ۷ جزء ۲) ح ۲، ص ۲۳۰.

(۳). وسایل الشیعه، ج ۱۴ (ج ۷) کتاب النکاح ابواب مقدماته و آداب باب ۸۲، ح ۱، ص ۱۱۶.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۸۵

بخواند و برده‌هایی آزاد کند و اموال خود را در راه خدا انفاق نماید، اولین کسی است که وارد آتش می‌شود، سپس فرمود: بر مرد هم چنین عذابی هست زمانی که زن خود را اذیّت کند، ظالم است، و کسی که بر بد خلقی زنش صبر کند، خداوند بر هر صبر وی بر بد خلقی همسر ثوابی عطا می‌کند که مثل ثوابی که بر ایّوب در مصیبت‌اش عطاء نمود. «۱» با تأمل در مفهوم و مصداق احادیث مذکور، هرگونه مردسالاری و یا زن سالاری در دائره زوجیّت در اسلام منع شده است.

همسرداری اسوه زنان عالم زهرای مرضیه ایثار در نفقه

«روزی امیرالمؤمنین علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام طعام خواست، آن حضرت جواب داد: در نزد من چیزی نیست، جز آن که دو روز پیش آن را به تو خوراندم و من آن را برای خود و حسن و حسین نگه داشته بودم. علی علیه السلام فرمودند: چرا در طول دو روز مرا مطلّع نکردی تا برایتان چیزی تهیه کنم فاطمه علیها السلام گفت: من از خدایم شرم کردم تو را به کاری بگمارم که قدرت تهیه و خرید آن را نداری». «۲» جهاد مرد

«الْکادُّ عَلیَ عِیالِه کَلْمُجاهِد فِی سبیل اللّهِ» «۳»

«کسی که برای تأمین مخارج خانواده تلاش می‌کند مانند کسی است که در راه خدا پیکار می‌کند».

حقّ همسر در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام:

«وَامَّا حَقُّ رعّیتک بملکِ النّکاح، فانْ تَعَلَمَ انَّ اللّهَ جَعَلَها سکناً وَ مُستراحاً وَ انْساً و واقیه و کَذلِکَ کلُّ واحدٍ مِنْکُلما یَجِبُ انْ یحمِدَ اللّه عَلی صاحِبه وَ یَعْلَمَ انّ ذلک (۱). تحف العقول، ص ۳۰ و نیز تا بالمعروف، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ح ۲، ص ۲۳۰.

(۲). بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۳۰ و ج ۴۳، ص ۳۱، باب مناقبها و فضائلها و بعض اموالها علیه السلام و ص ۵۹، ح ۳۸ و ح ۵۱.

(۳). اصول کافی، ج ۵، ص ۸۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۸۶

نِعْمَةُ عَلَیْه، و وَجَبَ أنْ یَحْسُنَ صُحْبَةَ نِعْمَةَ اللّه وَیُکرِ مَها و یُرْفِقَ بها، وَ انْ کانَ حقُّک عَلَیْها اغْلظ و طاعَتِکَ بِها الزم فی ما احْبَبْتَ وَ کَرِهتَ مالم تکُنْ مَعْصِیَةً. فانَّ لَها حَقّ الرّحمة و المؤانِسة وَ مَوْضِعَ السُکونِ الَیْها قَضاءُ اللّذّهِ الّتی لابُد مِنْ قَضائها وَ ذلِکَ عَظیمٌ و لاقوةَ الّا باللّهِ».

«و امّا حقّ زیر دست زناشویی تو که عبارت باشد از همسرت، آن است که بدانی خداوند او را وسیله آسایش و آرامش و انیس و مونس و نگهدارنده تو از انحرافات قرار داده است و باید هر کدام از شما زن و شوهر- به خاطر یکدیگر خدا را ستایش کند و بداند که هر کدام برای یکدیگر نعمتی از طرف خداوند می‌باشد و باید با این نعمت خداوندی خوش رفتاری نماید و آن را گرامی داشته

و مـدارا کنـد، هرچند که حقّ تو بر همسـرت دشوارتر و اطاعت او از تو در تمام کارهایی که تو از او بخواهی و نخواهی لازم است، البته تا زمانی که خواسته تو نافرمانی خداونـد نباشـد، او باید از تو اطلاعت نماید. در عین حال و با وجود این مطلب، همسر تو حقّ مهربانی و همدمی و جایگاه آرامش دارد و برآوردن لذّتی که تو ناگزیر از برآوردن آن هستی و آن حقّ بسیار بزرگی است و هیچ نیرویی نیست جز برای خداوند».

۳. حقوق یکسان زن و شوهر در حل و فصل اختلاف

۳. حقوق یکسان زن و شوهر در حل و فصل اختلاف

«وَإنْ خِفْتُمْ شِقاقَ بَیْنِهِما فَابْعَثُوا حَکَماً مِنْ أَهْلِهِ وَحَکَماً مِنْ أَهْلِها إنْ یُرِیدا إصْلاحاً یُوَفِّقِ اللَّهُ بَیْنَهُما».

«چنانچه بیم آن داریـد که نزاع و اختلاف سـخت بین آنها (زن و شوهر) بوجود آیـد، از طرف فامیل مرد و فامیل زن داوری انتخاب کنید که اگر مقصود اصـلاح داشته باشند، خدا ایشان را بر آن موفقیّت بخشد». «۱» بنابراین آیه، طرفداری یک جانبه از زن یا شوهر مردود و قضاوتی عادلانه (۱). نساء، آیه ۳۵.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۸۷

خواسته شده است. داوری در قرآن توأم با عدالت مطرح شده است: «وَ إِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النّاسِ أنْ تَحْکُمُوا بِالعَدْلِ». «۱»

«و چون بین مردم داور و حَکَم شدید، به عدالت داوری کنید».

۴. حقّ داشتن فرزند

۴. حقّ داشتن فرزند

زن و شوهر حقّ ندارند یکدیگر را به عمد، از داشتن فرزند محروم سازند.

حقّ شوهر بر زن

۱. حقّ اطاعت و تمکین خاص و آراستگی

۱. حقّ اطاعت و تمکین خاص و آراستگی

«وَاللّاتِی تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِی المَضاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ» «۲»

«زنانی که از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکیـد، یا در ابتـدا آنان را موعظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنها دوری گزینید، باز مطیع نشدند، آنها را به زدن تنبیه کنید».

۱. حقّ تمکین و آراسـتگی و خروج از منزل: عَنْ أبی عَبْدِاللَّه علیه السلام قالَ: «جاءَتْ امْرَأةٌ الی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقالَتْ یـا رَسُولَ اللَّهِ مـا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَیَ الْمَرأةِ؟ فَقـالَ: اکْثَرُ مِنْ ذلِـکَ، قـالَتْ: خَبِّرْنی فی عَنْ شَـیءٍ مِنْهُ، قـالَ: لَیْسَ لَها أنْ لَقُومُ الّا باذِنه یَعْنی تَطوُّعـاً وَ لاـتَخْرُجُ مِنْ بَیْتِهـا بِغَیْرِ بـاذْنِه وَ عَلَیْها أنْ تَتَطیَبَ بِأطْیَبِ طِیبِها وَ تَلْبِسُ أحْسَنَ ثِیابَها وَ تَزّیَنَ بِأحْسَنَ زِینَتَها وَ تَعَرَّضَ نَفْسَـها عَلَیْهُ غدْوَةً وَ عَشِیّةً وَ أکْثَرُ مِنْ ذلِکَ حُقُوقِه عَلَیها». «۳» ابی عبداللَّه علیه السـلام فرمود: زنی پیش پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول اللَّه حقّ (۱). نساء، آیه ۵۸.

(۲). نساء، آیه ۳۴.

(۳). وسایل الشیعه، ج ۱۵، (ج ۷) باب ۷۹، ح ۲، ص ۱۱۲ و نیز فروع الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸ ح ۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۸۸

شوهر بر زن چیست؟ پس فرمود: بیشتر است. زن گفت برخی از آن را به من خبر بده. فرمود: برای زن جایز نیست این که روزه مستحب بگیرد مگر با اجازه شوهر و از منزل‌اش خارج نشود مگر با اجازه او، و بر زن واجب است این که خود را خوشبو کند و لباس‌های نیکو بپوشد و خود را به بهترین زینت‌ها آراسته کند و شب و روز خود را بر شوهر عرضه کند و حقوق شوهر بر زن بیشتر از آن است.

۲. جاءَتْ امْرأَةٌ الی النَّبی صلی الله علیه و آله فَقالَتْ: یا رَسُول اللّهِ صلی الله علیه و آله ما حقّ الزَّوْجِ عَلَی الْمَرْأَةِ؟ فَقالَ لَها انْ تُطیعهُ وَ لاتُعیصُهُ وَ لایُصدّقُ مِنْ بَیْتِه الَّا باذْنِه وَ انْ خَرَجَتْ بِغَیْرِ اذْنِه لَعَنَتْها مَلائکةُ السَّماءِ وَ مَلائِکةُ الارْضِ و مَلائِکةُ الْغَضَبِ وَ ملائِکةِ الرَّحمَةِ حتَّی تَرْجِعَ الی بَیْتِها». «۱» زنی پیش پیامبر آمد و گفت یا رسول اللّه حقّ شوهر بر زن چیست؟ پس فرمود این که او را اطاعت کند و بر او عصیان نکند و از منزل او صدقه ندهد مگر با اجازه او، و روزه مستحب نگیرد مگر با اجازه او و مانع بهره‌گیری او از خود نشود، حتّی اگر بر پشت شتری باشد، و از منزل‌اش خارج نشود، مگر با اجازه او، و اگر بدون اجازه شوهر خارج شد، ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را لعنت می‌کنند تا این که به منزل‌اش برگردد.

آمدن جمله فانْ اطَعْنَکم فَلا تَبْغَوا عَلَیهِنَّ سَبیلًا پس از فَعِظو هُنَّ وَ اهْجُرو هُنَّ فِی المضاجع گویای میزان و مصداق اطاعت زن از شوهر می‌باشد. زن فقط در امور جنسی باید از شوهر اطاعت صددرصد نماید ولی در سایر امور زندگی الزام به اطاعت نیست.

در این جمله، زدن نیز فقط در مخالفت با تمتع شوهر جایز شده است آن هم زدنی که آزار جسمی به زن نرساند. از نظر روان‌شناختی به لحاظ این که (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۴ (ج ۷) کتاب النکاح، باب ۷۹، ح ۱، ص ۱۱۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۸۹

علاقه مرد به زن اهمیت دارد و این گونه نشان دادن کراهت و ناراحتی شوهر در اطاعت زن کار ساز است.

علاوه بر این، مفهوم زدن، از آیه‌ای دیگر به دست می‌آید که خداوند به ایوّب پس از قسم خود مبنی بر زدن همسرش فرمود: «وَخُذ بِیَدِکَ ضِغْثاً فَاضْرِبْ بِهِ وَلا تَحْنَثْ» «۱»

ای ایّوب به دست خود مشتی علف بگیر، و با آن بزن تا سوگند خود را باطل نکرده باشی».

در سفارش پیامبر گرامی اسلام به شوهران نیز همین میزان در زدن استفاده می‌شود و بیش از این مجاز نشده است. چنانکه پیامبر فرمود:

لاتَضرِبوا اماءَ اللّه کنیزان خدا را نزنید. عمر نزد او آمد و گفت: زنان را بر ما چیره ساختی، پیغمبر فرمود: بزنید. زنان بسیاری نزد زنان پیامبر رفتند و از مردان خود شکایت کردند که ایشان را می‌زنند، پیغمبر خبردار شد و فرمود:

این گونه مردان که زنان خود را می‌زنند از خوبان شما نیستند». «۲» همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد کتک زدن زن می‌فرمایند: «هر مردی به صورت زناش یک سیلی بزند، خدای بزرگ به مالک- آتشبان و مأمور جهنم- دستور می‌دهد تا هفتاد سیلی در آتش جهنم به چهره او بزنند».

منشاء اختلافات خانوادگی

«در بررسی‌ها و مطالعات مربوط به آسیب‌شناسی خانواده، اصلی‌ترین علت کشاکش‌های خانوادگی، سردی‌ها و بی‌رغبتی‌ها، اخم‌ها و قهرها، بی‌تفاوت‌ها و افسردگی‌ها، بد زبانی‌ها و تندی‌ها، طردها و خانه‌گریزی‌ها، اضطراب‌ها و پریشانی‌ها، و گاه اختلالات روانی، برخی آسیب‌پذیری رفتاری و کژ روی‌های اجتماعی همسران و سرانجام طلاق و جدایی‌ها، همانا (۱). ص، آیه ۴۴.

(۲). تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۲۸۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۹۰

فقر جاذبه‌های زندگی مشترک و ضعف و فرسودگی رشته‌های ارتباط و تعامل بین فردی همسران است. به عبارت دیگر، ریشه اصلی اختلافات زناشویی، ناخشنودی‌های روانی و نا رضایتی‌های نفسانی (روانی- جنسی) است». «۱» مشاهدات دکتر علی قائمی نیز که در کنفرانسی در سال ۱۳۶۳ مطرح شد، علاوه بر تأکید بر مطالب فوق، نشان می‌دهد بسیاری از زوجین ناراضی که ریشه اختلاف‌شان به «تمکین» بر می‌گردد، به خاطر حیاء آن را به امور دیگری نسبت داده‌اند، که اگر این امر به ندرت موضوع اختلاف قرار می‌گرفت، پنهان کردن اختلافات دیگر تحت لوای «عدم تمکین» رواج نمی‌یافت. «۲» از آنجا که غریزه جنسی مرد بسیار قوی است، و شارع مقدس، تنها راه مهار این غریزه را ازدواج قرار داده است، لذا تمکین و اطاعت زن از شوهر در امر زناشویی حقّ مرد و وظیفه شرعی زن می‌باشد، تا خانواده و جامعه از پیامدهای نارضایتی مرد و اختلالات ناشی از آن محفوظ بماند.

۲. حقّ اذن خروج زن از منزل

۲. حقّ اذن خروج زن از منزل

حقّ شرعی مرد تمتّع از همسر خود است. این حقّ محدود به زمان و مکان خاصی نیست و به اراده و درخواست مرد بر زن واجب می‌شود.- البته این حقّ آزار جسمی زن و نادیده گرفتن آمادگی وی را مجاز نمی‌نماید- از این رو اذن خروج از منزل زن در اختیار مرد است تا این حقّ از بین نرود. بنابراین، حقّ مرد است که برای تمتّع از همسر خود، مانع خروج وی از منزل گردد. البتّه این حقّ، اجازه زندانی کردن زن در منزل و اذیّت و آزار رسانی به زن را نمی‌رساند. مرد نمی‌تواند زمانی که خود منزل نیست زن را در خانه نگهداشته (۱). افروز، غلامعلی، روان‌شناسی خانواده همسران برتر، ص ۶۳، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷.

(۲). صدیق اورعی، غلامرضا، تمکین بانو، ریاست شوهر، ص ۳۰- ۲۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۹۱

و وی را از امور خارج از منزل، اعم از دیدار فامیل و اشتغال و ... منع نماید.

زیرا شارع مقدّس خود به زن استقلال مالی داده و صله رحم را بر همه واجب نموده و از قطع رحم منع فرموده است. بنابراین، حقّ تمتّع از زن به معنای محبوس کردن زن در منزل نیست، و حقوق فردی و اجتماعی زن باید رعایت گردد. «۱»

۳. حقّ اختیار چهار همسر دائمی

۳. حقّ اختیار چهار همسر دائمی

حقّ دیگر مرد، اختیار چهار همسر دائمی است: «فَانْكِحُوا ما طابَ لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْنى وَثُلاثَ وَرُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً». «۲» «پس آن کس از زنان را به نکاح خود درآورید که نیکو و مناسب باشد دو یا چهار، پس اگر از ستم بر آن و بی‌عدالتی بیم دارید یک زن اختیار کنید».

بنابراین، شرط اصلی این حقّ وجود صفت عدالت در مرد است، یعنی رعایت کامل حقوق هر چهار زن در جهات مختلف، که به شهادت این آیه مردان هرگز نمی‌توانند عدالت بین زنان را رعایت کنند شواهد بسیاری نیز در بی‌عدالتی در زندگی مردانی که از این حقّ استفاده نموده‌اند، وجود دارد. این حقّ، نباید صرفاً براساس خواسته‌های نفسانی و نادیده گرفتن حقوق زن انگاشته شود این حقّ از آن کسی است که بتواند عدالت را در خانواده بین چند زن برقرار نماید، و الّا ساقط است.

در معنی آیه فوق از اباعبداللّه علیه السلام نقل شده است: «... معنی فان خفتم ... فواحدة» منظور نفقه است و لن تستطیعوا ... حرصتم منظور مودّت و محبّت (۱). در مورد محدوده و اختیارات شوهر در اذن خروج از منزل زن در کتب روایی و فقهی به مقاله همسر در سرای شوهر به قلم آقای محمدرضا غفوریان در مجلّه فقه «کاوشی نو در فقه اسلامی» شماره پانزدهم و شانزدهم سال ۱۳۷۷ دفتر

تبلیغات اسلامی رجوع شود.

(۲). نساء، آیه ۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۹۲

است. برای این که کسی قادر نیست بین دو زن در محبّت عدالت را رعایت کند». «۱»

۴. حقّ طلاق زن

۴. حقّ طلاق زن

«الطَّلاقُ مَرَّتانِ فَإِمْساکٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِیحٌ بِإِحْسانٍ وَلا یَحِلُّ لَکُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمّا آتَیْتُمُوهُنَّ شَیْئاً إِلّا أَنْ یَخافا أَ لّایُقِیما حُدُودَ اللّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَ لّایُقِیما حُدُودَ اللّهِ». «۲» «طلاقی که در آن می‌توان رجوع کرد دو مرتبه است آن گاه که طلاق داد یا به خوشی زن را نگهداری کند و یا به نیکی رها کند و گرفتن چیزی از مهر به جور و ستم حلال نیست، مگر این که بترسید حدود دین خدا را نگاه ندارند.»

آیه دیگری می‌فرماید: «وَ إِذا طَلَّقْتُمُ النِّساءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِکُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلا تُمْسِکُوهُنَّ ضِراراً لِتَعْتَدُوا وَمَنْ یَفْعَلْ ذ لِکَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلا تَتَّخِذُوا آیاتِ اللّهِ هُزُواً». «۳» «هرگاه زنان را طلاق دادید، بایستی تا پایان زمان عدّه یا آنها را به خوشی در خانه نگهدارید و یا به نیکی رها کنید، و روا نیست آنان را به آزار نگهداشته تا بر آنها ستم کنید، هرکس چنین کند، همانا بر خود ظلم کرده و آیات خدا را به سخرّیه نگیرید».

از حضرت رضا علیه السلام «معنی امساک به معروف أو تسریحٌ باحسان سؤال شد، فرمودند: امّا امساک به معروف پرهیز از آزار و اذیّت و دادن نفقه است و امّا تسریحٌ باحسان، طلاق بنابر آنچه در کتاب نازل شده است». «۴» (۱). بحارالانوار، ج ۱۰۱، باب القسمة بین النساء، ح ۱، ص ۵۱.

(۲). بقره، آیه ۲۲۹.

(۳). بقره، آیه ۲۳۱.

(۴). وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب النفقات، ص ۲۲۶، ح ۱۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۹۳

پیامبر گرامی اسلام نیز در مورد طلاق فرمودند: «جبرئیل آنقدر رعایت زن را توصیه کرد که گمان کردم طلاق دادن زن سزاوار نیست مگر به خاطر گناهی آشکار». «۱» در آیات طلاق همواره توصیه به پرهیز از ظلم بر زن و ادای حقوق وی و رعایت حدود الهی شده است. شواهد نیز چنین است که در امر طلاق بیشترین ظلم و مشکلات متوجه زن است، که معمولًا زنان برای رهایی خود از ستم و بی‌عدالتی شوهر از حقوق خود می‌گذرند که قرآن به کرّات به شوهر توصیه و هشدار می‌دهد تا از آزار و اذیت زن برای چشم‌پوشی از حقوق خود پرهیز کند.

۵. حقّ قرار دادن شرائط ضمن عقد

۵. حقّ قرار دادن شرائط ضمن عقد

مرد می‌تواند در مواردی، غیر از وظایف شرعی شوهر و حقّ زن، شرائطی را در هنگام عقد قرار دهد مثل رعایت موازین شرعی و عدم اشتغال زن و یا ادامه تحصیل و مسکن غیر مستقل و زندگی و مکانی خاص و ....

در صورتی که شوهر هنگام عقد در رابطه با اشتغال شرطی قرار نداده باشد و همسر شاغل باشد نمی‌تواند مانع اشتغال زن شود، و

همچنین اگر زن اشتغال را شرط ضمن عقد آورده باشد باز شوهر نمی‌تواند، مانع وی شود. و زن در حدّ زمان اشتغال به کار، نیاز به کسب اجازه خروج از منزل نیست.

۶. حقّ تعیین محل زندگی

۶. حقّ تعیین محل زندگی
حقّ تعیین محل زندگی به عهده شوهر است؛ در صورتی که زن هنگام عقد، محلّ خاصی را شرط نکرده باشد، باید هرجا که شوهر تعیین می کند، زندگی نماید. این حقّ با شرط ضمن عقد از طرف زن ساقط می‌شود. (۱). همان، ج ۱۴، باب ۸۸، ص ۱۲۱ و نیز فروع الکافی، ج ۵ کتاب النکاح، ص ۵۱۲، ح ۶.

۷. حقّ حفظ آبرو و ناموس

۷. حقّ حفظ آبرو و ناموس
«فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَيْبِ بِما حَفِظَ اللَّهُ». «۱» «پس زنان شایسته و مطیع در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه را که خدا به آن امر فرموده نگهدارند».
زن وظیفه دارد در غیاب همسر خود عفت و پاکدامنی را حفظ نموده و آبرو و حیثیت شوهر را با ارتباط نامشروع با مردی دیگر خدشه‌دار نکند. چرا که حقّ تمتع و بهره‌جویی از زن، منحصر به شوهر است، همچنین زن باید در حفظ این حریم با رعایت حجاب درونی و ظاهری بکوشد. همچنین زن نباید مسائل خصوصی بین خود و شوهر را به دیگران بازگو نماید، چرا که ممکن است منشاء دخالت دیگران در زندگی زوجین گردیده و موجب اختلاف گردد.

تکالیف و وظایف شوهر

۱. تربیت دینی خود و خانواده

۱. تربیت دینی خود و خانواده
«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ ناراً» «۲»
خود و خانواده خود را از آتش قهر الهی حفظ کنید.
بنابر این آیه، وظیفه مرد حفظ خود و خانواده از جمله همسر، از گناه و معصیت بوده و مسئولیت اجرای موازین شرعی در خانواده به عهده مرد گذاشته شده است.
البتّه این وظیفه همان فرائض امر به معروف و نهی از منکر است که باید شرایط آن در نظر گرفته شود.

۲. حسن معاشرت

۲. حسن معاشرت
«وَعاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» «۳»
با آنان (زنان) به نیکویی رفتار کنید. (۱). نساء، آیه ۳۴.
(۲). تحریم، آیه ۶.

(۳). نساء، آیه ۱۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۹۵

کلمه معروف در رابطه با امور مربوط به زن در دائره زوجیّت ۱۱ بار تکرار شده است که اهمیّت این برخورد را می‌رساند. برخورد شایسته یکی دیگر از وظایف مرد است. بنابراین، بر مرد جایز نیست با آزار و اذیّت زن، به خواسته‌های خود برسد. رعایت حقوق شرعی زن و رفتاری خوش و منصفانه، از مصادیق برخورد شایسته است که رابطه‌ای مودّت‌آمیز را ایجاد می‌نماید.

۳. پرهیز از زورگویی و ظلم در صورت تمکین زن

۳. پرهیز از زورگویی و ظلم در صورت تمکین زن

«فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا»» «چنانکه اطاعت کردند (در امر زناشویی) دیگر بر آنها حقّ هیچگونه ستم ندارید.»

هیچ‌گونه سلطه زور مدارانه و همراه با زیاده خواهی نباید از سوی مرد بر زن اعمال گردد. در اسلام شوهر حاکم و زن محکوم و زیردست نیست. خانواده نباید محل‌اعمال‌ظلم وقدرت طلبی‌های مرد قرار گیرد.

۴. پرهیز از آزار برای چشم پوشی از حقّ خویش

۴. پرهیز از آزار برای چشم پوشی از حقّ خویش

«وَلاتُضارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» «۲»

بر آنها تنگ نگیرید و آزار ندهید.

بنابر این آیه، مرد نباید در دادن مهریّه و نفقه و سایر حقوق زن، بر وی سخت گرفته و به آزار و اذیّت وی بپردازد، تا از حقوق خود چشم پوشی نماید.

۵. تکیه‌گاه و سامان دهنده زندگی زن

۵. تکیه گاه و سامان دهنده زندگی زن

«الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ» «۳»

یعنی سامان دهنده زندگی زن (۱). نساء، آیه ۳۴.

(۲). طلاق، آیه ۶.

(۳). نساء، آیه ۳۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۹۶

«مرد تکیه‌گاهی است که همسر به قوامیّت و تدبیر و گردانندگی او تکیه می‌کند، برتری مرد از جهت نفقه‌ای است که به زن می‌دهد، بنابر این دائره قوامیّت محدود به رابطه زوجیّت است، زیرا در آیه مذکور علت قوامیّت نشوز و نفقه ذکر شده است که این دو عامل فقط در رابطه زوجیّت تحقق‌پذیر است. از آنجا که سنخ قانون‌گذاری در فرهنگ اسلامی بر پایه عدل و احسان است انَّ اللَّه یَأمر بالعدل و الاحسان، لذا ریاست مرد در خانواده نیز بر همین اساس شکل می‌گیرد. چنانکه کونوا قوّامین بالقسط، قوّامیّت را به قسط و عدل می‌خواهد. «۱»

۶. پرداخت نفقه و میزان آن

۶. پرداخت نفقه و میزان آن

در استحقاق زوجه نسبت به نفقه شرط این نیست که فقیر باشد، و بر شوهر واجب است، نفقه زن را بپردازد و هر چند زن توانگرتر از مرد باشد. «۲» «دادن نفقه و هزینه زندگی انسانی به یکی از سه سبب واجب است: ۱.

زوجیّت ۲. قرابت ۳. مالکیّت مثل حیوانات دادن مخارج زندگی زن بر شوهر وقتی واجب می‌شود که زن در عقد دائمی شوهر باشد و اما زن غیر دائم واجب النفقه شوهر نیست، شرط دیگر این وجوب این است که زن در اطاعت شوهر باشد، بنابر این زن ناشزه حقّ نفقه ندارد. اگر زن مرتدّه شود، تکلیف دادن نفقه از شوهر وی ساقط می گردد «۳».»

نظر امام خمینی قدس سره در میزان نفقه بر این است که «برای نفقه از ناحیه شرع، اندازه‌ای معیّن نشده، بلکه مکلّف را موظف نموده به اینکه هر چه زن نیازمند (۱). آیت اللّه سیّد محمد تقی مدّرسی. فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان ش ۹ ص ۴۵.

(۲). تحریر الوسیله فصل فی النفقات، ج ۲، ص ۲۸۵، مسئله ۱۹.

(۳). همان، ص ۲۸۰، مسئله ۳- ۱، ترجمه ج ۴، فصل در نفقه و هزینه زندگی، ص ۱۱۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۹۷

است از طعام و خورش و جامه در رختخواب و فرش و منزل و خدمتکار و آلات مورد نیاز در شرب و طبخ و تنظیف و غیره را برایش فراهم کند. بهتر است در تعیین معیار جنس و مقدار شئونات زن و حال امثال این زن و حال و متعارف در آن شهر ملاحظه شود «۱».»

هزینه زندگی

«زوجه در هر روز مالک زندگی آن روز است که بر عهده شوهرش می‌باشد و نفقه هر روز او عبارت از آن مقداری است که چیزی از آن برای فردای آن روز باقی نماند، اگر بماند ملک شوهر است. زن می‌تواند در هر روز این مقدار نفقه را از شوهر طلب کند و شوهر اگر با وجود تمکین زن، ندهد و آن روز سر برسد، به صورت دین و بدهکاری به ذمّه شوهر ثابت و مستقر می‌شود «۲»».

نفقه لباس

«در مسئله جامه تنها حقی که زن بر گردن مرد دارد، این است که او را بپوشاند، حال یا به لباسی که ملک خود شوهر باشد و یا لباسی که شوهر آن را اجاره یا عاریّه کرده باشد، و این حقّ را بر شوهر ندارد که جامه را ملک او کند، و اگر جامه‌ای برایش آورد که عادهٔ مدّت زمانی کار می کند و زن آن را پوشیده، و قبل از گذشتن آن مدّت پوشیده شد و یا به سرقت رفت بر شوهر واجب است، لباس دیگر برای او تهیّه کند و به او بدهد و اگر آن مدّت گذشت و جامه هنوز سالم و مطابق حال زن، باقی بود زن نمی‌تواند مطالبه جامه‌ای دیگر کند.

اگر در خلال این مدّت زن از استحقاق خارج شود یا به دلیل مردن و یا بخاطر نشوز و یا طلاق آن جامه اگر باقی مانده باشد به مالک که شوهر است بر می گردد. همین حکم در فرش و رختخواب و هر اثاث و آلاتیکه شوهر به (۱). همان، ص ۲۸۱، مسئله ۸.

(۲). همان، ص ۲۸۳، مسئله ۱۰ ترجمه، ج ۴، ص ۱۱۸، مسئله ۱۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۹۸

عنوان نفقه به زوجه‌اش داده تا با بقاء عین آن، از آن استفاده نماید، جاری است زن تنها حقّ استفاده از آن را دارد، وقتی استحقاق به یکی از علت‌های فوق از بین برود، شوهر می‌تواند آنها را پس بگیرد، مگر آنکه ملک او کرده باشد «۱»».

بنابر این، طلا و جواهراتی که مرد بر همسر خود می‌دهد، اگر در مالکیّت او قرار نداده باشد از آن شوهر می‌باشد.

همچنین، معلوم می گردد تأمین جهیزیه در اسلام، از سوی دختر موضوعیّت نداشته و تأمین لوازم زندگی به عهده شوهر است. البتّه،

اگر زن با مهریه خود تمایل به خرید لوازم زندگی داشته باشد اشکالی ندارد. جهیزیّه در عرف مطرح است و به غلط جزء لاینفک ازدواج قرار داده شده است.

البته، شوهر مجبور نیست تمامی خواسته‌های مالی زن را تأمین نماید. نفقه در برابر تمکین بر زن مستقر می‌شود و در صورت نشوز ساقط می‌گردد.

نفقه طعام

«نفقه مربوط به طعام به دو صورت در اختیار زوجه قرار می‌گیرد، یکی اینکه زوجه، مانند سایر نان خورهای مرد در خانه شوهر و سر سفره شوهر و با سائر عائله او بنشیند و غذا بخورد «۲»، و یک طریق دیگر، اینکه، پول و یا مواد خام غذایی را به او بدهد تا خود هر چه می‌خواهد درست کند، شوهرش حقّ ندارد زن را ملزم کند به اینکه سر سفره او غذا بخورد، و زن حقّ دارد قبول کند و از او بخواهد، خرجاش را به دست خودش بدهند تا با آن هر معامله‌ای که خواست انجام دهد. اگر زن نحوه اوّل را پذیرفت و با شوهر و متعلقات او غذا بخورد، تکلیف از شوهر ساقط می‌شود و زن نمی‌تواند از بابت غذا چیزی از (۱). همان، ص ۲۸۴، مسئله ۱۵. ترجمه ج ۴، ۱۲۱- ۱۲۰، مسئله ۱۵.

(۲). برخی شوهران مسلمان، که دیر به خانه می‌آیند همسر خود را ملزم به گرم کردن غذا و نشستن‌سر سفره می‌نمایند و این عمل را از مصادیق تمکین می‌دانند.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۱۹۹

شوهر مطالبه نماید «۱»».

۷. پرداخت مهریه

۷. پرداخت مهریه

«وَآتُوا النِّساءَ صَدُقاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْساً فَكُلُوهُ هَنِيئاً مَرِيئاً» «۲» «و مهریه‌های زنان را بدهید در حالی که آن عطیّه‌ای از جانب خدا به ایشان است، پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند برخوردار شوید که آن شما را حلال و گوارا خواهد بود».

«زن با تمام شدن عقد نکاح مالک مهریه می‌شود، لکن نیمی از آن در همان هنگام ملک مستقر می‌شود و نیم دیگر موقوف بر مطلق دخول است «۳»».

از علی بن موسی الرضا علیه السلام در علت و وجوب مهریّه بر مرد سوال شد فرمودند: «به جهت اینکه زن فروشنده نفس‌اش است و مرد مشتری است و فروش بدون قیمت و خرید بدون اعطاء بهاء نمی‌باشد، همچنین همانا زنان از معامله به دلایل زیاد معذورند «۴»».

آیه‌ای دیگر در لزوم پرداخت مهریّه و پرهیز از آزار و اذیّت زن در چشم پوشی از مهریّه خود می‌فرماید: «اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر به جای او اختیار کنید، و مال بسیار مهر او کرده‌اید، البته نباید چیزی از مهر او باز گیرید، آیا به وسیله تهمت زدن به زن، مهر او را می‌گیرید و این گناهی آشکار است، و چگونه مهر آنها را خواهید گرفت، در صورتیکه هر کس به حقّ خود (۱). تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۱۲، ص ۲۸۴، ترجمه ج ۴، مسئله ۱۲، ص ۱۱۹.

(۲). نساء، آیه ۴ و نیز آیات دیگر در مورد وجوب پرداخت نقدی مهریّه ۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۵ و ۱۲۷ سوره نساء- همچنین آیه ۲۳۷ و ۲۴۱ سوره بقره و نیز آیه ۴۹ سوره احزاب.

(۳). ترجمه تحریرالوسیله، ج ۴، ص ۹۶، مسئله ۱۵.

(۴). علل الشرایع، ج ۲، جز الثانی، باب ۲۶۲، ح ۱، ص ۱۸۷ و نیز وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳، باب ۱۱، ح ۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۰۰

رسیده (مرد به لـذّت و زن به نفقه و مهر) و در صورتیکه آن زمـان مهر را در مقابل عقـد زوجیّت و عهـد محکم حقّ از شـما گرفته است». «۱» امام صادق علیه السلام نیز در حرمت ازدواج بدون مهریّه می‌فرماید: «هر گاه مردی با زنی ازدواج کرد، بانو بر مرد حلال نمی‌شود مگر اینکه شوهر به بانو یک درهم یا بیشتر و یا هدیه‌ای ارسال کند «۲»».

احمد بن محمد بن ابی نصر می‌گوید: «به امام موسـی کاظم علیه السـلام گفتم مردی با زنی با مهرّیه مشخصی ازدواج می‌کند، با او آمیزش می‌کنـد، قبـل از اینکه چیزی به او بپردازد، فرمود: به او بپردازد چیزی چه کم چه زیـاد به او بپردازد، مگر اینکه شوهر قصـد پرداخت داشته باشد، و اگر مشکلی برای او ایجاد شود از طرف او پرداخت شود اشکالی ندارد «۳»».

در تعلّق مهریّه بر پـدر دختر از امـام رضـا علیه السـلام پرسیدند که می‌توانـد چیزی از مهریه او را بخورد؟ فرمود: برای او روا نیست «۴»».

۸. مجازات عدم پرداخت مهریّه

۸. مجازات عدم پرداخت مهریّه

امام صادق علیه السـلام فرمود: پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند هر گناهی را در روز قیامت می‌بخشد، مگر مهریّه زن و کسی که مزد کارگری را خورده باشد و کسی که آزادی را فروخته باشد «۵»».

در پرهیز از آزار و اذیّت زن برای بخشش مهریّه خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (۱). نساء، آیه ۱۹.

(۲). وسائل الشیعه، ج ۱۴، حدیث ۲۷۰۲۴، و احادیث ۲۷۰۲۵، ۲۷۰۲۷، ۲۷۰۲۸ نیز بر همین مطلب دلالت دارند.

(۳). وسائل الشیعه، ج ۱۴، حدیث ۲۷۰۲۹، و احـادیث ۲۷۰۲۵، ۲۷۰۳۰، ۲۷۰۳۱، ۲۷۰۳۲، ۲۷۰۳۳، ۲۷۰۳۴، ۲۷۰۴۰، ۲۷۰۴۵ نیز بر همین مطلب دلالت دارند.

(۴). وافی، باب النکاح، ص ۱۱۰.

(۵). وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲، ح ۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۰۱

نقل شده است که: «کسـی که همسـرش را زیر فشار قرار دهد تا همه یا مقداری از مهریه‌اش را به او ببخشد و شوهرش وی را طلاق دهد، خدای بزرگ به عقوبتی کمتر از آتش برای او راضـی نمی‌شود، زیرا خدا همان گونه که برای یتیم خشـمناک می‌گردد، برای زن نیز خشمناک می‌شود». «۱» همچنین از پیامبر صـلی الله علیه و آله نقل شده است که «هر کس زنی بگیرد و در خاطر داشـته باشد که مهر او را نپردازد در هنگـام مرگ چون زناکار می‌میرد». «۲» در حدیثی دیگر به منزله سارق عنوان شده است. «۳» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شـده است که «خداونـد در روز قیامت به مرد می‌فرمایـد: بنـده من بنابر عهد من کنیزم را تزویج کردی و به عهد من وفا نکردی و به کنیزم ظلم کردی، پس از حسـنات او بردارید و به اندازه حقّ زن به او بدهید، پس زمانی که حسـنه‌ای برای او باقی نماند، به او امر می‌کند به سوی آتش برود بخاطر نقض عهد، همانا او مسـئول عهد می‌باشد». «۴» حرام بودن اموال به دست آمده با آزار و اذیّت زن

«... اگر شوهر بعضـی از حقوق واجبه زن را ترک کنـد، و یا او را اذیّت کند به اینکه کتک‌اش بزند، یا بدزبانی کند، و زن به منظور به دست آوردن دل او مـالی را به او ببخشـد و یـا از بعضـی از حقوق خود صـرفنظر کنـد تا اینکه مرد حقوق او را رعایت کنـد، و یا دست از اذّیت او بردارد و یـا او را طلاـق دهـد و از آن زنـدگی ناگوار خلاص‌اش کنـد، آن مال بر شوهر بنابر اقوی حرام است، هر چند که ناسازگاری مرد برای این نبوده باشد که آن مال را از زن بگیرد». «۵» (۱). بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۶۵.

(۲). مکارم الاخلاق، امام سجاد علیه السلام، ص ۳۷۲، و نیز وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب ۱۱، ح ۱، ص ۲۱.

(۳). همان، ج ۲، ص ۲۱.

(۴). وسائل الشعه، ج ۱۵، باب ۱۱، ح ۸، ص ۲۲.

(۵). ترجمه تحریرالوسیله، ج ۴، گفتار در نشوز، مسئله ۳، ص ۱۰۴.

۹. پرداخت دستمزد به زن برای انجام کار منزل

۹. پرداخت دستمزد به زن برای انجام کار منزل

علیرغم اینکه در فرهنگ عمومی و در خانوادهها، امور مربوط به آشپزخانه و منزل، از وظایف لا یتغیّر و الزامی و شرعی زن تلقی میشود، ولی در فقه اسلامی، زن در خانه هیچ مسئولیتی در مورد هیچ یک از کارهای منزل ندارد، و حتی اگر شأن او ایجاب نماید، خود نیز از انجام کارهای شخصی در منزل شوهر معاف بوده، و شوهر موظف است برای اینگونه موارد خدمتکار بیاورد، شوهر باید یا خود انجام دهد یا خدمتکار آورد، و در صورت تمایل زن به انجام امور منزل، مرد باید اجرت پرداخت نماید. زمانی اجرت انجام امور منزل، از ذّمه مرد بری است که زن با رضایت کامل بدون اجرت انجام دهد.

۱۰. پرداخت دستمزد برای شیر دادن به بچه

۱۰. پرداخت دستمزد برای شیر دادن به بچه

طبق آیه شریفه ۲۳۳ سوره بقره اجرت مادر بخاطر شیر دادن به فرزند خود به عهده پدر است چنانکه میفرماید:

«مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند، آن کس که بخواهد فرزند را شیر کامل بدهد بر صاحب فرزند (پدر) است که خوراک و لباس مادر را به حد متعارف بدهد، هیچ کس را تکلیف جز به اندازه طاقت نمیکنند. نباید مادر به خاطر فرزند به زحمت و زیان افتد و نه پدر کودک متضرر شود، و تمام اینها بر وارث نیز هست ... و اگر بخواهند که مادران فرزندان شما را شیر دهند در صورتی که به مادر حقوقی متعارف بدهید جائز است و از خدا بترسید ...».

در آیهای دیگر بر پرداخت دستمزد برای شیر دادن حتّی به مادر مطلّقه تأکید شده است:

«اگر (زنان مطلّقه) باردار باشند، تا وقت وضع حمل نفقه دهید، اگر بخواهد فرزند شما را شیر دهند، اجرتشان را با قرار متعارف بین خود

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۰۳

بپردازید و اگر با هم سختگیری میکنید، دیگری را برای شیر دادن انتخاب کنید، تا مرد دارا به وسعت و فراوانی نفقه زن شیرده را بدهد، و آن که تنگ دست است از آنچه خدا به او داده انفاق کند «۱» ...».

در حدیثی از ابی عبداللّه علیه السلام نیر به نگهداری توسط پدر و مادر و پرداخت دستمزد مادر شیرده تأکید شده است که فرمودند: «... تا وقتی فرزند شیرخوار است نگهداری وی بین پدر و مادر بالسویّه است و زمانی که از شیر گرفته شد، پس پدر نسبت به فرزند از مادر محقّتر است، زمانی که پدر فوت کرد مادر محقّتر است، و اگر پدر کسی را بیابد که فرزند را به چهار درهم شیر دهد و مادر بگوید شیر نمیدهم مگر به پنج درهم، پس بر پدر است که فرزند را از مادر بگیرد، آن برای پدر بهتر است، ولی فرزند مادر را ترک نکند». «۲» بر اساس این آیات و روایات، فتوای اجرت شیر دادن به مادر در توضیح المسائل مراجع تقلید نیز آمده است که به نظر امام خمینی قدس سره اکتفا میکنیم:

«بر مادر کودک واجب نیست فرزند خود را مجاناً شیر دهد و حتی با گرفتن اجرت نیز واجب نیست. اگر چنانچه شیر دهنده،

منحصر به او نباشد، بلکه در صورت انحصار، چنانچه امکان حفظ فرزند از طریق شیر و تغذیه دیگر باشد، واجب نیست، مگر آنکه برای کودک ضرر داشته باشد، همچنانکه شیر دادن به کودک خود، به طور مجانی واجب نیست، هر چند غذای کودک منحصر به شیر او باشد بلکه می‌تواند مطالبه اجرت کند، یعنی اگر خود آن کودک مال دارد، از مال کودک مزد بگیرد، و اگر ندارد از مال پدر او، در صورتیکه قدرت مالی برای دادن مزد داشته باشد، در صورتی که نه خود کودک مالی دارد و نه پدر او و نه جدّ او (هر چه بالاتر روند) آن وقت متعیّن (۱). طلاق، آیه ۶.

(۲). وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب ۸۱، ص ۱۹۱، ح ۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۰۴

می‌شود که، باید مادرش او را مجانی شیر دهد، حال یا به اینکه خودش او را شیر دهد، و یا زن شیر دهی را برای کودک‌اش اجیر کند و اگر چنین کند، اجرت آن زن یا نفقه‌اش به عهده وی است، یا به اینکه به طریق دیگر کودک را حفظ کند، طریقی که مضرّ به حال کودک نباشد. «۱» مادر طفل در شیر دادن به طفل خود مقدّم بر دیگران است، در صورتی که حاضر است طفل را مجانی شیر دهد و یا اجرتی مانند اجرت دیگران و یا کمتر طلب می‌کند، امّا اگر با وجود شیر دهی مجانی مادر مزد طلب کند و یا مزدی بیشتر از دیگران طلب کند، پدر کودک می‌تواند او را به غیر مادر بدهد و احتیاط آن است که بگوئیم در این صورت نیز حقّ حضانت برای مادر محفوظ است، زیرا منافات ندارد که حقّ ارضاع مادر ساقط شود و حقّ حضانت وی باقی بماند». «۲»

۱۱. همبستری هر چهار شب

۱۱. همبستری هر چهار شب

«امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «اگر مرد چند همسر داشته باشد که با آنان آمیزش نکند پس هر یک از آنان زنا کند، گناه‌اش بر عهده شوهر است». «۳» همچنین صفوان بن یحیی از امام صادق علیه السلام سوال می‌کند: «مردی زن جوانی دارد که چند ماه و گاهی یک سال با او آمیزش نمی‌کند، و البتّه قصد ضرر رساندن به او را ندارد، مصیبت زده است. آیا گناهی می‌کند؟ حضرت فرمودند: اگر چهار ماه بانو را ترک کند، بعد از آن گناه کرده است». «۴» بنابر این همبستری هر چهار شب یکبار و آمیزش هر چهار ماه یکبار بر شوهر واجب است. (۱) . ترجمه تحریرالوسیله، ج ۴، احکام ولادت، مسئله ۱۱، ص ۱۱۱، تحریر الوسیله ۱.

(۲). همان، مسئله ۱۲، ص ۱۱۱- ۱۱۲.

(۳). حرّ عاملی، وسائل الشیعه، حدیث ۲۵۲۴۷.

(۴). همان، ح ۲۵۲۴۶.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۰۵

رعایت نظافت و آراستگی شوهر همچون زن، لازم است به ویژه با درخواست زن که اگر ترس از وقوع حرام وجود داشته باشد، استجابت آمیزش و همبستری و آراستگی بر شوهر واجب است». «۱»

۱۲. عدالت در زن داری

۱۲. عدالت در زن داری

«فَانْ خِفْتُمْ الّا تَعْدِلوا فَواحِدَةً».

«پس اگر از بی عدالتی و ستم بر زن ترس دارید پس یک زن اختیار کنید».

شوهر باید در نفقه و رفتار و محبّت عدالت را رعایت کرده و کلیه حقوق شرعی و انسانی زن را ادا نماید. تخطّی از این حقوق، ظلم

و بی‌عدالتی و مستوجب عذاب اخروی خواهد بود.

حقّ زن بر شوهر

۱. حقّ شرط ضمن عقد

۱. حقّ شرط ضمن عقد

از امام باقر علیه السلام سوال شد، آیا مردی می‌تواند با زن خود شرط کند که فقط روزها هر وقت بخواهد به او سر بزند، یا ماهی یک بار یا هفته‌ای یکبار نزد او برود، یا شرط کند که نفقه به طور کامل و مساوی با زن دیگر به او ندهد، و خود آن زن هم از اوّل این شرطها را بپذیرد؟ امام فرمود: «خیر، چنین شرطهایی صحیح نیست هر زنی به موجب عقد ازدواج خواه نا خواه حقوق کامل یک زن را پیدا می کند، چیزی که هست پس از وقوع ازدواج هر زنی می‌تواند عملًا برای جلب رضایت شوهر که او را رها نکند یا به علت دیگری همه یا قسمتی از حقوق خود را ببخشد». «۲» بنابر این، زوجین در عقد نکاح می‌توانند شروطی را در چارچوب موازین

(۱). فضل اللَّه، محمد حسین، دنیا المرأة، ص ۹۴.

(۲). بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۶۸، کتاب العقود والایقاعات و نیز تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۷۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۰۶

شرعی، بر یکدیگر قرار دهند، که اجرای آن بر طرف مقابل لازم و موضوع شرط، حقّ صاحب شرط می‌باشد و حقّ فسخ قرارداد را دارد، چنانکه نظر امام خمینی قدس سره در این باره چنین است: «هر شرطی که خود آن شرط مشروع باشد شرط کردن‌اش در ضمن عقد نکاح جایز است و بر کسی که آن شرط علیه او اشتراط شده واجب است به آن شرط وفا کند، مانند سایر عقود و معاملات، در صورتی که وجود صفتی شرط شده باشد، و بعد معلوم شود آن صفت وجود نداشته است، صاحب شرط دارای خیار «۱» می‌شود».

زن می‌تواند در مواردی از قبیل زندگی در شهر و مکانی خاص، اشتغال، از بین نبردن بکارت «۲»، مسکن مستقل، دارا بودن صفاتی از قبیل تدیّن و انجام وظایف شرعی، نداشتن شغلی با شئونات زن و موازین شرعی، عدم اعتیاد به سیگار و مواد مخدّر و حقّ طلاق ... را، ضمن عقد شرط نموده و شوهر را ملزم به رعایت آن نماید.

هیچ یک از زن و شوهر، در عدم انجام تکالیف شرعی واجب خود، نمی‌توانند، شرطی قرار داده و از انجام آن امتناع ورزند، از جمله مشروط کردن عدم پرداخت نفقه در ازدواج دائم، عدم تمکین خاص و عدم پرداخت مهریّه و عدم رعایت حجاب و نخواندن نماز و ....

۲. حقّ مهریّه

۲. حقّ مهریّه

در تعلّق مهریّه به زن در زندگی ائمه علیهم السلام آمده است که وقتی گروهی به منزل امام حسین علیه السلام می‌آیند و خانه و نحوه آراستن آن و به کارگیری ابزاری چون فرش و پشتی را مشاهده می کنند، که با منش ساده گزینی حضرت سازگاری ندارد، در این جا لب به اعتراض گشوده و می گویند: «انَّنا نَتَزَوَّجُ النّساءَ فَنُعطِیهِنَّ مُهُورهُنَّ فَیَشترینَ ما شِئْنَ لیس لنا منه شیءٍ». (۱). دارای حقّ فسخ قرارداد.

(۲). ترجمه تحریر الوسیله، ج ۴، مسئله ۳، ص ۹۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۰۷

«ما وقتی ازدواج می‌کنیم با زنان، پس مهریّه آنان را می‌پردازیم و آنان با کابین خود (بر اساس سلیقه خویش) آنچه را که دوست دارند می‌خرند و ما در این مسئله دخالتی نداریم». «۱» همچنین امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: «ما زن اختیار می‌کنیم و به ایشان مهریّه می‌دهیم هر چه می‌خواهند با آن خریداری می‌کنند، و ما حقّی در آن نداریم». «۲» بنابر این، از این حدیث چند مطلب مستفاد می‌شود: یکی این که مهریّه زن هنگام عقد پرداخت می‌شود دیگر اینکه زن آزاد است هر چه می‌خواهد با آن پول خریداری نماید. سوم اینکه مرد در اموال خریداری شده هیچ گونه حقّی نداشته و متعلق به زن می‌باشد بنابر این، برخی مردهای مذهبی، که برای کسب مراتب ریاضت و تقوی و ... زندگی را بر خود و همسر و فرزندان تنگ گرفته از امور حلال استفاده نکرده و اجازه استفاده به آنها نمی‌دهند، بر زن و فرزندان ظلم می‌نمایند، زیرا نفقه و مهریّه حقّ زن بوده و شوهر نمی‌تواند به اجبار به ریاضت وادار نموده از پرداخت حقوق حقّه وی امتناع ورزد. مرد مسلمان رهرو پیامبر و ائمه علیهم السلام، باید به سنّت گردن نهاده، و طریق حقّ، پیش گیرد. زهد آن است که در عین دارایی، کفّ نفسی اختیار شود، نه اینکه خود و خانواده را محروم و ندار کند، تا از سر نداری کفّ نفس اختیار نموده و تقوی پیشه نماید! کسی که در معرض گناه و زیبایی‌های دنیا قرار نمی‌گیرد، فرصتی بر آزمایش خود در حبّ دنیا پیدا نمی‌کند، تا عنان نفس را به اختیار، مهار کند.

در تعلّق تمام مهریّه به زن، و محقّ نبودن پدر در مهریّه دختر نظر امام خمینی قدس سره چنین است: (۱). فصلنامه شورای فرهنگی- اجتماعی زنان، شماره ۳۷.

(۲). کافی، باب الفرش.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۰۸

«اگر شخصی که می‌خواهد، زنی را عقد کند پدر زن را نیز در مهر شریک زن کند و چیزی را معیّن کند، برای آن زن به عنوان مهر صحیح است و آنچه برای پدر معین شده ساقط است و پدر مستحق چیزی از او نیست». «۱» و همچنین در عدم تعلّق شیر بهاء به والدین و ... حرام بودن آن نظر امام خمینی قدس سره چنین است:

«شیر بهاء چیزی که پدر و مادر و برخی بستگان عروس از داماد می‌گیرند عنوان مهر ندارد، و جزء آن نیست، و در صورتی که داماد طیّب خاطر ندارد و بخاطر ازدواج با دختر می‌دهد و خود دختر به مهریّه‌اش راضی است، گرفتن آن و خوردناش حرام است، و برای داماد جائز است، آنچه را داده پس بگیرد، حتی اگر تلف شده، می‌تواند عوض آن را مطالبه نماید». «۲» مهریّه از جهت شرعی، دین مرد نسبت به زن بوده که از نظر قانون مدنی عندالمطالبه است و با درخواست زن باید پرداخت گردد.

۳. نفقه

۳. نفقه

مالکیت نفقه

«اگر شوهر، نفقه چند روز، مثلًا یک هفته یا یک ماه را به زوجه‌اش بدهد، و زوجه همه آن را خرج نکند، بعد از تمام شدن مدّت، هم چنان دست نخورده بماند، حال یا اینکه، از جای دیگر خرج کرده باشد، و یا شخصی دیگر خرج او را داده باشد، آنچه مانده، ملک خود اوست و شوهر نمی‌تواند آن را پس بگیرد، همچنین است در صورتی که زن، کم خرجی کرده، و چیزی از نفقه زیاد آمده باشد، آنچه زیاد آمده ملک زن است و شوهر نمی‌تواند آن را پس بگیرد، مگر اینکه، قبل از تمام شدن یک هفته یا یک ماه از استحقاق خارج (۱). تحریر الوسیله، ج ۴، ترجمه، ص ۹۳، مسئله ۸.

(۲). همان، ص ۹۴، مسئله ۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۰۹

شـده و ناشـزه شـده یا یکی از زن و شوهر از دنیا برود، و یا شوهر، او را طلاق بائن دهد». «۱» علیرغم این که در فرهنگ عمومی در خانواده‌ها، امـور مربـوط بـه طعـام از وظـایف لاـیتغیّر و الزامی و شـرعی زن تلقی می‌شـود، ولی در فقـه اسـلامی، زن در خـانه هیچ مسئولیتی در مورد هیـچ یک از کارهای منزل ندارد، و حتی اگر شأن او، ایجاب نماید، خود نیز، از انجام کارهای شخصـی خود در منزل شوهر معـاف بوده، و شوهر موظّف است، خـدمتکار برای اینگونه امور بیـاورد، در حالی که، شـرعاً کارهای مربوط به شوهر و فرزندان مربوط به شوهر است که یا خود انجام می‌دهد، یا خدمتکار می گیرد.

حقّ اسکان

«... زن مستحقّ اسکان است و بر شوهر واجب است، او را در خانه‌ای اسکان دهد، که بر حسب عرف و عادت لایق به حال امثال او باشـد، و حقّ دارد، از شوهرش بخواهـد، در منزل مناسبی سـکنا دهـد، که کسـی، غیر از خود او، از قبیل هوو و غیره، در آن نباشـد، حال چه اینکه خانه‌ای دربست باشـد، و یا اطاقی می‌باشـد (مانند بسـیاری از هتل‌ها) چه به صورت اجاره یا خرید، ... دادن خدمتکار وقتی واجب است که زن صاحب حشـمت و جاه از خانواده‌ای باشـد، که هرگز بدون خدمتکار نبوده، و در غیر این صورت، آن زن خـودش کارهـای خود را بایـد، انجـام دهـد. در صورتی که دارای حشـمت باشـد، به طوری که امثـال او، چـاره‌ای از داشـتن خـادم مخصوص ندارنـد، بر شوهر واجب است، خـادم نیز برایش فراهم کنـد، و اگر حشـمت زن به حـدی باشـد که متعـارف در امثـال او، داشـتن چنـد خادم باشد، بعید نیست، بگوئیم بر شوهر (۱). تحریر الوسیله، ج ۲، مسئله ۸۱، ص ۲۸۳، ترجمه، ج ۴، مسئله ۱۱، ص ۱۱۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۱۰

واجب است چنـد خادم به خـدمت او بگمارد». «۱» البته بر اسـاس آیه مودّت و رحمت، زنـان مسـلمان، توانایی مالی همسـر خود را رعـایت کرده و عمـل حضـرت زهرا علیهـا السـلام، الگوی زنـان عالم، نصب العین خود قرار می‌دهنـد، و ایثار را بر حقّ خود ترجیح می‌دهند. «روزی امیرالمومنین علیه السلام، از فاطمه علیها السلام طعام خواست، آن حضرت جواب داد: در نزد من چیزی نیست، جز آن که دو روز پیش آن را به تو خورانـدم، و من آن را برای خود و حسن و حسـین نگه داشـته بودم. علی علیه السـلام فرمودند: چرا در طول دو روز مرا مطّلع نکرده‌ای، تـا برایتـان چیزی تهیه می کردم؟ حضـرت فرمودنـد: من از خـدای‌ام، شـرم کردم تو را به کـاری بگمارم که قدرت تهیه و خرید آن را نداری». «۲»

۴. حقّ حسن معاشرت

۴. حقّ حسن معاشرت

خداوند متعال در سوره نساء در حسن معاشرت با زنان می‌فرماید:

«يا ايُّهَا الَّذينَ امَنُوا ... وَعاشِرُوهُنَّ بِالمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْراً كثيراً» «۳» «ای اهل ایمان ... با آنها در زندگانی با انصاف و خوش رفتار باشـید، هر چند مورد پسـند شـما نباشند، چه بسا چیزهایی (در نظر شما) ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار برای شما مقدّر فرموده است».

خطاب آیه به شوهر است و استعمال صیغه امر وجوب این رفتار را بر شوهر اثبات می‌نماید. (۱). همان، ج ۲، مسئله ۸، ص ۲۸۲.

(۲). بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۳۰ و ج ۴۳، ص ۳۱- ۵۹.

(۳). نساء، آیه ۱۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۱۱

پیامبر گرامی اسلام درباره اخلاق در خانواده فرمودند: «احْسَنَ النّاس ایمانا احسنهم خُلقا و الْطَفَهُمْ باهله وَ انَا الْطَفَكُمْ بِأهلی» «۱» بهترین مردم در ایمان کسی است که خوش اخلاق‌تر و نسبت به خانواده خود نرم‌خوتر باشد، و من بیش‌تر از همه شما با خانواده‌ام نرم‌خویی می‌نمایم».

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در مصادیق حقوق زن بر شوهر رفتار شایسته شوهر با زن چنین می فرماید:

«... (حولا) از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: زنان چه حقوقی بر مردان دارند؟ پیامبر فرمودند برادرم جبرئیل که همواره نسبت به زنان سفارش می کرد، بدان گونه که پنداشتم کلمه ناخوشایند (افّ) نسبت به زنان نیز روا نیست.- گفت- ای محمّد، درباره زنان از خدا بپرهیزید، چون ایشان دستیاران شما و به عنوان امانت و ودیعه خدایی نزد شمایند، زنان بر شما حقوق واجبی دارند، چون با آنها حلال شدید، وبا ایشان می‌آمیزید و همین زنان‌اند که فرزندان تان را در رحم خویش می‌پرورند وبه دنیا می‌آورند، پس نسبت به ایشان مهربان باشید ودلهاشان را خوش کنید تا با شما زندگی کنند، آنان را به کار مجبور نسازید، وایشان را خشمگین نکنید، واز آنچه به آنان دادید بازپس نگیرید مگر با رضایت واجازه آنان ...». «۲» بهترین مردان

قال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله:

«انّهنَّ یغلبن الکرام و یَغْلِبهُنَّ اللئام» «۳» «زنان چنان‌اند که بر مردان بزرگوار غلبه می‌کنند امّا مردان فرومایه (۱). وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۷.

(۲). مستدرک الوسایل، ج ۱۴، ص ۲۵۲ و نیز مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۵۰۱، تا افٍ و شیخ نوری نیز از دعائم الاسلام نقل کرده است.

(۳). نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۷۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۱۲

برایشان غالب می‌شوند».

قال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله: خَیْرُکُمْ خَیْرُکُمْ لِاهْله وَ انَا خَیْرُکُمْ لِاهْلی ما اکْرَمَ النِساءَ الّا کریمٌ وَ لا اهانَهُنَّ الَّا لئیمٌ.

بهترین شما کسانی هستند که با خانواده و کسان خود اخلاق نیکو داشته باشد و من بهترین شما با خانواده هستم، و فقط انسانهای بزرگوار هستند که زنان را اکرام می‌کنند و فقط انسانهای پست به زنان، اهانت و اذیّت روا می‌دارند.

۵. حقّ آمیزش و همبستری (حقّ مضاجعه و مبیت)

۵. حقّ آمیزش و همبستری (حقّ مضاجعه و مبیت)

«مرد در هر چهار شب، یک شب باید با زوجه خود همبستری کند. ملاک این عدد از نظر احتمال داشتن چهار زن است که چون از لحاظ قدرت مالی و توانایی بر اجرای عدالت، می‌تواند تا چهار زن عقد دائم داشته باشد، جریان هر چهار شب، یک شب به حساب آمده است». «۱» زن و شوهر ضامن حفظ عفّت و پاکدامنی یکدیگرند، هر یک در وظیفه خود کوتاهی نماید، دیگری را در دام گناه گرفتار می‌سازد که مجازات این گناه‌ها بر هر دو خواهد بود.

از برخی روایات استفاده می‌شود که شوهر باید هر چهار شب یک مرتبه با همسر خود همبستر شود «۲» و آمیزش هر چهار ماه یک‌بار واجب می‌باشد.

علت این امر نیز به سبب مقاومت زن در برابر تحریکات و غریزه جنسی است، زیرا ترشحات هورمون جنسی در زن دوره‌ای است، ولی در مرد مداوم بوده و حتّی با دیدن و شنیدن محرّکات جنسی نیز تحریک جنسی صورت می‌گیرد ولی حساسیّت زن بیشتر در محرّک‌های لمسی است. (۱). تبصرة المتعلمین علّامه حلّی، ترجمه ابوالحسن شعرانی، ص ۵۵۱، الجامع للشرایع، تألیف یحیی بن

سعید حلّی، ص ۴۵۶، الخلاف تألیف شیخ طوسی، ص ۴۱۲.

(۲). وسائل الشیعه، حدیث ۲۷۲۳۳، ۲۷۲۳۴، ۲۷۲۳۶.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۱۳

شوهر نیز همچون زن، بایـد در نظافت و آراستگی خود بکوشد تا همسر خود را به گناه نیالاید. به طوری که امام رضا علیه السلام در این باره فرمودنـد: «رنگ بستن و آراستن از چیزهایی است که عفّت زنان را زیاد می‌کند، به تحقیق، زنانی عفت را رها کردند، زیرا همسرشان آمادگی و آرایش را رها کرده بود». «۱» همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد خانه ام سلمه شد و بوی خوش به مشام ایشان رسید، فرمود، آیا حولاء آمده است؟ گفت: آری و از شوهرش شکایت کرد ... حولاء گفت: شوهرم از من روی گردان است.

فرمود: بیشتر به او رسیدگی کن، حولاء گفت: هیچ بوی خوشی نیست که از آن استفاده نکنم ولی او روی گردان است. حضرت فرمود: اما او نمی‌دانـد اگر به تـو روی آورد خداونـد چه پاداشی به او می‌دهـد، ... هر گـاه به تو روی آورد، دو ملک او را در بر می‌گیرنـد و ماننـد کسی است که در راه خدا شمشیرش را برهنه کند و آن زمان که با تو آمیزش کند، گناهان او می‌ریزد، آنگونه که برگ درختان می‌ریزد. پس وقتی غسل می‌کند، از گناه عاری می‌شود». «۲»

۶. حقّ عدالت در زن داری

۶. حقّ عدالت در زن داری

«فَان خِفْتُمْ الّا تَعْدِلوا فَواحِدةً»

«پس اگر از بی عدالتی و ستم بر زن ترس دارید پس یک زن اختیار کنید».

مرد حقّ ندارد به خاطر امیال نفسانی چندین زن اختیار نموده و همه را در عسرو حرج و بدون نفقه و سرپرست نگه دارد.

۷. حقّ استقلال مالی

۷. حقّ استقلال مالی

«وَلِلنِّساءِ نَصِیبٌ مِمّا اکْتَسَبْنَ» «۳»

(۱). بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۰۰.

(۲). وسائل الشیعه، ح ۲۵۱۶۱.

(۳). نساء، آیه ۳۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۱۴

«برای زنان از آنچه خود کسب می‌کنند نصیب و بهره است».

طبق این آیه زنـان در فعالیتهای اقتصادی آزاد و دسترنـج آنان به خودشان تعلق دارد. همچنانکه زن در اموال شوهر بـدون اجازه وی حقّ تصرف بیش از نفقه و مهریّه واجب دیگر خود را ندارد، شوهر نیز در اموال و دارایی و درآمد زن به هیچ نحوی بدون اجازه زن حقّ تصـرف نـدارد، هر گونه تصـرف بـدون اذن زن تصـرف در مال غیر بوده و حرام است. آیه مقیّـد به منزل پـدر نیست، بنابر این، بطلان این عقیـده، که هر آنچه زن در منزل شوهر از فعالیت اقتصادی به دست می‌آورد، از آن شوهر است، اثبات می‌گردد. زن چه منزل پـدر و چه منزل شوهر، هر تلاش اقتصادی نمایـد، دسترنـج آن در ملکیت خود زن است و پـدر و شوهر هیچگونه حقّی در این اموال و در آمـد ندارنـد. همچنین نحوه خرج کردن به خواست مالک است و شوهر و پـدر و ... نمی‌تواننـد در این زمینه هم دخالتی

نمایند.

۸. حقّ دستمزد شیر دادن بچه

۸. حقّ دستمزد شیر دادن بچه

طبق دو آیه در قرآن دستمزد شیر دادن بچه به مادر واجب است:

«و مادران بایستی دو سال کامل فرزنـدان خود را شیر دهنـد، آن کس که بخواهد فرزند را بطور کامل شیر دهد و به عهده صاحب فرزنـد (پـدر) است که خوراک و لباس ما را به حـد متعارف بدهـد، هیـچ کس را تکلیف جز به انـدازه طاقت نکننـد، نباید مادر در نگهبانی فرزند به زیان و زحمت افتد و نه پدرش از متعارف برای کودک متضـرر شود، ... و اگر خواهند که مادران فرزندان را شیر دهند، آن هم روا باشد در صورتی که مادر را حقوقی به متعارف بدهید و از خدا بترسید «۱» ...». (۱). بقره، آیه ۲۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۱۵

همچنین در آیه دیگر می‌فرماید:

«اگر (زنان مطلّقه) باردار باشند، تا وقت وضع حمل نفقه دهید، آنگاه اگر فرزند شما را شیر دهند، اجرت شان را با قرار داد متعارف بین خود بپردازید، و اگر با هم سـخت‌گیری کنید، دیگری را برای شیر دادن طلبید، تا مرد دارا به وسعت و فراوانی نفقه زن شیرده را بدهـد، و آن که نادار و تنگ معیشت است، از آنچه خدا به او داده انفاق کند ...». «۱» همچنین ابی عبداللّه علیه السلام در این زمینه فرمودنـد: «... تا وقتی که فرزند شـیر خواراست، نگهداری وی بین پدر و مادر بالسّویه است و زمانی که از شـیر گرفته شد، پس پدر نسبت به فرزنـد از مادر محقّ‌تر است، پس زمانی که پـدر فوت کرد، پس مادر محقّ‌تر است، و اگر پـدر کسـی را بیابد که فرزند به چهار درهم شـیر دهد و مادر بگوید شیر نمی‌دهم مگر پنج درهم پس بر پدر است که فرزند را از مادر بگیرد، که آن برای پدر بهتر است، ولی فرزند مادر را ترک نکند». «۲» از سویی، برای اینکه خود مادر ترغیب به شـیر دادن شده و پدر در فشار مالی قرار نگیرد، خداوند! اجر و پاداش برای هر بار شـیر دادن به بچه برای مادر قرار داده است. چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله به امّ سلمه فرمودند: «... زمانی که مادر بچه‌اش را شـیر می‌دهد خدا برای مادر در هر مکیدن، پاداش آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل علیه السلام به او می‌دهد، سـپس زمانی که از شـیر دادن فارغ شد، فرشـته‌ای بر پهلوی وی می‌زند و می گوید: عمل را از سر بگیر که خداوند تو را بخشید». «۳» (۱). طلاق، آیه ۶.

(۲). وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب ۸۱، ح ۱، ص ۱۹۱.

(۳). بحارالانوار ج ۱۰۱، باب ثواب النساء، ج ۱، ص ۱۰۷، و نیز ج ۱۰۳، ص ۲۵۲، ۱۰۶ و نیز امالی الصدوق، ص ۴۱۱.

۹. حقّ الزحمه برای انجام کار منزل و نگه داری بچه

۹. حقّ الزحمه برای انجام کار منزل و نگه داری بچه

علّامه سیّد محمد حسـین فضل اللّه در حقوق زن و مرد می‌فرمایند: «اسـلام- به لحاظ قانونی- در داخل خانه هرگز مسئولیّت و حتّی یکی از مسـئولیّت‌های کارهای منزل را به گردن زن نگذاشـته است، چرا که اسلام نمی‌خواهد زن به عنوان خدمتکار مرد و فرزندان او، تلقی گردد که اراده و تصـمیم او زیر پا خرد شود، بلکه می‌خواهـد زن از در فراغ وارد زنـدگی خانوادگی شود که احساس کند در خانه شوهر زندگی انسانی در پرتو آزادی اراده و عمل، می‌باشد».

زن به انجام کار منزل و نگهداری بچّه مکلّف نیست. در صورت رضایت زن برای انجام این امور مرد باید اجرت المثل بپردازد.

۱۰. حقّ حضانت فرزند

۱۰. حقّ حضانت فرزند

حِضْن به معنای نگهداری چیزی است. از نظر مفهومی، همه گونه نگهداری از کودک را در بر می گیرد: پاکیزگی، خورانیدن غذا و بر آوردن نیازهای غذایی، پوشش، تربیت، آموزش ....

ولایت مربوط به نظارت بر اموال و ازدواج است. در کلمات فقهاء از حضانت نیز به نوعی ولایت تعبیر شده است. لکن اطلاق ولایت بر حضانت، با ولایت اصطلاحی فرق دارد، گرچه بین حضانت و ولایت رابطه مستقیم وجود دارد. میزان توان مالی کودک و چگونگی مصرف آن در چگونگی حضانت، اثر مستقیم می گذارد. «۱» (۱). فصلنامه فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی، ش ۱۵- ۱۶ سال ۷۷، مقاله حقّ سرپرستی و نگهداری کودک ص ۱۳۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۱۷

از حضرت علی علیه السلام در تفسیر کلمه «الرحمن» نقل شده است که فرمود:

«از نشانه‌های رحمت خداوند این است که چون قدرت حرکت و تغذیه را از کودک گرفته، آن نیرو را در مادر قرار داده و او را نسبت به فرزند مهربان کرده است تا به تربیت و نگهداری او بپردازد. پس اگر مادر، سنگدل شد، تربیت و نگهداری کودک، بر دیگر مؤمنان واجب است». «۱» همچنین در حدیث نبوی آمده است: «الامّ احقّ بحضانهٔ ابنها مالم تتزوّج» «۲» «مادر، تا زمانی که ازدواج نکرده، در تربیت و نگهداری کودک خویش سزاوارتر و شایسته‌تر است».

در حدیثی دیگر آمده است که «مادر تا هفت سالگی برای تربیت محقّ‌تر است اگر خود زن بخواهد».

محدوده زمانی حقّ حضانت

«حقّ حضانت تا زمانی است که طفل به حدّ بلوغ نرسیده باشد، امّا بعد از بالغ شدن و رشد یافتن هیچکس حتی پدر و مادر حقّ حضانت بر او ندارد، بلکه او برای خود انسانی است که اختیار خود را دارد چه پسر باشد و چه دختر». «۳» البته مسئله اطاعت از والدین و رضایت آنها نیز در روابط فرزند با والدین مطرح است که با مسئله ولایت و حضانت تعارضی ندارد، چرا که اطاعت و رضایت والدین محدود به اطاعت خدا و موازین شرعی است، و فرزند طبق فرمایش قرآن حقّ اطاعت از والدین در انجام معصیت را ندارد، بنابر این، لازمه اطاعت از والدین، پذیرش ظلم و معصیت و امور خارج از شرع (۱). بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۴۸.

(۲). جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۸۹ و نیز وسائل الشیعه ج ۱۵، ص ۱۹۱، ح ۴.

(۳). تحریرالوسیله، ج ۲، القول فی احکام الولادهٔ و ما یلحق بها، مسئله ۱۸، ص ۲۸۰، ترجمه ج ۴، احکام ولادت، ص ۱۱۳، مسئله ۱۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۱۸

نخواهد بود هر چند ولایت و حضانت نیز محدود می‌باشد.

«وَ إِنْ جاهَداکَ لِتُشْرِکَ بِی ما لَیسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ فَلا تُطِعْهُما إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ فَأُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» «۱» «اگر پدر و مادر تو را به شرک به خدا که آن رابه حقّ نمی‌دانی وادار کنند، در این صورت دیگر امر آنها را اطاعت نکن و امّا در دنیا با آنها به حسن خلق مصاحبت کن و از راه آن کس که به درگاه ما رجوع و انابه‌اش بسیار است پیروی کن، که پس از مرگ رجوع شما به سوی من است، و من شما را به پاداش اعمال‌تان آگاه خواهم ساخت».

بنابر این، منظور از رضایت والدین در مسیر اطاعت الهی است، نه در مواردی که بر اثر عقیده خاص، بر خلاف مصلحت فرزند و در جهت ایجاد مفسده یا آنچه او را از دائره طاعت خدا خارج می‌سازد، امری کنند و از او بخواهند واجب یا مستحبی را ترک نماید، زیرا خداوند متعال هیچ انسانی را که عقده مسائل دینی را در دل دارد، بر انسان دیگر مسلّط نکرده است، تا مستحبّات را فرو گذارد

یا مکروهات را مرتکب گردد و مانند اینها. «۲»

تکالیف و وظایف زن

۱. اطاعت و تمکین خاص و آراستگی

۱. اطاعت و تمکین خاص و آراستگی

عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: «انّ امرأة أنت رسول اللّه صلی الله علیه و آله لبعض الحاجة فقال لها: لعلّک من المسوّفات قالت: و ما المسوفات یا رسول اللّه؟ قال: المرأة الّتی یدعوها زوجها لبعض الحاجة فلا- تزال تسّوفه حتّی نعیس زوجها فینام الّتی لا تزال (۱). لقمان، آیه ۱۵.

(۲). علّامه فضل اللّه، سیّد محمد حسین، دریچه‌ای به دنیای جوانان، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، ص ۶۰، تهران ۱۳۷۸.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۱۹

الملائکه یلعنها حتّی یستیقظ زوجها». «۱» از ابا عبداللّه علیه السلام نقل شده که فرمود: همانا زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله برای بعضی نیاز آمد، پس پیامبر به او فرمود: شاید تو از مسوّفات هستی؟ زن گفت:

مسوّفات چیست یا رسول اللّه؟ گفت: زنی که شوهرش او را برای حاجتی دعوت می‌کند اجابت نمی‌کند تا اینکه او را چرت می‌گیرد و می‌خوابد پس آن کسی که اجابت نمی‌کند ملائکه او را لعنت می‌کنند تا اینکه شوهرش بیدار شود».

همچنین در اطاعت زن از شوهر از حضرت جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله به زنان گفتند، نمازتان را طول ندهید برای اینکه مانع شوهرتان شوید». «۲» بنابر نظر امام خمینی قدس سره نشوز در زوجه عبارت از این است که از اطاعت شوهر آن مقدار که واجب است، خارج شود، مثلًا خود را در اختیار او قرار ندهد، و چیزهایی نفرت آوری که منافات با تمتّع و التذاذ شوهر از زن دارد از خود دور نسازد، حتی در موردی هم که شوهر تقاضای آرایش از او دارد، ترک تنظیف و آرایش از مصادیق نشوز است، و امّا اطاعت نکردن شوهر در کارهایی که شرعا به عهده زن نیست نشوز به شمار نمی‌آید، پس اگر از خدمت در خانه سرباز زند و در تأمین حوائج شوهر حوائجی که مربوط به کام‌گیری از وی نیست از قبیل جاروب کردن یا خیاطی یا طبخ غذا و امثال اینها کوتاهی کند ناشزه نمی‌شود تا جایی که اگر آب خوردن به دست شوهر ندهد یا رختخواب نیندازد باز هم ناشزه نیست». «۳» (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب النکاح ابواب مقدماتهٔ و آدابه، باب ۸۳، ص ۱۱۷.

(۲). همان، باب ۸۳، ح ۱، ص ۱۱۷ و نیز ص ۱۱۲، ح ۲.

(۳). ترجمه تحریرالوسیله، ج ۴، گفتار در نشوز، ص ۱۰۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۲۰

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «کسی که از زناش اطاعت کند خداوند او را با صورت به آتش می‌اندازد. گفته شد، اطاعت چیست؟ فرمود: اینکه بخواهد به حمام یا عروسی و جشن‌ها و سوگواری برود و لباس نازک بپوشد». «۱» بنابر این، دائره اطاعت زن از شوهر، محدود به امور زناشویی و خروج از منزل است که به حقّ تمتّع شوهر مربوط می‌شود. لذا، زن مجبور نیست، در کلیه امور زندگی از شوهر اطاعت کرده و حقوق انسانی خود را نادیده گیرد. زن، همچون مرد، انسانی است مستقل، با تمام خصوصیات انسانی، و برخوردار از همه مواهب و حقوق انسانی، که خداوند عنایت نموده است. در دائره زوجیّت زن و شوهر شریک زندگی همدیگرند نه رئیس و مرئوس. واداشتن زن به انجام امور منزل و ... ظلم به زن است.

از طرفی زن نباید، حقّ شوهر را مشروط یا وسیله‌ای برای رسیدن به خواسته‌های خود نماید، و وی را در تنگنا قرار دهد، تا برای

رسیدن به حقّ خود، امیال و خواسته‌های زن را که برخی مواقع خارج از حدود شرع و زیاده خواهی و ...
است، انجام دهد، مثل اینکه از شوهر درخواست قطع رابطه با مادر خواهر و ...
کرده و یا وسیله‌ای گرانبها برای او خریداری نماید و ... در این صورت، زن در حقّ شوهر ظلم نموده است.

۲. اذن خروج از منزل از شوهر

۲. اذن خروج از منزل از شوهر
زن باید برای خروج از منزل از شوهر اجازه بگیرد. این اجازه، در مریضی و حج واجب و علم آموزی ساقط می‌گردد. شوهر موظف است یا خود در (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب النکاح باب ۹۵، ابواب مقدماته و آدابه، ح ۱، ص ۱۳۰ و نیز الخصال، ج ۱، ص ۱۳۰، بحارالانوار از خصال نقل کرده است، ج ۱۰۰، ص ۲۴۲، ح ۹.
حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۲۱
منزل اسباب تعلیم زن را در علوم دینی مهیا نماید، یا امکانات بیرون از منزل را در اختیار وی قرار دهد. همچنین این اجازه با شرط ضمن عقد قابل اسقاط است.

تکالیف و وظایف مشترک زن و شوهر

۱. وفاداری

۱. وفاداری
زن و شوهر موظّف اند، در ایجاد رابطه عاطفی که یکی از ارکان علقه بین زوجیّت است، تلاش نموده و این عاطفه را خالصانه و بی‌شائبه حفظ نمایند.
عدم وفاداری هر یک از طرفین، خیانت به عاطفه و احساس خالصانه طرف دیگر است که ضربه‌ای جبران‌ناپذیر بر پیکر خانواده وارد می‌سازد چرا که امکان بخشش کمتر است.

۲. معاضدت و همکاری در تربیت فرزند

۲. معاضدت و همکاری در تربیت فرزند
تربیت فرزند به عهده هر دو پدر و مادر است و مسئول تربیت و پرورش فرزند در جنبه‌های مختلف هستند و هر یک باید نقش خود را ایفا نمایند. به جهت اینکه بیشتر نیازهای عاطفی و جسمی کودک توسط مادر تأمین می‌شود، وظیفه مادر بیشتر است لذا حقّ عاطفی مادر نیز بیشتر است. البتّه در صورت تزاحم حقّ عاطفی مادر با حقّ مالی پدر، حقّ پدر مقدّم است، چنانکه حقّ همسر بر حقّ والدین مقدّم است.

۳. رعایت حقوق یکدیگر

۳. رعایت حقوق یکدیگر
وظیفه اصلی زن و شوهر رعایت حقوق شرعی و قانونی یکدیگر است.
در این صورت است که خانواده از نظام استبدادی و زن سالاری و مرد سالاری نجات یافته و حقّ خواهی و حقّ سالاری و تکلیف

مداری، حاکمیت می‌یابد.

۴. امر به معروف و نهی از منکر

۴. امر به معروف و نهی از منکر

در قرآن با ۹ بار تکرار، وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر زن و مرد مسلّم گردیده بنابر این، بر همه مسلمانان از جمله زن و شوهر لازم است یکدیگر را در معروف و منکر تذّکر دهند: «وَالمُؤْمِنُونَ وَالمُؤْمِناتِ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بِالمَعْرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ المُنْکَرِ» «۱» «مردان و زنان مؤمن بر یکدیگر ولایت دارند، یکدیگر را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می کنند».
و همچنین، حدیثی مسئولیّت همگانی را بیان می‌دارد: «کلّکم راعٍ و کلّکم مسئول عن رعیّته». «۲»

روابط زن و شوهر در اسلام

روابط مومنین با یکدیگر

روابط مومنین با یکدیگر

احادیث زیادی در منع از غمگین و ناراحت ساختن مؤمنین و مجازات اخروی آن آمده است به برخی از آنها اشاره می‌نمائیم:
قال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله: «مَنْ احْزَنَ مؤمناً ثمَّ اعطاهُ الدنیا لم یکن ذلک کفّارَتَهُ وَ لَمْ یُوجَرُ علیه». «۳» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آن که انسان مؤمنی را غمگین سازد، اگر همه دنیا را به او بدهد جبران کارش نمی‌شود و پاداشی نیز (در این بخشش دنیا) ندارد».
پیامبر گرامی در جایی دیگر فرموده‌اند: «مَنْ آذی مؤمناً فَقَدْ آذانی وَ مَنْ آذانی فَقَدْ آذَی اللَّه، وَ مَنْ آذی اللَّه فهو ملعونٌ فی التوارهٔ و الانجیل و (۱). توبه، آیه ۷۱.

(۲). بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۳۸.

(۳). بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۵۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۲۳

الزبور والفرقان». «۱» «آن که به مومنی آزار رساند، مرا آزار کرده است و آن که مرا آزار دهد، خدای را آزار داده است، و آن که خدای را آزار داده، در توارت و انجیل و زبور و قرآن نفرین شده است».
همچنین، امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «خداوند می‌فرماید: آن که بنده مؤمن مرا بیازارد، آگاه باشد، به جنگ از ناحیه من». «۲» همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در پرهیز از تحقیر و رفتاری ناخوشایند با مؤمنین فرموده‌اند:
«آن که مؤمنی را به قصد تحقیر (از نزد خویش) براند یا به او سیلی بزند، یا با او برخوردی ناخوشایند داشته باشد، ملائکه او را نفرین کنند، تا آنگاه که آن مؤمن را نسبت به حقّ‌اش راضی کند و از کردارش (نسبت به او) توبه کند و آمرزش بخواهد ...». «۳»
این احادیث و آیاتی در این موضوع در قرآن، نشانگر اهمیت و وجود حدّ و مرز اخلاقی بین مسلمانان بوده، و تعدّی از این حدّ و مرز مستوجب عذاب اخروی هست. روابط زن و شوهر نیز، از این دائره مستثنی نبوده، و هر یک، ملزم به رعایت این حدّ و مرز شرعی در روابط خود می‌باشند. علاوه بر این، به لحاظ رابطه بین زن و شوهر و دوام زندگی زوجین به سبب علقه صمیمیّت و رحمت و یکپارچگی، الزامات اخلاقی، بیش از این می‌طلبد، تا استحکام و بنیان زندگی زوجین، در سایه آن خدشه دار نشده و تداوم یابد. چرا که مسئله ازدواج، صرفاً تشکیل خانواده و اشباع غرایز نفسانی نبوده، بلکه تأمین (۱). همان.

(۲). کافی، ج ۲، ص ۳۵۰.

(۳). علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۱۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۲۴

نیازهای روحی و عاطفی در هماهنگی روح و جسم با انسان دیگری نیز هست. آیه شریفه ۲۱ سوره روم به این مطلب اشاره نموده و می‌فرماید:

«وَمِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَجَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»

«و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید، تا در کنار آنها آرامش یابید، و در میان‌تان مودّت و رحمت قرار داد».

این آیه شریفه، به خلقت یکسان زن و شوهر اشاره داشته و آن را یکی از نشانه‌های خداوند عنوان نموده است. بنابراین، تأکید بر انسانیّت انسان، گویای رعایت حقوق انسانی هر دو طرف می‌باشد، چرا که هر دو از ذات انسانی واحد و یگانه با تمام ویژگی‌های انسانی برخوردار هستند. فراز دیگر آیه علت یکسانی خلقت را آرامش مرد در کنار زن در سایه رابطه مودّت و رحمت عنوان نموده است. رابطه مودّت و رحمت رابطه‌ای پیوسته، در سراسر زندگی زوجین است که احساس عقلانی محبّت‌آمیز و مودّت آن را تشکیل می‌دهد، لذا، احساسی غیر عقلانی و زودگذر و متّکی به هوای نفسانی در این ارتباط نمی‌گنجد. این رابطه، ایثار و گذشت و رحمت، بی‌پیرایگی، و یکدلی و عشق و صمیمیّت و عقلانیّت و منطق و اصول انسانی و اسلامی را در بر دارد، چنین ارتباطی است که زن و شوهر را وا می‌دارد، متناسب با ظرفیّت خانوادگی، روحی و اجتماعی یکدیگر را درک نموده و مسئولیّت‌پذیر باشند، و با یکدیگر همچون دوستی صمیمی زندگی کنند. در چنین فضایی، دیگر خودکامگی و خودنگری، جایگاهی پیدا نکرده و این رابطه به جای اندیشه و احساس در عمل به ظهور و بروز خواهد رسید، و هر یک از زوجین برای رسیدگی به دردها و مشکلات یکدیگر و رسیدن به آمال و آروزها از یکدیگر پیشی گرفته، و در اصلاح اشتباهات یکدیگر با مدارا و رفق و حکمت برخورد خواهند نمود. در این صورت است که زندگی زن و شوهر در

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۲۵

«آرامش» سپری شده و در کنار زیبائیهای زندگی به خوشبختی دست می‌یابند. خداوند حکیم برای جلوگیری از خودکامگی و خود محوری زن و شوهر، قوانین و مقرراتی به صورت حقوق و تکلیف قرار داده است تا هر دو ملزم به رعایت آن گردند؛ امّا برای اینکه رابطه زن و شوهر در حدّ قانون قهرآمیز، به رابطه‌ای خشک و قهریّه مبدّل نشود، برای تحکیم بنیان خانواده و تلاش ایثار گرانه زن و شوهر در تأمین نیازهای یکدیگر پاداش‌هایی قرار داده است که رابطه موّدت و رحمت را مصداق و معنا می‌بخشد. چنانکه وظیفه شوهر تأمین تمامی نیازهای مالی زن نیست، امّا تلاش مرد برای تأمین خواسته‌های مالی زن پاداشی همچون پاداش مجاهد در راه خدا، در پی دارد که می‌فرماید: «الْکادّ عَلی عِیالِهِ کالْمُجاهِدِ فِی سَبیلِ اللَّهِ». «۱» همچنین پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «یا علی کسی که از خدمت به عیال «۲» ننگ عار ندارد، بدون حساب وارد بهشت می‌شود. یا علی خدمت به خانواده کفّاره گناهان کبیره است و خشم خداوند را خاموش می‌سازد و مهرها و صداق‌های حورالعین محسوب می‌شود، و بر حسنات و درجات انسانها می‌افزاید، یا علی، خدمت نمی‌کند خانواده را، مگر صدّیق و یا شهید خداوند برای او خیر دنیا و آخرت را می‌خواهد». «۳» همچنین انجام کارهای منزل و نگه‌داری وتر و خشک کردن بچه وظیفه زن نیست، امّا برای اینکه ایثار و گذشت و لطف و رحمت در خانواده مفهوم و ارزش والایی به خود بگیرد، برای تلاش زن نیز در خانواده پاداش‌هایی (۱). وسائل الشیعه، ابواب مقدمات تجارت، باب ۲۳.

(۲). عیال در لغت به معنی زن و فرزند، اهل خانه و کسانی که نانخور مرد باشند، است.

(۳). مستدرك الوسایل، ج ۱۳، ص ۴۹، باب ۱۷ و بیان پاداش‌های دیگر در حدیثی در بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۳۲ و جامع الاخبار، ص ۱۰۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۲۶

منظور شده است. چنانکه امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«ایّما امرأة دفعت من بیت زوجها شیئاً من موضع الی ترید به صلاحا نظر اللَّه الیها و من نظر اللَّه الیه لم یعذّبه «۱»».

هر زنی که در خانه شوهرش چیزی را برای سامان دادن وضع خانه جابجا کنـد، خداوند نظر رحمت به او می‌نماید، و هر کس مورد نظر رحمت خدا قرار گیرد، خدا عذاب‌اش نمی‌کند».

در اسـلام تـا جایی ایثار در خانواده، مطرح است که رعایت نظر همسـر در غـذا خوردن نیز مـدنظر قرار داده شـده است، بطوری که پیامبر می‌فرماید:

«الْمُؤمِنُ یأکل بشهوهٔ اهله، و المنافقُ یأکل اهْلُهُ بشهوته» «۲»

«مؤمن به میل همسرش غذا می‌خورد و منافق، همسرش به میل او غذا می‌خورد».

قرآن نوع ارتباط و پیوستگی را که عبارت از مودّت و رحمت است، در قالب لباس نیز بیان نموده است: «هُنَّ لباسٌ لَکُمْ وَ انْتُمْ لِباسٌ لَهُنَّ» «۳»

زنان لباس (زینت و مایه عفاف و پاکی) شما و شما مایه عفاف و پاکی و لباس زنان هستید».

در این آیه، بـا کمـال صـراحت و شـیوایی ارتباط و پیوسـتگی و نوع روابط زن و شوهر بیان شـده است. تشبیه نمودن زن و شوهر به لباس، تعبیری روشن، و در عین حال پر معنی و زیباست که بیان‌گر نسـبت زن و شوهر به یکـدیگر، در قالب اسـتعاره هست. چنانکه پیـداست لباس هم زینت است و زیبایی بخش، و (۱). وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۵ و نیز بحارالانوار، ج ۱۰۱، باب ثواب النساء ... ح ۱.

(۲). بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۲۹۱.

(۳). بقره، آیه ۱۸۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۲۷

هم زشتی‌هـا را می‌پوشانـد، و نیز وسـیله‌ای برای حفـظ عفت و پـاکی است. بنـابر این، زن و شوهر بایـد در تـأمین نیازهـای روحی و جسـمی یکدیگر بکوشـند علاوه بر این، زشتیها را پوشانده و با رفق و مدارا یکپارچگی و همدلی و مسئولیّت پذیری در قبال دیگری را بروز نمایند.

حقوق فردی و اجتماعی زن از دیدگاه اسلام

اشاره

حقوق فردی و اجتمـاعی زن از دیـدگاه اسـلام زن علاـوه بر برخورداری از حقوق خاص در دائره زوجیّت، به عنوان انسانی مسـتقل نیز، دارای حقوقی است که بدان‌ها می‌پردازیم:

۱. حقوق انسانی

۱. حقوق انسانی

در اسلام زن و مرد در خلقت و ویژگی‌های انسانی یکسان خلق شده و از نظر ذات انسانی از حقوق یکسان برخوردارند. در این زمینه، در بحث خلقت زن در قرآن و مقام زن در قرآن به تفضیل سخن رفته است.

۲. حقّ تعلیم و تعلّم

۲. حقّ تعلیم و تعلّم

وجوب تعلّم و علم آموزی بر همگان با ۲۷ بار تکرار در قرآن که آیات به علیم بصیر و ... ختم گردیده است با استعمال فعل امر «۱» اعْلَمُوا اثبات می‌گردد.

احادیث زیادی نیز دلالت بر وجوب علم آموزی بر هر زن و مردی دارد.

چنانکه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فریضَهٌ عَلی کُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمهٌ» «۲»

(۱). فعل امر اگر از بالا دست باشد، دلالت بر وجوب می‌کند.

(۲). الحیاهٔ، ج ۱، ص ۷۰۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۲۹

«یادگیری علم بر هر مرد مسلمان و زن مسلمانی واجب است». همچنین علی علیه السلام دستور به یادگیری قرآن داده و می‌فرمایند: «وَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فِانَّهُ احْسَنُ الحدیثِ، و تَفَقَّهُوا فیه فانّه ربیعُ الْقُلُوبِ» «۱»

«قرآن را بیاموزید زیرا بهترین سخنان است، و در قرآن کنکاشی و تدبّر کنید چون بهار دل‌هاست».

از این روست که دلایل وجوب علم را در آیات و احادیث می‌یابیم، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «خداوند به وسیله علم پرسش می‌شود و به وسیله علم اطاعت می‌شود، خیر دنیا و آخرت در علم است و شرّ دنیا و آخرت در جهل». «۲» امام صادق علیه السلام نیز پایه اوّل رسیدن به نور علم و معرفت و شهود را محقّق ساختن حقیقت عبودیّت و بندگی خداوند در خویش می‌دانند: «فأنْ ارَدْتَ العِلْمَ فَاطْلُبْ فِی نَفْسِکَ حَقیقَهَٔ العُبُودیَّهِٔ» «۳»

و چنین علمی را نور خدا می‌دانند و می‌فرماید:

«آن علم آموختنی نیست، همانا نوری است که در دل آن کس که خداوند بخواهد راهنمایی و هدایت‌اش کند، قرار می‌گیرد» «۴». ره توشه چنین علمی، صفای باطن، تزکیه نفس و زهد و تقواست، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «اگر بنده‌ای چهل صباح برای خداوند خالص گردد، خداوند چشمه‌هایی از حکمت و معرفت را از قلب‌اش بر زبان‌اش جاری می‌سازد». «۵» از این روست که قرآن می‌فرماید: «إِنَّما یَخْشَی اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ» «۶»

و (۱). نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

(۲). مشکوهٔ الانوار، ص ۱۳۵، و قریب همین مضمون تحف العقول، ص ۲۷.

(۳). بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۵.

(۴). همان، ج ۷۷، ص ۲۶۳.

(۵). همان، ج ۷۰، ص ۲۴۲، و ج ۵، ص ۸۵.

(۶) فاطر آیه ۲۸

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۳۰

ایمان و علم در کنار هم درجات مؤمن را بالا می‌برد: «یَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَالَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ» «۱»

«خداوند مقام اهل ایمان و دانشمندان عالم را بلند و رفیع می‌گرداند». در این نوع علم و ارزش عالم نیز زن و مرد یکسان‌اند.

طلب علم برای تبلیغ دین امری ضروری است. قرآن کریم مقدمه تبلیغ دین را علم آموزی و تفقّه در دین عنوان نموده، می‌فرماید: «فَلَوْلا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَلِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ» «۲» «نباید مؤمنان همگی بیرون رفته (و رسول را تنها گذارند)، بلکه از هر طائفه‌ای جمعی برای آموختن و تفقّه در علم دین آماده باشند، برای اینکه قوم خود را بترسانند و به سوی ایشان باز گردند شاید از نافرمانی پرهیز نمایند».

بنابر، این مبانی دینی است، که ممانعت از خروج زن برای تعلیم بر شوهر حرام و تعلیم زن بر وی واجب است: «و یحّرمُ علی الزوج منع الزوجة من الخروج للتعلیم ان لم یکن عالماً و الّا علّمها وجوباً». «۳» در تاریخ اسلام، در جامعه پر از خفقان عربستان، زنان زبده و اهل علم و تقوا حضور مثمر ثمر داشتند. حضرت زهرا علیها السلام کلاس درس داشتند، حضرت زینب علیها السلام از زنان اهل علم بودند، حضرت نفیسه عروس امام صادق علیه السلام ۴۰۰ شاگرد مرد داشته و تدریس می‌کردند». «۴» (۱). مجادله، آیه ۱۱.

(۲). توبه، آیه ۱۳۲.

(۳). جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۸۴.

(۴). فصلنامه شورای فرهنگی- اجتماعی زنان ش ۷، ص ۳۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۳۱

علّامه مجلسی نیز چهار دختر خود را مجتهد تربیت کرده است.

مقام معظم رهبری حضرت آیت اللَّه خامنه‌ای در دفاع حقوق زنان و لزوم علم آموزی می‌فرمایند:

«... باید زنان و دختران وادار به تحصیلات عالیه شوند و تسهیلات لازم برای ورود دختران به مراکز عالیه علمی از طرق قانونی تأمین شود، زیرا زنان تنها با تکیه بر علم و معرفت و در اختیار قرار گرفتن قانون می‌توانند از حقّ خود دفاع کنند». «۱» همچنین ایشان در تحصیل زنان فرمودند: «زنانی که توانایی کسب دانش پزشکی را دارند، بر آنان فریضه است که در رشته پزشکی به تحصیل بپردازند».

همچنین در این رهنمودها ویژگیهای زن مسلمان را چنین توصیف فرمودند:

«زن مسلمان باید در راه فرزانگی و علم تلاش کند، در راه خود سازی معنوی و اخلاقی تلاش کند، در میدان جهاد و مبارزه- از هر نوع آن- پیشقدم باشد، نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم ارزش، بی اعتنا باشد، عفت و عصمت و طهارت‌اش در حدّی باشد که چشم و نظر هرزه بیگانه را به خودی خود، دفع کند، در محیط خانه، دل آرام مرد، شوهر و فرزندان‌اش و مایه آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد». «۲»

۳. حقّ آزادی عقیده

۳. حقّ آزادی عقیده

زن همچون مرد، در اندیشیدن و عقاید و باورها آزاد است و تابعی از شوهر و پدر و ... نیست. او خود انسانی است مستقل که در سایه عقل و منطق و اندیشه، جهان بینی و دیدگاهی را بر خود می‌گزیند و بر آن پایدار می‌ماند. (۱). فصلنامه شورای فرهنگی- اجتماعی زنان ش ۷، ص ۳۹.

(۲). فرمایشات آیت اللَّه خامنه‌ای، ۳۱/ ۴/ ۷۶.

(۳). رهنمودهای حضرت آیت اللَّه خامنه‌ای درباره زن ۲۶/ ۱۰/ ۶۸.

۴. حقّ حرمت و امنیت و حفظ آبرو و حیثیت در خانواده و جامعه

۴. حقّ حرمت و امنیت و حفظ آبرو و حیثیت در خانواده و جامعه

«فَلا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتاناً» «۱» «البته نبایـد چیزی از مهر او بازگیرید، آیا به وسیله تهمت زدن به زن مهر او را می گیرید و این بهتان و گناهی آشکار است.

علاوه بر این، در جامعه نیز باید حرمت و احترام زن به عنوان یک انسان حفظ شده، و به عنوان ابزار تبلیغاتی مورد سوء استفاده واقع نشود. از این جمله است مزاحمتها و نگاههای ناروای مردان که حریم آزادی و امنیت فردی زن را پایمال می‌نمایـد. زن حقّ دارد، به دور از اعمال تحریک‌آمیز در جامعه حضور فعّال داشته باشد. زن ناموس خداست لذا حفظ حرمت و تأمین امنیت وی واجب است.

۵. حقّ ارث

۵. حقّ ارث

«اوَلِلنِّساءِ نَصِيبٌ مِمّا تَرَكَ الوالِدانِ وَالأَقْرَبُونَ مِمّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيباً مَفْرُوضاً» «۲» «برای زنان سهمی از ترکه ابوین و خویشان است، چه مال اندک باشد چه بسیار، نصیب هر کس از آن معین گردیده است».

«يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الأُنثَيَيْنِ» «۳» از امـام رضـا علیه السـلام علت نصـف بـودن سـهم زن از ارث سوال شـد، فرمودنـد: به جهت اینکه زن زمانی که ازدواج می کنـد، مالی را می گیرد و مرد می‌دهـد، و علت دیگر اینکه زن عیال مرد است، اگر نیاز مالی پیدا کرد، مرد پرداخت می کند، از این جهت است که خداوند فرموده است: «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى (۱). نساء، آیه ۲۰.

(۲). نساء، آیه ۷.

(۳). نساء، آیه ۱۱.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۳۳

النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَبِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ» «۱» علّامه محمـد تقی جعفری قانون فوق را کلی ندانسته، و موارد نقض آن را چنین بر می‌شمارند:

۱. اگر وارث میّت فقط پدر و مادر و یک پسر باشد، مال شش قسمت می‌شود، چهار قسمت را پسر و هر یک از پدر و مادر یک قسمت می‌برند.

۲. اگر میّت چند برادر و خواهر مادری داشته باشد، مال بطور مساوی میان آنها تقسیم می‌شود.

۳. سهم الارث فرزندان برادر و خواهر مادری میان زن و مرد مساوی تقسیم می‌شود.

۴. اگر وارث میّت منحصر به جد و جدّه مادری باشد، مال میان آنها مساوی تقسیم می‌شود.

۵. اگر وارث میّت هم دایی و هم خاله داشته باشد، و همه آنها پدر و مادری یا پدری، یا مادری باشند، مال به طور مساوی میان آنها تقسیم می‌شـود، و در آن مـوارد که مرد دو برابر زن ارث می‌برد، بـدان جهت است که معمولًا زن‌هـا که اداره شـئون خـانواده را به عهـده می گیرنـد، از شـرکت دائمی در مسائل اقتصادی جامعه و ورود در انواع آن مسائل معذور می‌باشـند، لذا تهیه وسایل معیشـت آنان برای مردان واجب است». «۲»

حقّ ارث واقع نشدن زن

حقّ ارث واقع نشدن زن

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّساءَ كَرْهاً» «۳»

(۱). علل الشرایع، ج ۲، باب ۳۷۱، ح ۱، ص ۲۵۷.

(۲). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۱، محمدتقی جعفری، ص ۳۰۰- ۲۹۹.

(۳). نساء، آیه ۱۹.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۳۴

«ای اهل‌ایمان، برای شما حلال نیست‌که زنان را به جبر و اکراه میراث گیرید».

۶. حقّ ادای واجبات و تزکیه نفس

اشاره

۶. حقّ ادای واجبات و تزکیه نفس

«یا أَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّکُمْ وَافْعَلُوا الخَیْرَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ» «۱» «ای اهل ایمان، در نماز رکوع و سجود بجا آوریدو خالص او را بپرستید و کار نیکو انجام دهید، باشد که رستگار شوید».

همچنین خدا در تزکیه نفس و پاداش اخروی آن می‌فرماید:

«یا أَیَّتُها النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ* ارْجِعِی إِلی رَبِّکِ راضِیَةً مَرْضِیَّةً فَادْخُلِی فِی عِبادِی* وَادْخُلِی جَنَّتِی» «۲» « (به اهل ایمان خطاب رسد که) ای نفس قدسی مطمئن و دل آرام به حضور پروردگارت بازآی که تو خشنود و او راضی از توست باز آی و در وصف بندگان خاصّ من درآی و در بهشت من داخل شو».

همچنین قرآن عبادت و بزرگی را، علّت آفرینش جنّ و انس عنوان نموده است «وَ ما خَلَقْتُ الجِنَّ وَ الانْسَ الّا لیعبدونَ» زن همچون مرد، باید در طریق ادای واجبات و تزکیه نفس و معرفت الهی تلاش نماید. هیچ یک از واجبات به جهت زن بودن از زن ساقط نشده است، بنابر این شوهر و پدر و ...

نمی‌توانند مانع ادای واجبات از جمله نماز، حجاب و روزه و ... گردند. چرا که در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران وجوب ادای وظایف شرعی بیان گردیده است:

«یا أَیُّها الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصابِرُوا وَرابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ»

«بر انجام واجبات صبر کنید»

در تفسیر این آیه، امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «بر انجام واجبات صبر (۱). حج، آیه ۷۷.

(۲). فجر، آیه ۳۰- ۲۷.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۳۵

کنید و با دشمنان تان پایداری کنید و پیوند خود را با امام منتظرتان مستحکم کنید». صیغه امر اتَّقُوا در قرآن ۶۹ بار و صیغه‌های دیگر ۹ بار تکرار شده که دستور تقوا پیشگی به همه انسان‌ها می‌باشد.

حقوق اجتماعی زن

حقوق اجتماعی زن

۱. حقّ قضایی زن

یکی از مهم‌ترین حقوق اجتماعی انسان، حقوق قضایی است که عمده آنها عبارتند از: حقّ طرح دعوی یا شکایت و حقّ مراجعه به مراجع قضایی (و لو بر خلاف میل شوهر یا پدر یا علیه آنان)، شرکت در محاکم مزبور و یا تقاضای اجرای حکم از قبیل قصاص،

تعزیر و حقوق مالی یا برای ادای شهادت و امور دیگر مربوط به امر قضا. در این حقوق فرقی میان زن و مرد نیست. «۱» ۲. حقّ اشتغال

«وَلِلنِّساءِ نَصِيبٌ مِمّا اكْتَسَبْنَ» «۲»

«برای زنان از آنچه خود کسب می‌کنند نصیب و بهره است».

طبق فرمایش این آیه، زنان در فعالیّت اقتصادی آزاد بوده و درآمد حاصله از این فعالیّت، به خود آنان اختصاص دارد و شوهر و پدر، حقّی در درآمد آنها نداشته و تصرف در مال زن بدون اذن او، مصداق، تصرف در مال غیر بوده و حرام است. یکی از لوازم تحقق عدالت اجتماعی و تعالی جامعه، اشتغال زنان با رعایت شئونات اسلامی در مشاغل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اداری است که بیش از نیمی از جمعیّت کشور را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، سهیم بودن در اداره کشور در عرصه‌های مختلف، باعث تعالی روحی و معنوی و علمی زنان است. (۱). خامنه‌ای، سیّد محمد، حقوق زن، ص ۸۱، ۱۳۷۵.

(۲). نساء، آیه ۳۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۳۶

۳. حقوق سیاسی زن و ولایت عامّه

«إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَها عَرْشٌ عَظِيمٌ» «۱» «همانا در آن ملک زنی یافتم که بر مردم آن کشور پادشاهی داشت و به آن زن هر گونه امور دنیوی عطا شده بود، علاوه بر این‌ها تخت با عظمتی داشت».

در این آیه و آیات بعدی، پادشاهی زن پذیرفته شده و تنها ایراد بر خداپرست نبودن وی وارد شده است. در برخورد با مشکل، مشورت و قدرت تدبیر زن و توسّل به زور بازوی مردان جنگجوی طرف مشاوره ملکه سبأ، نشانگر قدرت تشخیص و مدیریت یک زن است. ملکه سبا بجای توسّل به زور و جنگ، با تدبیر عقل و منطق، با حضرت سلیمان روبرو می‌شود و حقّ را می‌پذیرد. تمامی این آیات، ملکه سبا را به عنوان پادشاهی دور اندیش و مدبّر و پذیرش و تسلیم از روی عمق فکری، معرفی می‌نماید و نشان می‌دهد که یک زن می‌تواند از تمامی مردان قوم خود عاقل‌تر باشد.

در سوره ممتحنه آیه ۱۰ نیز مهاجرت فی سبیل اللّه و فعالیت سیاسی مذهبی بر زن پذیرفته شده است:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا جاءَكُمُ الْمُؤْمِناتُ مُهاجِراتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِناتٍ فَلا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفّارِ»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون زنان مؤمنی که مهاجرت کرده‌اند، به نزدتان آیند آنها را نزد کافران باز مگردانید ...».

حقّ ذمّه و استجاره

در پیمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با مردم مدینه در بند اوّل آمده است که:

«پیمان و عهد خداوند با تمام مسلمانان را (زن و مرد) یکی است، از این رو اگر دون پایه‌ترین آنها پیمان یا تعهداتی در برابر کفّار به ذمّه بگیرد، محترم و (۱). نمل، آیه ۴۴- ۲۳.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۳۷

مقبول است». «۱» «حقّ ذمّه و استجاره، نوعی حقّ و بستن قرار داد سیاسی است که، در صورت وجود شرایط لازم، به کسی که تقاضای پناهندگی سیاسی یا امان کند، به نام حکومت اسلامی به وی وعده امنیت و پناه جانی و سیاسی بدهد و دولت مکلّف است قبول ذمّه او را بپذیرد و امضاء کند. این حقّ برای زن اهلیّت و لیاقت سیاسی او را می‌فهماند». «۲» در صدر اسلام، فعالیت سیاسی حضرت زهرا و حضرت زینب علیهم السلام در احقاق حقّ رهبری و تبلیغ اسلام و ایستادگی در برابر جریانات انحرافی، نشانگر مسئولیّت اجتماعی و سیاسی زن می‌باشد. ورود دو زن، از اهل بیت عصمت و طهارت در مسائل سیاسی، سر مشقی است برای ترسیم حقوق و مسئولیّت سیاسی زن در اسلام. در ولایت عامه آنچه مطرح است اهلیّت و لیاقت سیاسی است نه جنسیت.

قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران نیز حضرت امام خمینی قدس سرهم به تأسی از سیره پیامبر و ائمه علیهم السلام نیاز جامعه را به حضور فعال زنان احساس نموده و با فتوایی اجازه شوهر برای حضور در تظاهرات و خروج از منزل را لغو نمودند. این حکم ولایی، یکی از موانع حضور و مشارکت سیاسی زنان را از میان برداشت «۳» و در آغاز انقلاب اسلامی فرمودند: «زنان همچون مردان در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند. آنان از حقّ رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند». «۴» (۱). جهت اطلاع از مفاد پیمان نامه رجوع شود به بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۱۰- ۱۱۱ و نیز سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۵۰۴- ۵۰۵ و ۵.

(۲). خامنه‌ای، سیّد محمد، حقوق زن، مقایسه حقوق بشری و مدنی زن در اسلام و اعلامیه حقوق بشر، ص ۷۹- ۷۸.

(۳). فصلنامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان شماره ۷ ص ۴۱.

(۴). امام خمینی قدس سرهم، ۱۱۳/ ۱۱/ ۱۳۵۷ صحیفه نور.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۳۸

همچنین مقام معظم رهبری حضرت آیت اللَّه خامنه‌ای در مشارکت سیاسی زنان فرمودند: «در میدان‌های سیاسی کشور ما زنانی هستند که قدرت تحلیل مسائل پیچیده سیاسی، آماده پذیرش مسئولیت در نظام هستند، که این روند رو به گسترش است و در زمینه‌های علمی- به ویژه پزشکی- نیز وجود خانم‌ها باید رو به گسترش باشد». «۱» ۴. داوری زن در حکومت حضرت مهدی (عج) امام باقر علیه السلام درباره قضاوت زنان و میزان رشد آنان می‌فرماید: «و تؤتون الحکمة فی زمانه حتی انَّ المرأة لتقضی فی بیتها بکتاب اللَّه تعالی و سنة رسول اللَّه صلی الله علیه و آله» «۲» «در زمان مهدی علیه السلام حکمت عطا می‌شود تا اینکه زن در خانه‌اش مطابق کتاب خدا و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کند».

این حدیث عدم امکان ذاتی زن در داوری را ردّ نموده و عوامل محیطی را مانع رشد و عدم توانایی در قضاوت می‌داند.

۵. ولایت زن بر زن (امامت جماعت)

در جواهر الکلام امامت زن بر زن را جائز دانسته ولی در امامت جمعه و جماعت ذکوریت را شرط دانسته است. زن برای مردان و یا به صورت مختلط نمی‌تواند امام باشد. «۳» بنابر این زن واجد شرائط امامت هست، ولی نمی‌تواند امام جماعت مردان شود. سرّ این مطلب، در عدم توانایی زن نیست، در (۱). رهنمود به زنان ۲۶/ ۱۰/ ۶۸.

(۲). بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۲- در موضوع داوری زنان رجوع شود به مقاله سیر آراء و دیدگاه‌های فقه شیعه و اهل سنّت مجلّه فقه کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۱۶- ۱۵ دفتر تبلیغات اسلامی.

(۳). النجفی، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، کتاب الصلاة، الجزء الرابع، ص ۳۹۲.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۳۹

این صورت باید برای امامت زنان هم ممنوع می‌شد. اینجا حفظ کرامت و حجاب و رعایت تقواست و تحقیر مرد، که توانایی حفظ چشم و افکار را در صورت زن بودن امام جماعت نخواهد داشت. در واقع، عدم توانایی مرد، بر کفّ نفس را به اثبات می‌رساند نه نقض ذاتی یا عدم توانایی زن! از این رو نماز مرد، پشت سر نمازگزار زن موجب بطلان نماز مرد است.

۶. حقّ امر به معروف و نهی از منکر

قرآن به همه انسانها اعم از زن و مرد دستور می‌دهد در راه دین قیام کرده و تفکر کنند و خدا را بپرستند.

«قُلْ إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنی وَفُرادی ثُمَّ تَتَفَکَّرُوا ما بِصاحِبِکُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلّا نَذِیرٌ لَکُمْ بَیْنَ یَدَیْ عَذابٍ شَدِیدٍ» «۱» «ای رسول به امّت بگو من شما را به یک سخن پند می‌دهم و آن این است که برای خدا خالص یک نفر و یا دو نفر با هم به تنهایی در امر دین‌تان قیام کنید، درباره من عقل خود را به کار بندید تا به خوبی دریابید که صاحب شما امّت را جنون نیست، رسولی است از جانب خدا، که از پیش شما را از عذاب سخت می‌ترساند».

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:
«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» «۲» «و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدیها بنمایند، و اینها هستند که رستگار خواهند بود».
کلمه امّت اختصاص به جنس مرد نداشته و شامل کلیه مسلمانان اعم از زن و مرد می‌شود. (۱) سبا آیه ۴۶
(۲) آل عمران آیه ۱۰۴

یافته‌های پژوهش در مطالعات بنیادی

یافته‌های پژوهش در مطالعات بنیادی ۱. فرهنگ غالب و عرفیّات، در اعصار مختلف با دیدگاه و مواضع اسلام طوری آمیخته شده است که، گاهی فرهنگ غالب، دیدگاه اسلام تلقی می گردد.

۲. علت برخوردها و دیدگاه‌های تحقیرآمیز بعضی از قشر مذهبی و متعصّب، وجود تفسیر به رأی‌ها و احادیث جعلی در کتب احادیث و عدم پژوهش علمی و کنکاشی لازم، در صحت و سقم احادیث، و استناد به این احادیث در کتب مذهبی و سخنرانی و منابر می‌باشد که به صورت فرهنگ عمومی در آمده است.

۳. برخورد تعبّدی قشر مذهبی با احادیث و کتب حدیث

۴. استنباط فقهی وجوب یا حرمت، از مضمون برخی روایات در توصیه اخلاقی و ارشادی جهت اثبات باورهای شخصی خود و استناد به آن در تبیین دیدگاه اسلام.

۵. شناخت مردان و نویسندگان کتب حقوق زن در اسلام، از روحیه و ویژگی‌های زن، از لابلای کتابهای موجود و ذهنیات خود، با درکی تجربی و حصولی و استقرایی محدود به محیط پیرامون خود بوده است.

۶. محتوای کتب در موضوع حقوق زن و مسائل مربوط به آن با نویسندگان مرد با تعداد زیاد، بیشتر ذهنی و پیش داوری و فاقد محتوای (۱). سبأ، آیه ۴۶.
(۲). آل عمران، آیه ۱۰۴.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۴۱

علمی است، ولی محتوای کتب در همین موضوع با نویسندگان زن با تعداد اندک، توأم با واقعی بینی و درک صحیح از مسائل و مشکلات مربوط به زن و در بیشتر موارد، با اعمال روش علمی تحقیق می‌باشد.

۷. عدم پژوهش، با روش‌های علمی در منابع دینی، قبل از اظهار نظر در مسائل دینی از جمله مسائل مربوط به زن.

۸. عدم خودباوری و آگاهی زنان از قابلیّت‌ها و حقوق و تکالیف خود.

۹. در برخی از کتب با عنوان حقوق زن در اسلام به جای تبیین حقوق زن در اسلام، تکلیف زن و ازدواج و انواع آن و تعدد زوجات که از حقوق مرد است، مطرح شده است.

۱۰. بیشترین دغدغه نویسندگان مرد، در موضوع حقوق زن در اسلام، مقابله با حرکت‌های فمینیستی، و مقاومت در برابر دگرگونی نقش صد در صد مطیع و وابسته به مرد و خانه داری و بدون خواسته و انتظار زن بوده است، نه تبیین صحیح آن از نظر اسلام و در راستای استیفای حقوق زنان، از این رو بیشتر کتاب‌های مطابق با واقع و دیدگاه اسلام از سال ۱۳۷۰ به بعد نوشته شده است.

۱۱. بیش از ۳۳۸ عنوان کتاب در زمینه حقوق زن در اسلام، باورها و سلیقه‌های شخصی خود را به نام دیدگاه اسلام، عنوان نموده‌اند که، برخی از مطالب، با تعالیم اسلام و حقوق زن در اسلام، صد در صد منافات دارد.

۱۲. در حال حاضر تنها منبع موثّق و قابل اطمینان در سطح کتب و مطبوعات، ۲۸ عنوان کتاب «۱» و فصلنامه کتاب زنان شورای

فرهنگی اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد.

۱۳. انتظار مردان، از زنان، موجودی بی عیب و نقص است، و همواره (۱). اسامی برخی از این کتابها در پایان کتاب به ضمیمه آمده است.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۴۲

تأکید و مواخذه‌ها بر رفع عیوب زن‌هاست، در حالی که مردها، عیب و ایرادی بر خود نمی‌پذیرند، و در دایره‌ی زوجیّت، تنها رسالت مرد، رفع عیوب زن و زهراگونه نمودن وی است، بدون آن که در خود نیز صفاتی علی گونه ایجاد نماید.

۱۴. ضعف جسمی زن و نابرابری زن و مرد در قدرت جسمی و نیز آسیب پذیری زن در حفظ امنّیت خود همواره به ضعف و نابرابری عقلی و استعدادهای فطری و توانمندی علمی و ... تلقی شده است، در حالی که جسم و عقل دو مقوله کاملًا جدا از هم بوده و ناتوانی جسمی به ناتوانی عقلی ذاتی منجر نمی گردد. بسیاری از مردان معلول و فاقد سلامت جسمی، دارای مراتب عقلی و علمی بسیار بالایی هستند، اگر ضعف و قوّت جسم را در ضعف و قوّت عقل دخیل بدانیم، باید در مورد مردان فاقد سلامت جسمی نیز دخیل باشد، چون مرد نیز چون زن، انسان و مخلوق خداست و واقعیّت‌های بیشماری در بین زنان و مردان خلاف این مدعاست.

۱۵. علت موفقیّت نسبی حرکت‌های فمینیستی در ایران، تبعیض و احساس ظلم زنان در چهل سال گذشته، عمل نکردن به حقوق زن در اسلام، در جنبه‌ها و عرصه‌های مختلف بوده است. در صورت تحقق حقوق زن در اسلام در زندگی زنان مسلمان، علاوه بر عدم موفقیّت و تاثیر تبلیغات فمینیستی در کشورهای مسلمان، فرهنگ اسلامی می‌تواند در انگیزه و جنبش زنان کشورهای غیر مسلمان تاثیر گذاشته، و مانع سوء استفاده سازمان‌های بین المللی از مبارزات به حقّ آنان گردد.

والسلام علی من اتبع الهدی

خواهرم، برادرم،

رمز هرگونه موفقیّت در حقّ‌مداری و تکلیف نگری است.

ضمیمه

ضمیمه فهرست کتاب‌هایی که درباره مسائل زنان، به دور از تناقض گویی و بازگویی باورهای شخصی در پناه دین، و تفسیر به رأی و تعصب مردانه، احکام و دیدگاه‌های اسلام و روان‌شناسی زن را بیان نموده‌اند:

کتب به زبان عربی

کتب به زبان عربی

۱. علّامه سیّد محمد حسین فضل اللَّه، المرأة بین واقعها و حقّها فی‌الاجتماع السیاسی الاسلامی النشر دارالثقلین، بیروت- لبنان

۲. علّامه سیّد محمد حسین فضل اللَّه، تأملات اسلامیّه حول المرأة. ۱۴۱۷ ه.- ۱۹۹۷ م

۳. علّامه سیّد محمد حسین فضل اللَّه، دینا المرأة

۴. علّامه سیّد محمد حسین فضل اللَّه، متن اصلی شیوه همسر داری.

۵. شیخ محمد حسین شمس الدین، چاپ اوّل ۱۹۹۵، لبنان- بیروت- مؤسسه المنار.

کتب فارسی

کتب فارسی

۱. ترجمه با عنوان حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، مترجم محسن عابدی، پاییز ۷۶ چاپ اوّل انتشارات بعثت.

۲. سیّد محمد خامنه‌ای، حقوق زن، مقایسه حقوق بشری و مدنی زن در اسلام و اعلامیه حقوق بشر چاپ اوّل ۱۳۶۳، چاپ دوم ۱۳۷۵. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. شکوه، نوابی نژاد، روان شناسی زن، چاپ اوّل ۱۳۷۸، نشر بانو.

۴. غلامعلی افروز، روان‌شناسی خانواده همسران برتر. چاپ اوّل پاییز ۱۳۷۷، تیراژ ۵۰۰۰ جلد.

۵. عباس علی محمودی، زن در اسلام، چاپ اوّل ۱۷ شهریور ۱۳۶۰.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۴۴

۶. عباس علی محمودی، حوری کیست؟ چاپ اوّل ۱۳۷۹. تهران، ناشر سفیر صبح

۷. سیّد محمد حسین فضل اللَّه. نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی. ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، نشر میزان- نشر دادگستر. چاپ اوّل، پاییز ۱۳۷۸.

۸. مرتضی فهیم کرمانی، زن و پیام آوری، چاپ اوّل ۱۳۷۰، قم دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۹. ثریا مکنون، مریم صانع پور. بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام و تطبیق الگوی صدر اسلام با جامعه کنونی، چاپ سوم ۱۳۷۴ تالیف ۱۳۶۵. مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۰. زهرا آیت اللّهی، زن، دین، سیاست، صاحب امتیاز شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ناشر سفیر صبح، چاپ اوّل ۱۳۸۰.

۱۱. عباس علی محمودی، پژوهشی قرآنی، فقهی و حقوقی درباره مرد و زن. چاپ اوّل بهار ۱۳۷۸ تهران، نشر مطهّر.

۱۲. مهدی مهریزی، زن. نشر خرّم چاپ اوّل ۱۳۷۷.

۱۳. محمد مجد، انسان در دو جلوه، روان‌شناسی زن و مرد، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مکیال، چاپ اوّل ۱۳۷۹.

۱۴. محمدمجد، انسان در مسیر زندگی- دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، چاپ اوّل ۱۳۷۶.

۱۵. احمد دهقان، مقام دختران در اسلام، چاپ اوّل ۱۳۸۰. انتشارات لاهیچی.

۱۶. غلامرضا صدیق اورعی، تمکین بانو- ریاست شوهر (از دیدگاه قانون مدنی و جامعه) شورای فرهنگی- اجتماعی زنان. نشر سفیر صبح چاپ اوّل ۱۳۸۰.

۱۷. علوّیه همایونی، زن مظهر خلاقیّت اللَّه، چاپ اوّل بهمن ماه ۶۳ اصفهان.

۱۸. احمد بهشتی. خانواده در قرآن، چاپ دوم ۱۳۷۷. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.

۱۹. احمد آذری قمی، سیمای زن در نظام اسلامی، چاپ اوّل ۱۳۷۲.

۲۰. عبداللَّه جوادی آملی، زن در آیینه جلال و جمال. مرکز نشر اسراء.

۲۱. محمد فنایی اشکوری، منزلت زن در اندیشه اسلامی. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول ۱۳۷۶، چاپ دوم ۱۳۷۸.

فهرست منابع

۱. قرآن

۲. وسایل الشیعه

۳. بحارالانوار

۴. تحف العقول

۵. نهج البلاغه

۶. اصول کافی

۷. فروع کافی

۸. مستدرک الوسایل

۹. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

۱۰. تفسیر المیزان

۱۱. تفسیر مجمع البیان

۱۲. مقتنیات الدرر

۱۳. تفسیر نمونه

۱۴. مجلّه فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی قم شماره ۱۵- ۱۶ بهار- تابستان ۱۳۷۷ و شماره ۲۵- ۲۶ پاییز و زمستان ۱۳۷۹

۱۵. جنّاتی، محمد ابراهیم. منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، چاپ اوّل ۱۳۷۰، چاپ موسسه کیهان

۱۶. جنّاتی، محمد ابراهیم. ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، چاپ اوّل ۱۳۷۲، چاپ موسسه کیهان

۱۷. کتاب زنان فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی شورای زنان

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۴۶

۱۸. فضل اللَّه، سیّد محمد حسین. المراة بین واقعها و حقها فی الاجتماع السیاسی الاسلامی النشر دارالثقلین. بیروت- لبنان.

۱۹. فضل اللَّه، سیّد محمد حسین. تأملات اسلامیهٔ حول المراهٔ، ۱۹۹۷ م

۲۰. فضل اللَّه، سیّد محمد حسین. دنیا المراهٔ

۲۱. فضل اللَّه، سیّد محمد حسین. شیوه همسر داری. مترجم

۲۲. شمس الدین، شیخ محمد مهدی، حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، مترجم محسن عابدی پاییز ۷۶ چاپ اوّل انتشارات بعثت

۲۳. فضل اللَّه، سیّد محمد حسین، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، ترجمه عبدالهادی فقهی زاده، نشر میزان، نشر دادگستر، چاپ اوّل، پاییز ۱۳۷۸

۲۴. عباسعلی محمودی، پژوهشی قرآنی، فقهی و حقوقی درباره مرد و زن. چاپ اوّل بهار ۱۳۷۸ تهران نشر مطهّر

۲۵. محمودی، عباس علی. زن در اسلام. چاپ اوّل ۱۷ شهریور ۱۳۶۰

۲۶. فنایی اشکوری، محمد. منزلت زن در اندیشه اسلامی. انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی چاپ اوّل ۱۳۷۶، چاپ دوم ۱۳۷۸

۲۷. فهیم کرمانی، مرتضی. زن و پیام آوری. چاپ اوّل ۱۳۷۰. قم دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۲۸. محمودی، عباس علی. حوری کیست؟ چاپ اوّل ۱۳۷۹، تهران، ناشر سفیر صبح

۲۹. آیت اللهی، زهرا. زن، دین، سیاست. صاحب امتیاز شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ناشر سفیر صبح، چاپ اوّل ۱۳۸۰.

۳۰. کاترین مارشال، گرچن، ب، راس من، روش تحقیق کیفی، مترجم علی پارساییان، سیّد محمد اعرابی ۱۹۹۵، چاپ اوّل ۱۳۷۷

۳۱. علّامه عسگری، سیّد مرتضی. یکصد و پنجاه صحابی ساختگی. ۴ جلد. مترجم عطاء محمد سردارنیا

۳۲. چت، جان. پنجاه متفکر بزرگ معاصر. مترجم محسن حکیمی.

حقوق و تکالیف زوجین، ص: ۲۴۷

آثار منتشره مؤلف

۱. حقوق و تکالیف زوجین و مقایسه تطبیقی با متون مذهبی (اثر حاضر).

۲. حقوق و وظایف زن و شوهر.

۳. نقش تربیتی والدین و رسانه‌های گروهی در الگوپذیری نوجوانان و جوانان.

۴. حجاب از منظر فطرت و عقل و شرع، چاپ دوم.

۵. مجموعه داستان‌های واقعی، چاپ دوم.

۶. عدم سازگاری اسلام و ایده جامعه مدنی.

۷. علل ظهور امام زمان عجّل اللَّه فرجه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹